

ویژه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

حاکم الاوصیاء

همراه با نوار کاست و سی دی سبک

انا بقية خیرکم
اللہ

مکمل کتابچه
مکمل کتابچه

مداح اهل بیت علیهم السلام:

عباس جوادی (منتظر)



کتاب مداحی (۱)

ویژه حضرت مهدی (عج)

کاری از پایگاه اطلاع رسانی جهان پیام شبکه آموزش

به کوشش مداح اهل بیت عباس جوادی



انتشارات انتظار سبز

کتاب هداحی (۱)

ویژه حضرت مهدی (عج)

- مؤلف: عباس جوادی □
- ناشر: انتشارات انتظار سبز □
- طرح روی جلد: .. فرهنگسرای المهدی (عج) - رضوان رضوی □
- حروف نگاری و صفحه آرائی: مریم عبدیزدان □
- شمارگان: ۲۰۰۰ □
- نوبت چاپ: دوم - شهریور ۱۳۸۴ □
- شابک: ۹-۵۵-۸۲۶۰-۹۶۴ □
- قیمت همراه سی دی: ۲۲۰۰ تومان □
- قیمت بدون سی دی: ۱۷۰۰ تومان □

کلیه حق طبع این اثر برای فرهنگسرای المهدی محفوظ است

مراکز پخش:

اصفهان - خیابان مسجد سید - جنب بانک رفاه - پاساژ زاهدی - طبقه پایین

فرهنگسرای المهدی (عج)

www.almahdibook.com

آدرس الکترونیکی: [E-mail:info@almahdibook.com](mailto:info@almahdibook.com)

تلفکس: ۳۳۶۱۵۷۷ همراه: ۰۹۱۳۳۱۰۱۲۶۹ - ۰۹۱۳۳۱۶۰۳۹۵

فروشگاه اینترنتی جهان پیام www.Jahanpayam.com - www.maddahi.com

فهرست

صفحه	عنوان
۵	مقدمه
۷	هوالمحبوب
۴	سلام
۶	معرفی سایت
۷	لیست کدها
۸	مقدمه
۹	فصل اول
	زندگینامه
۵۹	فصل دوم
	رباعیات
۶۹	فصل سوم
	مناجات
۱۰۷	فصل چهارم
	اشعار و قصائد
۱۳۱	فصل پنجم
	سرودها
۲۴۵	فصل ششم
	شور
۲۶۱	فصل هفتم
	سبکهای جدید
۲۸۴	کد شاعران

با سلام

با توجه به قرار گرفتن در عصر ارتباطات و نیاز روز افزون دسترسی به اطلاعات جدید در زمینه‌های مختلف بر آن شدیم تا کتاب‌های مداحی را به صورت تخصصی - تفکیکی (کدبندی شده) مهمتر از آن کاربردی همراه با CD(MP3) آماده کرده و در اختیار شیفتگان خاندان نبوی قرار دهیم که این برگ سبز مشتمل بر بیش از ۸۰ جلد کتاب مداحی می‌باشد و زندگینامه‌ها، اشعار، نوحه‌ها و... را در بر می‌گیرد.

*نکته قابل توجه: این است که دسته بندی‌ها و کدبندی‌ها در سایت اینترنتی مداحی، نیز به همین منوال، آمده است.

سایت مداحی براساس نیاز واعظین (سخنرانان)، ذاکرین، مداحان، شاعران، هیئات مذهبی، جلسات قرآن و... و علاقه‌مندان به خاندان عصمت و طهارت راه اندازی شد، تا در کوتاهترین زمان ممکن و با کمترین هزینه، اطلاعات لازم را در اختیار مشتاقان، خصوصاً عناصر تشکیل دهنده هیئتها قرار دهد و شاهد شکوه هر چه بیشتر مجالس اهل بیت علیهم‌السلام باشد. در طراحی این سایت سعی شده تا نگاهی به عملکرد شاعران، مداحان و واعظان در عصر گذشته و حال گردد.

جایگاه شعر، مدح و وعظ از دیدگاه قرآن، اهل بیت و علماء و اهل دل بررسی گردد. با توجه به امکانات موجود و فن آوری نوین پایگاهی برای تبادل اطلاعات، معرفی آداب و رسوم شهرها و کشورهای مختلف، معرفی مداحان و شاعران شهرستانها و کشورهای مختلف، معرفی کتابهای معتبر و مستند، احادیث، زندگینامه، مقاتل، معرفی هیئات مذهبی و جلسات آنها(به زبانهای مختلف) آموزش‌های مورد نیاز، آموزش قرآن، صوت و لحن، نوحه خوانی، فنون خواندن دستگاہ‌های موسیقی، آموزش مداحی (سنتی، کلاسیک، نوحه خوانی، مولودی) و معرفی جدیدترین سبک‌ها و ارسال اخبار مذهبی شهرستان‌ها در قالب خبرنگاران سایت ایجاد گردید.

از علاقه‌مندان به عضویت در سایتهای گوناگون دعوت می‌شود از معرفی

سایت عمومی مداحی و سایت تخصصی اینترنتی با توجه به علاقه و استعداد خود اقدام به پُر کردن فرم‌های مربوطه نمایند.

- | | |
|-------------------------------|---------------------|
| www.Jahanpayam.com | ۱- جهان پیام |
| www.Maddah.com | ۲- سایت عمومی مداحی |
| www.Maddahi.com | ۳- مجمع الذاکرین |
| www.heiat.com | ۴- هیئت اینترنتی |
| www.Shaeran.com | ۵- مجمع الشعرا |
| www.Quran.Jahanpayam.com | ۶- مجمع قرآنی |
| www.Vaezin.Jahanpayam.com | ۷- مجمع الواعظین |
| www.Sport.Jahanpayam.com | ۸- مجمع ورزشی |
| www.Scientific.Jahanpayam.com | ۹- مجمع علمی |
| www.Art.Jahanpayam.com | ۱۰- مجمع هنری |
| www.Sotalesgh.Jahanpayam.com | ۱۱- صوت العشق |

ان شاء... مورد رضایت حق تعالی و صاحب و آقایان امام زمان (عج) قرار گیرد.

با نظرات، پیشنهادات و انتقادات خود ما را با شماره تلفن ۰۳۱۱-۳۲۰۰۹۰۰ و یا شماره همراه ۰۹۱۳۱۱۸۵۱۴۷ در این امر خیر یاری فرمایید و با ارسال اشعار، نوحه و سرودهای خویش، به آدرس اینترنتی، ما را بهره‌مند گردانید.

ضمناً تالارهای گفتگوی سایت ما (انجمن‌ها) منتظر بحث و تبادل نظر با شما عزیزان می‌باشد.

در پایان از کلیه عزیزانی که ما را در این مجموعه یاری کرده‌اند خصوصاً هیئت تحقیق و پژوهش و تحریریه (سادات حسینی، محمدرضا جوادی، حسن پور، خورشیدی، کریمی، مزروعی، مرعشی) تقدیر و تشکر می‌گردد.

و من ... توفیق

مداح اهل بیت علیهم‌السلام - حاج عباس جوادی

قابل توجه ذاکرین محترم:

- جهت کسب اطلاعات بیشتر از کد شاعران و مداحان و سبکها و روشهای نوین آموزشی به سایت مداحی شبکه آموزش مراجعه نمائید.
WWW.maddahi.com

- اشعار و سرودهایی که کد پی نویس ندارد با سبکهای پایه ۰۰۹ به شرح ذیل خوانده می شوند. (آموزش گام به گام مداحی)

۱- مدح (محلّی - بداهه خوانی - دستگاه موسیقی - باصوت و لحن خاص)

۲- مرثیه - روضه - زمزمه - مناجات - مطلق

۳- دشتی - قدیمی (کلاسیک و محلّی در مناطق مختلف)

۴- سبکهای حماسی (نقادی - شبیه خوانی - پرده خوانی - چاوشی - بحر طویل و.....)

۵- سبکهای نوحه خوانی و زنجیرزنی (تک ضرب - سه ضرب - سبک - سنگین - با ضرب آهنگ خاص - واحد و...)

۶- شورهای فردی و دسته جمعی

- اشعار و سرودهایی که پی نویس و کد دارند، بدین صورت مورد استفاده قرار

می گیرد:

مثال: کد شاعر و شماره ۱ اولین شاعر (۰۰۴-۱) یعنی حافظ و ۰۱۰ الی ۰۵۰ - کد مداحان می باشد و (۰۱۰-۲۶۴)، کد مداح و رقم بعد از خط تیره، دوستان شصت و چهارمین سبکی است که مداح خوانده است.

که در آخر کتاب آمده و به لحاظ اینکه فعلاً ده هزار سبک مختلف از مداحان و شاعران و... جمع آوری شده، به صورت دسته بندی در کتاب کدینگ به چاپ می رسد، و در اینترنت و سایت مداحی و CD MP3 آمده که می توانید استفاده نمایید. نحوه استفاده از CD سبک به صورت تراک، سبک و صفحه 017 Sabk 1 در کامپیوتر و VCD می باشد

« لیست کدها »

کد	نام	کد	نام	کد	نام
۰۰۱	قرآن	۰۱۹	موسوی	۰۳۷	نریمان پناهی
۰۰۲	واعظان	۰۲۰	موسوی قهار	۰۳۸	فیضی
۰۰۳	کتاب	۰۲۱	انسانی	۰۳۹	فتحی
۰۰۴	شاعران	۰۲۲	آهنگران	۰۴۰	قدمی
۰۰۵	موسیقی	۰۲۳	کویتی پور	۰۴۱	بختیاری
۰۰۶	جدید سایت	۰۲۴	فخری	۰۴۲	سیب سرخی
۰۰۷		۰۲۵	سازور	۰۴۳	رسول میرباقری
۰۰۸	متفرقه	۰۲۶	یونس حبیبی	۰۴۴	سید محمد جوادی
۰۰۹	سبکهای پایه	۰۲۷	منصوری اصفهانی	۰۴۵	حدادیان
۰۱۰	ارضی	۰۲۸	احمد اصفهانی	۰۴۶	رهبر
۰۱۱	حدادیان	۰۲۹	علیمی	۰۴۷	علی آینه چی
۰۱۲	طاهری	۰۳۰	ذاکری	۰۴۸	روح ... بهمنی
۰۱۳	کریمی	۰۳۱	بنی فاطمه	۰۴۹	مجید شعبانی
۰۱۴	واعظی	۰۳۲	سلحشور	۰۵۰	عباس جوادی
۰۱۵	هلالی	۰۳۳	میرداماد	۰۵۱	مهدی مختاری
۰۱۶	اکبری	۰۳۴	اثنی عشر	۰۵۲	نیکبختیان
۰۱۷	خلج	۰۳۵	نبوی	۰۵۳	مؤمنی
۰۱۸	سازگار	۰۳۶	مفتاح		

مقدمه

در حضورت سلام می‌دهم

«السلام عليك يا حجة الله في أرضه...، السلام على وارث الانبياء و

خاتم الاوصياء...»

سلام بر تو ای حجت خدا در زمین، سلام بر تو ای چشم خداوند
بین خلقش، سلام بر تو ای صاحب اختیار من، سلام بر تو ای ولی
دلسوز، سلام بر تو ای صاحب عصر و زمان، سلام بر تو ای خلیفه
خداوند و ای جانشین پدران هدایت کننده، سلام بر تو ای حجت خدا
که مخفی نیستی، سلام بر تو ای دعوت کننده خدا و عهده دار آیات او،
سلام بر تو ای باب الهی و ای مسئول دین او، سلام بر تو ای خلیفه
خدا و یاور حق او.

سلام بر تو ای راهنما به اراده الهی، سلام بر تو ای تلاوت کننده
قرآن و بیان کننده آن، سلام بر تو ای یادگار خدا در زمین، سلام بر تو
ای حجت خداوند بر اهل آسمان و زمین، سلام بر تو ای پیمان الهی
که از مردم گرفته و آن را محکم نموده، سلام بر تو ای وعده الهی که
ضمانت کرده، سلام بر تو ای علامت نصب شده خدا و ای علم لدنی و
ای پناه و رحمت واسعه که وعده راست است.

و من ... التوفیق

مداح اهل بیت حاج عباس جوادی - پاییز ۸۴

بخش اول

زندگی‌نامه

مروری گذرا بر زندگی مادر امام زمان

«شیخ طوسی» در روایتی نام مادر امام زمان (عج) را «ریحانه خوانده، اما بلافاصله اضافه می‌کند که به او «نرجس»، «صیقل» (صقیل) و «سوسن» نیز گفته می‌شده است.^(۱)

درباره ملیت مادر امام دوازدهم (عج) نیز اقوال مختلف است، «صدوق» مطابق روایتی او را «ملیکه»، دختر «یشوع» پسر قیصر روم و مادرش را از نسل «شمعون» یکی از حواریین مسیح می‌داند که، توسط نیروهای اسلامی به اسارت درآمد و به صورت کنیز در معرض فروش قرار گرفت و به وسیله فرستاده‌ی امام هادی علیه السلام «بشرین سلیمان» از بازار برده فروشان «بغداد» خریده و به محضر امام هادی علیه السلام در «سامرا» فرستاده شد.^(۲) آن بانوی بزرگوار در عظمت و برتری بدانجا رسید که همسر امام حسن عسگری علیه السلام و مادر امام زمان «عج» شد و «حکیمه» عمه‌ی امام عسگری علیه السلام، که خود از بزرگ بانوان خاندان امامت است، او را بانوی خود و بانوی خانواده‌ی خویش می‌خواند و خود را خدمتگزار او می‌دانست.^(۳)

السَّلامُ عَلَی وَالِدَةِ الْاِمَامِ، الْمُوَدَّعَةِ اَسْرَارِ الْمَلِكِ الْعَلَامِ، وَ الْحَمَامَةِ لِاَسْرَفِ الْاَنَامِ.
 سلام بر تو، که از نور ولایت نیک مواظبت کردی، و حق امانت را ادا نمودی، و سرّ
 خدا را حفظ کردی، و ولیّ خدا را حمل نمودی، و در حفظ او زحمت فراوان
 کشیدی.
 خداوند شرافتی به تو داد که از هر شرف و فضیلتی مستغنی ات ساخت.

۱- الغیبة، شیخ طوسی، ص ۲۴۱ و نیز، ر.ک. کمال الدین، ص ۴۳۱.

۲- کمال الدین، ص ۳۱۷.

۳- «لانت سیدتی و سیده اهلی»، کمال الدین، ص ۴۲۴.

تاریخ و کیفیت ولادت حضرت مهدی

علامه مجلسی (ره) در جلاءالعیون فرموده: در تاریخ ولادت شریف آن حضرت اشهر آن است که در سال دویست و پنجاه و پنجم هجرت واقع شد که ولادت در شب جمعه پانزدهم ماه شعبان بود و بعضی هشتم شعبان هم گفته‌اند که در «سرّ من رأ» واقع گردید.

حکیمه عمه‌ی امام عسگری علیه السلام بیان می‌دارد روزی به خانه‌ی امام عسگری رفتم پس در خدمت آن جناب نشستم تا وقت غروب، کنیز خود را صدا زدم که جامه‌های مرا بیاور تا بروم. حضرت فرمود: «ای عمه امشب نزد ما باش، که در این شب فرزند گرامی متولد می‌شود، که حق تعالی به او زمین را به علم و ایمان و هدایت زنده می‌گرداند بعد از آنکه مرده باشد به شیوع کفر و ضلالت» گفتم "از چه کسی به هم می‌رسد ای سید من، در نرگس، من هیچ اثر حملی نمی‌یابم" فرمود: «از نرجس به هم می‌رسد نه از دیگری" پس برخاستم و پشت و شکم نرجس را بررسی کردم هیچ‌گونه اثری نیافتم حضرت تبسم کرد و فرمود: «چون صبح شود اثر حمل بر او ظاهر خواهد شد و مثل او مثل مادر موسی است که تا هنگام ولادت هیچ تغییری بر او ظاهر نشد و احدی بر حال او مطلع نگردید». حکیمه گفت: پس شب در آنجا ماندم و افطار کردم و نزدیک نرجس خوابیدم و در هر ساعت از او خبر می‌گرفتم و او به حال خود خوابیده بود، هر ساعت حیرتم زیاده‌تر می‌شد و در این شب بیش از شبهای دیگر به نماز و تهجد برخاستم و نماز شب ادا کردم چون به نماز وتر رسیدم، نرجس از خواب جست و وضو ساخت و نماز شب را به جای آورد. چون نظر کردم، صبح کاذب طلوع کرده بود، پس شکی در دلم پدید آمد از وعده‌ای که حضرت فرموده بود. ناگاه حضرت امام حسن عسگری از حجره‌ی خود صدا زدند، «شک مکن که وقتش نزدیک رسیده» پس در این وقت در نرجس اضطراب مشاهده کردم، پس او را در بر

گرفتم و نام الهی را بر او خواندم، حضرت فرمودند: سوره‌ی قدر بر او بخوان، سپس از او پرسیدم «چه حال داری؟» گفت: ظاهر شده است اثر آنچه مولایم فرمود» پس چون شروع کردم به خواندن سوره «انا انزلناه فی لیلة القدر» شنیدم که آن طفل در شکم مادر با من همراهی می‌کرد و بر من سلام کرد، من ترسیدم، پس حضرت صدا کرد که تعجب مکن از قدرت حق تعالی که طفلان ما را به حکمت گویا می‌گرداند و ما را در بزرگی، در زمین حجت خود ساخته است. پس چون کلام حضرت امام حسن علیه السلام تمام شد، نرجس از دیده‌ی من غایب شد، گویا پرده‌ای میان من و او حائل گردید، پس فریادکنان به سوی امام عسگری دویدم. حضرت فرمود: «برگرد ای عمه که او را در جای خود خواهی دید» وقتی برگشتم، پرده برداشته شد و در نرجس نوری مشاهده کردم که دیده‌ی مرا خیره کرد و حضرت صاحب (عج) را دیدم که روبه قبله به سجده افتاده به زانوها، و شهادتین می‌گوید. پس یک یک امامان را شمرد تا به خودش رسید، فرمود: «خداوندا، وعده‌ی نصرت که به من فرموده‌ای وفا کن و امر خلافت و امامت مرا تمام کن، استیلاء و انتقام مرا از دشمنان ثابت گردان و پر کن زمین را به سبب من از عدل و داد». در روایت دیگر چنان است که چون حضرت متولد شد نوری از او ساطع گردید که به آفاق آسمان پهن شد و مرغان سفید دیدم که از آسمان به زیر می‌آمدند و بالهای خود را بر سر و روی و بدن آن حضرت می‌مالیدند. و پرواز می‌کردند پس امام عسگری فرمود: ای عمه فرزند مرا بگیر و به نزد من بیاور، چون برگرفتم او را ختنه کرده و ناف بریده و پاک و پاکیزه یافتم و بر بازوی راستش نوشته شده بود:

«جاء الحق و زهق الباطل، ان الباطل کان زهوقا».

حکیمه خاتون می‌گوید: بعد از هفت روز ولادت مشتاق لقای آن طفل شدم، بر سر گهواره دویدم مولای خود را دیدم چون ماه شب چهارده بر روی من می‌خندید و

تبسم می‌کرد. امام عسگری علیه السلام فرمود: «چون حقتعالی مهدی این امت را به من عطا فرمود و ملک فرستاد که او را به سراپرده‌ی عرش رحمانی برند پس حقتعالی به او خطاب نمود: مرحبا به تو ای بنده‌ی من، که تو را خلق کرده‌ام برای یاری دین خود و اظهار امر شریعت خود و تویی هدایت یافته‌ی بندگان من قسم به ذات خودم می‌خوردم که به اطاعت تو ثواب می‌دهم و به نافرمانی تو عقاب می‌کنم مردم را، و به سبب شفاعت و هدایت تو بندگان را می‌آمزم و به مخالفت تو ایشان را عقاب می‌کنم. ای دو ملک برگردانید او را به سوی پدرش و از جانب من او را سلام برسانید و بگویید که او در پناه حفظ و حمایت من است او را از شر دشمنان حراست می‌نمایم تا هنگامی که او را ظاهر نمایم و حق را با او برپا دارم و باطل را با او سرنگون سازم و دین حق برای من خالص باشد.»^(۱)

اسامی و اوصاف و القاب حضرت مهدی علیه السلام

مرحوم ثقة‌اسلام نوری در بیان اسماء شریفه‌ی امام عصر علیه السلام با استناد به آیات و روایات و کتب آسمانی پیشین و تعبیرات راویان و تاریخ نگاران تعداد یکصد و هشتاد و دو اسم و لقب برای حضرت مهدی علیه السلام ذکر می‌کند و مدعی است که در این مقام، از استنباط‌های شخصی خودداری نموده که در غیر این صورت چندین برابر این اسماء و القاب، قابل استخراج از کتب مختلفه بود، که از آن جمله است: «محمد، احمد، عبدالله، محمود، مهدی، برهان، حجت، حامد، خلف صالح، داعی شریذ صاحب، غائب، قائم، منتظر و...»^(۲)

کنیه‌های آن حضرت عبارتند از: ابوالقاسم (هم کنیه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله)، ابوعبدالله،

۱- برگرفته از کتاب منتهی الامال، شیخ عباس قمی، باب چهاردهم.

۲- نجم الثاقب، از صفحه ۱۳۲-۵۵.

اباصالح که مرحوم نوری ابو ابراهیم، ابوالحسن و ابوتراب نیز از کنیه‌های ایشان شمرده است.

پاره‌ای از عناوین و صفات که در ضمن زیارت‌های مختلف و ادعیه‌ی مربوط به حضرت مهدی علیه السلام مورد تصریح قرار گرفته به شرح زیر می‌باشد:

بقیة الله: باقیمانده خدا در زمین. خلیفة الله: جانشین خدا در میان خلایق.

وجه الله: مظهر جمال و جلال خدا. باب الله: دروازه‌ی همه‌ی معارف الهی.

داعی الله: دعوت کننده‌ی الهی. سبیل الله: راه خدا

ولی الله: سرسپرده به ولایت خدا و حامل ولایت الهی

حجة الله: حجت خدا نور خدا نور خاموشی ناپذیر

سلالة النبوة: فرزندان نبوت

خاتم الاوصیاء: پایان بخش سلسله‌ی امامت

علم الهدی: پرچم هدایت سفینة النجاة: کشتی نجات

ناصر حق الله: یاریگر حق خدا و....

شمایل و خصوصیات امام زمان (عج)

محدثان و مورخان، براساس روایات بسیاری که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام رسیده است. شمایل و اوصاف حضرت مهدی (عج) را در کتابهای خویش آورده‌اند که به برخی از آنها اشاره می‌شود: حضرت مهدی چهره‌اش جوان و گندمگون، ابروانش هلالی و کشیده، چشمانش سیاه و درشت، شانهاش پهن، دندانهایش براق و گشاده، بینی‌اش کشیده و زیبا، پیشانی‌اش بلند و تابنده و استخوان بندیش استوار، دستان و انگشتانش درشت، گونه‌هایش کم گوشت و اندکی متمایل به زردی - که از

شب زنده داری عارض شده - بر گونه‌ی راستش خالی مشکین، عضلاتش پیچیده و محکم، موی سرش بر لاله‌ی گوشش ریخته^(۱) اندامش متناسب و زیبا، هیئتش خوش منظر و رباینده، در میان شانهاش اثری است چون اثر نبوت.^(۲)

از خصوصیات آن حضرت این است که او فرزند پیامبر و از اولاد بانوی گرامی اسلام حضرت فاطمه‌ی زهرا و نهمین پیشوا از نسل امام حسین علیه السلام و خاتم اوصیا و منجی نهایی و قائد جهانی است، او نورانی‌ترین امام است، او را خانه‌ای است که بیت الحمد نام دارد و در آن چراغی است که از هنگام تولد تا ظهورش روشن است. خاتم اوصیا و حجت خدا بر روی زمین است. در زمان ظهور آن حضرت ندای آسمانی با ذکر نام آن حضرت صورت خواهد گرفت. از هنگام تولد در پرده‌ی غیبت بوده و سپرده شدن به روح القدس و تربیت شدن در عالم نور و فضا‌ی قدس از خصوصیات آن حضرت افزایش خواهد یافت. گنج و ذخایر زمین آشکار خواهد شد. حیوانات از انصار آن حضرت اطاعت می‌کنند...^(۳)

دوره‌ی اختفا

این دوره از هنگام تولد حضرت (۲۵۵ هـ) تا رحلت امام عسکری علیه السلام (۲۶۰ هـ) است.

در مدت این ۵ سال، حضرت در دوران پدر بزرگوار خود زندگی می‌کرد.

۱- در برخی روایات چنین آمده «یسبل شعره علی منکیبه» (منتخب الاثر. ص ۱۸۵: اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۴۴. کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۲۶).

۲- ر.ک. منتخب الاثر. باب ۲۵-۴، اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۴۴، الغیبه، نعمانی باب ۱۳، ص ۲۱۲، کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۶۴-۴۷۰.

۳- برگرفته شده از منتهی الامان.

امام عسگری علیه السلام در آن دوره، دو وظیفه‌ی اساسی و حساس را عهده دار بود، یکی حفظ فرزندش از گزند خلفای عباسی، و دیگر اثبات وجود او و اعلام امامتش به عنوان امام دوازدهم، و آن حضرت از عهده‌ی هر دو به بهترین شکل بر آمد، هم فرزندش را حفظ کرد و هم در فرصت‌های مناسب به یاران و دوستان خود او را معرفی نمود، اما به خاطر وجود اختناق شدید توسط «عباسیان»، تنها تعداد اندکی از یاران صدیق امام عسگری علیه السلام مانند «ابوهاشم جعفری»، «احمد بن اسحاق» و «حکیمه» و خدیجه» عمه‌های امام یازدهم علیه السلام از ولادت آن حضرت آگاه بودند.^(۱)

«معاویة بن حکیم» و «محمد بن ایوب بن نوح» و «محمد بن نعشان عمری» نقل می‌کنند:

۴۰ تن از شیعیان نزد امام عسگری علیه السلام گرد آمدیم، آن حضرت فرزندش را به ما نشان داد و فرمود: «این امام شما پس از من و جانشین من است از او پیروی کنید و از گرد او پراکنده نگردید که هلاک می‌شوید و دینتان تباه می‌گردد. این را هم بدانید که پس از امروز او را نخواهید دید»^(۲).

امام عسگری علیه السلام تصمیم گرفت تا برای حفظ جان فرزندش او را به جای مطمئن تری بفرستد. مدارک تاریخی حکایت از آن دارد که امام علیه السلام نخست فرزند خود را در «سامرا» و سپس در «مدینه» پنهان نمود امام زمان در مدینه تحت سرپرستی مادر بزرگ پدری خود زندگی می‌کرد.^(۳) بنا به روایت «مسعودی» امام عسگری علیه السلام در سال (۲۵۹ هـ) از «حدیث»، مادر خود درخواست کرد تا به حج

۱- تاریخ غیبت امام دوازدهم، دکتر جاسم حسین، ص ۱۲۳.

۲- کمال الدین، ص ۴۳۵، کشف الغمه، ج ۲، ص ۵۲۷، بحالانوار، ج ۵۲، ص ۲۵.

۳- تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، دکتر جاسم حسین، ص ۱۲۴.

مشرف شود، از آن پس «حدیث» و نواده‌اش تحت حفاظت «احمد بن مطهر»، یار صمیمی و نزدیک امام عسگری به مکه رفتند^(۱) به نظر می‌رسد آنان پس از برگزاری مناسک حج به «مدینه» عزیمت کرده باشند و آنجا را محل اختفای امام دوازدهم علیه السلام قرار داده باشند.^(۲)

برخی روایات نیز می‌تواند مؤید همین نکته باشد. چنانکه زمانی «ابو هاشم جعفری» از امام عسگری علیه السلام پرسید: پس از وفات شما سراغ جانشینان را در کجا باید گرفت؟ امام پاسخ داد: در «مدینه»^(۳) به گفته‌ی برخی محققان، بیشترین احتمال این است که امام دوازدهم علیه السلام بخش عمده‌ی دوران کودکی خود را در «مدینه» گذرانده باشد، زیرا امام عسگری علیه السلام خطری را که در صورت اقامت فرزندش در «عراق» با آن مواجه می‌شد را تشخیص داده بود.^(۴)

غیبت صغری

غیبت صغری را می‌توان مقدمه‌ای برای غیبت کبری امام زمان به شمار آورد مردم اگر چه طی احادیث فراوان از طریق پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان گذشته با اندیشه‌ی غیبت طولانی پیشوایشان آشنایی پیدا کرده و کیفیت ابتلای دو امام پیشین به محاصره‌ی دشمن، آنان را عملاً با نهانی پیشوا، مأنوس ساخته بود، اینک با غیبت صغری باید آمادگی کامل برای نهان زیستی طولانی و غیر معلوم امام و رهبر خویش پیدا می‌کردند.

۱- کمال الدین، ص ۴۲۹.

۲- تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، دکتر جاسم حسین، ص ۱۲۴.

۳- الکافی، ج ۱، ص ۳۲۸.

۴- تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، دکتر جاسم حسین، ص ۱۲۵-۱۲۴.

به عقیده گروهی از محدثین و تاریخ نگاران، دوران غیبت صغری از زمان ولادت امام زمان (عج) در سال (۲۵۵ هـ ق)، شروع شده و با استمرار تا سال (۳۲۹)، مدت هفتاد و چهار سال به طول انجامید، لکن به استناد شواهد متعددی در روایات و اخبار این باب می توان مطمئن شد که مراد از غیبت صغری همان مدت ۶۹ سال - بین آغاز امامت آن بزرگوار به دنبال شهادت امام حسن عسگری علیه السلام در سال (۲۶۰) هجری قمری، تا آغاز غیبت کبری در سال (۲۹) می باشد که قول مشهور است. (۱)

نحوه ارتباط با مردم

در طی مدت غیبت صغری، چهار تن از بزرگان علم و تقوی به نام های عثمان بن سعید عمروی، محمد بن عثمان بن سعید عمروی و حسین بن روح نوبختی، علی بن محمد سیمری، تحت عنوان «نواب اربعه» وساطت بین امام علیه السلام و مردم را به عهده داشتند. هر کدام از این بزرگواران با فرمان خاص امام زمان علیه السلام به چنین مقامی منصوب می شدند. مثلاً عثمان بن سعید عمروی که قبل از امام زمان علیه السلام نیابت از طرف امام علی النقی علیه السلام و امام حسن عسگری علیه السلام را نیز عهده دار بود.

قابل ذکر است که امام زمان علیه السلام در این دوران سفراء و مأمورینی خاص نیز داشتند که در پاره ای مسؤلیت های ویژه همچون جمع خمس و زکات از طرف آن حضرت مأموریت می یافتند. صاحب «اعلام الوری» در این باره گوید:

«در غیبت صغری "سفیرانی" موجود بودند و "نواب و ابوابی" مشهور وجود داشتند که شیعیان درباره ی آنان هیچ اختلافی نداشتند. بعضی از آنان عبارتند از: ابوهاشم داود بن قاسم جعفری، محمد بن علی بن بلال، ابو عمر و عثمان بن سعید

روغن فروش، فرزندش ابوجعفر محمد بن عثمان، عمر اهوازی، احمد بن اسحاق، ابو محمد و جنائی، ابراهیم بن مهزیار، محمد بن ابراهیم و جماعتی دیگر... (۱)

اللهم احفظ فيه رسولك و آياته أئمتك...

خدایا، درباره او و بوسیله او پیامبرت را و جانشین پیامبرت را و آل رسولت را و پدران او را که - امامان برگزیده تو و پایه های دینت هستند، حفظ فرما.

پایان غیبت صغری

ابو محمد حسن بن محمد کاتب گوید: در سال ۳۲۹، در مدینه بودم. چند روز قبل از وفات ابوالحسن علی بن محمد سیمری در خانه اش حاضر شدم، او نامه ای به خط مولا صاحب الزمان را به مردم حاضر در جلسه نشان داد که چنین نوشته بود: «به نام خداوند بخشندهی مهربان، ای علی بن محمد سیمری! خداوند اجر برادرانت را دربارهی تو زیاد گرداند، تو تا شش روز دیگر وفات خواهی کرد. پس امور خود را جمع کن و کسی را برای جانشینی خود تعیین و معرفی نکن. زیرا غیبت نهایی واقع شده و دیگر ظهوری نیست مگر بعد از اذن خدای تعالی و آن ظهور، پس از گذشت مدتی طولانی و سخت شدن دلها و پر شدن زمین از ظلم و جور اتفاق خواهد افتاد. و از بین شیعیان من کسانی خواهند آمد که ادعای مشاهدهی مرا دارند، آگاه باشید هر کس قبل از خروج سفیانی و برآمدن صیحهی آسمانی چنین ادعایی داشته باشد دروغگوی افترا زننده است و لاحول و لا قوة الا بالله العلی العظیم.»

ابو محمد گوید: متن توقیع را نوشتیم و بیرون آمدیم. روز ششم به سویس برگشتیم در حالی که داشت جان می داد و آخرین کلامش این بود: «همه امور بدست خداست.» (۲)

۱- بحار، ج ۵۱، ص ۳۶۵ به نقل از «اعلام الوری».

۲- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۶۱ به نقل از غیبت شیخ طوسی و کمال الدین.

غیبت کبری

سومین مرحله از زندگی امام مهدی (عج) را، دوران غیبت کبری و دراز تشکیل می‌دهد این دوره پس از سپری شدن «غیبت صغری» آغاز شد و تاکنون ادامه یافته و به امر خداوند تا هنگام حصول «اقتضای تام» یعنی آن زمان که زمینه پذیرش و رهبری و حکومت جهانی آن حضرت از نظر عدّه و امکانات فراهم شود، ادامه خواهد یافت این مرحله میدان بزرگترین آزمایش انسان‌ها و غربال مؤمنان و سنجش ایمان و عمل قرار گرفته است. در این مدت طولانی «حجت» خدا در پشت پرده‌ی غیبت، خورشیدگونه از پس ابرها نورافشانی می‌کند.^(۱)

در غیبت کبری "نیابت عامه" وجود دارد، که این مقام و این نیابت به وسیله‌ی خود حضرت مهدی (عج) به عالمان واجد شرایط تفویض شده است. بدین ترتیب امور مسلمین در زمان غیبت کبری به دست «ولی فقیه» قرار گرفت که با نظر او باید انجام جریان یابد.

اللّٰهُمَّ عَظَمَ الْبَلَاءُ وَ بَرَحَ الْخَفَاءُ... اللّٰهُمَّ اَنَا نَشْكُو الْيَكْفُ فَقَدْ نَبَيْتَا وَ غَيْبَةَ و لَيْتَا...
خدایا! بلاها بالا گرفته و مخفی آشکار شده و یزده کنار رفته و زمین تنگ شده و آسمان برکاتش را منع نموده است. پروردگارا! شکایت ما به درگاه توست و در سختی و آسانی اعتماد بر توست.
خدایا! انتظار طولانی گشته و فاجران ما را مورد شماتت قرار داده‌اند و دادخواهی بر ما مشکل شده است.

فضیلت ماه معظم شعبان

سحرگاه نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری با طلوع خورشید وجود حضرت خاتم الاولیاء و خاتم الاولیاء، قطب دایره‌ی امکان، واسطه‌ی زمین و آسمان، حضرت بقیة الله الأعظم (ارواه من سواه فداه) منور و با نسیم دل‌انگیز حضورش عالم امکان عطر آگین گشت و بدین ترتیب زمینه‌ی تحقق وعده‌ی خدای سبحان در پیروزی مستضعفان و امامت آنان فراهم شد:

و فرید أن نمّن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم أئمة و نجعلهم الوارثین^(۱)

وقتی امام معصوم به دنیا می‌آید و به عبارت دیگر انسان کاملی از مخزن غیب تنزل پیدا می‌کند مانند آن است که قرآن کریم از مخزن الهی تنزل پیدا کند و چون قرآن و عترت دو ثقل ثقیل و وزنه‌ی وزین نظام آفرینش هستند که از یکدیگر جدایی ندارند حکم هر یک همانند حکم دیگری است؛ چون اثر متزمن در زمان، ظهور می‌نماید.

از این رو اگر نزول قرآن، لیلۃ القدر را پر برکت می‌کند، میلاد مبارک عصاره‌ی خلقت نیز نیمه‌ی شعبان را مبارک می‌گرداند چنان که همین جدایی ناپذیری سبب می‌شود که عظمت لیلۃ القدر و شب نیمه شعبان از یکدیگر جدایی ناپذیر باشند.

بدین جهت در روایات می‌بینیم همان طور که شب و روز قدر نسبت به سایر لیالی و ایام شهر الله المبارک فضیلت پیدا کرده است شب و روز نیمه شعبان المعظم نیز به برکت بروز و ظهور عصاره‌ی آفرینش از خزانه‌ی غیب الهی برجستگی خاصی

در میان سایر لیالی و ایام شهرالرساله و النبوة پیدا کرده است لذا نه تنها دربارهی شب قدر آمده است که در این شب دعای هیچ کس رد نمی شود مگر آن که عاق والدین، قاطع رحم یا شارب الخمر باشد و در قلبش عداوت مؤمن باشد، بلکه از نبی اکرم صلی الله علیه و آله و امام صادق علیه السلام رسیده است که خدا در شب نیمه شعبان به اندازهی موی گوسفندان قبیلهی بنی کلب بندگان را می آمرزد:

«یغفرالله لیلۃ النصف من شعبان من خلقه بقدر شعر معزی بنی کلب»^(۱).

امام باقر فرمودند: با فضیلت ترین شب بعد از لیلۃ القدر شب نیمه شعبان است و خدا در این شب، فضل خود را بر بندگان ارزانی می دارد و با کرم خود آنها را می آمرزد، پس برای قرب به خدای سبحان در این شب تلاش و کوشش کنید چون خداوند قسم یاد کرده است که هیچ سائل را - تا وقتی که امر ناپسند و گناهی طلب نکند - محروم نگرداند. آنگاه فرمود: این شب، شبی است که خدای سبحان برای ما اهل بیت قرار داده است به ازای لیلۃ القدر که برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قرار داده است.

دعای کمیل در شب نیمه شعبان

در روایت از کمیل نقل شده است که وی دید امیرالمؤمنین در شب نیمه شعبان این دعا را در حال سجده خواند. (دعای خضر یا همان کمیل)

شبهتهای امام زمان به انبیاء

شبهت به حضرت آدم علیه السلام

خداوند، آدم را خلیفه در تمام زمین قرار داد و وارث آن ساخت. خداوند،

حضرت حجت علیه السلام را نیز وارث زمین خواهد ساخت و خلیفه‌ی خداوند در زمین خواهد بود. آدم زمین را با عبادت خود زنده کرد، پس از آنکه جنیان با ظلم و طغیان‌شان آن را میرانده بودند، قائم علیه السلام نیز زمین را با دین خدا و عبادت و عدالت و... زنده خواهد کرد. بعد از مردن آن به کفر و معصیت اهل زمین (یحی الارض بعد موتها).

شبهت به حضرت هابیل علیه السلام

یکی از نزدیکترین افراد به حضرت هابیل علیه السلام قصد کشتن وی را کرد و آن هم برادرش قابیل بود. حضرت قائم علیه السلام نیز نزدیکترین کسانش (یعنی جعفر تواب) قصد کشتن امام علیه السلام را نمود.

شبهت به حضرت نوح علیه السلام

نوح عمر بسیار طولانی نمودند (۲۵۰۰ سال) حضرت قائم علیه السلام نیز عمر درازی داشته‌اند.

خداوند، فرج نوح را آنقدر به تأخیر انداخت که بیشتر معتقدین به حضرت از او برگشتند. فرج حضرت ولی عصر علیه السلام نیز همین طور خواهد بود. ادریس به ظهور نوح بشارت داد و به ظهور قائم نیز خداوند، فرشتگان را بشارت داد و همچنین پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام چنین بشارتی را دادند.

شبهت به حضرت ادریس علیه السلام

ادریس از قومش غایب شد، هنگامی که قومش خواستند او را بکشند. هنگامی که دشمنان می‌خواستند حضرت مهدی علیه السلام را بکشند، آن حضرت غایب شدند. غیبت

ادریس به طول انجامید، به حدی که شیعیان و پیروان او در سختی و شدت و فشار واقع شدند. غیبت حضرت مهدی علیه السلام نیز طولانی خواهد بود.

شبهت به حضرت ابراهیم علیه السلام

ابراهیم علیه السلام دوران حمل و ولادتش مخفیانه بود، حضرت مهدی علیه السلام نیز حمل و ولادتش مخفی بود. ابراهیم علیه السلام دو غیبت داشته و حضرت مهدی نیز دو غیبت دارند. هنگامی که ابراهیم علیه السلام در آتش افکنده شده، جبرئیل برایش جامه‌ای از بهشت آورد، قائم علیه السلام نیز همان جامه را هنگام قیام می‌پوشند.

شبهت به حضرت یوسف علیه السلام

یوسف از زیباترین اهل زمان خود بود. حضرت مهدی نیز زیباترین اهل زمان خود می‌باشد. یوسف مدتی طولانی غایب شد تا اینکه برادران بر او داخل شدند. پس آنها را شناخت در حالی که آنها او را نشناختند. حضرت قائم نیز از خلق غایب شد، در حالی در میان آنها راه می‌رود آنان را می‌شناسد ولی آنها او را نمی‌شناسند و...

شبهت به حضرت خضر

خداوند عمر خضر را طولانی نموده و این موضوع نزد شیعه و سنی مسلم است. خداوند عمر با برکت قائم را نیز طولانی قرار داده است و یکی از دلایل و استدلالها بر طولانی بودن عمر حضرت مهدی علیه السلام طولانی بودن عمر خضر می‌باشد. خداوند به خضر قدرت و نیرویی عنایت فرمود که به هر شکل که می‌خواست درمی‌آمد. خداوند همین قدرت را به حضرت عنایت فرموده است. و....

شبهت به حضرت موسی علیه السلام

دوران حمل و ولادت حضرت موسی علیه السلام مخفی بود، امام زمان نیز مدت حمل و ولادتشان مخفی بود خداوند به موسی علیه السلام عصایی عنایت فرمود و آن را معجزه آن جناب قرار داد. حضرت مهدی نیز همان عصا را داراست. (۱)

شبهت به حضرت جرجیس علیه السلام

خداوند برای جرجیس مردگانی را زنده کرد. خداوند برای حضرت قائم علیه السلام نیز مردگان را زنده می‌کند. از جمله، اصحاب کهف، اصحاب موسی و همچنین کفار و...

حضرت مهدی (عج) در قرآن

«هدی للمتقین الذین یؤمنون بالغیب» (بقره / ۳، ۲)

یحیی بن قاسم می‌گوید از معنای آیه‌ی فوق از امام صادق علیه السلام سؤال کردم فرمود: «متقین همان شیعیان علی هستند و غیب نیز همان حجت غایب است» (۲)

«قل فانتظرو انی معکم من المنتظرین» (یونس / ۲۰)

محمد بن ابی نصر از حضرت رضا علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: چه نیکوست صبر و انتظار فرج، آیا سخن الهی را شنیده‌ای «مراقب باشید که من هم با شما مراقبم» «پس منتظر باشید که من هم با منتظرانم». پس بر شما باد به صبر، چرا که فرج در حال یأس (از امور عادی) فرا می‌رسد. (۳)

۲- منتخب الاثر، ص ۵۱۴

۱- مکیال المکارم، ج ۱، ص ۲۳۰.

۳- تفسیر برهان، ذیل آیه.

«ان الارض لله يورثها من يشاء من عباده والعاقبة للمتقين» (اعراف/۱۲۸)
امام باقر علیه السلام فرمود: «دولت ما آخرین دولتهاست و هیچ خاندانی که امکان در دست گرفتن دولت را داشته باشند باقی نخواهد ماند مگر آنکه قبل از ما به حکومت می‌رسند تا آنکه بعد از حکومت ما کسانی ادعا نکنند که اگر ما به حکومت می‌رسیدیم مثل روش اینها عمل می‌کردیم و همین است سخن خدای عزوجل که: «عاقبت از آن پر هیزکاران است»^(۱).

«بقية الله خير لكم ان كنتم مؤمنين» (هود/۸۶).

مردی به امام صادق علیه السلام عرض کرد آیا به امام مهدی علیه السلام با خطاب (امیرالمؤمنین) سلام کنیم؟

حضرت فرمود: «خیر، امیرالمؤمنین اسمی است که خدا حضرت علی علیه السلام را به آن نامیده و قبل و بعد از او کسی جز شخصی که کافر شده باشد به این نام نامیده نشده است. آن مرد پرسید پس به چه خطاب می‌کنیم؟ حضرت فرمود: می‌گویی: «السلام عليك يا بقية الله» و سپس آن حضرت این آیه را تلاوت فرمود: «بقية الله خير لكم ان كنتم مؤمنين»^(۲).

«وذكرهم بايام الله» (ابراهيم / ۵).

امام صادق فرمود: «ایام الله سه روزند: روز قیام قائم، روز بازگشت، روز قیامت»^(۳).

۲- بحار، ج ۵۲، ص ۳۷۳.

۱- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۲.

۳- تفسیر برهان، ج ۲، ص ۳۰۵.

«و قل جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل كان زهوقا» (اسرا/ ۸۱).

از امام باقر علیه السلام در مورد آیه شریفه نقل شده که فرمود: «هنگامی که قائم علیه السلام قیام کند دولت باطل از میان خواهد رفت»^(۱).

«و لقد كتبنا في الزبور من الذکران الارض يرثها عبادي الصالحون» (انبیاء/ ۱۰۵).

از امام باقر علیه السلام نقل شده است که در مورد آیه شریفه فرمود: «آنها (عباد صالحی که زمین به آنها به ارث خواهد رسید) همان یاران مهدی (عج) آخرالزمان هستند»^(۲).

«امن يجيب المضطر اذا دعاه و يكشف السوء و يجعلكم خلفاء الارض» (نمل/ ۶۲)

امام صادق علیه السلام فرمود: «این آیه در مورد قائم از آل محمد صلی الله علیه و آله نازل شده و اوست مضطر آن گاه که در مقام ابراهیم دو رکعت نماز می گذارد و خدا را می خواند پس اجابتش نموده و سوء و پلیدی را بر طرف نموده و او را خلیفه روی زمین قرار می دهد»^(۳).

«والعصر» (عصر/ ۱)

از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «العصر»، عصر خروج قائم است و مراد از

۲- مجمع البیان، ذیل آیه.

۱- تفسیر صافی، ذیل آیه.

۳- تفسیر قمی و برهان، ذیل آیه.

«انسان» دشمنان ما هستند و «الالذین امنوا» آنانند که به نشانه‌های ما ایمان آورده‌اند و «عملوا الصالحات» آنهایند که با برادران خویش مساوات نمایند و منظور از «حق» امامت و مراد از «تواصوا بالصبر»، صبر در هنگام عدم دسترسی به امام است.^(۱)

چند درس از سیره زندگی حضرت مهدی (عج) آرامش و وقار

حارث بن مغیره از امام حسین علیه السلام پرسید حضرت مهدی (عج) را چگونه بشناسیم؟ امام حسین علیه السلام در پاسخ فرمود: «به آرامش و وقار، شناخت حلال و حرام، نیاز همگان به او و بی‌نیازی او از همه.»^(۲)

اصلاح جامعه

محمی الدین در فتوحات مکیه (باب ۳۳۶) می‌نویسد: مهدی (عج) مالها را یکسان تقسیم می‌کند و در میان مردم به دادگری رفتار می‌نماید و نزاعها را خاتمه می‌دهد و جامعه را اصلاح می‌نماید.

برخورد با بینوایان و مسئولین

پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «المهدی سمحٌ بالمال شدید علی العمال، حسین بالمساکین»

حضرت مهدی (عج) بخشنده‌ای است که مال به وفور می‌بخشد و بر مسئولین کشوری بسیار سخت می‌گیرد و بر بینوایان رئوف و مهربان است.^(۳)

۲- منتخب الاثر، ص ۴۸۲.

۱- تفسیر صافی، ذیل آیه.

۳- «یوم الخلاص» روزگار رهایی، ص ۶۰۰.

تجدید حیات اسلام

عبدالله بن عطا از امام صادق علیه السلام پرسید: سیره و روش مهدی علیه السلام چگونه است؟ حضرت فرمود وی همانند رسول خدا صلی الله علیه و آله عمل می‌کند، همه‌ی آنچه (از بدعتها و انحرافات) از قبل مانده، ویران می‌کند، همچنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سنتهای جاهلی را ویران کرد. امام زمان، مهدی علیه السلام حیات اسلام را تجدید خواهد کرد^(۱).

تقسیم اموال

احمد بن حنبل و ماوردی از پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت می‌کنند که نوید باد شما را به مهدی که اهل زمین و آسمان از او خشنود می‌باشند و اموال را یکسان تقسیم می‌نماید و پر می‌کند دلهای امت محمد را از بی‌نیازی و گشایش می‌دهد آنها را به دادگری و عدالت پروری^(۲).

تهجد

مهدی (عج)، بر اثر تهجد و شب زنده داری، رنگش به زردی متمایل است. پدرم فدای کسی باشد که شب‌ها در حال سجده و رکوع، طلوع و غروب ستارگان را مراعات می‌کند. پدرم فدای کسی که در راه خدا ملامت ملامتگران در او تأثیر نمی‌گذارد. او چراغ هدایت در تاریکی‌های مطلق است. پدرم فدای کسی که به امر خدا قیام می‌کند^(۳).

دو نشانه بارز

مهدی (عج) دو نشانه‌ی بارز دارد که با آنها شناخته می‌شود:
یکی دانش بیکران و دیگری استجابت دعا^(۴).

۲- اسعاف الراغبین، ص ۱۵۱.

۱- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۳.

۳- بحار الانوار، ج ۸۶، ص ۸۱، به نقل از امام کاظم (ع).

۴- عیون الاخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۷۰.

همانند مردم

صاحب این امر... در میان آنها راه می‌رود، در بازارهایشان رفت و آمد می‌کند، روی فرش‌هایشان گام برمی‌دارد، ولی او را نمی‌شناسند، مگر خداوند به او اجازه دهد تا خودش را به آنان معرفی کند. (۱)

همراه مردم

او نیز در حق خود تعهد می‌کند که از راه آنها برود، جامه‌ای مثل جامه‌ی آنها بپوشد، مرکبی همانند مرکب آنها سوار شود، آن گونه که مردم نمی‌خواهند، و به کم‌راضی و قانع شود. زمین را به یاری خداوند پراز عدالت کند. چنان که پراز ستم شده باشد. خدا را آن طور که شایسته است، بپرستد، و برای خود دربان و نگهبان اختیار نکند. (۲)

حضرت مهدی (عج) در اندیشه‌ی عالمان تسنن

۱- بیهقی (در گذشته به سال ۲۵۸ هـ)

امام بیهقی پس از ضعیف دانستن حدیث «لامهدی الاعیسی بن مریم» (هیچ مهدی نیست، مگر عیسی بن مریم). می‌گوید: به طور قطع اسناد احادیثی که بر قیام مهدی، آشکار دلالت دارد صحیح‌تر است. این مطلب را «ابن حجر» در تهذیب التهذیب، در ترجمه‌ی محمد بن خالد جندی راوی حدیث «لامهدی الاعیسی بن مریم» آورده است. و «ابن قیم» در المنار المنیف فی الحدیث الصحیح و الضعیف از او نقل کرده است. (۳)

۱- مکیال المکارم، ج ۲، ص ۳۷۵. ۲- منتخب الاثر، ص ۴۶۹ به نقل از امام علی (ع)

۳- مجله الجامعة الاسلامیه، سال اول، شماره ۳، به نقل از موسوعة الامام المهدی، ج ۱، ص ۶۰۷.

۲- ابن اثیر (در گذشته به سال ۶۰۶ هـ)

مهدی، یعنی: کسی که خداوند راه حق را به او نشان داده است. این کلمه، به صورت اسم به کار رفته است، تا جایی که «علم بالغلبه» شده است. و همین کلمه (مهدی)، نام آن کسی است که پیامبر ﷺ مژده داده است که در آخر الزمان می آید. (۱)

۳- محیی الدین ابن عربی (در گذشته به سال ۶۳۸ هـ)

مهدی حجت خدا بر مردم زمان خود و از پیروان پیامبر است. پیامبر درباره‌ی او گفته است «او راه مرا پی می‌گیرد و به خطا نمی‌رود»... همین امر، گواهی می‌دهد که مهدی در بیان احکام مصون از خطاست، همان گونه که رسول خدا در ابلاغ آنچه از جانب خداست، عصمت دارد. (۲)

۴- شیخ محمد عبده (در گذشته به سال ۱۳۲۳ هـ)

خاص و عام می‌دانند که در اخبار و احادیث، ضمن شمردن علائم قیام قیامت، آمده است که مردی از اهل بیت پیامبر ﷺ خروج می‌کند که نام او مهدی است او زمین را، پس از آنکه از جور و بیداد آکنده باشد، از عدل و داد آکنده می‌سازد و در آخر ایام او، عیسای مریم از آسمان فرود می‌آید. (۳)

منجی در ادیان و مذاهب

در تمام ادیان و مذاهب مختلف جهان اعم از وثنیّت، کلیمیت، مسیحیت، مجوسیت، اسلام از مُصلحی که در آخر زمان ظهور خواهد کرد و به جنایتها و

۱- ابن اثیر: النهایة، ج ۵ ص ۲۵۴.

۲- ابن عربی: فتوحات مکیه، ج ۳، چاپ دارالاحیاء التراث العربی، بیروت ص ۳۳۸ و ۳۳۷ و ۳۳۲.

۳- تفسیر المنار، ج ۶، ص ۵۷.

خیانت‌های انسانها خاتمه خواهد داد و شالوده‌ی حکومت واحد جهانی را، براساس عدالت و آزادی استوار خواهد کرد، گفتگو شده است. و نوید آن مصلح بزرگ جهان، علاوه بر قرآن مجید، در تمام کتابهای آسمانی چون انجیل، تورات و زبور آمده است.

مهدی موعود در زبور داوود

در زبور داوود (ع) که تحت عنوان «مزامیر»، در لابلای «عهد عتیق» آمده، نویدهایی درباره‌ی ظهور حضرت مهدی (عج) داده شده است. در قرآن کریم آمده است: «و لقد كتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون»^(۱)

علاوه بر ذکر (تورات) در «زبور» نیز نوشتیم، بندگان صالح من وارث زمین خواهند شد. طبق روایت متواتر اسلامی، از طریق شیعه و سنی، این آیه مربوط به ظهور حضرت مهدی (عج) می‌باشد. و عین همین عبارت در زبور موجود است.

اینک متن زبور:

«زیرا که شیران منقطع خواهند شد، و اما منتظران خداوند، وارث زمین خواهند شد، هان بعد از اندک زمانی شیر نخواهد بود، در مکانش تأمل خواهی کرد و نخواهد بود. و اما حلیمان وارث زمین خواهند شد... زیرا که بازوان شیر شکسته خواهد شد. و اما صالحان را خداوند تأیید می‌کند. خداوند روزهای کاملان را می‌داند. و میراث آنها خواهد بود تا ابد الابد»^(۲)

نویدهای حضرت مهدی (عج) در زبور بسیار فراوان است و در بیش از ۳۵ بخش

۲- کتاب مزامیر: مزمور ۳۷ بندهای ۹-۱۲ و ۱۷-۸-

۱- سوره انبیا، آیه ۱۰۵

از مزامیر ۱۵۰ گانه، نوید ظهور آن حضرت موجود است، طالبین می‌توانند به متن «مزامیر» در عهد عتیق» مراجعه کنند.

مهدی موعود در عهد عتیق (تورات و ملحقات آن)

در «سفر پیدایش» می‌خوانیم:

«خداوند بر ابراهیم ظاهر گشته گفت: به ذریت تو این زمین را می‌بخشم، تمام این زمین را که می‌بینی به تو و ذریه‌ی تو خواهم بخشید... به سوی آسمان بنگر و ستارگان را بشمار، هر گاه توانی آنها را شمرد... ذریت تو نیز چنین خواهد بود... من هستم یهوه که تو را از کلدانیان بیرون آوردم تا این زمین به ارثیت تو بخشم»^(۱)

در کتاب «اشعیاء نبی» می‌خوانیم:

«و نهالی تنه‌ی یسی (قوی، نام پدر داوود) بیرون آمده، شاخه‌ای از ریشه‌هایش خواهد شکفت و روح خدا بر او قرار خواهد گرفت... مسکینان را به عدالت، داوری خواهد کرد، و به جهت مظلومان زمین به راستی حکم خواهد کرد.
«گرگ با بره سکونت خواهد کرد، و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و گوساله و شیر و پرواری با هم، و در تمامی کوه مقدس من، ضرر و فسادی نخواهند کرد، زیرا که جهان از معرفت خداوند پر خواهد شد»

۱- سفر پیدایش: فصل ۱۲ بند ۷، فصل ۱۳ بند ۱۵، فصل ۱۵ بندهای ۵-۸

در کتاب «دانیال نبی» می خوانیم:

«و در آن زمان میکائیل امیر عظیمی که برای پسران قوم تو (خطاب به حضرت دانیال) ایستاده است خواهد برخاست... و بسیاری از آنانی که در خاک زمین خوابیده اند، بیدار خواهند شد... و آنان که بسیاری را به راه عدالت رهبری می نمایند مانند ستارگان خواهند بود تا ابد الابد اما تو ای دانیال کلام را مخفی دار و کتاب را تا آن زمان مهر کن. بسیار به سرعت تردد خواهند نمود... خوشا به حال آنان که انتظار کشند.»

نظر به اینکه متن نویدها گویا بود توضیحی ندادیم و برای اختصار به نمونه های یاد شده اکتفا کردیم، برای توضیح بیشتر می توانید در «عهد عتیق» به کتابهای اشعیاء نبی (فصل او ۴۵۵) زکریا نبی (فصل ۱۴) صفیاء نبی (فصل ۳) سلیمان نبی (فصل ۲) حجی نبی (فصل ۲) اول سموئیل (فصل ۲) دوم سموئیل (فصل ۱۲ و ۲۳) و حزقیال نبی (فصل ۲۱) مراجعه فرمایید.

مهدی موعود در عهد جدید (اناجیل و ملحقات آن)

در انجیل برنابا نویدهای حضرت مهدی (عج) به صراحت آمده است، ولی نظر به این که مسیحیان آن را معتبر نمی دانند در اینجا فقط نویدهای موجود در اناجیل معتبر را می آوریم.

«اما چون پسر انسان در جلال با جمیع ملائکه مقدس خود آید، آنگاه بر کرسی جلال خواهد نشست. و جمیع امت ها در حضور او جمع شوند و آنها را از همدیگر

جدا می‌کنند، به قسمی که شبان می‌شها و بزها را جدا می‌کند.»^(۱)

... ولی از روز و ساعت، غیر از پدر هیچ کس اطلاع ندارد، نه فرشتگان در آسمان و نه پسر هم، پس بر حذر و بیدار شده، دعا کنید، زیرا نمی‌دانید که آن وقت کی می‌شود.»^(۲)

«کمرهای خود را بسته، چراغهای خود را افروخته بدارید و شما مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود را می‌کشند، که چه وقت از عروسی مراجعت کند، تا هر وقت آید و در را بکوبد بی‌درنگ برای او باز کنند. خوشا به حال آن غلامان که آقای ایشان چون آید ایشان را بیدار باید... پس شما نیز مستعد باشید، زیرا در ساعتی که گمان نمی‌برید پسر انسان می‌آید.»

مهدی موعود در کتب مقدسه‌ی هندیان

در کتابهای مقدسه‌ای که در میان هندیان به عنوان کتابهای آسمانی شناخته شده و آورندگان آنها به عنوان پیامبر شناخته می‌شوند، تصریحات زیادی به مهدی موعود شده است که قسمتی از آنها در زیر از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرد.

ما این کتابها را به عنوان «کتاب آسمانی» نمی‌دانیم و آورندگان آنها را به عنوان «پیامبر» نمی‌شناسیم بلکه معتقدیم که آنها یا پیامبر بوده‌اند و یا این مطالب را از کتابهای پیامبران گذشته، اقتباس کرده‌اند زیرا این مطالب راجع به آینده است و پیشگویی آنها منحصرأ از منابع وحی می‌توانند سرچشمه بگیرد.

(کتابهایی مانند: باسک، شاکمونی، ریک ودا، دید، وشن جوک، دادتک، پاتیکل و...)

در کتب «شابوهرگان» کتاب مقدس مانویه، ترجمه «مولر» نام «خرد شهر ایزد»، آمده که باید در آخر الزمان ظهور کند و عدالت را در جهان بگسترده. همچنین در تعالیم «مانی» از مرد عظیمی بحث شده که ۱۲ جانشین دارد و به وسیلهی آنها ارواحی که شایستگی دارند به بهشت می‌روند.

مهدی موعود در منابع زرتشتیان

«جاماسب» در کتاب معروف خود «جاماسب نامه» از «زرتشت» نقل می‌کند که:
«از فرزندان دختر پیغمبر که «خورشید جهان» و شاه زمان نام دارد، کسی پادشاه شود در دنیا به حکم یزدان که جانشین آخر آن پیغمبر باشد».
و در جایی جاماسب، شاگرد زرتشت در مورد شخصی بنام سوشیانس و چگونگی ظهور او و اداره‌ی جهان توضیح می‌دهد:
«سوشیانس (نجات دهنده‌ی بزرگ جهان) دین را به جهان رواج دهد فقر و تنگدستی را ریشه کن سازد، ایزدان را از دست اهریمن نجات داده، مردم جهان را همفکر و هم‌گفتار و هم‌کردار گرداند».

ملل جهان در انتظار مصلح موعود جهانی^(۱)

- ساکنان جزایر انگلستان از چندین قرن پیش آرزومند و منتظرند که «ارتور» روزی از جزیره‌ی «آوالون» ظهور نماید و نژاد ساکسون را در دنیا غالب گردان و سعادت جهان نصیب آنها گردد.

۱- ک او خواهد آمد، علی اکبر مهدی پور.

- یونانیان می‌گویند «کالویبرگ» نجات دهنده‌ی بزرگ، ظهور کرده، جهان را نجات خواهد داد.

اقوام آمریکای مرکزی معتقدند که «کوتز لکوتل» نجات بخش جهان، پس از بروز حوادثی در جهان پیروز خواهد شد.

- چینی‌ها معتقدند که «کرشنا» ظهور کرده، جهان را نجات می‌دهد و...

وظایف منتظران

شناخت

رسول اکرم صلی الله علیه و آله «من مات و هو لایعرف امامه، مات میتة جاهلیه»^(۱)

به یقین شناخت امام عصر (عج) که کلید همه معارف وحی است، با یادگیری نامها و القاب و تاریخ ولادت و غیبت او حاصل نمی‌شود.

باید در حکمت نام‌ها و نشان‌های او اندیشه کرد. باید در شگفتی‌های ولادت و حیات او تأمل نمود.

باید غیبت پر رمز و راز او را به بررسی نشست و عوامل و لوازم آن را با نگاهی مسئولانه جستجو کرد. باید اهداف و آرمان‌های او را فهمید.

اقتدا و تأسی

اقتدا از ریشه «قدوة» و به معنای الگو قرار دادن و جلودار دانستن مقتدا است، چنانکه «تأسی» از ریشه «أسوة» و به معنای اسوه قرار دادن و تبعیت کردن از اوست.

اطاعت پذیری

روایتی از خود حضرت آمده است که می‌فرمایند: «اگر شیعیان ما - که خداوند آنها را به اطاعت خویش موفق گرداند - در وفای به عهد الهی هم دل و هم پیمان می‌شدند، سعادت دیدار ما از آنان به تأخیر نمی‌افتاد.»^(۱)

تکریم و احترام

برخاستن و در حالت قیام «دست بر سر نهادن» تواضع و احترامی است که هنگام شنیدن نام هیچ کس جز «قائم آل محمد (ص)» به صورت سیره و سنت در نیامده است.

بی تردید این «برخاستن» که به فرمایش امام صادق علیه السلام یادآور قیام و حکومت حضرت مهدی (عج) است تنها به انگیزه احترام صورت نمی‌گیرد، بلکه دلالتی بر آمادگی شیعه منتظر، برای قیام و همراهی با مولای خویش نیز دارد.

انتظار

کسی که چشم انتظار حاکمیت ما باشد، مانند مجاهدی است که در راه خدا به خون خویش غلطیده باشد.^(۲)

یاد

اگر کسی امام زمان (عج) را شناخت، دیگر یادش را از خاطر نخواهد برد. آیا رواست فراموشی نسبت به امام مهربانی که می‌فرماید: «اگر یاد او نبود بلاهای سخت بر شیعیان فرود می‌آمد و دشمنان، آنان را نابود می‌کردند.»^(۳)

۱- احتجاج، طبرسی، چاپ اسوه، ج ۲ ص ۶۰۲.

۲- کمال الدین، صدوق، ص ۶۴۵، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۳.

۳- احتجاج، طبرسی، ج ۲، ص ۵۸۹، نامه به شیخ

محبت

«هل الدين الأحب» آیا دین چیزی به جز دوستی است؟ امام صادق علیه السلام.
محبت اساس و پایه دین، بلکه مساوی دین است، و فرمایشی از امام زمان (عج) که می فرمایند: هر یک از شما باید به آنچه که او را به مقام محبت ما نزدیک می کند عمل نماید». (۱)

اشتیاق دیدار

«بر من دشوار است که مردم را ببینم اما تو دیده نشوی» فرزهایی از دعای شریف

ندبه

جستجو

در دعای ندبه که دعای شیفتگان عاشق و مناجات منتظران دلداده است. جستجویی پرسوز و گداز در قالب معرفت آموزترین تعبیرات شکل می گیرد.

خدمت

اگر دوران او را درک می کردم، همه روزهای زندگیم را در خدمت به او می گذرانیدم». (۲)

خودسازی و رعایت تقوا

امام صادق علیه السلام «هرکس می خواهد از یاوران حضرت قائم باشد باید انتظار کشد و در عین انتظار به تقوی و خوش خلقی رفتار نماید».

۲- امام صادق (ع)

۱- احتجاج، طبرسی، ج ۲، ص ۵۹۹.

دیگر سازی

امام صادق علیه السلام، دعای ندبه: «بر من دشوار است که بر تو گریان باشم اما دیگران تو را واگذارند».

یاری رسانی به دیگران

یکی از زیباترین جلوه‌های بُعد اجتماعی انتظار یاری رسانی است.

دفاع

شیعه منتظر، بدون اینکه فرقی بین غیبت و ظهور قائل باشد، در هر زمان مقابل توطئه‌ها و عداوت‌های دشمنان امام زمان (ع) به دفاع از مولای خویش بر می‌خیزد و با تمام وجودش جانفشانی و جانبازی می‌کند.

تقیّه

امام باقر (ع) فرمودند: «تقیّه دین من و دین پدران من است، و کسی که تقیّه نمی‌کند ایمان ندارد».^(۱)

ثواب انتظار

۱- امام رضا علیه السلام از پدران و الامامشان از پیامبر اسلام روایت کرده که فرمود:

«افضل اعمال امتی انتظار فرج من الله - عزوجل»^(۲)

«از با فضیلت‌ترین اعمال من، انتظار فرج از سوی خداوند است».

۲- حضرت علی علیه السلام فرمود: «انتظار والفرج و لایتاسوا من روح الله، فان

احب الاعمال الی الله - عزوجل - انتظار الفرج».

«منتظر فرج باشید از نسیم الهی مایوس نباشید، زیرا محبوب‌ترین اعمال در نزد

خداوند بزرگ انتظار فرج است.»^(۱)

۳- پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ «افضل العباده انتظار الفرج»^(۲)

۴- علام بن سیابه از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام روایت کرده که فرمودند: «من مات منكم على

هذا الامر منتظراً له كان كمن كن في فسطاط القائم عَلَيْهِ السَّلَام»^(۳)

«هر کس از شما بمیرد بر این امر، در حالی که به انتظار (فرج) باشد مانند کسی

است که در چادر و خیمه قائم عَلَيْهِ السَّلَام باشد.»

۵- مالک ابن اعین امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام روایت می کند که حضرت فرمود: «انَّ الميِّت

منكم على هذا الامر، بمنزلة الضارب بسيفه في سبيل الله»^(۴)

«همانا هر کس از شما بمیرد بر این امر (انتظار فرج) مانند کسی است که در راه

خدا شمشیر می زند.»

۶- محمد واسطی از ابی الحسن از پدرانش (ع) از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که فرمود:

«افضل اعمال امتي انتظار الفرج من الله - عزوجل -»^(۵)

«بافضیلت ترین اعمال امت من، انتظار بردن فرج است از سوی خداوند بزرگ.»

۷- سکونی از امام صادق از پدرانش از امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام روایت کرده که فرمود:

«افضل عبادة المومن، انتظار فرج الله»^(۶)

«بالاترین عبادت مومن انتظار فرج الهی است.»

السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَمْشِي وَ تَقْنُتُ

سلام بر تو هنگامی که نماز می گذاری و قنوت می خوانی

۲- همان، ص ۱۲۲

۴- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۵، ۱۲۸، ۱۳۱

۶- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۵، ۱۲۸، ص ۱۳۱

۱- همان، ص ۱۲۲

۳- همان، ص ۱۲۵

۵- همان

علائم ظهور

امام صادق علیه السلام می فرماید:

قائم قیام نمی کند مگر بعد از آنکه در شب جمعه بیست و سوم ماه از وسط آسمان او را بنام، صدا زنند، نام او و نام پدرش را می برند و می گویند آگاه باشید فلانی پسر فلانی قائم آل محمد صلی الله علیه و آله آشکار شد.

به فرمان او گوش فرا دهید و از او پیروی کنید. بعد از این ندا، هیچ ذی روحی نمی ماند جز اینکه این صدا را می شنوند و آنها که خوابیده اند بیدار می شوند و به حیاط خانه خود می آیند و دوشیزگان از پس پرده بیرون می روند و با آن صدا قائم قیام می کند و آن صدا هم جبرئیل است.

امام محمد باقر علیه السلام می فرماید:

خداوند در آخر الزمان آیات و علامات را نشان می دهد که از جمله خروج دجال و آمدن عیسی بن مریم علیه السلام و طلوع آفتاب از مغرب است.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

از ایشان درباره فرو رفتن بیابانی که در زمان خروج سفیانی، مردمی را در خود می برد سؤال شد، فرمود: آنها در محلی بین مکه و مدینه به زمین فرو می روند.

امام رضا علیه السلام می فرماید:

قیام قائم ما از جانب خدا مسلم است و آمدن سفیانی هم حتمی است و قائم ظهور نمی کند مگر بعد از خروج سفیانی، سپس ادامه داد: جدم محمد باقر فرمود چهار حادثه از قائم خواهد بود که علامت ظهور اوست، آنگاه امام رضا علیه السلام فرمود: سه حادثه به وقوع پیوسته و یک حادثه دیگر باقی مانده است، و فرمود: اول ماه

رجب بود که صاحب خراسان در آن ماه خلع شد، دوم ماه رجب بود که بر پسر زبیده شوریدند، سوم ماه رجب است که محمد بن ابراهیم در آن ماه از کوفه قیام کرد، عرض شد آیا رجب چهارم هم به این سه ماه می پیوندد؟

فرمود: جدم امام باقر علیه السلام این طور فرموده است.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

در اثنای که مردم شرق و غرب سرگرم کشمکش هستند، سفیانی از یابس (بیابان خشک و نام بیابانی است) بر آنها حمله می برد تا آنکه وارد دمشق می شود، آنگاه دو لشگر فراهم نموده، یکی را به شرق می فرستد و دیگری را به مدینه.

چون لشگر اول به زمین بابل که جزء سرزمین لعنت شده یعنی بغداد است می رسند، بیش از سه هزار نفر را به قتل می رسانند و افزون از صد زن را مورد تجاوز قرار می دهند و سیصد جوان رشید از بنی عباس را می کشند، پس مانند سیل به کوفه می ریزند و حوالی آنرا ویران می سازند سپس از آنجا بیرون آمده روی به شام می آورند. در آن وقت لشگری با پرچم هدایت بیرون آمده لشگر سفیانی را دنبال می کند تا به آنها می رسند و تمام آنها را به قتل می رسانند بطوریکه یک نفر از آنها را باقی نمی گذارند که خبری از آنها ببرد و اسیران و آنچه به غارت برده اند از آنها می گیرند، سپس لشگر دوم به مدینه آمده سه شبانه روز دست به تاراج می زنند.

آنگاه روی به مکه می آورند، وقتی به بیداء (سرزمین واقع در بین مکه و مدینه) رسیدند خداوند جبرئیل را می فرستد و می فرماید: برو و آنها را نابود گردان جبرئیل هم با پای خود ضربتی بر زمین می زند و آن ضربت خداوند آنها را در زمین فرو می برد و جز دو نفر از قبیله جهینه کسی از آنها باقی نمی ماند و این است آن وحشتی بزرگ.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

پیش از قیام قائم پنج علامت خواهد بود.

آمدن شخصی یمنی و سفیانی و نداکننده‌ای از آسمان و فرورفتگی در بیابان بیداء و قتل شخص پاکدل.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

بعضی از وقایع حتمی است که باید روی دهد و بعضی غیر حتمی است و از امور حتمی، خروج سفیانی در ماه رجب است.

امام صادق علیه السلام به نقل از علی علیه السلام می فرماید:

پسر هند جگر خوار (سفیانی) از بیابان یابس بیرون می آید. او مردی متوسط القامه، صورتش وحشتناک و سرش ضخیم است و رویش آبله دارد. اگر او را ببینی خیال می کنی یک چشمی است.

او از اولاد ابوسفیان می باشد. او خروج می کند و به زمین آرام می آید و بر منبر آن می نشیند (زمین آرام، کوفه یا نجف است) رنگش سرخ و زرد و چشمش کبود است. در ظاهر مرتب ذکر خدا می گوید ولی در حقیقت به طرف جهنم می رود.

در خیابان به جایی می رسد که زن بچه دارش را از ترس اینکه مبادا مردم را به محل او راهنمایی کند زنده به گور می کند. او هشت ماه سلطنت می کند و گنج‌های پنجگانه شام یعنی دمشق و حمص و فلسطین و اردن و قنسرین را چنگ آورد. آمدن سفیانی حتمی است.

علائم دوران آخر الزمان

۱. صورتها، صورت انسانی و دلها دل‌های شیاطین است.
۲. زمانی که پولهای آنها دینشان و شرف آنها متاعشان است.
۳. زمانی که خدا را اطاعت نکنند مگر در ماه مبارک رمضان.
۴. زمانی که زنان آرایش نموده و خودشان را به نامحرم نشان می‌دهند.
۵. زمانی که جوانان از ازدواج فرار کنند.
۶. زمانی که زنها تمکین از شوهر نمی‌کنند، خرج و مخارج آنها زیاد است که درآمد شوهر آنها کفاف زندگی رانمی‌دهد، آمار طلاق زیاد می‌شود.
۷. زمانی که سنت بدعت و بدعت سنت شود.
۸. زمانی که پدران واجبات الهی را به فرزندانشان یاد ندهند.
۹. زمانی که صدقه دادن را بر خود ضرر بدانند و مال الله راندهند.
۱۰. از عجم شیرمردان شجاعی به پا می‌خیزند.
۱۱. زنان، خود را شبیه مردان می‌کنند.
۱۲. سختی دین داری.
۱۳. آرزوی مرگ.
۱۴. پیروی از خواهشهای نفسانی و خواندن قرآن با ساز و آواز.
۱۵. زمانی که علما فرار کنند.
۱۶. صدای صیحه‌ای در نیمه ماه رمضان آید.
۱۷. بیهوش و ناشنوا شدن هزاران نفر از صدای صیحه.
۱۸. بیرون و آمدن یاران امام از شهر قم.
۱۹. دعوت مردم، توسط مردی از اهل قم.
۲۰. زمانی که خوردن مال یتیم حلال شود و ربا می‌خورند و کم می‌فروشند.

معجزات یا کراماتی از حضرت مهدی (عج)

حضرت باقر علیه السلام فرمودند:

چون قائم علیه السلام خروج کند و اراده مکه نماید که متوجه کوفه شوند منادی آن حضرت ندا کند آگاه باشید که کسی نه غذایی و نه آبی بردارد. حجر و سنگ حضرت موسی علیه السلام که از آن دوازده چشمه آب جاری شد «همراه آنها است» در هیچ منزلی و شهری فرود نمی آیند مگر آنکه آن سنگ را نصب می نمایند پس از آن سنگ چشمه ها جاری می شود که هر کس گرسنه باشد سیر می شود و هر کس تشنه باشد سیراب می گردد و آن سنگ توشه ایشان می باشد تا وارد نجف که پشت کوفه است شوند، چون فرود بیایند پیوسته آب و شیر جاری می گردد و هر کس گرسنه باشد سیر می شود و هر کس تشنه باشد سیراب می گیرد.^(۱)

«نجات خود را خواستم»

شخصی به نام به محمد انصاری می گوید:

سفری به سامراء داشتم چون خواستم به سرداب مقدس مشرف شوم مغرب گذشته بود و نماز واجب را نخوانده بودم مسجدی که متصل به در سرداب است دیدم که نماز جماعت است و نمی دانستم که این مسجد در تصرف اهل سنت است و مشغول نماز عشاء هستند. پس به اتفاق فرزندم وارد شبستان شدم و در گوشه ای از شبستان مشغول نماز و سجده بر تربت امام حسین علیه السلام، شدم و چون نماز آنها تمام شد از مقابل من گذشتند و به حالت غضب به من نظر می کردند و ناسزا می گفتند، آگاه شدم که اشتباه کردم و تقیه نکردم و چون همه رفتند ناگاه تمام چراغهای شبستان را

۱- منتهی الامال شیخ عباس قمی (ره): ص ۴۹۳.

خاموش کردند و در را به روی من بستند و هر چه کمک خواستم و فریاد زدم که من غریبم و زوار هستم به من اعتنایی نکردند و در آن وقت حالت وحشت و اضطراب عجیبی در من و فرزندم پیدا شد با خود می‌گفتم اینها خیال کشتن ما را دارند، گریان و نالان با حالت اضطراب به حضرت حجة بن الحسن امام زمان متوسل شدم و از پروردگار به وسیله آن بزگوار نجات خود را خواستم. ناگاه فرزندم که نزدیک دیوار بود و ناله می‌کرد گفت: پدر بیا که راه پیدا شد و ستونی که جزء دیوار و نزدیک به در شبستان است بالا رفته، چون نظر کردم دیدم تقریباً به مقدار دو سه وجب ستون از زمین بالا رفته به طوریکه به آسانی از زیر آن می‌توان خارج شد من و فرزندم از زیر آن خارج شدیم و چون بیرون آمدیم ستون به حالت اولیه خود برگشت راه مسدود و بسته شد.

شکر خدا را به جا آوردم و فردا آمدم همانجا را ملاحظه کردم هیچ اثری و نشانه‌ای از حرکت ستون دیده نشد و سر سوزنی هم شکاف در دیوار نمایان نبود.^(۱)

چون تو ما را یاری کردی

یکی از خاندان عصمت و طهارت می‌گوید: روزی نزد پدرم بودم، مردی را دیدم که با او صحبت می‌کرد ناگاه در بین سخن گفتن، خواب بر او غلبه کرد و عمامه‌اش از سرش افتاد اثر زخم عمیقی بر سرش ظاهر شد، از او سوال کردم، جریان این جراحی که به ضربات شمشیر می‌ماند چیست؟ گفت: اینها از ضربه شمشیر در جنگ صفین است! حاضرین تعجب کرده به او گفتند جنگ صفین مربوط به قرن‌ها پیش است و یقیناً تو در آن زمان نبوده‌ای، چطور چنین چیزی امکان دارد؟ گفت: بله

^۱-داستانهای شگفت: ص ۱۷۱.

همین طور است که می گوئید من روزی به طرف مصر سفر می کردم در بین راه مردی از طایفه غزه با من همراه شد، با هم صحبت می کردیم. در بین صحبت از جنگ صفین یاد می شد. آن مرد گفت: اگر من در آنجا حاضر بودم، شمشیر خود را از خون علی (ع) و اصحابش سیراب می کردم. من هم گفتم اگر من حاضر بودم شمشیر خود را از خون معاویه و یارانش رنگین می کردم. آن مرد گفت: علی و معاویه و آن یاران که الآن نیستند، ولی من و تو که از یاران آنهائیم، بیا تا حق خود را از یکدیگر بگیریم و روح ایشان را از خود راضی نماییم. این را گفت و شمشیر را از نیام خود خارج نمود من هم شمشیر خود را از غلاف کشیدم و به یکدیگر درآویختیم. درگیری شدید واقع گردید، ناگاه آن مرد ضربه ای بر فرق سرم وارد کرد که افتادم و از هوش رفتم، دیگر ندانستم که چه اتفاق افتاد وقتی که دیدم مردی مرا با ته نیزه خود حرکت می دهد و بیدار می نماید، چون چشم گشودم، سواری را بر سر بالین خود دیدم که از اسب پیاده شد، دستی بر جراحی و زخم من کشید، گویا دست او دارویی بود که فوراً آن را بهبودی بخشید و جای ضربه را خوب کرد، بعد فرمود: کمی صبر کن تا برگردم. آن مرد بر اسب خود سوار شد و از نظرم غایب گردید، طولی نکشید که مراجعه نمود و سر آن مرد را که به من ضربه زده بود بریده و در دست داشت و اسب و اثاثیه مرا با خود آورد.

فرمود: این سر، سر دشمن تو است چون تو ما را یاری کردی ما هم تو را یاری نمودیم. وقتی این قضیه را دیدم مسرور گشتم و عرض کردم، یا مولای من تو کیستی؟ فرمود: «م ح م د» ابن الحسن، صاحب الزمان هستم، بعد فرمودند: اگر راجع به این زخم از تو پرسیدند: بگو آن را در جنگ صفین به سرم زده اند، این جمله را فرمودند: و از نظرم غایب شدند. (۱)

دیدار با امام زمان

پیام امام زمان

حضرت آیه الله حاج میرزا احمد سیبویه که در تهران سکونت دارد می فرمود: «مرحوم حاج شیخ حسین سامرایی که از منبری های معروف عراق بود، می فرمود: زمانی که سامرا مشرف بودم، عصر روز جمعه ای به سرداب مقدس رفتم و غیر از من کسی در آنجا نبود حالی پیدا کردم و متوجه مقام حضرت صاحب الامر صلی الله علیه و آله شدم در آن حال، صدایی از پشت شنیدم که به فارسی فرمود: «به شیعیان و دوستان ما بگویید که خدا را به حق عمه ام زینب علیها السلام قسم دهند که فرج ما را نزدیک گرداند.»

تشریف حضرت آیه الله لنگرودی

جناب آقای لنگرودی جریان تشریف خود را فرمود: «بیست و هشت سال پیش، که تشریف اولم به بیت الله بود، در حال طواف هر وقت خواستم طبق دستور مذهب جعفری طواف کنم مقدور نبود، چون سودانیهای اهل تسنن و بعضی از عوام رعایت طواف را نمی کردند و حجاج را به این طرف و آن طرف منحرف می نمودند، لذا به هیچ وجه نمی توانستم طبق دستور طواف کنم. گاهی تا پنج شوط طواف می کردم در شوط ششم، مرا منحرف می کردند چندین بار این کار تکرار شد، دیگر از خود بی خود شدم به گوشه ای از «مسجد الحرام» رفته و با حزن و اندوه شدید، های های گریه کردم. در حال گریه به حضرت حق توسل یافته عرض نمودم: «پروردگارا! تو را به ارواح مقدس انبیاء و ائمه اطهار علیهم السلام قسم می دهم، ولی الله الاعظم، حضرت حجة بن الحسن روحی له الفدا را امر نما تا مرا صدا کند و من با آن حضرت طواف را انجام دهم.»

چندی نگذشت که دیدم شخصی چهل ساله، که یک موی سفید هم در سر و محاسن شریفش نبود مرا به اسم صدا کرد و فرمود: «می خواهی طواف کنی؟» عرض کردم «آری». فرمود: «بیا با ما طواف کن.» شخص پیری که محاسنش با حنا خضاب شده، با ایشان بود. به ایشان عرض کردم: «طواف طبق دستور، ابدأ مقدور نیست». فرمود: «چرا مقدور است، بیا با ما طواف کن.» فوراً به قلبم خطور کرد که تقاضایی از ایشان بنمایم و آن اینکه: «پس آقا اجازه بدهید من احرام شما را بگیرم و پشت سر شما به همان نحوی که شما طواف می کنید طواف کنم.»

فرمود: «مانعی ندارد، احرام مرا بگیر» عرض کردم: «در این صورت پیرمرد عقب بنده قرار می گیرد، چه باید کرد؟» فرمود: عیبی ندارد، شما فرزند پیغمبر هستید، او راضی خواهد بود.» من احرام آن سید (این که می گویم سید، چون دیدم شال سبزی بر روی لنگ خود بسته بود) را گرفتم، من در وسط و آن سید بزرگوار در جلو و پیرمرد در عقب بنده، شروع به طواف نمودیم. در حین طواف، مشاهده نمودم که جلو و طرفین ما هیچ کس وجود ندارد و مثل اینکه خانه خدا را برای ما، قُرق کرده اند ولی باز متوجه نشدم که این شخص بزرگوار کیست؟ تا اینکه فرمود: «هفت شوط تمام شد، استلام حجر کن» عرض کردم: «آقا مثل اینکه شش شوط تمام شده نه هفت شوط.» یک مرتبه هر دو از نظرم غایب شدند، ولی صدایی به گوشم رسید که: «با امام زمان خود و «خضر» طواف نمودی، شک مکن و وسوسه را از خود دور نما.» در این حال حزن و اندوه من بیش از پیش، شدید شد و با خود گفتم «ای کاش امام زمانم را می شناختم و با آن حضرت بودم و در کنارشان نماز طواف را انجام می دادم و با ایشان سعی بین صفا و مروه می نمودم.»

بعد با خود گفتم: تأثیری بی جاست، بیش از این نصیب تو نبوده، چون بیش از

طواف نخواسته بودی.»

چند سخن از بزرگان در مورد حضرت

عالم ربانی حضرت آیه الله کوهستانی فرموده بود: اگر می خواهی به محضر حضرت ولی عصر (عج) برسی از آزار مردم بالاخص اولیاء خدا و مراجع تقلید و افرادی که پناهی جز خدا ندارند به خصوص به وسیله ی غیبت و تهمت پرهیز و در مجالسی که این گناهان انجام می شود، نشین. (۱)

از حضرت آیه الله حاج شیخ محمدجواد انصاری همدانی سؤال شد: چه وقت انسان حضور صاحب الزمان می رسد؟ فرمود: وقتی که حضور و غیبتش برای انسان تفاوت نداشته باشد. (۲)

حضرت آیه الله ناصری دولت آبادی می فرمود: «در ایام جوانی در مسجد سهله از نزدیک مرحوم شیخ محمد کوفی را در حالی که تقریباً اواخر عمرشان بود زیارت کردم، جلو رفته و از ایشان خواستم که بفرمائید چکار کنیم که خدمت امام زمان برسیم؟ معظم له فرمود:

«با تقوا باشید، با تقوا باشید»

ثواب و فضیلت دعا در فرج امام زمان

ثواب و فایده دعا در فرج آن جناب علیه السلام از دنیوی و اخروی بسیار و بلکه زیاده بر صد فضیلت است که آنها را بعضی از علماء اعلام جمع نموده اند و از جمله آنچه در حدیث در اکمال الدین از حضرت امام حسن عسگری علیه السلام است که فرمودند: «آنقدر

حضرت صاحب الامر علیه السلام طولانی شود که عامه‌ی مردم در هلاکت فتنه‌ها و حیرتها واقع شوند. از آن هلاکتها جز کسی که خداوند او را بر اعتقاد به امامت ایشان ثابت نموده باشد و به توفیق در دعا در تعجیل فرج ایشان را داده باشد نجات نمی‌یابد. (۱)

و از جمله آن فضایل آن که در حدیث از حضرت صادق علیه السلام است که: هر کس انتظار فرج امام قائم علیه السلام را داشته باشد و دعا در تعجیل فرجشان نماید، اگر پیش از ظهور ایشان بمیرد پس در موقع ظاهر شدن آن جناب علیه السلام خداوند او را از قبر زنده فرماید و از انصار ایشان گرداند. (۲)

دعای مؤمن در حق امام علیه السلام در بابت هر نوع حزن و الم یا کسالتی برای ایشان باشد، اثر دارد و به دعای او از ایشان رفع می‌شود. ولی استعباد نشود که امام علیه السلام وسیله رحمت برای بندگان هستند و در رحمت خداوند به دیگران محتاج نیستند تا آنها در طلب آن رحمت برای ایشان دعا کنند به واسطه‌ی آنکه دعا نه از جهت حاجت امام علیه السلام است، بلکه برای آن است که سبب ربط بندگان به ایشان شود. مانند هدیه‌ای است که به ایشان داده می‌شود و از آن استفاده می‌کنند بدون آنکه محتاج به آن باشند.

دعاهایی که در خصوص امام زمان از آنها می‌توان نام برد:

- ۱- دعای عهد: هر روز صبح یا چهل صبح خوانده می‌شود.
- ۲- دعای ندبه: در چهار عید فطر، غدیر و روز جمعه امام زمان با آن زیارت می‌شود.
- ۳- دعای فرج: برای سلامتی و فرج آقا امام زمان (عج) در همه لحظات خوانده می‌شود.

۱- اکمال الدین، ج ۲، ص ۳۸۴، باب ۳۸، ح ۱. ۲- حدیقه الشیعه، مقدس اردبیلی، ص ۷۶۲.

- ۴- دعای سمات: هر جمعه قبل از غروب آفتاب خوانده می شود.
 ۴- دعای امام زمان و... که در کتاب مفاتیح الجنان به طور کامل آمده است.

اللهم... لو لا نصرک ایای لکنث من المغلوبین... أسألك أن تنجز لی امری و
 تجعل لی فی الفرج...

ای خدایی که هر مؤمن تنهایی را عزت می دهی و هر جبار عنیفی را
 ذلیل می نمایی، تو پناه منی آنگاه که راههای مختلف مرا درمانده کند و
 زمین یا این وسعتش بر من تنگ آید.

توسل جستن به زیارت حضرت بقیه الله

در بصائر الدرجات از حضرت امام محمد باقر علیه السلام، به این مضمون روایت فرموده
 که: «هر کس زیارت کند امام زنده در دنیا را در ماه مبارک رمضان و در وقت ملاقات
 ایشان بگوید «الله اکبر، لا اله الا الله، وحده لا شریک له» روز قیامت تحفه و هدیه و
 منزلتی از حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله به او در قرب مقام آن امام علیه السلام مرحمت شود، که
 میزان، عمل او سنگین تر باشد از هفت آسمان و هفت زمین و هر چه در آنها و هر چه
 در زمین است و برای او رضوان الله اکبر ثابت گردد و واجب گردد که خداوند در
 دارالجلال میان او و حضرت رسول و حضرت ابراهیم و همه مرسلین را نزد آن
 امام علیه السلام جمع کند.»^(۱)

در بحار از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت شده که فرمودند: «هر کس اول ما
 را زیارت کند آخرین ما را زیارت نموده و هر کس آخرین ما را زیارت نموده و هر کس

آخرین ما را زیارت کند اول ما را زیارت کرده»^(۱).

برحسب این حدیث همه فضایل که در زیارات ائمه اطهار علیهم السلام وارد شده در زیارت آن جناب علیه السلام هم ثابت خواهد بود. و چون هرگاه کسی به زیارت امام عصر خود از نزدیک و از رسیدن به حضور ایشان قادر نباشد پس تأکید و فضیلت زیارت ایشان از دور ثابت است و لهذا این فضایل جلیله برای زائر هرگاه از دور و در غیر حضور آن حضرت صلی الله علیه و آله زیارت نماید هم حاصل می شود. چنانچه علامه مجلسی در بحار و زادالمعاد به سندی معتبر از سلیمان بن عیسی روایت فرموده که: پدرم خدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کرد: چگونه تو را زیارت کنم در حالی که قادر بر آمدن خدمت شما نیاشم؟ فرمود: هرگاه قادر بر آمدن نباشی، چون روز جمعه شود غسل کن یا وضو بگیر و بر بام خانه‌ی خود بالا برو و دو رکعت نماز بگذار و به سوی من متوجه شو.^(۲)

بدرستی که امر غیبت امام زمان برای هر کس از امور حتمی الهی است و تسلیم بودن به آن بهتر است ولی با زیارت و سلام به سوی ایشان می توان توجه کرد. چنانچه در مقدمه زیارت آل یاسین می گوئیم سلام علی آل یاسین، زیاراتی که مربوط به جناب حجة بن الحسن علیه السلام می باشد.

۱- زیارت آل یاسین:

این زیارت شاید از بهترین زیارتها برای حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) محسوب شود. تمام منازل و مقامات معرفت در این زیارت گنجانده شده است. انسان می تواند

۲- بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۳۶۶، ح ۶

۱- بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۲۲.

با این زیارت هم مولایش امام عصر علیه السلام را زیارت کند و هم اعتقادش را که در این زیارت ذکر شده به آن حضرت عرضه و تصحیح نماید و از آن حضرت بخواهد او را در صراط مستقیم خود قرار دهد و به وسیله اولیاء گرانقدر و یاوران با وفایش او را کمک نمایند.

۲- زیارت ناحیه مقدسه :

زیارت حضرت سیدالشهداء خارج شده از ناحیه مقدسه امام زمان (عج) می باشد. و وسیله ای مطمئن برای توسل به آستان مقدس اهل بیت علیهم السلام و دستاویزی الهی برای تقرب بیشتر به ساحت ملکوت حضرت حق به شمار می آید. و زیارات دیگری نیز در خصوص حضرت وجود دارد. که در مفاتیح الجنان شیخ عباس قمی مفصل آمده است.

یادی از مسجد مقدس جمکران (قم)

مسجد مقدس جمکران مسجدی است باستانی، در روستای جمکران، که به فرمان امام زمان ساخته شده است. حکایت بنای آن مسجد را شیخ عقیق و صالح، حسن بن مثله جمکرانی، که از اهالی روستاست. نقل کرده است که در اینجا مختصری از ماجرا بیان می شود:

«شب سه شنبه هفدهم ماه مبارک رمضان، در منزل خود خوابیده بودم که جمعی به در منزل آمده و مرا بیدار نمودند در حالی که شب از نیمه گذشته بود، آنان گفتند: «برخیز که امام مهدی صاحب الزمان علیه السلام تو را می خوانند. ندای او را پاسخ بده...» لباس خود را پوشیده در جستجوی کلید در بودم که صدایی گفتم: در باز است. به در خانه آمدم. مردانی با عظمت مشاهده کردم سلام کردم و جواب شنیدم... جوانی سی ساله روی تختی تکیه داده و پیرمردی پیش او نشسته بود...

آن پسر، حضرت خضر علیه السلام و آن جوان امام زمان علیه السلام بود. آقا مرا به نام خواند و فرمود: «برو به حسن مسلم بگو تو پنج سال است که در این زمین عمارت و زراعت می کنی و امسال دوباره از سر می گیری و عمارتش می کنی، رخصت نیست که تو دیگر بار زراعت کنی، باید هر انتفاعی که از این زمین گرفته ای رد کنی تا در این جایگاه مسجد بنا کنند. به حسن مسلم بگو: این زمین شریفی است و خدای تعالی این زمین را از زمین های دیگر برگزیده و شریف نموده است خداوند دو پسر جوان از تو باز ستاند متنبه نشدی».

حسن مثله می گوید: «گفتم ای آقای من، مردم بدون حجت حرف مرا تصدیق نمی کنند.» فرمود «ما اینجا نشانه ای می گذاریم تا علامت صدق تو باشد...»
...سپس نشانه های بزی را داد و فرمود: «آن گوسفند را بخر و قربانی نما، گوشت آن را بر بیماران انفاق کن، هر کس که بیماری سختی داشته باشد حق تعالی همه را شفا خواهد داد».

حسن مثله می گوید صبح که شد به منزل سید شریف ابوالحسن رضا رفتیم، خادم او گفت که سید از سحرگاه منتظر توست. سید با گرمی پذیرایی نمود و بعد گفت: «ای حسن مثله من دیشب در خواب شخصی را دیدم که گفت: «بامدادان مردی به نام حسن مثله از جمکران نزد تو می آید. سخنانش را تصدیق کن و به حرفش اعتماد نما! سخن او سخن ماست» ما بزرگرفته و قربانی نمودیم. حسن مسلم را هم طلبیده و انتفاعات را از او ستاندیم و وجوه ده «رهق» نیز ملحق کردند و بنای مسجد شروع شد. (۱)

اکنون مسجد مقدس جمکران، قبله گاه هزاران عاشق است که شیهای جمعه و چهارشنبه با اشتیاقی وصف ناپذیر به آن مکان مقدس آمده و به راز و نیاز می پردازند.

نقش زنان در حکومت امام زمان (عج)

سزاوار است که بدانیم زنان در حکومت قائم آل محمد صلی الله علیه و آله چه می‌کنند؟ چه کسانی هستند و چند نفرند از کجا می‌آیند و چه مسئولیتی بر عهده دارند. براساس برخی از روایات، حضور و نقش این زنان از نظر زمان و موقعیت، چهار گونه است:

الف) حضور پنجاه زن در بین یاران امام

اولین گروه از زنانی که به محضر امام زمان می‌شتابند آنهاست که در آن ایام می‌زیسته‌اند و همانند دیگر یاران امام علیه السلام به هنگام ظهور در حرم امن الهی به خدمت امام علیه السلام می‌رسند.

ب) زنان آسمانی

دسته دوم چهار صد بانوی برگزیده هستند که خداوند برای حکومت جهانی حضرت ولی عصر علیه السلام در آسمان ذخیره کرده است و با ظهور آن حضرت به همراه عیسی علیه السلام به زمین می‌آیند. ابو هریره از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده که: عیسی بن مریم به همراه هشتصد مرد و چهارصد زن از بهترین و شایسته‌ترین افراد روی زمین فرود خواهد آمد. ^(۱)

ج) رجعت زنان

سومین گروه از یاوران حضرت بقیة الله علیه السلام زنانی هستند که خداوند به برکت ظهور امام زمان آنها را زنده خواهد کرد و بار دیگر به دنیا رجعت خواهند نمود. این گروه دودسته‌اند: برخی با نام و نشان از زنده شدنشان خبر داده شده و برخی دیگر فقط از آمدنشان سخن به میان آمده است. در منابع معتبر اسلامی نام سیزده زن یاد می‌شود که به هنگام ظهور حضرت، زنده خواهند شد و در لشکر امام زمان به مداوای مجروحان جنگی و سرپرستی بیماران خواهند پرداخت.

۱- معجم الامام المهدي، ج ۱، ص ۵۳۴ به نقل از فردوس الاخبار، ج ۵، ص ۵۱۵.

سخنان نورانی صاحب الزمان عج

- ۱- برآستی که علم ما بر اوضاع و اخبار شما احاطه دارد و هیچ یک از احوال شما بر ما پوشیده نیست.
- ۲- به راستی که حق با ما و در دست ماست، غیر از ما هر کس این ادعا را به زبان آورد دروغگو و افترا زننده و گمراه گشته است.
- ۳- از فضایل تربت حضرت سیدالشهداء آن است که اگر تسبیح گلی تربتش را در دست بگیری و ذکر نگویی ثواب ذکر خواهد داشت.
- ۴- برای تعجیل در ظهور و فرج من بسیار دعا تمایید که در آن فرج شما خواهد بود.
- ۵- هیچ چیزی مانند نماز بینی شیطان را به خاک نمی‌مالد و او را خوار نمی‌کند.
- ۶- من ختم اوصیاء هستم و به وسیله‌ی من خدا بلا را از اهل من و شیعیانم دور می‌گرداند. (۱)
- ۷- برآستی که علم ما بر اوضاع شما احاطه دارد و هیچ چیز از احوال شما بر ما پوشیده نیست. (۲)
- ۸- باید بدانند که حق با ماست و در دست ماست به جز ما هر که این داعیه را بر زبان آورد، دروغگو و افترا زننده و گمراه و گمگشته است. (۳)
- ۹- بدست آوردن معارف جز از طریق ما خاندان پیغمبر سوق به سوی انکار ما خواهد بود. (۴)
- ۱۰- آگاه باشید زمین از امام و حجت خداوند خالی نمی‌شود خواه ظاهر و آشکار باشد و یا مخفی و پنهان.
- ۱۱- سجده شکر از لازمترین و واجبترین مستحبات است.
- ۱۲- خودت را برای خدمت در اختیار مردم بگذار و محل نشستن خویش را در درب ورودی خانه قرار بده و حوائج مردم را بر آور.
- ۱۳- مادر رعایت حال شما کوتاهی نمی‌کنیم و یاد شما را از خاطر نمی‌بریم.

۲- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰، حدیث ۱۰ و ۷

۱- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰، حدیث ۲۵

۴- دین و فطرت، ج ۱

۳- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰، حدیث ۱۹

بخش دوم

رباعیات

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ الَّذِي لَا يُطْفِئُ... السَّلَامُ عَلَى شَمْسِ الظَّلَامِ وَالبَدْرِ
الثَّمَامِ...

سلام بر تو ای نور الهی که خاموش نمی‌شود، سلام بر تو ای سرچشمه حیات،
سلام بر تو ای ناظر درخت طوبی و سدره المنتهی، سلام بر تو ای نور خدا که
هدایت شدگان به او هدایت می‌شوند

دوبیتی، رباعیات امام زمان (عج)

بر چهره دلگشای مهدی صلوات بر قامت دلربای مهدی صلوات
تا پرده ز رخ گرفت قدسی نفسان خواندند به رو نمای مهدی صلوات^(۱)

امشب که بود بزم طرب آماده نرگس به چمن صفای دیگر داده
تبریک به خاندان عصمت گویند چون مهدی فاطمه ز مادر زاده^(۲)

امروز بهار لاله‌های چمن است میلاد سعید حجة بن الحسن است
بت‌های جهان باز به خود می‌لرزد از بیم که روز جلوه بت شکن است^(۳)

تا سایه مهدی به جهان افتاده شوقی به قلوب شیعیان افتاده
در طلعت آفتاب روشن امروز عکس رخ صاحب الزمان افتاده^(۴)

۱- سید رضا مؤید

۲- سید مصطفی آرنگ

۳- سید رضا مؤید

۴- سید رضا مؤید

بر جلوۀ روی ماه مهدی صلوات
ما را نبود چو هدیه‌ای در خوراو
بر جذبۀ هر نگاه مهدی صلوات
بفرست به پیشگاه مهدی صلوات^(۱)

برخیز که میر کاروان می‌آید
در خانه عسگری ز نرجس خاتون
آن قافله سالار جهان می‌آید
هان مهدی صاحب الزمان می‌آید

مرآت جمال سرمدی می‌آید
برخیز و بپا جشن و چراغانی کن
احیاگردین احمدی می‌آید
چون دسته گل محمدی می‌آید

امروز ملک ز آسمان گل ریزد
جبریل به شادی دل آل علی
رضوان بهشت از جنان گل ریزد
در مقدم صاحب الزمان گل ریزد

بر آئینه جمال مهدی صلوات
بر آن دل بی قرار و عاشق که بود
بر چهره‌ی بی مثال مهدی صلوات
در آرزوی وصال مهدی صلوات

بر چهره پر ز نور مهدی صلوات
بر جان و دل صبور مهدی صلوات
بر جلوه روی ماه مهدی صلوات
بر جذبۀ هر نگاه مهدی صلوات

تا امر فرج شود مهیا بفرست
ما را نبود چو هدیه‌ای در خوراو
بهر فرج و ظهور مهدی صلوات
بفرست به پیشگاه مهدی صلوات

برخیز که منجی بشر می آید
گویا که، محمد دگر می آید
ای منتظران، منتظرش بنشینید
کز راه، امام منتظر می آید

احیاگر دین عالی درجات
آمد به جهان شفیع روز عرصات
زیبد که به یمن مقدمش از دل و جان
ای شیعه فرستی به محمد صلوات

ای منتظران دمید خورشید امید
طی شد شب هجر و موسم وصل رسید
بفرست ز جان به عشق مهدی صلوات
زیرا که بود به شیعه این عید سعید

جنت به حریم او گلاب افشان است
خورشید درون خانه اش مهمان است
بشکفتن گل، فروغ روی مهدی (عج)
سی جزء شکوفا شدن قرآن است

مرآت جمال خلی سرمد آمد
خورشید سپهر آل احمد (ص) آمد
بشکفت گل چهره ی مهدی (عج) یعنی
زیبا گل گلشن محمد (ص) آمد

مژده کآمد به جهان مهدی (عج) موعود امشب
از فروغ رخ هم چون قمرش ساخت زمهر
کان فضل و کرم و مرحمت وجود امشب
خلق عالم همه را خرم و خشنود امشب

روشنگر ماه و مشتری می آید
در دهر برای داوری می آید
بر منتظرین او بشارت دادند
گفتند که پور عسگری می آید

پیدایش نور جاودان است امشب روشن دل و چشم شیعیان است امشب
مژده به محمد (ص) و علی (ع) و زهرا (س) میلادی صاحب الزمان است امشب

از سامره انوار خدا پیدا شد نازل به زمین آیت کرّما شد
ای شیعه بشارت که ز لطف الله پرونده‌ی آزادی ما امضا شد

نظری کن که دل غمزدگان شاد شود گذری کن که جهانی ز غم آزاد شود
رفتی و قلب محبان ز جفا ویران شد تو بیا ناز قدومت همه آباد شود

ای دل شده‌ای که یار مهدی باشی یک عمر در انتظار مهدی باشی
امروز در این جمع نشو غافل از او شاید که تو در کنار مهدی باشی

یارب آن مهدی ما را برسان معدن مهر و وفا را برسان
گشته دلها همه دیوانه او حامی دین خدا را برسان

بر خیز که حجت خدا می‌آید رحمت ز حریم کبریا می‌آید
از گلشن عسگری گذرکن کامروز بوی گل ترجس ز فضا می‌آید

گل نرگس تو آن نیکو سرشتی که نامت را به گنج دل نوشتی
به وصفت این چنین گفتا پیمبر تو آن طاووس زیبای بهشتی

به صدها التماس و آه و افسوس بیاید یوسف کنعان به پابوس
تو در زیبا رخان زیبا ترینی میان اهل جنت همچو طاووس

گل نرگس دلم مال تو باشد
نمازم دین من روی چو ماهت
دو چشمانم به دنبال تو باشد
چه سازم قبله‌ام خال تو باشد

کرم کن ساقیا بنما نگاهی
بریز از جام و صهبای و صالت
نگاهی برگدای بی پناهی
شرابی بر سبویم گاهگاهی

سبکیلان تو را پرواز خوانند
تمام نغمه سازان غم عشق
شقایق‌ها تو را همراز خوانند
تو را با نغمه‌ای پر ناز خوانند

نسیم آسا نگاهت را خریدم
بهای دیدنت باشد اگر جان
دو چشمان سیاهت را خریدم
ندیده روی ماهت را خریدم

ای مهدی امامت به حضورت تبریک از تابش دل فرورز نورت تبریک
خواهیم ز خدا که روز موعود فرج باشیم و دهیم بر حضورت تبریک

ای دل شده‌ای که یار مهدی باشی
امروز که روز تاجگذاری اوست
اندر همه روز در انتظار مهدی باشی
شاید که تو در کنار مهدی باشی

ای مهدی موعود جهان منتظر اسخاک مقدمت برای ما تاج سراسر است
برچین ز میان بساط ظلم و بی‌لچون خیمه‌ی دین احمدی در خطر است

کجا گیرم سراغ رویت ای ماه
کشم تا کی ز هجران رخت آه

اگر دانم گذارت از چه راهی است نشینم تا قیامت بر سر راه

تا سایه‌ی مهدی به جهان افتاده شوق به قلوب شیعیان افتاده
در طلعت آفتاب روشن افروز عکس رخ صاحب الزمان افتاده

نشانم ده جمال حق نمایت کجایی تا کنم جانم فدایت
اگر چه جان من ارزش ندارد جز آن چیزی ندارم رونمایت

اگر بینم جمال دلربایش کنم جان را نثار خاک پایش
نگردد نا امید از درگه او گدای دردمند و بینوایش

یوسف فاطمه، دسته گل حیدری گل زهرایی و دلبر پیغمبری
تو میان گلها از همه زیباتری با دو چشم سیه از همه دل می‌بری

گل نرگس دلم مال تو باشد دو چشمانم به دنبال تو باشد
نمازم دین من روی چو ماهت چه سازم قبله‌ام خال تو باشد

یارب آن مهدی ما را برسان معدن مهر و وفا را برسان
گشته دلها همه دیوانه‌ی او حامی دین خدا را برسان

بر خیز که حجّت خدا می‌آید رحمت ز حریم کبریا می‌آید
از گلشن عسگری گذر کن کامروز بوی گل نرگس از فضا می‌آید

منتظران نیمه شعبان رسید بر تن بی جان جهان، جان رسید
مژده به یاران که صفا آمده است ایمنی و مهر و وفا آمده است

جلوه گر حُسن خداوند ز نور مهدی است
اهل دل را شرف درک حضور مهدی است
از خداوند در این روز و شب بابرکت
عیدی ما همه دیدار و ظهور مهدی است

به سر غیر از تو سودایی ندارم به دل جز تو تمنایی ندارم
خدا داند که در بازار عشقت به جز جان هیچ کالایی ندارم

اسیر پنجه‌ی دردی‌م بی تو بهار آمد ولی زردیم بی تو
اگر چشم انتظار تو نبودیم در این دنیا چه می‌کردیم بی تو

ای نور زمین و آسمان مهدی جان ای پرده گشای لامکان مهدی جان
بگشای زکرم قفل مهم همه را یا حضرت صاحب الزمان مهدی جان

امشب ز رخت پرده چو برداشته شد
عالم ز سرور و نور انباشته شد
چون گوهر نابی که نهانش دارند

در غیبت وجود تو نگهداشته شد

عمریست که مارا به غم عشق نشاندی

گر باقی عمرم بنشانی چه توان کرد

ما عشق تو را داریم تو را میل به ما نیست

مائیم چنین و تو چنانی چه توان کرد

دل بشکسته را غمخوار آمد

بده مژده دلا دلداری آمد

که دیگر موسم دیدار آمد

بگو با دیده‌ی بیمار برخیز

که مهدی جا گرفته در دل ما

بود زیبا خوش امشب محفل ما

که باشد تار مویش منزل ما

شود جانها فدای تار مویش

که مهدی در دلم بنموده منزل

به عشق خال رویش می‌تپد دل

مخوانش تو دگر دل او بود گیل

اگر در دل نباشد جای مهدی

دلهای جهانیان مسخر گردید

از نور رخت جهان منور گردید

یک باره مس وجود ما زر گردید

از پرتو خورشید جمالت مهدی

آخر به دل شکسته‌ام کن نظری

ای آنکه ز احوال دل باخبری

زیبا پسر آل محمد (ص) مهدی

ای خاتم اوصیای احمد مهدی

ای منتظران دمید خورشید امید

طی شد شب هجر و موسم وصل رسید

بفرست ز جان به عشق مهدی صلوات

زیرا که بود به شیعه این عید سعید

ناله‌ها دارد دلم یارب ز جور روزگار

آه پس کی می‌رسد بیچارگان را غمگسار

طبل شادی کی زند مرغ دلم، کی می‌رسد

قائم آل محمد، حجت پروردگار

مهدی که سلام عاشقان باد بر او دل بسته همه عالم ایجاد بر او

چون دید خدای پاکی نرجس را یک دسته گل محمدی داد به او

امروز بهار لاله‌های چمن است میلاد سعید حجة ابن الحسن است

بت‌های جهان باز به خود می‌لرزد از بیم که روز جلوه‌ی بت شکن است

بخش سوم

مناجات

اللهم مالك الملك... يا من لا تخلف الميعاد... انجز لي ما وعدتني و اجمع لي
اصحابي....

ای خدای مالک پادشاهی، به هر کس که بخواهی پادشاهی می دهی و از هر
کس بخواهی باز می گیری، هر کس را بخواهی عزیز می گردانی و هر کس را بخواهی
ذلیل می کنی... ای خدایی که روز و شب تغییری در او ایجاد نمی کند.

«دلبر مه جبین»

خیمه نشین فاطمه، یابن الحسن بیا بیا
آرزوی دل همه، ای عشق من بیا
دیدن تو آرزومه، عمر به بغض گلومه
خون دل، آب وضومه، یابن الحسن بیا بیا
من می دوتم خیلی بدم، اما حالا که اومدم
دیگه آقا نکن ردم، یابن الحسن بیا بیا
چی می شه روتو ببینم، یه بار کنارت بشینم
ای دلبر مه جبینم، یابن الحسن بیا بیا
دیدن تو شد هوسم، زمزمه های نفسم
میگه بین که بی گتم، یابن الحسن بیا بیا
بودن بی تو مُردنه، حسرت عُمُر خوردنه
آرزومون یه دیدنه، یابن الحسن بیا بیا
حالا که سائل اومده، دست خالی بره بده
جمالتو نشون بده، یابن الحسن بیا بیا

«ویرانه دل»^(۱)

بس کن این ناز تو ای یوسف بازار بیا
 گل زیبای من ای نرگس خمّار بیا
 غمزه و ناز کرشمه همه را در شب وصل
 به کناری زن و یک لحظه به بازار بیا
 دیدن روی تو را گر که بها جان باشد
 جان ما هدیه ناقابل دیدار، بیا
 تو که از روی خود زار و نزارم کردی
 خود طیببانه دمی بر سر بیمار بیا
 شده هجران تو اندوه دل غمزده‌ام
 به شفای دل غمگین من زار بیا
 همه را دیدم و دل کندم و بیزار شدم
 گل نادیده‌ام ای جلوه دادار بیا
 آرزوی تو به ویرانه دل گنج من است
 به خرابات دلم، بر سرآوار بیا
 زفراق رخ خود ای که گرفتار کنی
 ز کرم در بر این عبد گرفتار بیا
 بی کسان را تو پناهی و امید همه‌ای
 بی کسم، بی کس و تنها منم ای یار بیا
 برگ ریز شجر باغ دل از هجر تو شد
 تا بهار از تو رسد، جانب گلزار بیا

ز شمیم ره تو باد صبا توشه گرفت
 داده صد بار پیامت تو خود این بار بیا
 جلوه‌ای از تو، دو صد یوسف کتعی شد
 یوسف فاطمه، ای دلبر و دلدار بیا

«چاره ساز»^(۱)

بیا یابن الزهرا	ببین حال ما را	شده خون دل ما	بیا بیا
بگو یار مایی	بگو در کجایی	بگو کی می یایی	بیا بیا
بیا جان مادر	به جانم تو بگذر	مرانم از این در	بیا بیا
کجایی کجایی	تو پس کی می آیی	مرا کن دعایی	بیا بیا
بیا یار نازم	بیا دل نوازم	بیا چاره سازم	بیا بیا
چه گردد که ای یار	شود وقت دیدار	به هنگام افطار	بیا بیا
منم بی قرارت	چه گردد کنارت	شوم روزه دارت	بیا بیا
غمتم را خریدم	فراقت کشیدم	جمالت ندیدم	بیا بیا
تو رحمی به ما کن	در خانه واکن	تو ما را صدا کن	بیا بیا
تویی میزبانم	تویی مهربانم	تویی همزبانم	بیا بیا
مرا مهرت کن	به من مرحمت کن	مرا محرمت کن	بیا بیا
بده آشیونم	که پشت بمونم	سلام آقا جونم	بیا بیا
بین من غریبم	تو هستی طبیبم	بیا ای حبیبم	بیا بیا
بین من فقیرم	به عشقت اسیرم	به زلفت اسیرم	بیا بیا
بگو تا بمیرم			بیا بیا

«مهتاب» (۱)

کجایی ای تمام آرزویم
شب و روزم به یادت می‌شود طی
بی تو عمر را حاصل نباشد
بهشت من تویی ای دلبر من
ز هجران و فراق بی قرارم
کنارم هستی و دورم زیادت
ز تو لطف است و از ما بی حیایی
بترسم این جدایی دور گردد
تو را نادیده، بنده هر دو چشمان
به ماه روی تو دل بسته دیده
طواف روی تو بنموده خورشید
بیا ای چشمه نور جهان تاب
نظر کن گوشه چشمی حال ما را
بیا ای دلربای فاطمیون
جنون هجر تو بر جان اثر کرد
غم عشقت به دلها چون کمنداست
زمین و آسمانها در دعایت
چو سازد بلبلی با نغمه آواز
به روح و جان هستی همچو جانی

بیا ای مسنهای جستجویم
سپر شد عمر من پس می‌رسی کئی
بهشتم بی رُخت کامل نباشد
چه خوش باشد بیایی در بر من
به دل داغ غم هجر تو دارم
تو با مایی و مهجورم زیادت
ز تو وصل و زما هر دم جدایی
مرا این آرزو در گور گردد
بدون دیدن رویت دهم جان
که چشمی چون تو مهتابی ندیده
که بخشی پرتوی ای نور جاوید
که گردد مات تو خورشید و مهتاب
بیا ای یوسف زیبای زهرا
که از هجر تو عالم گشته مجنون
جهان را یکسره بی برگ و بر کرد
دو دست عالمی سویت بلنداست
کند هر ذره‌ای از جان صدایت
ندایت می‌کند هر غنچه ناز
تو تنها یاور غم دیدگانی

یگانه صاحب دل‌ها تو هستی
که از بویت صفا آید به محفل
تو را دارد طلب ای یار محبوب
دو چشم تار ما روشن نماید
نشستم با امیدت بر سر راه
گدایی که تو را هر لحظه خوانده
ندای هر دل بشکسته‌ای تو
بیا مهدی زهرا جان نرگس

تو با مه‌رت به کنج دل نشستی
بیا ای یوسف محبوب هر دل
دو چشم خسته عالم چو یعقوب
که شاید بوی پیراهن بیاید
پیامت با صبا گفتم سحرگاه
نظر کن بر من در راه مانده
صدای جان هر دل خسته‌ای تو
تو را دارد نوا لبها به مجلس

«بی نشان» (۱)

ای یوسف فاطمه، نور چشم همه، می‌کنم زمزمه، گل نرگس بیا
دیدن رویت شد آرزویم
وصل تو پایان جستجویم
هر چه دارم ندارم ریزم بر پایت

تا نشانم دهی ای بی نشان جایت (یوسف زهرا بیا) (۲)

گل نرگس یا مهدی یا مهدی جانم (۲) یوسف زهرا بیا (۲)
ای، بی نشان یار من، یاور و دلدار من، چاره کار من، گل نرگس بیا
بی تو درد من درمان ندارد
پیکرم بی یادت جان ندارد
گفته بودی دعای فرج را خوانیم

روز و شب بر انتظار تو می‌مانیم (یوسف زهرا بیا) (۲)

گل نرگس یا مهدی یا مهدی جانم (۲) یوسف زهرا بیا (۲)

ای، نور چشمان من، اشک ریزان من، هستی و جان من، گل نرگس بیا
بی تو از هجرانت بی قرارم جز تمنّایت حرفی ندارم

یوسف زهرا بیا بیمار توام

تا قیامت تشنه‌ی دیدار توام (یوسف زهرا بیا) (۲)

گل نرگس یا مهدی یا مهدی جانم (۲) یوسف زهرا بیا (۲)

«مرا دعا کن»

امید من در میخانه واکن	مرا هم بهر می‌نوشی صدا کن
چو جام می‌به دست خویش‌گیری	نگاهی به من بی دست و پا کن
چو میخواران به پیش حق نشینم	مرا در خدمت آنها جدا کن
مرا اندر مناجات سحرگه	میان یک قنوت خود دعا کن
نماز من سلام تو مست آری	مرا مشغول صحبت با خدا کن
منم ممنون این دردی که دارم	ولی دیگر بس است این را دوا کن
حلالم کن ندیدی خوبی از من	بیا یکبار دیگر هم وفا کن
نیستم آماده بهر رفتن اما	مرا با رفتنم حاجت روا کن

«در جستجوی گل»

گلی گم کرده‌ام می‌جویم او را	به هر گل می‌رسم می‌بویم او را
به امیدی که باشد او گل من	کند سر سبز این پژمرده گلشن
گل من نی بود این و نه آن است	گل من مهدی صاحب زمان است
دلم اندر هواش می‌زند پر	شرر افکنده بر جانم چو آذر
خوش آن روزی که بینم روی او را	رخ مه طلعت دلجوی او را

<p>خوش آن روزی که باشم یاور او خوش آن روزی که من پروانه باشم خوش آن روزی که من بر عهد دیرین الا ای گل کجایی جان فدایت الا محبوب من تا کی جدایی ز درد انتظارت جان به لب شد بسی مردند و رفتند از فراق ندارم آرزویی جز وصال چه باشد آرزویم را بر آری</p>	<p>به مانند گدایان بر در او فدای آن گل یکدانه باشم نثار او کنم این جان شیرین چه باشد گر که گردم خاک پایت به قربانت شوم برگو کجایی تن افسرده ام در تاب و تب شد ندیدند در جهان آن روی ماهت نباشد در دل من جز خیالت مرا اندر حریم خود در آری</p>
---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

«مرا صدا کن»

<p>خسته ام من و نگاه کن آقا جون من کیم بخوام تو رو صدا کنم تو که آبرو داری پیش خدا تو عزیز علی و فاطمه ای عشقمو، صفا مو مدیون توام تو بگو خدا منو ردم مکن</p>	<p>حاجت منو روا کن آقا جون تو بیا منو صدا کن آقا جون فکری هم به حال ما کن آقا جون یه شبی منو دعا کن آقا جون تو بیا بازم وفا کن آقا جون ما رو با اون آشنا کن آقا جون</p>
-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

«پور عمران»

<p>کیست مهدی یاور مظلومها کیست مهدی کعبه یار همه کیست مهدی زخم دل را التیام</p>	<p>کیست مهدی نور مهر و ماهها کیست مهدی آرزوی فاطمه کیست مهدی آخرین مرد قیام</p>
-----------------------------------------------------------------------------------------	-----------------------------------------------------------------------------------------

کیست مهدی همه خلق نشناخته	نادیده بر او دل باخته
کیست مهدی نور انوار خداست	کیست مهدی انبیاء را مبتداست
کیست مهدی افتخار لم یزل	خوانده، ختم اوصیا شد از ازل
کیست مهدی یاور مظلومها	کیست مهدی حامی محرومها
کیست مهدی پور عمران بنده اش	جان صد عیسی بن مریم مرده اش
کیست مهدی حجت ثانی عشر	کیست مهدی منجی کل بشر
سینه‌ی ظالم نشانه تیر او	تکیه مظلوم بر شمشیر او

«مناجات با امام زمان»

همه صبح روز جمعه دل من بهانه گیرد
 ز جمال پر فروغت همه جانشانه گیرد
 چه خوش است حال مرغی که به روی شاخه گل
 به هوای ماه رویت دم عاشقانه گیرد
 دل من چسان کبوتر، چه کبوتر آن کبوتر
 که فقط به روی بام حرم تو لانه گیرد
 بنگر که آتش غم ز فراق تو دمام
 ز کویر سینه من به فلک زیانه گیرد

«روز آدینه»

چون که شود روز جمعه دل نگرانیم	منتظر مقدم امام زمانیم
جمع شویم و دعای ندبه بخوانیم	تا که شود آشکار آن شه خوبان
ما همه یعقوب وار دیده به راهت	منتظر دیدن جمال چو ماهت
این غم و افسردگی و رنج و نقاهت	گشته پدید از فراق ای مه تابان

« آرزوی وصال »^(۱)

دور از حریم وصلت گل رنگ و بو ندارد
سرچشمه طراوت آبی و جو ندارد
در آتش فراق دیگر نمانده طاقت
جز دیدن جمالت دل آرزو ندارد
بی اشک حسرت تو هرگز مباد چشمی
این اشک اگر نباشد کس آبرو ندارد
ای جلوه گاه قرآن ای چلچراغ ایمان
حیف از تو گر برد نام آنکس وضو ندارد
از عشق من به هر جا در شهر گفتگو است
من عاشق تو هستم این گفتگو ندارد
راه وصال بستی با دیگران نشستی
رو کن به هر که خواهی گل پشت و رو ندارد

« تویی بهشت من »^(۲)

اگر چو لاله دل داغدار دارم من ز داغ هجر تو بر تن شرار دارم من
شبی که یاد تو در خاطر گل افشاند هزار خرمن گل در کنار دارم من
یابن الحسن (۲)
تویی بهشت من و تا تو با منی ای دوست دگر به روضه رضوان چکار دارم من
از آستان لطفت بگو نرانندم کجا روم به خدا با تو کار دارم من
یابن الحسن (۲)

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَقْدَمُ الْمَأْمُولُ

سلام بر تو ای مقدم و پیشوای مورد امید (همه عالم)

«یار من»^(۱)

کی شود درد ما دوا گردد
مهدی صاحب زمان آید
بگشاید لبش بهر سخن
ذوالفقارش چو برکشد ز میان
ای امام زمان تو یار منی
رهبان و سرور و نگار منی

یابن الحسن، یابن الحسن

رهبان با وفای ما مهدی
آن امامی که مادرش بزدند
سرور با صفای ما مهدی
آن که در روز عزت و شوکت
بین بازار و کوچه‌ها مهدی
آن امامی که جد او کشتند
می‌زند خصم بی حیا مهدی
در بیابان کربلا مهدی

یابن الحسن، یابن الحسن

دوست دارم نجات کنم تو هم منو نگاه کنی
دوست دارم صدات کنم تو هم منو صدا کنی
به جون حسینی که هر دو تاملون دوشش داریم
دوست دارم صدات کنم تو هم منو صدا کنی
به خوبان سر می‌زنی مگر بدا دل ندارن
یک سر هم به من بزن ای خوب خوبان آقا جون

یابن الحسن، یابن الحسن

«امیر مهربان»

گل نرگس، گل نرگس، مهربون من کجایی
 منتظر نشستهام من، که تو از سفر بیایی
 تموم درای عالم، بر روی این خسته بسته
 نیگا کن از غم دوریت، دل من زار و شکسته
 تو امیری تو امیری، مهربونی مهربونی
 چه می شه ز ره بیایی، تا ابد پیشم بمونی
 مهربونم مهربونم، خیمه تو بده نشونم
 تو قنوت هر نمازم، واسه تو دعا می خونم
 توی آسمون قلبم، تو فقط هستی ستاره
 دل من با خلق دنیا، به خدا کاری نداره
 نه فقط زبون و لبهام، ذکر نامتو می خونه
 ضربان قلب زارم، مهدی صاحب زمونه
 خوب می دونم مهربونم، که ندارم هیچ لیاقت
 آقا جون مریض عشقم، منتظرم بیایی عیادت
 دل خسته و غریبم، به عشقت آقا اسیرم
 اگه لطف تونباشه، یه گوشه آروم می میرم

«درد دل»

کی می شه من به وصالت برسم	آقا جون گوش بده تا برات بگم
من می خوام به کوی تو سفر کنم	من می خوام زغیر تو حذر کنم
توی مجلس خودت می کشونی	این تویی که دلمو می لرزونی

« کی می یایی »

گل خیمه نشینم کی می یایی	حبیب نازنینم کی می یایی
رفیق مه جبینم کی می یایی	بیا تا عمرها رونق بگیرد
به یاد روی تو دل را شکستن	خوشا مانند تو احرام بستن
بیابد اذن یک لحظه نشستن	خوشا آنکه میان خیمه تو
به غیر از امر تو فرمان نبردن	خوشا دل را به دست تو سپردن
ز مشک آب زمزم آب خوردن	طواف کعبه کردن همره تو
سراپا درد باشم ای حبیبم	خوشا دور سرت گردم جبینم

« افکار دل »

هوای دیدن دلدار دارد	دلم امشب هوای یار دارد
به صحرای جنون افکار دارد	دل مجنون و سرگردانم امشب
دلم با اشک و ناله کار دارد	به عشق یک تبسم بر لب یار
که یک سربرهزاران دار، دارد	چه خوش آنکس به راه عشقبازی
به روز بی کسی غمخوار دارد	هر آن دل را که دارد توشه عشق
دلی پردرد و چشمی زار دارد	گل نرگس که از داغ گل یاس
که از غم دیده‌ای خونبار دارد	به باغ یاس هر شب می نشیند

« بیا مهدی »

مرا با دیدنت حاجت رواکن	بیا مهدی بیا دردم دواکن
بیا تا دست خالی بر نگردم	بیا مهدی بیا دورت بگردم

بیا مهدی ببینم امشب را بیا امشب کمک کن زینت را
سحر خیز مدینه کی می یایی، امید بی قرینه کی می یایی، عزیزم مادرت چشم انتظاره،
شفای زخم سینه کی می یایی، گل زهرا فدای گریه هایت، به قربون پر شال عزایت،
الهی من نباشم تا ببینم، که می لرزه ز گریه شونه هایت

«راز خدا»

الا که راز خدایی خدا کند که بیایی
تو نور غیب نمایی خدا کند که بیایی
شب فراق تو جانا خدا کند که سرآید
الا که هستی مایی خدا کند که بیایی
چو از خداست وجودت ثبات دهر ز جودت
نه جایی و همه جایی خدا کند که بیایی
به گفتگوی تو دنیا به جستجوی تو دلها
تو روح سعی و صفایی خدا کند که بیایی
بهر دعا که توانم ترا همیشه بخوانم
الا که روح دعایی خدا کند که بیایی
نظام هر دو جهانی امام عصر زمانی
یگانه راهنمایی خدا کند که بیایی

«روشنی دل»

تا کسی را به سرکوی تو راهش ندهند
گریه و سوز دل و ناله و آهش ندهند
روشنی نیست به چشم و دل بی چشم دلی
کز شب لطف تو تا روز سیاهش ندهند

کواطاعت اگر آرد به قیامت ظاهر
بی تولای تو حتی پرکاهش ندهند
به غلامی که زکویت به رخت مانده قسم
هر که خاک تو نشد عزت و جاهش ندهند

«وعده دیدار»^(۱)

به هوای تو نگارا، ز پی وصل تو یارا شده ام راهی صحرا، ز پی جام طهورا
کرمی کن دل ما را، گل زهرا گل زهرا
بنما عاشق و مستم، که دگر از همه رستم
دل خود را به تو بستم، همه جا عبد تو هستم
ز فراق تو شکستم، گل زهرا گل زهرا
تو امید همه هستی، به جهان قائم هستی
به غمم خاتمه هستی، به لبم زمزمه هستی
تو گل فاطمه هستی، گل زهرا گل زهرا
قسمت می دهم ای یار، به همان بسترو بیمار
غم بین درودیوار، خون آن سینه و مسمار
بده یک وعده دیدار، گل زهرا گل زهرا
گل بی مثل و قرینه، به همان ضربه کینه به همان آتش و سینه، به غم مام حزینه
ای عزادار مدینه، گل زهرا گل زهرا

«پادشاه خوبان»

ای پادشاه خوبان داد از غم تنهایی
دل بی تو به جان آمد وقتست که بازایی

دایم گل این بستان شاداب نمی ماند
دریاب ضعیفان را در وقت توانایی
دیشب گله‌ی زلفش با باد همی کردم
گفتا غلطی بگذر زین فکرت سودایی
صد باد صبا اینجا با سلسله می رقصند
اینست حریف ای دل تا باد نپیمایی
مشتاقی و مهجوری دور از تو چنانم کرد
کز دست بخواهد شد پایان شکیبایی
یارب به که شاید گفت این نکته که در عالم
رخساره به کس ننمود آن شاهد هر جایی
ساقی چمن و گل را بی روی تو رنگی نیست
شمشاد خرامان کن تا باغ بیارایی
ای درد توام درمان در بستر ناکامی
وی یاد توام مونس در گوشه تنهایی
در دایره‌ی قسمت ما نقطه‌ی تسلیمیم
لطف آنچه تو اندیشی حکم آنچه تو فرمایی
فکر خود و رای خود در عالم رندی نیست
کفرست در این مذهب خودبینی و خودرانی
زین دایره‌ی میناخونین جگرم می ده
تا حل کنم این مشکل در ساغر مینایی
حافظ شب هجران شد بوی خوش وصل آید
شادیت مبارک باد ای عاشق شیدایی

«گل بی خار»

وی شمع فروزان شب تار کجایی
وی وارث پیغمبر مختار کجایی
ای آنکه تویی مونس و غمخوار کجایی
هستیم همه طالب دیدار کجایی
جان و سرخود بهر تو ایثار کجایی
بنیان کن بنیاد ستمکار کجایی
ای گلشن دین را گل بی خار کجایی
چون منتظران تو دل افگار کجایی

ای روشنی دیده ی احرار کجایی
ای دسته گل سرسبد باغ رسالت
بر مردم محروم و ستمدیده و رنجور
جانها به لب آمد ز فراق رخ ماهت
ای مهدی موعود بیا تا که نمایم
ای منتقم خون شهیدان ره حق
گلشن شود از مقدم تو صحنه گیتی
شد (حافظی) از دوری روی تو دمام

«پور حیدر»^(۱)

ببینم روی تو یکبار دیگر
مرا با دیدنت حاجت روا کن
بیا تا دست خالی برنگردم
دلم دیوانه بود دیوانه تر شد
دعایی بهر من وقت سحر کن
بیا یابن الحسن ای مهربونم
روم نزد شهیدان خدایی
بیا تا پیش پای تو بمیرم
به دیدارت مرا بنما موفق
بسوزد دلنوایت راه خود طی
به یاد تو به دامنم رسیده
گشا پرده ز رخسار نکویت
یقین دارم که باشی در کنارم
که بر هر دیده رویت دیدنی نیست

بیا یابن الحسن ای پور حیدر
بیا مهدی بیا دردم دوا کن
بیا مهدی بیا دورت بگردم
از آن فیضی که در وقت سحر شد
بیا به عاشق جاهل نظر کن
بیا مولای من دردت به جونم
اگر پرونده ام امضاء نمایی
حبیب من به عشق تو اسیرم
بیا مهدی بیا ای جلوه ی حق
ز هجران رخت تا چند و تا کی
بود این سوز دل از راه دیده
تو که بستی دلم بر تار مویت
اگر چه پیش تو مولا چو خارم
مگر انوار نور روی تو چیست

«یار سفر کرده»

هر شبی گویم که فردا یارم آید از سفر
 چونکه فردا می شود گویم که فردای دگر
 آن قدر امروز و فردا انتظارت می کشم
 که عاقبت روز فراق یار من آید به سر
 من به امید وصالش زنده ماندم تاکنون
 به چه خوش آندم که باز آید نگارم از سفر
 گر بیاید بوسه بر خاک کف پایش زخم
 تا نماید لحظه ای بر حال زار من نظر
 من که می دانم بیاید آخر آن دلدار من
 لیک می ترسم نباشد آن زمان از من اثر
 گر سر راهش بمیرم نیست غم ای دل مرا
 زنده می گردم چو او بنماید از قبرم گذر
 گر بیاید روزگار تیره ام روشن شود
 شام هجران می شود از وصل روی او سحر

«صاحب علم»

ای خوش قدم فاطمه، ای مهدی زهرا	صاحب علم فاطمه، ای مهدی زهرا
ناز قدمت خون دل از دیده بریزد	ای جام جم فاطمه، ای مهدی زهرا
ای دسته گل آل علی شد گل رویت	نقش قلم فاطمه، ای مهدی زهرا
ای آنکه ز سر تا قدمت هست شبیه	سرتا قدم فاطمه، ای مهدی زهرا
ای آنکه ز قنداقه بود قلب قشنگت	دریای غم فاطمه، ای مهدی زهرا
ای سلسله موی پریشان تو مانده	در پیچ و خم فاطمه ای مهدی زهرا
ای آنکه به دستان کریم تو بریزد	جود و کرم فاطمه ای مهدی زهرا

ای زائر تنها و سحر خیز مدینه
 بر دوش دلت می‌کشی یک عمر تو تنها
 گنج حرم فاطمه، ای مهدی زهرا
 رنج و الم فاطمه، ای مهدی زهرا
 خوردی قسم فاطمه‌ای مهدی زهرا

باز آ و بر آن بازوی زهرا مددی کن

ای منتقم فاطمه‌ای مهدی زهرا

«زیبا پسر»

ای آنکه ز احوال دلم باخبری
 عمری به سر راه تو من منتظرم
 ای خاتم اوصیاء احمد مهدی
 ای آیینه تمام نمای زهرا
 ای آنکه بود دیدن رویت مشکل
 زیبا رخ تو بود جمال احدی
 جلوه‌ی روی تو دیدن دارد
 مرغ دل ناله کنان می‌گوید
 همچو آهوی، به صحرای ختن
 بهر دیدار تو مولای عزیز
 هر که بیند رخ نورانی تو
 جان دهد هر که برای نگهت
 همچو شمعی به سرای حرمت
 کربلا گفت در آغوش پدر
 عمه ات دریم خون گفت حسین
 آخر به دل شکسته‌ام کن نظری
 بر دیده قدم نه، ز سرم‌کن‌گذری
 زیبا پسر آل محمد (ص) مهدی
 فریاد برس، ولی سرمد مهدی
 عالم همه زشتند و توتنها خوشگل
 در پیش رخت جهان بماند در دل
 طرفه کسوی تو، دویدن دارد
 در هوای تو پریدن دارد
 در کنار تو چریدن دارد
 به خدا دل چه تپیدن دارد
 سر انگشت گزیدن دارد
 بفروش، چون که خریدن دارد
 اشک از دیده چکیدن دارد
 نوک پیکان چه مکیدن دارد
 بوسه از حلق تو چیدن دارد

صوت قرآن حجازی تو را از نوک نیزه شنیدن دارد
بر سر چوبه‌ی محمل زد و گفت خونم از نساقه چکیدن دارد
به خدا بار غمت را همه جا
پای عشق تو کشیدن دارد

«انتظار»

می‌کشم بر دوش عمری کوله بار انتظار
کی بی پایان خواهد آمد روزگار انتظار
شهر را ما با چراغ لاله روشن کرده‌ایم
تا که روزی بگذری از لاله زار انتظار
تا به کی در پرده پنهانی ز چشم مردمان
گوشه چشمی نما ای پرده دار انتظار
کی شود ای آفتاب حُسن از چشم دلم
با ظهور خویشتن شویی غبار انتظار
چشمه‌ی چشمم بشوید آستانش روز و شب
تا قدم بر دیده بگذارد نگار انتظار
تا به کی در انتظارت سیل اشکم بی قرار
بگذرد با صد امید از آستان انتظار
نال کردم بلکه با یاد تو ای محبوب حق
می‌رسد آخر به پایان روزگار انتظار

«یابن طاها»

یابن طاها، یابن یاسین، یابن نور کی شود از کعبه بنمایی ظهور
یابن طاها کی ز یمن مقدمت می‌شود چشم عدویت جمله کوز

یابن طاها، یابن حیدر یا حبیب
یابن طاها ای امید زندگی
شکر حق با غصهات خو کرده‌ام
کی شود وقت نماز نافله
التماس می‌کنم بهر دعا
من نیم آگه چه حالی می‌شوی
کن دلم از نور زهرا غرق نور
دفعه‌ای از قلب ما بنما عبور
با غمت دل می‌شود غرق سرور
تزد تو یابم سحر فیض حضور
ای سلیمانای نگاهی کن به مور
چون کنی پرونده‌ی ما را مرور

«روح بلند»

دلم به روح بلندت سلام خواهد کرد
به گل، به خاطر تو احترام خواهد کرد
به شوق گوشه‌ی چشمی پس از سلام نماز
به یاد گمشده‌ی خود سلام خواهد کرد
برای آنکه تماشا کند ظهور تو را
نظر به جانب بیت الحرام خواهد کرد
بیا که چشم گنه انتظار من هر شب
سرور و شادی دل را حرام خواهد کرد

«هوای دوست»

اگر سرم برود بر سر وفایت دوست
ز سر برون نرود هرگز هوایت دوست
به خاک پای شما کان زمان که خاک شوم
هنوز بر نکنم دل ز خاک پایت دوست
چو مرغ جان من از آشیان هواگیرد
کند نزول به خاک در سرایت دوست

در آن زمان که روند از قفای تابوتم
 بود مرا دل سرگشته در وقایت دوست
 که را به جای شما در جهان توانم دید
 چرا که نیست مرا هیچ کس به جاییت دوست

« کیستم... »

کیستم من ای که در هر روز و شب	می‌کنی از حق ظهورم را طلب
کیستم من دین‌ی آیا روی من	یا مشامت حس نموده بوی من
کیستم من غرق احسان منی	میهمان عمری سر خوان منی
کیستم من عاشق دیوانه‌ام	کو نشانی تو از میخانه‌ام
کیستم من لاف عشقم می‌زنی	نام من بر لوح قلبت می‌کنی
کیستم من می‌کنی گه یاد من	گه بسوزانی دل ناشاد من
کیستم من که تویی در کوی من	گه خنجر می‌کشی بر روی من
کیستم من قدر من نشناختی	آمدی اندر حریمم ساختی
کیستم من ای به حقم ناسپاس	با تو هستم ای همیشه ناسپاس
بارها دیدی مرا نشناختی	بارها در غصه‌ام انداختی
بارها دیدم تو را کردم سلام	تو جواب من ندادی یک کلام
بارها دیدم گنهکاری تو	گریه کردم بر تبه‌کاری تو
بارها شد بر تو کردم التماس	با عدوی من چرا داری تماس
بارها جاییت خجل گردیده‌ام	شرمسار و منفعل گردیده‌ام
بارها با هر گناه و هر بدی	آمدی بر روی من سیلی زدی
بس کنم دیگر من این گفت و شنود	عقده بود و در گلویم مانده بود
هرچه بود ایام آن دوران گذشت	هرچه کردی هرچه بودی آن گذشت
حالیا، از نو عمل آغاز کن	باب عشق دیگری را باز کن

روزی و شب ما را بود فکر فرج	نیستی تنها تو در فکر فرج
این دل ما هم به تو مایل بود	عشق یک سو، یک یقین، باطل بود
مهرورزی از سوی ما، ابتدا	دوستی باشد اگر از غیر ما
ما به تو شوق شهادت داده‌ایم	ما به تو عشق و محبت داده‌ایم
ما قبای عشق بهرت دوختیم	ما به تو هجران و وصل آموختیم
در دلت شور و صفا انداختیم	ما به قلبت مهر را انداختیم
ما برای خود جدایت کرده‌ایم	ما تو را اول صدایت کرده‌ایم
داغ عشق خویش بر دستت زدیم	ما به نام خویش در بستت زدیم
ما تو را مشمول احسان می‌کنیم	ما تو را خندان و گریان می‌کنیم
ما تو را با هر بدی هم می‌خریم	ما تو را این سو و آن سو می‌بریم
بر تو از جام شهادت می‌دهیم	ما به تو آخر سعادت می‌دهیم
در قیامت کی ره‌ایت می‌کنیم	ما که هر کاری برایت می‌کنیم

«سروناز»

خال زیبای جمال دلربایت را بنازم
 بوی عطر جانفزای خاک پایت را بنازم
 گرچه سروناز، نازد و برقد و بالای نازش
 سرونازم نازکن نازهایت را بنازم
 دردمندم از فراق ای طیب دردمندان
 هم غم درد فراق و هم دوایت را بنازم
 ای صفای هر مصفا مهدی زیبای زهرا
 از صفای قلب می‌گویم صفایت را بنازم
 کربلا بارد چو باران بر سرم در راه جانان
 فاش می‌گویم حبیبیا من بلایت را بنازم

من گدایم برگدایان گدایت
عزت و جاه و جلال هر گدایت را بنازم
«هاشمی» را از عنایت بر سر کویت صداکن
غنچه لب را شکوفا کن صدایت را بنازم

«دارالشفای»

کی کنی زخسار او را آشکارا ای خدا
شاد فرمابا ظهورش قلب ما را ای خدا
ماه نور افشان بود در آسمان هر شب ولی
تا به کی مخفی است آن ماه دل آرا ای خدا
مشکلات توده‌ها بسیار و او مشکل گشاست
لطف کن بفرست این مشکل را ای خدا
پرچم نصر من الله کی شود در اهتزاز
با ظهورش باز فرما کار
در میان خلق کی آید که بگذاری وسط
تخت سلطان همایون قضا را ای خدا
این جهان ظلمت سرایی بیشتر نبود، به او
روشنایی بخش این ظلمت سرا را ای خدا
جرم ما حایل بود ما بین ما و حضرتش
عفو کن از لطف آن جرم و خطا را ای خدا
مبتلا هستم به درد انتظار او، منه
بی نصیب از دیدنش این مبتلا را ای خدا
یک دوی خاص درمان مرضها می‌کند
در ظهور او نهادی آن دوا را ای خدا

عدل را با مقدم او پهن کن روی زمین
جمع کن دیگر بساط ظلمها را ای خدا
رونق بازها کذب است و کالاهای ریا
کسی کنی تعطیل دگان ریا را ای خدا
کی بود راضی "بما یرضی به" صاحب زمان
در کنار، آنکس که نگذارد هوی را ای خدا
بر رضایش تا شوم راضی به جان کن قسمتم
نعمت تصدیق و تسلیم و رضا را ای خدا
از کف و هائیان دیگر در آر
مروه و بیت و صفا، رکن و منی را ای خدا
زودتر با آن یدالله فوق ایدیهم بگیر
حق مغضوب علی شیر خدا را ای خدا
انتقام از دشمنان می گیرد و پاسخ دهد
ناله‌ی زهرا و آه مجتبی را ای خدا
باید پر قدرت مولا امام عصر گیر
انتقام خامس آل عبا را ای خدا
لطف فرما لا اقل یکبار اندر محضرش
کن مقدر بهر ما هم کربلا را ای خدا
رهنمای ما نهان از دیده‌ها مان تا به کی
لطف کن دیگر رسان این رهنما را ای خدا
مجلسش دارالشفا هست و زما مرضای هجر
هان نگر امثال این دارالشفا را ای خدا
این فضا نورانی از نام دل آرایش بود
عطر آگین کن زبویش این فضا را ای خدا

با ظهور حجة ابن العسگری روحی فداه

شاد کن دیگر قلوب اولیاء را ای خدا

«ملتجی» باشد گدایی از گدایان درش

از درش بیرون مفرما این گدا را ای خدا

«آرامش من»

من از غم هجر تو غمینم
در خیمه کنار تو نشینم
خوش آندل من گدا کن
وقتش نشد دگر بیایی
یک بوسه ز پای تو بچینم
آرامش من در اضطرابم
عمریست غمت به دل نشسته
با عیب دل من آشنایی
از نام تو می‌کنم جدایی
لطفی تو نما به التماسم
مانند حسین حبیب زینب
او مضطر و تو مجیب زینب
مادر ز غم تو بی قرار است

ای راهنمای عشق و دینم
یکبار نشد تو را ببینم
یکبار بیا مرا صدا کن
ای رحمت واسعه کجایی
برگرد جمال تو ببینم
برگرد که معرفت بیابم
ای گمشده دل شکسته
با خواستنت شود خدایی
جز این نبود مرا خطایی
برگرد که من تو را شناسم
ای آرزوی غریب زینب
نام تو بود طبیب زینب
برگرد که او در انتظار است

«آشنای دل»

ای که با دل آشنایی، گشته کارت دلربایی

روز و شب در قلب مایی، باصفا و مهلقایی

جان فدای روی ماهت، ای که با چشم سیاهت
 هر زمان با یک نگاهت می نمایی دلربایی
 نقش هر دل با خیالت، گشته تصویر جمالت
 وصف روی بی مثال کرده دلها را هوایی
 در هوایت مرغ جانم، می برد تا بی نشانم
 خود بیا ای مهربانم، کن دلم را کیمیایی
 کیمیای یک نگاهت، سوی عبد پُر گناحت
 می کشد دل را به راهت، چون شهیدان خدایی
 هر شهید کربلایی، کشته دشت بلایی
 با تو دارد آشنایی، در رهت گشته فدایی
 سر به زانویت گذارد، در کنارت جان سپارد
 خون پاکش شکوه دارد، یابن الزهرا کی بیایی

« کی می آیی؟ »

یا امام زمان کی می آیی	یا امام زمان من غریبم
یا امام زمان کن عنایت	صاحب قلب من کی می آیی
قلب سرد مرا آتشین کن	تو مزنی ای حبیباً به سنگم
کی روی پای تو سرگذارم	یار دلخستگان یابن الزهرا
گر بدم آشنای حسینم	نام تو بر لبم یابن الزهرا
یا بن الزهرا امان از جدایی	یا امام زمان ای حبیبم
کی بر آید ز کعبه صدایت	حجة ابن الحسن در کجایی
با شهیدان مرا همنشین کن	من بسیجی دوران جنگم
روی تو بینم و جان سپارم	سیدی الامان یابن الزهرا
عاشق کربلای حسینم	من علی مذهبم یابن الزهرا

بر مشام رسان بوی مهدی
مست عشق امام زمانم
در پی کوچه هر سو دویدن

ای صبا از سر کوی مهدی
گشته سرتاسر جسم و جانم
تا به کی بار هجران کشیدن

«توسل به امام زمان (عج)»

به آن نوای سحرگایت صدایم کن
بیا و زیر قدومت تو خاک پایم کن
همیشه با نفس خویش مبتلایم کن
بیا و اذن سفر را دگر عطایم کن
بخوان و محرم اسرار هل اتایم کن
بیا گدای گدایان مرتضایم کن
به شکر فیض زیارت کمی دعایم کن

بیا و خرج سفر تا خدا عطایم کن
به انتظار تو هستم چرا نمی آیی
گلم ز توست که درد تو در دلم باشد
هر آنکه همسفرم شد رُخ تو دید و برفت
فدای خواندن قرآن تو که زهرایی است
مقام سائل این در مقام محمود است
چو زائر گل یاس کبود می گردی

«خطر فتنه»

عنایتی کن و ما را دعا کن ای مولا
نصیب ما همه فیض لقا کن ای مولا
مرا ز قید تعلق رها کن ای مولا
رهایم از خطر فتنه ها کن ای مولا
جواز نوکریت را عطا کن ای مولا
ظهور خود طلب از کبریا کن ای مولا
به "ملتجی" درت اعتنا کن ای مولا

دل گرفته ای ما را تو واکن ای مولا
زدیدن رُخ ماه تو تا به کی محروم
برای آنکه به سوی تو بال بگشایم
ز هر طرف خطر فتنه ام کند تهدید
بیا و از کرم و لطف خود بما ای شه
برای آنکه تفقد کنی به عشاق
به باب درگه لطفت کنیم دق الباب

«محراب جان»

هر چشمی بود قابل که بیند روی نیکویت
نه هر گوش است لایق بشنود آن صوت دلجویت
هر دستی سزاوار است گیرد دامن لطف
نه هر پا را بود یارا که آید بر سر کویت
من بیچاره تر نبود در این عالم اگر هرگز
دو گوشم نشنود صوتت، دو چشم ننگرد رویت
رای خویشان هر کس اگر بگزیده محرابی
بود محراب جان ما، هلال طاق ابرویت
ه تنها عروة الوثقی خیل اولایی تو
بود حبل المتین انبیا هم تاری از مویت
صفا کی قلوب عاشقان گردد ز دیدارت
معطر کی مشام ما شود از رشحه‌ی بویت
هر نومیدم از اعمال زشت خود یقین دارم
تو می‌بخشی مرا، ای عفو و احسان عادت و خویت
یا بن الحسن (عج) ای ملجاء عشاق مفتونت
همیشه ملتجی چشم تمنایش بود سویت

اللهم أعنا على الاجتهاد في طاعته و اجتناب معصيته...

خدایا ما را در کوشش برای اطاعتش و دوری از معصیتش یاری فرما.

صبح جمعه»

شده صبح جمعه من و تو دل گرفتار

اسیر آن خال هاشمی و مستمند نیمه نگاهت شد

کدامین صحرا تو خیمه زدی تا که آواره سوی آن باشم

گدای دلخسته را بنگر سائل خاک خیمه گاهت شد

اسیر دردم نما مهدی بیابانگردم نما مهدی (یا ابا صالح)

شده صبح جمعه من و تو کی شود یارم ز سفر آیی

سحر خیز کعبه دل من شمع محفل کی ز در آیی

به گرمی دست با کرمت آشنایم کن مبتلایم کن

به پیش چشم گدای غریب می شود آیا جلوه گر آیی

بیا درمان هر دردم الهی دور سرت گردم

شده صبح جمعه من و تو ای نگار دلم با وفا مهدی

دلم خواهد همراه تو شوم تا دیار آل عبا مهدی

بگیری دست مرا ببری تا قدمگاه کربلا امروز

مرا در آن سوز و عشق و وفا با غمت سازی آشنا مهدی

سحر خیز تربت مادر اذان گوی غربت حیدر

«شوق دیدار»^(۱)

جان عالم به فدای قدمت مهدی جان

چشم ما، هست به لطف و کرمت مهدی جان

دو ختم دیده به راه تو که شاید چندی

بزنم بوسه به خاک قدمت مهدی جان

یابن الحسن، یابن الحسن

دیده را دوخته‌ام، به رخت از شوق وصال

تا نشیند به دلم تیر غمت مهدی جان

بسر در خانه خود خیل گذارا بنگر

چشمان هست به جود و کرمت مهدی جان

یابن الحسن، یابن الحسن

« گل فاطمه »^(۱)

زهجران تو هر دم بی قرار بی قرارم به جز دیدار رویت آرزو دیگر ندارم

تویی دارو ندارم، به دل مهر تو دارم

شود آیا گل من، بیایی در کنارم

بیا یک سحر - ببینم مگر - دو چشمان سیاهت

کنارت رسم، خوشا جان دهم، به شوق یک نگاهت

گل فاطمه - فدایت یابن الزهرا

ز هجرت دیده‌ام چون پیر کنعان گشته بی نور

بیا با گوشه چشمی به درمان دل ما

بیا و جلوه‌ای کن میان محفل ما

حبیبم بیا، طیبیم بیا، به بیماریت نظرت کن

تو ای جان ما، به درمان ما، به کوی ما گذر کن

گل فاطمه - فدایت یابن الزهرا

«یاد ماهم باش»^(۱)

ابا صالح التماس دعا هر کجا رفتی یاد ما هم باش
نجف رفتی، کاظمین رفتی، کربلا رفتی، یاد ماهم باش
مدینه رفتی به پابوس قبر پیغمبر، مادرت زهرا
به دیدار قبر مجتبیٰ مخفی از، کوچه‌ها رفتی یاد ماهم باش
ابا صالح التماس دعا (۲)
زیارتنامه که می‌خوانی بر مزار آن تربت خاموش
به دیدار قبر بی شمع مجتبیٰ رفتی یاد ما هم باش
بغل کردی قبر مادر را، جای ما هم او را زیارت کن
به دیدار نینوا رفتی، نینوا رفتی یاد ماهم باش
ابا صالح التماس دعا (۲)
شب جمعه کربلا رفتی یاد ما هم کن، چون زدی بوسه
کنار قبر ابوالفضل باوفا رفتی یاد ماهم باش
بزن بوسه جای ما روی فرقی عباس و اکبر و اصغر
سر قبر قاسم و قبر عمه‌ها رفتی یاد ماهم باش
ابا صالح التماس دعا (۲)
به جای ما هم زیارت کن عمه ات را در کنج ویرانه
برای بوسیدن آن دردانه‌ها رفتی یاد ماهم باش
نماز حاجت که می‌خوانی از برای فرج مسجد کوفه
دعا کردی از برای فرج التماس دعا یاد ماهم باش
شدی مُحرم در مراسم حج، یا منی رفتی یاد ماهم باش
به هر جا رفتی برو مهدی هر کجا رفتی یاد ماهم باش
ابا صالح التماس دعا (۲)

جمکران

اشک دیده، سینه پُر آهم بده
 آبروی این گنهکار را بخر
 من برای پُر خریدن آمدم
 در گلوی بسته فریادم دهی
 آمدم تا دشمنم رسوا کنم
 دست یاری تو ناجی من است
 آسمانم تیره شد، ماهم بده
 تو بیا دیگر نمانده نفسی
 عمق چشمانم پر از دلواپسی

جمکران من آمدم راهم بده
 این دل آلوده را از من بخر
 من به عشق دیدن تو آمدم
 آمدم پرواز را یادم دهی
 آمدم تا درد دل را واکنم
 گوشه‌ی چشم تو منجی من است
 جان زهرا مادرت راهم بده
 بی تو من می‌میرم اینجا بی کسی
 کن نگاهم، شده از هجرانت

«شفای دل»

تمام حرفهایم این کلام است
 تمام آرزویم یک سلام است
 سرود عشق و مستی خوانده بودند
 دلم خواهد که دور تو بگردم
 بسیا بنگر گدای دوره گردم
 بیا یا بن الحسن جانم فدایت
 به قانون شفا مرهم تویی تو
 شفای این دل پر غم تویی تو
 تو دل را آشنای یار کردی
 ولی پنهان چرا رخسار کردی
 هزاران شکوه از نامرد دارم
 دلی سرگشته و شب گسرد دارم
 نبی بی مرتضی معنا ندارد

نبینم گر تو را عمرم خراب است
 بریزد خون من در پیش پایت
 شبی عطر گلی افشانده بودند
 بدون یاد تو هرگز نگردم
 به حال عاشقت اکنون نظر کن
 همه عشاق محتاج دعایت
 به قلب خستگان مانده در راه
 تو بر هر درد بی درمان دوايي
 تو راه بندگی هموار کردی
 به قلب ما فکندی مهر خود را
 گل نرگس هزاران درد دارم
 گل نرگس بسین در جستجویت
 بگسوبا مدعی مولا علی را

علی با عترتش حبل المتین است
ولای مهدی اندر غربت ماست
که بی مهدی ولا معنا ندارد
ولای بی ولا معنا ندارد

« آیه نور »

بر هم زنید یاران این بزم بی صفا را
مجلس صفا ندارد بی یار مجلس آرا
بی شاهی و شمع هرگز مباد جمعی
بی لاله شور نبود مرغان خوش نوا را
بی نغمه‌ی دف و چنگ مطرب به رقص ناید
وجد سماع باید کز سر برد هوارا
بی سر و قد دلجو هرگز مجولب جوی
از دولت سکندر بگذر برو طلب کن
با پای همّت خضر سرچشمه‌ی بقا را
دردست قدرت او لوح قدر زیون است
با کلک همّت او وقعی مده قضا را
ای مصطفی شمایل وی مرتضی فضایل
وی احسن الدلائل یاسین و طا و هارا
ای کعبه‌ی حقیقت، وی قبله‌ی طریقت
رکن یمان ایمن، عین الصّفا صفا را
ای رویت آیه‌ی نور وی نور وادی طور
سرّ حجاب مستور از رویت آشکارا
از سیل فتنه‌ی کفر اسلام تیره گون است
دین مبین زیون است در پنجه‌ی نصارا

ای هر دل از تو خرم پشت و پناه عالم
بنگر دچار صد غم یک مشت بینوا را
ای رحمت الهی دریاب «مفتقر» را
شاها به یک نگاهی بنواز این گدا را

«جویای گل رویت»

عمریست که در هجران میسوزم و میسازم
با این غم بی پایان میسوزم و میسازم
در بزم فراق ای دوست شب تا بسحر دائم
چون شمع سرشک افشان میسوزم میسازم
بی روی تو شد عالم زندان بلا بر من
با محنت این زندان میسوزم میسازم
پویای ره کویت جویای گل رویت
با خار در این بستان میسوزم میسازم
حرمان وصال تو آتش زده بر جانم
با آتش این حرمان میسوزم میسازم
از طعن رقیب آذر دارم به جگر اَمّا
با سرزنش عدوان میسوزم و میسازم
مانند «صغیر» از دل آهم شرر انگیزد
با این نفس سوزان میسوزم و میسازم

«ای صنم»

تا دل آشفته‌ام شیفته روی تست
هر طرفی رو کنم روی دلم سوی تست

به گرد بیت الحرام طواف بر من حرام

ای صنم خوش خرام کعبه من کوی تست

نافه مشک ختن گر طلبم من خطاست

مشک من و عود من موی تو و بوی تست

زنده لعل لب خضر و نباشد عجب

چشمه آب حیات قطره‌ای از جوی تست

سوز و گداز جهان از غم غمّا زیت

راز و نیاز همه در خم ابروی تست

طائفه‌ای مست می، مست هوا فرقه‌ای

«مفتقر بینوا مست هیاهوی تست

«صفا و مروه»

صفا و مروه و زمزم تویی تو

به قانون شفا مرهم تویی تو

تسلای دل پر غم تویی تو

که سر توبه آدم تویی تو

تمامی امامان تویی تو

بیا یابن الحسن جانم فدایت

تو دل را آشنای یار کردی

ولی پنهان چرا رخسار کردی

دلم گوید مرا آزاد کردی

مرا هم نایب دیدار کردی

نگاهی هم تو بر این خار کردی

حریم دوست را محرم تویی تو

به قلب خستگان مانده در راه

تو بر هر درد بی درمان دوایی

همه پیغمبران مدیون لطف

نبی و حیدر و زهرا و زینب

تویی نور مصایح هدایت

تو راه بندگی هموار کردی

به قلب ما فکندی مهر خود را

ببخش این عاشقت گر بی ادب شد

چه می‌گردد شبی با نیم نگاهت

گل زیبای نرجس کی ببینم

گل نرجس هزاران درد داریم
 گل نرگس به آن خال سیاهت
 گل نرجس بین در جست و جویت
 گل نرجس پر و بالی شکسته
 منم بیمار غربت کو دوایت
 حقیقت جلوهای از روی مهدیست
 طریقت خط اجداد نکویش
 شمیم جنت و عطر ولایت
 کجا دارد دل ما تاب زلفش
 خوشا بر آن بدنها که به جبهه
 دلم دارد از آن گـلها روایت
 همه عالم فدای خاک پایت
 مگو این ناله‌ها معنا ندارد
 بگو با مدعی لولا علی را
 علی با عزتش حبل‌المتین است
 ولای مهدی اندر غربت ماست
 مطیع خامته‌ای نائش شو
 ز خط رهبری بنما عنایت
 ز غمزه‌ای دلم افزون نمودی
 خریداری عشقت سخت باشد
 جوانی و سرآمد شد بهایت
 هزاران بار اگر جانم بگیری

هزاران شکوه از نامرد داریم
 به هجران تو رویی زردم داریم
 دلی سرگشته و شبگرد داریم
 دلی مجروح غم پردرد داریم
 بیا یابن الحسن جانم فدایت
 شریعت نکته‌ای از خوی مهدیست
 ولی خط علی هم سوی مهدیست
 ز کوثر باشد آن بوی مهدیست
 خدا آشفته‌ی گیسوی مهدیست
 هنوز افتاده، اندر کوی مهدی است
 بیا یابن الحسن جانم فدایت
 بیا یابن الحسن جانم فدایت
 مگو این شور ما معنا ندارد
 نبی بی مرتضی معنی ندارد
 که بی مهدی ولا معنا ندارد
 ولای بی ولی ولا معنا ندارد
 مگو این حرفها معنا ندارد
 بیا یابن الحسن جانم فدایت
 شدی لیلی مرا مجنون نمودی
 به طرازی دلم را خون نمودی
 گمان کردی مرا مجنون نمودی
 مرا از لطف خود مرهون نمودی

مرا ای نازنین مدیون نمودی
بیا یابن الحسن جانم فدایت
بخرا این نیمه جان مانده‌ام را
دل از هر کجایی رانده‌ام را
سر شک از بصر افشانده‌ام
بیارید عاشق جامانده‌ام را
بکش در خون، تن و امانده‌ام را

اگر خونم به پای خود بریزی
منم مسکین و محتاج عطایت
نگر این پیکر در مانده‌ام را
پناهی ده وجود خسته‌ام را
به غیر از تو خریداری نباشد
چه می‌گردد شبی گویی تو مهدی
اگر لایق نیاشم بر شهادت

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ وَ دِيَانَ دِينِهِ

سلام و درود بر شما ای درگاه (لطف و رحمت) خدا و حافظ و حاکم بر دین او

بخش چهارم

اشعار و قصائد

السلام...

سلام به مادری که امید دلها را کنار قلب خود جای داد، و وجودش را به
بای او ریخت، تا آخرین ودیعه ولایت را به عالم امکان تحویل داد.

«فضیلت حضرت نرجس خاتون»

از قلب دریا کاروان نور پیدا است
چون مهر تابان کشتی از دور پیدا است
کشتی ولی بر عرشه آن قرص خورشید
هرجا درخشید و درخشید و درخشید
از سینه دریا گریبان چاک می کرد
در آب طی ره به سوی خاک می کرد
کشتی ولیکن دامنش دریایی از نور
نزدیک ساحل می رسد از دور از دور
چشم انتظار استاده بشر ابن سلیمان
گم گشته اش بین کنیزان بود پنهان
می گشت تا گم گشته خود را بجوید
و ز فیض او آئینه دل را بشوید
می کرد فیض فاطمی در خویشتن حس
افتاد ناگه چشم حق جویش به نرجس
از جانب ابن الرضایش نامه ای بود
از شور و شادی در لبش هنگامه ای بود
می داد آن پیغامبر را دل گواهی
کان نامه سرّی بود ز اسرار الهی
نرگس گرفت آن نامه را بر چشم مالید
هی خط آنرا خواند و هی بوسید/بوسید

با رنگ گه افروخته گاهی پریده
 هوش از سرِ بَشر سلیمان کرد پرواز
 نادیده صاحب نامه را بوسیدنت چیست
 چون برگ برگ لاله‌ها بوئیدنت چیست
 ناگه عیان شد بر لبش نقش تبسم
 کاء، پیر پاک باصفای خوش تکلم
 من صاحب این نامه را پیش از تو دیدم
 و از گلشن حسنش هزاران لاله چیدم
 خورشید باشد ذره‌ای از اختر من
 صدیقه کبری است مادر شوهر من
 رنگ خدا دارد رُخ نورانی من
 گل بوسه زهراست بر پیشانی من
 بین کنیزان گرچه می‌دیدى نهانم
 من دختر نیک اختر شاه جهانم
 روزی مرا بر ابن عمم عقد بستند
 در هر طرف انجیل‌ها از هم گشودند
 پس خطبه عقد مرا با هم سرودند
 ناگه زمین لرزید و داماد نگوینخت
 من غافل از بخت سعید خویش بودم
 زین ماجرا هر لحظه در تشویش بودم

شب آمد و در بستر خواب آرمیدم
 لبخند زن بودش به عیسی این بشارت
 من عقد می‌بندم دو یار آشنا را
 عیسی به شمعون گفت کای پیر خردمند
 من یافتم مرآت حُسن داوری را
 آن نازنین ناگه ربود از کف دلم را
 بیدار چون گشتم سرا پا سوز بودم
 دل را به عشق دوست دائم پنجه کردم
 شد هر طبیعی عاجز از درمان و دردم
 پیوسته می‌شد زردتر رخسار زردم
 می‌خواست بیتابی زجسم جان بگیرد
 می‌رفت تا عمرم دگر پایان بگیرد
 یک شب نهادم چون به هم چشم ترم را
 دیدم به خواب ناز مام شوهرم را
 از جای جستم با ادب بر پا ستادم
 با گریه بر روی قدمهایش فتادم

یاقوت سرخ از چشم گوهر بار سفتم
 کای مادر از کف داده‌ام جان و دلم را
 زهرا مرا در وادی غم رهبری کرد
 فرمود گر عزم وصال یار داری
 من از مرام خویش استغفار کردم
 زهرا ز لطف و مهربانی دست افشاند
 بخشید تسکین سینه نورانیم را
 بسوسید بسین ابرو پیشانیم را
 با خنده گفتا کای عروس مهربانم
 ز آن شب دگر من بودم و دلدار با من
 تا یک شب آن آرام جان با من صفا کرد
 فرمود اوصاف اسیری رفتم را
 این نامه سر خط وصال یار باشد
 پییمان پیوند من و دلدار باشد
 راز دل خونین به زهرا بازگفتم
 سوزانده فرزندی ز هجران حاصلم را
 امیدوارم بر وصال عسگری کرد
 باید شهادت گویی و اسلام آری
 بر لب شهادت راندم و اقرار کردم
 چون دخترش زینب مرا بر سینه چسباند
 از امشب آید در بورت آرام جانم
 من یار او او از عنایت یار با من
 خوش وعده و صلح به بیداری عطا کرد
 در بین کشتی با اسیران خفتم را
 پییمان پیوند من و دلدار باشد

بُشر سلیمان شد چو آگه از مقامش
آورد سوی سامره با احترامش
گل بود و شد جا در ریاض مرتضایش
تابست کابین بر پسر، ابن الرضایش

«شب نیمه شعبان»

چون شد غروب چهارده از ماه شعبان
بیت ولایت را حکیمه بود مهمان
کای عمه امشب را بمان در خانه ما
کامشب ز نرگس بشکفد ریحانه ما
نرگس به سان مادر موسی ابن عمران
حملش به فرمان خداوند است پنهان
می خواست کم کم عمر شب پایان بگیرد
گیتی ز فیض بامدادی جان بگیرد
بگشود نرگس، نرگس چشم خود از خواب
بعد از نماز شب به ناگه رفت از تاب
از درد زادن چهره اش افروخت چون بدر
می خواند با دُر دانه اش خود سوره قدر

نور علی نور علی نور علی نور	بگرفت دورش را در آن دار الورا نور
کای گفته حق و صفت به آیات کریمه	بشتافت با حیرت سوی مولا حکیمه
نرجس میان پرده های نور گم شد	امید دل با آن نشاط و شور گم شد
برگرد تا رخسار مهدی را ببینی	فرمود عمه از چه محزون و غمینی
مهدی به دنیا آمده برگرد عمه	فرزند زهرا آمده برگرد عمه
برگشت سوی حجره نرجس، حکیمه	بوی خوشی را کرد ناگه حس، حکیمه
بر ماه روی قائم آل محمد	بگشود چشم آن عصمت دادار سرمد

دستی بر روی زمین دستی به افلاک
 حکم نبوت را ز جان تایید می‌کرد
 نام امامان یک به یک تا نام خود گفت
 بگشود دست و بر ظهور خود دعا کرد
 یا رب به امید دل امیدواران
 رخت فرج بر قامت مهدی بپوشان

آن رهنمای آسمان در دامن خاک
 لبهای او اقرار بر توحید می‌کرد
 در ولایت را هی از لعل لبش گفت
 راز سریر دل خود را با خدا کرد
 یا رب به اشک دیده شب زنده داران
 جام وصال یار را بر ما بنوشان

مهدی موعود آمد
 پاکیزه مولود آمد
 عطر ولا بپوید
 لاله نرگس روئید
 شاهد محشر آمد
 اهل ولا خوش آمد
 در ماه شعبان آمد
 رسان مهدی ما را
 به خورشید نبوت
 بسده عیدی ما را
 آمرزش گناهان (۱)

صل علی محمد
 امام عسگری را
 ای پیروان مهدی
 با رنگ و بوی احمد
 در محفل ولایت
 کعبه‌ی آرزوی
 حجت ابن العسگری
 خدا خدا خدایا
 یارب به سحر عصمت
 به آخرین امامت
 فرج مهدی ما

شفای مرضای ما...

«سلام»

سلام ای شعر پر شور محبت
 بستابان بر دلم نور محبت

سلام ای مصدر نور محبت
 سلام ای مطلع انوار هستی

سلام ای نکته پیوند هر عشق
 سلام ای اسم اعظم رمز اکبر
 سلام ای بحر موج عنایت
 سلام ای سوره‌ی دین، آیه عشق
 سلام ای آنکه از بدو توولد
 ندارد عشق معنا بی وجودت
 به هر جای جهان عشقی بلند است
 که می‌باشی تو منظور محبت
 که هستی سرّ مستور محبت
 بیا یابن الحسن جانها فدایت
 سلام ای زینت و پیرایه‌ی عشق
 دلم را کرده‌ای همسایه عشق
 که عشق تو بود سرمایه عشق
 در آن هستی که هستی مایه‌ی عشق

همه عشاق محتاج دعایت

بیا یابن الحسن جانم فدایت

«دولت یار»

سحرم دولت بیدار به بالین آمد
 گفت برخیز که آن خسرو شیرین آمد
 قدحی سرکش و سرخوش به تماشا بخرام
 تا ببینی که نگارت به چه آئین آمد
 مژدگانی بده‌ای خلوتی نافه گشای
 که ز صحرای ختن آهوی مشکین آمد
 گریه آبی برخ سوختگان باز آورد
 ناله فریادرس عاشق مسکین آمد
 مرغ دل باز هوادار کمان ابروئیست
 ای کبوتر نگران باش که شاهین آمد
 ساقیا می‌بده و غم مخور از دشمن و دوست
 که به کام دل ما آن بشد و این آمد
 رسم بد عهدی ایام چو دید ابر بهار
 گریه‌اش بر چمن و سنبل و نسرين آمد
 چون صبا گفته‌ی حافظ بشنید از بلبل
 عنبر افشان به تماشای ریاحین آمد

«پادشاه تاجدار»^(۱)

ایکه در عالم شده شمس وجودت آشکار
روز مولودت شده ای حجت پروردگار
شد جهان روشن ز تو ای پادشاه تاجدار
می سزد شاها کنیم بر مقدمت جان را نثار
کن ظهور ای شه که باشد عالمی در انتظار
پرچم نصر من الله را تو بنما استوار
ای شهنشاهی که همچون ماه رخشان آمدی
نیمه شعبان تو ای گل از گلستان آمدی
شیعیان را روح و جان ای شاه خوبان آمدی
از برای یاری اسلام و قرآن آمدی
بفرق اهل عالم همچو تاج افتخار
پرچم نصر من الله را تو بنما استوار
ای شه ارض و سماء گشتی تو غائب از نظر
حضرت صاحب زمان ای زاده خیرالبشر
ای شه کون و مکان خسرو جن و بشر
قائم آل محمد ای امام منتظر
ای شه عادل بیا بنما عدالت برقرار
پرچم نصر من الله را تو بنما استوار
ای که دارند انتظار روی ماهت عالمی
جد تو ختم رسولان، اوصیا را خاتمی
از ظهورت کفر و بی دینی نمی پاید دمی
ای که بهر غربت اسلام دائم در غمی
خود برای یاری اسلام رس شاهانه وار
پرچم نصر من الله را تو بنما استوار

ای که زد نور جمالت طعنه بر خورشید و ماه
 طره مشکین تو دل می برد با یک نگاه
 خوب تر از یوسفی شاهان نکردم اشتباه
 خلق عالم جملگی بر گفته ام باشد گواه
 طبع من گویا شد و مدح تو را کردم شعار
 پرچم نصر من الله را تو بنما استوار
 ای پناه بی پناهان جان ما قربان توست
 ای شهنشاهی که چشم ما پی احسان تست
 پرده از رخ بر فکن خلق جهان حیران تست
 این جهان و آنجهان میدان گه جولان تست
 ای وصی احمد مرسل ولی کردگار
 پرچم نصر من الله را تو بنما استوار
 ای خوش آنروز که آید بر ما روز ظهور
 این جهان گردد گلستان عالمی در بحر نور
 مظهر حق سبط احمد بر حسن هستی تو پور
 پاک گردد این جهان با دست تو فسق و فجور
 از تماشای رخت عالم شود بی اختیار
 پرچم نصر من الله را تو بنما استوار
 تو بیا از مکه یکدم در مدینه کن گذر
 از ظهور خویش جدت مصطفی را کن خبر
 خود گذر کن کربلا بر باب عطشان و نگر
 در کنار شاه بین در خاک و خون چندین قمر
 جملگی را تشنه لب کشتند قوم نابکار
 پرچم نصر من الله را تو بنما استوار
 جمع گلها را ببین در کربلا پرپر شده
 پاره پاره جسم عباس و علی اکبر شده
 کشته عبدالله و قاسم عون و هم جعفر شده
 تیرکین بر خنجر شیرین زبان اصغر شده

در کنار کشتگان کلثوم و زینب اشکبار
 پرچم نصر من الله را تو بنما استوار
 هان ای شاهانما در راه خونخواهی قیام
 کیست گیرد جز تو از خون شهیدان انتقام
 عمه ات زینب اسیر ظالمان در راه شام
 حق تو را بخشیده شاهان قدرت و شأن و مقام
 العجل یابن الحسن داری تو در کف ذوالفقار
 پرچم نصر من الله را تو بنما استوار

«چرا نمی آیی؟»

گل همیشه بهارم چرا نمی آیی؟	نسیم صبح بهارم چرا نمی آیی؟
که تا به گل بنگارم چرا نمی آیی؟	بیا و عطر دل افشان به چهره‌ی هستی
رسیده آخر کارم چرا نمی آیی؟	بیا که طاقت هجر سحر ندارد شب
کلید خانه ندارم چرا نمی آیی؟	مرا به کعبه‌ی وصلت امیدها دادی
نوید لیل و نهارم چرا نمی آیی؟	خبر ز عصر عدالت نبی مرسل داد
رسیده وقت قرارم چرا نمی آیی؟	برای دیدن رویت به کعبه می آیم
ز سینه ناله بر آرم چرا نمی آیی؟	چکیده خون جوانان به صحنه‌ی میدان
به رنج و غصه دچارم چرا نمی آیی؟	بیاز خانه به دوشی مرا نجاتم ده
شکسته این دل زارم چرا نمی آیی؟	همیشه (منتظر) حج اصل توحیدم

«میلا دگل نرگس»

سلام ای رمز خلقت راز هستی	به گوش جان رسد آواز مستی
سلام ای روح ایمان، عطر گلها	سلام ای ذات حق مرآت یزدان
سلام ای نور چشمان پیامبر	سلام ای روح ریحان پیامبر
سلام ای وارث شمشیر حیدر	سلام ای معنی تفسیر کوثر
سلام ای ماه بی همتای زهرا	سلام ای یوسف زیبای زهرا
به دامانت زدم دست تمنا	سلام ای آیه‌ی انا فتحنا

ز نورت ماه ایمان می درخشد
 کمان ابرویت تیغ دو پهلو
 اسیر تارگیسوی تو هستم
 گل از رنگ تو رنگ و بو گرفته
 تنها رنگ و بوی گل تو هستی
 تو عشق و شور و شادی و صفایی
 تویی آن گوهر دردانه‌ی عشق
 خدای عشقی و دل جایگاهت
 تو شمعی و فلک پروانه‌ی تو
 تو نور چشم ختم المرسلینی
 تویی آرامش آرام زهرا
 تو هستی قبله‌ی اهل تولا
 تو سر آغاز هر روز و شب هستی
 گرفته بوالبشر روح از دم تو
 غم تو بی کران و بی حساب است
 غم تو پهلوی بشکسته باشد

لبت برآب حیوان جان بیخشد
 منم شیدای آن چشمان جادو
 ز جام لعل مینوی تو مستم
 گلاب و نایف با تو خو گرفته
 صفای نغمه‌ی بلبل تو هستی
 تو وصل و هجر و هرمان و وفایی
 تویی آن دلبر و دردانه‌ی عشق
 دل هر عاشقی شد جای پایت
 خدا هم عاشق مستانه تو
 تو سر تا پا امیرالمؤمنینی
 تسلی بخش قلبت نام زهرا
 ولیکن قبله‌ی تو بیت زهرا
 امید هم حسین هم زینب هستی
 همه هستی پریشان از غم تو
 غم تو مادر و هم بو تراب است
 غم تو بازوان خسته باشد

«لاله نرگس»

گل نرگس یوسف زهرا
 شده خرم بیت ولایت
 شنوم از لاله نرگس
 مه روی مهر ولایت
 نه عجب گر خالق هستی
 که ز نور یوسف زهرا
 گل نرگس یوسف زهرا
 چه خوش است آن دم که به عالم

گل نرگس یوسف زهرا
 ز گل لبخند حکیمه
 همه دم آیات کریمه
 شده ظاهر در شب نیمه
 بدهد هستی به ولیمه
 شده عالم غرق تجلی
 گل نرگس یوسف زهرا
 برسد از کعبه صدایش

بشیریت را به ندایش
 به زبان آیات خدایش
 همگان در تحت لوایش
 چو عصا اندر کف موسی
 گل نرگس یوسف زهرا
 ز کنار کعبه بر آید
 به خلائق رخ نماید
 به صفای جان به فدایش
 گل نرگس یوسف زهرا

بدهد پیغام رهایی
 به درون فریاد شهیدان
 ملک و جن و بشر آید
 دو جهان در قبضه دستش
 گل نرگس یوسف زهرا
 چه خوش است آندم که خورشید
 ز جمالش پرده گشاید
 ز دو عالم دل برآید
 ز طلوع طلعت زیبا (۲)

«راه وصل»

من منتظر به راهت شب تا سحر نشستم
 من راه وصل خود را بر روی تو نیستم
 شرمنده‌ی تو بودم شرمنده تو هستم
 پرونده تو دیدم چشمان خود بیستم

گفتم شبی به مهدی بردی دلم ز دستم
 گفتم چه کار بهرت از انتظار جانان
 گفتم ببخش جرمم ای رحمت الهی
 گفتم هزار نوبت از جرم تو گذشتم

«والی حق»

یا حجة بن الحسن العسگری
 بحق حق که از همه بهتری
 والی حق وصی پیغمبری
 جان نبی، نور دل حیدری
 قسم به حق که آخرین اختری
 داری تو مهدی یا دو چشم تری
 که تو امید هر دل مضطری
 که تو کنار هر گل پرپری
 ای که پناه دل هر مادری

ای که تو بر کون و مکان برتری
 مهدی فاطمه حبیبی حق
 جان جهان شود فدایت که تو
 زینت طاها و عزیز بتول
 به آسمان شرف قدس دین
 روز و شب از مصیبت اهل دین
 به جان مادرت نما جلوه‌ای
 به عشق روی تو همه جان دهند
 قسم به حق پدران شهید

که تو فنا کننده‌ی کافری
چون پسر کننده‌ی خیبری
چونکه تو آرام دل رهبری

ببرون نما ذوالفقار از نیام
شود قیامت ز قیامت بیا
می شود آرام دل از نام تو

«ساقی دلها»

منم که ساقی دلها امیر مستانم
منم که خلقت عالم بود به دستانم
منم که جان جهان را شدم چو جانانه
منم که می‌کده‌ها جرعه‌نوش جامم شد
منم که اسم اعظم حق به اسم نامم شد
منم که قافله سالار وادی عشقم
منم که هر دل مستی مرا چو دریاد است
به لعل و غمزه شیرین من چو فرهاد است
منم که لیلی دنیا شده چو مجنونم
منم که دست تماشا شده چه پر خونم
من که یوسف کنعان زمن گرفته جمال
به روی نبی‌ام به چشم سیاه و به خال
منم که برق نگاهم چراغ محفلهاست
منم که چشم سیاهم چو کعبه‌ی دلهاست
منم که غنچه گشوده به عشق من لب ناز
منم که سوی رخ من نموده کعبه نماز
منم که عرش الهی گدای کوی من است
منم که دیده خالق همیشه سوی من است

منم که واسطه فیض و لطف خدا هستم
منم که منشاء هر عشق و مهر و صفا هستم
منم که عیسی مریم به دولتتم برسد
منم که ساقی کوثر به رجعتم برسد

«منت‌های آرزو»

سلام ای آرزوی اهل بینش	سلام ای انتظار آفرینش
سلام ای جام‌ها مست سبوت	سلام ای چشم‌ها مشتاق رویت
سلام ای عقل‌ها مات خصالت	سلام ای چشم دل مست جمالت
سلام ای دیده‌ها محو نگاهت	سلام ای سینه‌ها سوزان آهت
سلام ای منت‌های آرزوها	سلام ای رمز فریاد گلوها
تمام اهل عالم در نمازت	سلام ای آسمانها در نیازت
دو ابروی کمانت دیر مستان	دو چشمان سیاهت کعبه جان
به تیر غمزه و زلف کمندت	تو صیادی که دلها شد به بندت
به آن خال لبت غوغا نمودی	به لبها شعر مستی را سرودی
دو چشم روشنت نور علی نور	بود برق نگاهت جلوه طور
تمام کهکشانها سایه تو	تو خود نوری و خورشید آیه تو
تویی تنها امیر کل هستی	به دین و مذهب زیبا پرستی

«هجر تو»^(۱)

دو ساره صبح جمعه، دلم بی قراره
بهوتو گرفته، هوای تو رو داره

از کودکی تا حالا، به عشقت اسیرم
اگه تو رونبیم، ز غصه می میرم
تو که خودت می دونی، چه سخته جدایی
به من بگو عزیزم، کجایی کجایی
رسد به گوش جانم هر دم صوت حزینت
با گناهام شکستم، دل نازنینت
هر کی شما رو دیده می گه با صفایی
من هم ندبه می خونم، که شاید بیایی

«چابک سوار»

امشب زمین آبستن یک انفجار دیگرست
گویی عروس آسمان اختر شمار دیگر است
لوح و قلم را از شعف نقش و نگار دیگرست
چرخ و فلک را در گشت و گذار دیگرست
گهواره توحید را شب زنده دار دیگرست
هستی عالم عرصه چابک سوار دیگرست
زیرا خدا را معنی سرّ مسدّد آمده
مهدی زهرا یوسف آل محمد آمده
امشب عروس فاطمه فخر البشر می آورد
ککلیک قضا را زینت لوح قدر می آورد
در سنگر آزادگی فتح و ظفر می آورد
شوق طلوع فجر را بهر سحر می آورد
تکبیرگو تکبیرگو نرجس پسر می آورد
جبریل بهر مصطفی هر دم خبر می آورد

زیرا خدا را معنی سر مسدود آمده
مهدی زهرا یوسف آل محمد آمده
دخت یشوعا در رحم آرام جان پرورده است
از بهر جسم این جهان جان جهان پرورده است
وجه جمال ذات حق با شهد جان پرورده است
از بی نشان و لامکان نام و نشان پرورده است
در مهد عزت مهدی صاحب الزمان پرورده است
زیرا خدا را معنی اسرار سرمد آمده
مهدی زهرا یوسف آل محمد آمده

«دم مسیحا»

آمد به دنیا تا علم بر قاف این عالم زند
عیسی دمی کز وصف او آدم دمادم دم زند
نوح نبی از عشق او کشتی به قلب یم زند
بر جبل مهر او خلیل امشب گره محکم زند
موسی کتاب نیل را در محضرش بر هم زند
گلبوسه‌ها بر صورتش صد عیسی مریم زند
زیرا خدا را معنی سر مسدود آمده
مهدی زهرا یوسف آل محمد آمده
او آمده بیرون کشد از کام افعی نیش را
از بیش ثروت کم کند بر کم فزاید بیش را
سازد مطیع عقل ما این نفس کافر کیش را
حکمی دهد با دوستی پیوند گرگ و میش را
بستاند از بیداد گر داد دل دل ریش را
با انقلاب خود کند راضی خدای خویش را

زیرا خدا را معنی سر مسدّد آمده

مهدی زهرا یوسف آل محمد آمده

او را خدا در پرده غیبت نگهداری کند

تا روز موعود آید و او پرده ورداری کند

در انتظامش با عصا موسی جلوداری کند

در انقلابش حضرت عیسی علمداری کند

اسلام را سر لوحه آیین دینداری کند

هر شیعه باید اشک شوق از دیده‌اش جاری کند

زیرا خدا را معنی سر مسدّد آمده

مهدی زهرا یوسف آل محمد آمده

ای دل مخور اندوه و غم سرها به سامان می‌رسد

با یک جهان شور و شغف جانها به جانان می‌رسد

ویرانگر کاخ ستم با جیش ایمان می‌رسد

احیاگردین خدا حامی قرآن می‌رسد

چشم انتظاران را بگو یوسف ز کنعان می‌رسد

ای دل شب هجران ما آخر به پایان می‌رسد

زیرا خدا را معنی سر مسدّد آمده

مهدی زهرا یوسف آل محمد آمده

باز آکه این دل خستگان دیوانه روی تواند

مست از می عشق تو و خاک سرکوی تواند

چشم انتظار دیدن چشمان جادوی تواند

دل بسته‌ی مهر تو و آن طره موی تواند

جان بر کف راه تو و تیغ دو ابروی تواند

محو تماشای تو و آن قد دلجوی تواند

«ژولیده» گوید دم به دم سر مسدّد آمده

مهدی زهرا یوسف آل محمد آمده

«طیب دردمندان»^(۱)

خستگان عشق را ایام درمان خواهد آمد
غم مخور آخر طیب دردمندان خواهد آمد
آنقدر از کردگار خویشتن امیدوارم
که شفا بخش دل امیدواران خواهد آمد
باغبانا سخت دی ماه سی روز است و آخر
نوبهار و نغمه‌ی مرغ خوش الحان خواهد آمد
بلبل شوریده دل را از خزان برگو ننالد
باغ و صحرا سبز و این دنیا گلستان خواهد آمد
بوی پیراهن رسید و زین بشارت گشت معلوم
یوسف گم گشته سوی پیرکنعان خواهد آمد
دردمندان مستمندان بی پناهان را بگویند
مصلح عالم پناه بی پناهان خواهد آمد
از خدا روز فرج را ای فلج کاران بخواهید
کاین جهان روزی کسی را تحت فرمان خواهد آمد
سخت آمد طول غیبت بر تو میدانم مخور غم
موقع افشاء این اسرار پنهان خواهد آمد
تلخی هجران شود شیرین به روز وصل جانان
صبح صادق از پی شام غریبان خواهد آمد
این چراغ از صرصر بیداد خاموشی ندارد
آنکه عالم را نماید نور باران خواهد آمد
نیست شک از عمر این دنیا اگر یک روز ماند
ذات قائم جهت خلاق سبحان خواهد آمد

صبر کن یا فاطمه‌ای بانوی پهلو شکسته
 قائمت با شیشه دارو و درمان خواهد آمد
 اینقدر آخر منال از ضرب بازو و پهلو
 مونس تو پادشاه دلنوازان خواهد آمد
 محسنا از ضربت مسمار گر مقتول گشتی
 عنقریب با داد خواه بی گناهان خواهد آمد
 اصغرا از ضربت زخم گلو دل را مسوزان
 غم مخور مرهم گذار زخم پیکان خواهد آمد
 گفت با زینب رقیه یک شبی در شام ویران
 عمه بایم کی بسر وقت یتیمان خواهد آمد
 کودکان شام هریک با پدرها سوی منزل
 باب من کسی بهر دلاری طفلان خواهد آمد
 «هاشمی» را نام حسین هر آن بردفتر رقم زد
 چشم او یا چشم خامه هر دو گریان خواهد آمد

«روشنی افروز»^(۱)

شام ظلمتکده را روز آمد	چهره‌ی روشنی افروز آمد
رهبر مسئله‌آموز آمد	که نوازشگر دلسوز آمد
نور حق زاده‌ی احمد آمد	قائم آل محمد آمد
شمس در برق رخس پنهان است	ماه از دیدن او، سرگردان است
اختر از اوست چنین تابان است	دیده از دیده‌ی او حیران است
مظهر خالق امجد آمد	قائم آل محمد آمد
ابر، از شوق رخس می‌بارد	سبزه از خاک برون سر آرد

جان به خاک قدمش بسپارد
 قائم آل محمد آمد
 به اسارت بکشد طغیان را
 بلکه تجدید کند قرآن را
 قائم آل محمد آمد

لاله لب بر لب او بگذارد
 در دایره‌ی سرمد آمد
 آمد آزاد کند انسان را
 بشکند صولت خود خواهان را
 را بر ظلم ببندد آمد

«مرآت سرمد»^(۱)

عید ولی بر حق است (۲)
 بانگ خوش جاء الحق است
 حجة ابن الحسن را (۲)
 مرآت سرمد را ببین (۲)
 آل محمد را ببین
 حجة ابن الحسن را (۲)
 چون خجسته المأوا شده (۲)
 لاله‌ی نرگس واشده
 حجة ابن الحسن را (۲)
 حجت معبود آمده (۲)
 مهدی موعود آمده
 حجة ابن الحسن را (۲)
 غرق طراوت می‌کند (۲)
 قرآن تلاوت می‌کند
 حجة ابن الحسن را (۲)

مژده مژده که اشب
 بگوش جان عالم
 تو بین یاسمن را
 بر رخ دلتوازش
 دیده بگشا یوسف
 تو بین یاسمن را
 شهر سامره اینک
 البشارت عاشقان
 تو بین یاسمن را
 که عید میلاد
 گه بریز و کف بزن
 تو بین یاسمن را
 عالمی را زحسنتش
 به روی دست بسابا
 تو بین یاسمن را

«خورشید سامره (عج)»^(۱)

بگو به ساقی بریزد شراب باقی در ساغرم

که آید امشب نگارم گذارد پا بر چشم ترم

من که در تاب و تبیم شد فروزان کوکیم

نام زیبایش بود ذکر هر روز و شبم

یا ابا صالح مدد(۲)

زدامن نرگس امشب شکوفا گردیده نوگلی

گل بهار آفرین گلستان زهرا و علی

قبله گاه آرزوی کعبه دل روی او

جشن میلادش رسید همنا با من بگو

یا ابا صالح مدد(۲)

به خانه پیر کنعان نسیم آید بگشا پنجره

مشام جانش شود پر زبوی یوسف سامره

بوی پیراهن رسید وقت گل گفتن رسید

ماه شعبان شد عظیم چون که ماه من رسید

یا ابا صالح مدد(۲)

شب سرور و حضور است و هنگام عید فاطمه

شد منور جهان از جمالت امید فاطمه

جلوه پیغمبری نور چشم حیدری

یوسف زهرا تویی حجت ابن العسگری

«روز عید»

عید من روزی بود کان روی زیبا را ببینم
 از گلستان نگاه مهر بونش گل بچینم
 عید من روزی بود ایام هجرانش سرآید
 آن عزیز غایبم از پرده غیبت در آید
 عید من روزی است کز او پرچمی باشد به دوشم
 در رکاب حضرتش شهد شهادت را بنوشم
 عید یعنی لحظه‌ای که زیر پای او بمیرم
 یاکنارش انتقام مادر او را بگیرم

«وصل و هجر»

امام و سید و مولای من جُعِلتِ فداک
 توگر شفیع منی از گنه ندارم باک
 به جز ولای توام گرچه نیست دستاوینز
 ولی بس است ولائی که باشد از دل پاک
 مرا امید وصال تو زنده می‌دارد
 وگر نه هر دم از هجر تست بیم هلاک
 نفس نفس گر از باد نشنوم بویت
 اهم مقصد قلبی جهاد بین یدیک
 اربد طوُل حیاتنی لانْ اَکونَ فداک
 فدای دل نکتم مال و جان و دل حاشاک
 شفاعتم نکنی روز ابتلا حاشاک
 عزیز نزد خدا آن بود که همچون «فیض»
 نهد به درگه تو روی مسکنت بر خاک

«بیا»

دل شد به درد و دوری تو مبتلا، بیا
درمان گری و چشم و دل دردمند من
می ترسم از تلاطم دریای روزگار
تا کی کشیم حسرت دیدار روی تو؟
بیگانه ام به اهل جهان در فراق تو
خضر از تو یافت دولت جاوید زندگی
یک روز صبح در چمن آرزوی ما
شیدا دلی گرفت از این شام بی سحر
دارد هوای دیدن روی تو را، بیا
ترسم شود سپید به راه دوا، بیا
ای کشتی امید مرا ناخدا، بیا
خون می رود ز دیده ها، امیدما، بیا
ای مایه امید دل، ای آشنا، بیا
ای باخبر ز چشمه آب بقا، بیا
ای خوب دل نواز، چو باد صبا، بیا
جانش به لب رسید ز هجران، بیا بیا

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِي ضَمِنَهُ

سلام بر تو ای وعده خداون آن وعده (ظهور) را ضمانت کرده است

بخش پنجم

سرودها

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِيثَاقَ اللَّهِ الَّذِي أَخَذَهُ وَكَذَبَهُ

سلام بر تو ای میثاق و پیمان الهی که وفای به آن را خداوند از مردم عهد گرفت و بر آن تاکید نمود

«انتظار آخر»^(۱)

(ای امید گلی، یاس و شقایق مهديا

ای انتظار آخر، دل‌های عاشق مهديا) (۲)

[يابن الحسن بيا بيا (۲)] (۲)

(پرده گشا، رخ بنما، عالم ز خود روشن نما

هستی همه مست جمال خود نما ای مهلقا) (۲)

[يابن الحسن بيا بيا (۲)] (۲)

(بی تو نه زنده بودنی، نه بال و پرگشودنی

نه پرواز و شکفتنی، نه آوازی سرودنی) (۲)

[يابن الحسن بيا بيا (۲)] (۲)

(تو را به حق فاطمه، ريحانة زهرا بيا

ما چون کوير تشنه‌ايم، ای ابر هستی زا بيا) (۲)

[يابن الحسن بيا بيا (۲)] (۲)

(حق طه حق حيدر، حق زينب حق حسين

بيا به حق غربت، شهيدان و پير خمين) (۲)

[يابن الحسن بيا بيا (۲)] (۲)

«قلب بهاری» (۱)

ای قرارم، انتظارم، منتظر هستم ای نگار
 تو کجایی، تا بیایی، تا شود قلب من بهار
 هر شب و هر سحر، به لبم این ندا یوسف فاطمه، گل نرگس بیا
 [آقا بیا، آقا بیا، ای گل نرگس (۲)] (۲)
 همچو مهر و، در سپهر و، هستی از دیده‌ها نهران
 پشت ابرو، کوه صبر و، منتظر تاشوی عیان
 کرده بارگناه، مار و از تو چه دور کن به ما یک نگاه، ای همه عشق و نور
 [آقا بیا، آقا بیا، ای گل نرگس (۲)] (۲)
 آرزویم، جستجویم، کعبه‌ام روی ماه تو
 قبله گاهم، هم پناهم، آن دو چشم سیاه تو
 دیدن روی تو، آرزوی همه عشق عالم تویی، ای گل فاطمه
 [آقا بیا، آقا بیا، ای گل نرگس (۲)] (۲)

«یار تماشایی» (۲)

میل تو کرده دلبر، این دل شیدایی من (۲)
 پرده گشا و رخ نما، یار تماشایی من (۲)
 (یوسف فاطمه بیا یا مهدی) (۲) نور دل همه بیا یا مهدی (۲)
 (ای گل نرگس یا مهدی) (۴)
 لحظه به لحظه پُر شود، (جام دلم از می تو) (۲)
 خانه به خانه هر کجا (می‌کشدم از پی تو) (۲)
 بی تو خسته‌ام بیا یا مهدی دل به تو بسته‌ام بیا یا مهدی
 (ای گل نرگس یا مهدی) (۴)

میل تو رانموده‌ام، (به یاد آشنایی ات) (۲)

همیشه با تو بوده‌ام، (وای دل از جدایی ات) (۲)

بود و نبود من بیا یامهدی رمز وجود من بیا یامهدی

(ای گل نرگس یامهدی) (۴)

«عجب مولودی» (۱)

در ماه شعبان شوری عیان شد

می‌یلاد صاحب الزمان شد

شد جشن قائم علی (ع) بگو تو با صوت جلی

پاینده مهدی، پاینده مهدی

عجب مولودی، عید مسعودی

غنچه‌ی نرگس بشکفته امشب گشته دیدار آئینه‌ی رب

از نسل مرتضی علی (ع) شد نور یزدان منجلی

پاینده مهدی، پاینده مهدی

عجب مولودی، عید مسعودی

از یمن جشن مهدی موعود قلب پیمبر گردید خوشنود

دست مبارک نبی بنوشته با خط جلی

پاینده مهدی، پاینده مهدی

عجب مولودی، عید مسعودی

از مقدم آن حجت یزدان دارد صفائی صفحه‌ی بستان

بر روی هر شاخه گلی با نغمه گوید بلبلی

پاینده مهدی، پاینده مهدی

عجب مولودی، عید مسعودی

خیل ملائک در آسمانها زمزمه‌ای دارند با صوت زیبا

هر یک به صوت کاملی گویند به حب آن ولی
 پاینده مهدی، پاینده مهدی
 عجب مولودی، عید مسعودی

«یوسف کنعان»^(۱)

مهدی ای هستی من ای می و مستی من
 ای گل نرگس اسیرت، هستم
 ابا صالح ابا صالح گل نرگس
 تویی تمام تارو پود و بود و نبودم ابا صالح ابا صالح گل نرگس
 مهدی ای هستی من ای می و مستی من
 ای گل نرگس اسیرت هستم ابا صالح ابا صالح گل نرگس
 تویی تمام تارو پود و بود و نبودم ابا صالح ابا صالح گل نرگس
 بیا که ای عزیز جان گرفته دل بهانه ات آقا بیا (۳)
 یوسف کنعان دلم سری بزن به خانه ام آقا بیا (۳)
 بهاری خزان من بلای تو به جان من تویی تمام تارو پود و بود و نبودم
 ابا صالح ابا صالح گل نرگس تویی تمام تار و پود و بود نبودم
 امشب به لوح سینه ام سیمای دل پر می کشد آقا بیا (۳)
 امشب شراب عشق را با خمره اش سر می کشم
 گم گشته پیدایت کنم منزل به منزل کو به کو
 تویی تمام تارو پود و بود و نبودم ابا صالح ابا صالح گل نرگس
 کلاف عمرم به کف و دیده من به راه توست آقا بیا (۳)
 این دیده ناقابلم تو مشتری نگاه تو آقا بیا
 بیا که حلاج توام بیا که محتاج توام
 ابا صالح ابا صالح گل نرگس تویی تمام تار و پود و بود نبودم

«سرمه چشم» (۱)

بهر پیاله این دلم، آمده در میخانه

ساقی عطا نما به این بی سرو پا پیمانه

می نشینم منتظر تا دمی نوشم جام تو را

گل نرگس گل نرگس گل نرگس یا مولا

(یا بن الحسن یا بن الحسن یا مولا)

این همه دل آمده است بهر تماشای تو

سرمه چشم دل من، خاک کف پای تو

شکر حق از غم عشقت به دل خسته ام جان

گل نرگس گل نرگس یا مولا

(یا بن الحسن یا بن الحسن یا مولا)

گر برسد پای من غم زده بر کوی تو نماز عشق خود کنم به طاق ابروی تو

رو به چشمت می نشینم تا روم سوی زهرا

گل نرگس گل نرگس یا مولا

(یا بن الحسن یا بن الحسن یا مولا)

«ای گل زهرا» (۲)

نور چشم تر من دلبر من عزیز دلهایی

ای تنها همدم من محرم من چرا نمی آیی

ای گل زهرا بنگر مردم از مهجوری تو

دل در اندوه و غمت از فراق و دوری تو

بیا طبیب من مرا مداوا کن

بیا دل من را اسیر زهرا کن

ای رویت قبیله دلم روح نماز منی

محرّم و از مَنی	ای یادت شمع محفلم
به پای تو بنشسته دلم	ای بگسسته دلم
	نما تو امدادم
اسیر و در دام توام	منم که مرغ بام توام
	برس به فریادم

«رُخ دلربا»^(۱)

پیک رحمت به ما، داده این خوش خبر که زره آمده، مهدی منتظر
 واشد، واشد لاله‌ی یاسمن
 آمد، آمد، حجت بن الحسن
 شده ارض و سما، غرق وجد و سرور خانه‌ی عسگری، شده چون کوه طور
 واشد، واشد لاله‌ی یاسمن
 آمد، آمد، حجت بن الحسن
 رُخ نموده عیان، یوسف فاطمه صوت قرآن او، برده دل از همه
 واشد، واشد لاله‌ی یاسمن
 آمد، آمد، حجت بن الحسن
 با رُخ دلربا، ماه هر مجلسی نوح دریای غم، نرگس نرگسی
 واشد، واشد لاله‌ی یاسمن
 آمد، آمد، حجت بن الحسن
 ای که به سوی تو، چشم امید ماست لب گشا و بگو، قبر زهرا کجاست
 واشد، واشد لاله‌ی یاسمن
 آمد، آمد، حجت بن الحسن
 ای که شستی ز اشک، خاک کوی حسین می‌رسد بر مشام، از تو بوی حسین
 واشد، واشد لاله‌ی یاسمن
 آمد، آمد، حجت بن الحسن

«منتظر»^(۱)

منتقم خون خدا، اومده ای عاشقا (خوش اومده) (۳)

عصاره‌ی آل عبا، آرزوی دیده‌ها (خوش اومده) (۳)

(عمریه دنیا انتظار می‌کشه انتظار دیدن یار می‌کشه) (۲)

(به لوح دل نقش نگار می‌کشه نقشه‌ی گل‌های بهار می‌کشه) (۲)

*** (مهدی، مهدی، مهدی) (۲) ***

(بیا که دل با تو میشه بهاری برای تو می‌خونه هر قناری) (۲)

اگه بیای منت به ما می‌داری قلب ماها رو توی دستت داری

*** (مهدی، مهدی، مهدی) (۲) ***

منتظر منتظران، آرزوی دل و جان (یا مهدیا) (۳)

دیده‌ی نرگس نگران، تا تو آیی به جهان (یا مهدیا) (۳)

(سوره‌ی عصر آفرینش رسید سر سید گل دو عالم دمید) (۲)

(کسی که انتظار شو می‌کشید از تو بهشت مادرش اونو می‌دید) (۲)

*** (مهدی، مهدی، مهدی) (۲) ***

(یا ابا صالح مددی یا مولا بیا بیا ای گل نرگس ما) (۲)

یوسف دردانه‌ی آل زهرا جان به لب آمده تو دیگر بیا

*** (مهدی، مهدی، مهدی) (۲) ***

«فصل هم عهدی»^(۲)

منتظرم منتظرم تا فصل هم عهدی بیاد

با ذوالفقار حیدری صاحبمون مهدی بیاد

ای باوفا ارباب من مهربون مهربونا

پشت و پناه بی کسا پهلون پهلوونا

تا که با نامت آجاجون رفیق و آشنا شدم

بریدم و جدا شدم
افضل اعمال منه
همیشه دنبال منه
به خیمه تو بسته‌ام
قلب تو رو شکسته‌ام
قلبمو با صفا بکن

مولا منو دعا بکن
عاشق چشمات می‌مونم
دعای ندبه می‌خونم
کعبه و آئین منه
قبله‌گه دین منه

از همه کس از همه جا
زمزمه‌ی نام شما
خیال چشم خوشگلت
رشته‌ی جونمو آقا
گرچه هزاران مرتبه
خوب می‌دونم بدم ولی
وقتی نماز
شب می‌خونی

تا که به جون نفس دارم
برای زود اومدنت
مسجد جمکران تو
خال سیاه هاشمی ات

«یابن العسگری» (۱)

دل من به عشق تو داره پرپر می‌زنه

می‌گه یابن العسگری به خونت در می‌زنه

یابن العسگری مدد (۴)

آقاجون تو کریمی، نذار بیچاره بشم

توی این شهر غریب، زار و آواره بشم

یابن العسگری مدد (۴)

چشم من به راه تو، از سفر کی می‌آیی

مهربون و خوب من، ارباب با وفایی

یابن العسگری مدد (۴)

همه‌ی سرمایه‌ام، این که مولایم تویی
 عیدنا چیز توام، سرور و اقام تویی
 کمکم کن آقا جون، که محبت بمونم
 تا که از سفر بیای، از دو چشمت می‌خونم
 یابن العسگری مدد(۴)
 مهربون و با وفا دلمو ساده بکن
 بین بدها آقا جون، منو قلاده بکن
 یابن العسگری مدد(۴)
 جمکرانت آقا جون، منو مجنون می‌کنه
 بی کسی و غربت دلمو خون می‌کنه

«شاخه طوبی»^(۱)

از حق منادی با شور و شادی این خوش خبر داد
 شاخه طوبی نخل تولاً بار ثمر داد
 مهدی آل فاطمه آمد خوش آمد مشعل انوار هدی آمد خوش آمد
 صل علی محمد و آل محمد جشن هم عهدی میلاد مهدی بادا مبارک
 این عید مولود این جشن مسعود بادا مبارک
 با این ولایت از حق عنایت بر ما سوا شد
 گیتی فروزان از نور روی صاحب زمان شد
 مشعل انوار هدی آمد خوش آمد منتقم خون خدا آمد خوش آمد
 چشم و چراغ شهداء آمد خوش آمد
 لاله طاها، یوسف زهرا عیدت مبارک منجی عالم مصلح دنیا عیدت مبارک
 برگرد مهدی شد آشکارا نور و علی نور
 در بیت قرآن روی حق را دیده نرگس
 پیراهن از نور خدا پوشیده نرگس
 بر غنچه خندان خود خندیده نرگس

ای شمع دلها، ماه محفلها، عیدت مبارک

مهر ولایت، ماه دل آرا، عیدت مبارک

«بهار بی خزان»^(۱)

بشنو ز مرغان چمن گُل نغمه‌ی یابن الحسن

هر ذره را باشد به لب هر لحظه هر دم این سخن

یابن الحسن یابن الحسن

ای عاشقان ای عاشقان آمد بهار بی خزان

شد از صفا خرم جهان مرغ چمن شد پَر فشان

کز مقدم آندلستان شد گلستان دشت و دمن

یابن الحسن یابن الحسن

نقش ز قد و روی او در گلستان سرو و سمن

بویی ز مشکین موی او عطر نهان در نسترن

طرح رخ نیکوی او هر گل که روید در چمن

یابن الحسن یابن الحسن

از لعل جان بخشش نمی، سرچشمه‌ی آب بقا

از نور رویش لمعه‌ایی مهر فروزان سما

چون جد و مانند پدر خلقش حسن حسنش حسن

یابن الحسن یابن الحسن

مرآت حق بدرالدجی مهر سریر ارتضا

سرو ریاض انما نور الیقین نورالهدا

بر عاشقان درگهش در هر دو عالم مؤتمن

یابن الحسن یابن الحسن

ای نام تو مشکل گشا ایدست تو دست خدا

هم بر قدر حکمت روا هم در کفت امر قضا

هم خازن کنز خفی هم عالم سرّ و علن
یا بن الحسن یا بن الحسن
کعبه تویی قبله تویی، ای حجت دین خدا
قرآن تویی فرقان تویی ای مهر برج اهتدا
ای رحمت بی انتها در بین خلق از ذوالمنن
یا بن الحسن یا بن الحسن
ای وارث ختمی مآب ای در زمین مالک رقاب
بنگر که شد عالم خراب ظلم و ستم شد بی حساب
بر دوستانت زندگی شد در جهان بیت الحزن
یا بن الحسن یا بن الحسن
ای حجت حق در زمین ای وجه رب العالمین
ای پیشوای راستین ای مقتدای متقین
دستی بر آرز آستین ای ملجأ هر مرد و زن
یا بن الحسن یا بن الحسن

«خال هاشمی» (۱)

تشنه‌ی وصالشم مهدی خودش می‌دونه
عشق و عاشقی و از چشمای من می‌خونه
دارم امید که یک صبح جمعه از مکه بیاد
برامون از خوبیه‌های عمو عباس بخونه
شام میلادش بیابین شور و نوا به پا کنیم
یا بن العسگری بگیرم قلبا رو با صفا کنیم
کی می‌شه مهدی بیاد، به دور او حلقه زنیم
به نماز جماعت آقا مون اقتدا کنیم

یا ابا صالح مدد، مولا مدد، مولا مدد

ذکر نامش نه فقط زمین و آسمون می‌گه

ذره ذره‌ی فلک الغوث و الامان می‌گه

آنقدر محو شدم در جلوات نور او

ضربان قلب من یا صاحب الزمان می‌گه

مولا مهدی عشقمه، روح من دین من

خال هاشمی او، قبله و آیین من

دنیا‌ی بدون مهدی واسه من جهنمه

دیدن جمال او جنت رنگین من

یا ابا صالح مدد، مولا مدد، مولا مدد

بگردن نام آقا، بردن اسم اعظمه

هر کی دیده شما رو، او پادشاه عالمه

تو به مُلک دل من آقا خدایی می‌کنی

چون عموی خوشگلت مشکل گشایی می‌کنی

با بدیم می‌سازی و با زشتی‌هام کنار می‌آی

نجفم می‌بری و کرب و بلایم می‌کنی

«حریم عشق»^(۱)

مهربون ارباب مایی

کی می‌آیی کی می‌آیی

عاشق دیرینه دارم

دلبری بی‌کینه دارم

عشق تو با من چه کرده

کعبه دور تو می‌گرده

صاحب جود و سخایی

گل نرگس گل نرگس

عشق تو به سینه دارم

گر چه بد کردم می‌دونم

چهره‌ام ببین چه زرده

تو خودت حریم عشقی

ساکن دشت جنونم
من فقط از تو می خونم
تو کجایی، تو کجایی
تا به پیش ما بیایی

آره مسن مست و دیوونم
گر چه سنگ سارم کنند باز
ای نگاهت کبریایی
از عمو عباس می خونم

«بهشت دل»

ای بهشت دل ما ای سفر کرده بیا	به خدایی خدا ای سفر کرده بیا
ای شیرین لب من شکوه از درد مکن	کام ما را ز فراق تلخ چون زهر مکن
شهریارا از کرم ترک این شهر مکن	دیگران را غم نیست تو ز ما قهر مکن
محض خون شهدا ای سفر کرده بیا	ای بهشت دل ما ای سفر کرده بیا
بس که دوریم ز تو همه آواره شدیم	چاره سازا بنگر سخت بیچاره شدیم
ای سلطان سخا ای سفر کرده بیا	ای بهشت دل ما ای سفر کرده بیا

«امید دلها» (۱)

تو شمع فروزانی، تو ماه درخشانی، که از دیده پنهانی

ابا صالح المهدی (۳)

گل باغ زهرایی، انیس دل مایی، تو محبوب دلهایی

ابا صالح المهدی (۳)

اگر چه گهنکارم، به دل مهر تو دارم، ز هجر تو بیمارم

ابا صالح المهدی (۳)

به دردم تو درمانی، غم را تو می دانی، مرا روح و ایمانی

ابا صالح المهدی (۳)

السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا تَالِي كِتَابِ اللَّهِ وَ تَرْجُمَانَهُ

سلام بر تو ای خواننده قرآن و ترجمان کتاب خدا

«سحر خیز مدینه» (۱)

گل نرگس بیا	گل نرگس بیا
ای گل بی قرینه	سحر خیز مدینه
من گلی خشک وزردم	همدم آه و دردم
گل نرگس بیا	گل نرگس بیا
گل باغ و بهارم	من به پای تو خارم
گل نرگس بیا	گل نرگس بیا
به خدا جنت حق	یا تموم قشنگی
مقام تو مقام	همه اهلیته
نام زیبای مهدی	شرف عالمینه
گل نرگس بیا	گل نرگس بیا
یوسف ال زهرا	در سخابی نظیری
قسمت می دهم من	به علی و نمازش
گل نرگس بیا	گل نرگس بیا

«ناله عاشقان» (۲)

بیا که مردم، ز جدایی
 (همیشه می گم تو، کجایی)

یه صبح جمعه تو می آیی
 (یا حجة بن الحسن لعسگری تو دلربایی)

(یا مهدی ابا صالح بیا بیا)

یا مهدی گرچه ناقابل توام
 یا مهدی عمریه سائل توام

یا مهدی نغمه عاشقان خسته
 یا مهدی ای صدای دل شکسته

تو آسمونا یه فرشته، با دسته گل‌های بنفشه با خط خوش اینو نوشته
 (دیدن روی تو برام عین بهشته)

بیا که مردم، ز جدایی
خدا می دونه روز میلاد
(همیشه می گم تو، کجایی)
فقط دل من تو رو می خواد
آقا می میرم بری از یاد (عزیز علی)
هر جا که درمونده شدم بیا به امداد
یا مهدی تو تنها مراد من
یا مهدی می رسی که به داد من یا مهدی
ای صدای دل شکسته
ناله عاشقان خسته یا مهدی
بیا که مردم، ز جدایی
(همیشه می گم تو، کجایی)

« آتش فراق » (۱)

تمام عمرم با اشک، دو چشم خودتر کردم
بی گل رویت جانان، روز و شبم سر کردم
در آتش فراقم و حسرت دیدارت دارم
بیا که از وفا سرم به روی پایت بگذارم
یا بن الحسن یا بن الحسن یوسف زهرا یا مهدی
کی شود آن روزی که کنم نگاهت مهدی
که بوسه ای گیرم از خال سیاهت مهدی
صاحب من بیا که دل بی تو بهانه می گیرد
به هر کسی می رسد از تو نشانه می گیرد
یا بن الحسن یا بن الحسن یوسف زهرا یا مهدی
تمام عمرم با اشک دو چشم خودتر کردم
بی گل رویت جانان روز و شبم سر کردم
در آتش فراغم و حسرت دیدارت دارم
بیا که از وفا سرم به روی پایت بگذارم
گل زهرا (۴)

(۱) «منتقم»

گل بریزید که آمده مهدی فاطمه	شکفته بر لب همه این ذکر و زمزمه
(امید عالمین (۲))	آمده منتقم خون حسین
(امید عالمین (۲))	آمده چشم و چراغ زینب
ای مُعزَّ الاولیا وارث تیغ حیدری	حجت خدایی و آینه‌ی پیمبری
روی دوش تو بود پرچم عباس علی	ای امید آخرین بر همگان شاه و ولی
گل بریزید که آمده مهدی فاطمه	شکفته بر لب همه این ذکر و زمزمه
(امید عالمین (۲))	آمده منتقم خون حسین
(امید عالمین (۲))	آمده چشم و چراغ زینب
نگاهی هم به ما کن گاه گاهی	تو که دل می‌بری با یک نگاهی
بده یک گوشه ما را هم پناهی	تو که بیگانه را هم می‌پذیری
(امید عالمین (۲))	آمده منتقم خون حسین
(امید عالمین (۲))	آمده چشم و چراغ زینب
طعنه به ماه می‌زند روی نکوی تو	بسته دلم به موی تو، مست سبوی تو
طاووس جنتی	تو همه نجابت و محبتی
طاووس جنتی	تو گل سرسبد ولایتی

شکفته بر لب همه این ذکر و زمزمه

گل بریزید که آمده مهدی فاطمه
 ای زبان زد همه به مهربانی و گرم
 با وجود تو دگر رشک جنان نمی‌برم
 از ازل من از اضافی گلیت ساخته شدم
 بی خودی نیست که ندیده دل و دین باخته شدم

(امید عالمین (۲))	آمده منتقم خون حسین
(امید عالمین (۲))	آمده چشم و چراغ زینب

«سکان آسمان»^(۱)

سلطان ملک جان یا صاحب الزمان
 محبوب انس و جان یا صاحب الزمان
 مولا مستعان یا صاحب الزمان
 دارنده‌ی جهان یا صاحب الزمان
 الغوث و الامان یا صاحب الزمان

جان جهان تویی ای جان فدای تو
 شاهان عالمند یکسر گدای تو
 عرش است بوسه زن بر خاک پای تو
 دارند بر زبان مدح و ثنای تو
 سکان آسمان یا صاحب الزمان

امروز خلق را رهبر تویی و بس
 در کشور وجود سرور تویی و بس
 بر کل کائنات مهتر تویی و بس
 بر شیعیان ز لطف یاور تویی و بس
 در کون و در مکان یا صاحب الزمان

ای جاری، آب عدل از ذوالفقار تو
 ویران بنای ظلم در روزگار تو
 ظاهر جلال حق از اقتدار تو
 باز آ که شد سفید در انتظار تو
 چشم جهانیان یا صاحب الزمان

شاهها زمانه را پر کرد کفر و کین
 قرآن غریب گشت اسلام بی معین
 هر کس برای خود مذهب گرفت و دین
 از دین مصطفی و ز سنت مسبین
 اسمی است در میان یا صاحب الزمان

«میر لامکان»^(۲)

ای داور جهان یا صاحب الزمان
 ای میر لامکان یا صاحب الزمان
 ای مهبط امین یا صاحب الزمان
 مولای انس و جان یا صاحب الزمان
 مقصود این و آن یا صاحب الزمان

والشمس پرتویی از نور روی توست
 واللیل آیتی از تار موی توست
 فردوس قطعه‌ای از خاک کوی توست
 بر هر که بنگرم مست از سبوی توست
 چه پیر و چه جوان یا صاحب الزمان

دل از تو پر صفا ای حجت خدا جان از تو پر بها ای حجت خدا
 کن/درد ما دوا ای حجت خدا کنز غم ز چشم ما ای حجت خدا
 شد خون دل روان یا صاحب الزمان
 جانهای عاشقان افسرده تا به کی دلهای دوستان آزرده تا به کی
 گلهای باغ دین پژمرده تا به کی ای مه جمال تو در پرده تا به کی
 بنما رخت عیان یا صاحب الزمان
 کفار در کمین از چار جانبند غالب بر اهل دین قوم اجانبند
 اسلامیان چو تو در خلق غائبند بعضی ز درد دین اندر مصائبند
 یا چشم خون فشان یا صاحب الزمان

«نور محمد دمیده»^(۱)

مژده که دگر بار ز حق نور دمیده
 این نور به دل، عکس رخ یار کشیده
 معشوق تمام عاشقان را طلبیده
 بر عرش و فلک، غنچه به تن جامه دریده
 در باغ ولا، میوه موعود رسیده
 ای ارض و سما، موسم مولود مبارک
 بر خلق، عطا و کرم وجود مبارک
 این خلقت و این معجز معبود مبارک
 آمد به جهان مهدی موعود مبارک
 یک بار دگر نور محمد بدمیده
 او حامل اسرار خداوند مبین است
 او هادی و ناجی سماوات و زمین است

او قائم آل احمد، حافظ دین است
او یار پسندیده اصحاب یمین است
الحق که خدا کمال مطلق آفریده
روزی که هویدا شده آن روی نکویش
گویی که شده حور و ملک عاشق رویش
بنشسته به امید نگاهی سر کویش
نا خورده ز می جمله شده مست سبویش
یعنی که کسی به این کمالات ندیده

«امیر بی قرینه» (۱)

امیر بی قرینه یا مهدی یامهدی
دلم هوا تو کرده ببین بی قرارم
در مجلس عزای حسنت نشستم
هر کی شما رو دیده می‌گه با صفایی
سحر خیز مدینه یا مهدی یامهدی
به شهر ما سفر کن یا مهدی یا مهدی
دارم امید بخشش بگیری تو دستم
من هم دعا می‌خونم که پیشم بیایی
گاهی به فکر شامی گهی فکر کوفه
خون می‌زند ز چشمت شکوفه شکوفه

«امید بشر» (۲)

شب هجران به سرآمد
ز پیک حق خبر آمد
همه دلها بود خشنود
ز یمن پاک این مولود
امام منتظر آمد
امام منتظر آمد
که آمد مهدی موعود
به دل شوری دگر آمد
جمال حق هویدا شد
عیان طور تجلی شد
امام منتظر آمد /
شب ظلمت سحر آمد

تمام دیده‌ها یارب	بود امشب سوی مهدی
که باشد نقش جاء الحق /	نشان بازوی مهدی
ز حق پیک ظفر آمد	امام منتظر آمد
وصی احمد مرسل ولی کبریا آمد	چراغ راه انسانها جنان انبیا آمد
امید هر بشر آمد	امام منتظر آمد

«چراغ فروزان»^(۱)

سلام علی حجة ابن الحسن	امام زمان رهبر بت شکن
سلام علی خاتم الاوصیاء	ولی خدا سید مؤتمن
خدا خوش به نرجس پسر داده است	فروزنده قرص قمر داده است
به خلق دو عالم پدر داده است	«سراید به طفلی به قرآن سخن
بود قبله‌ی آرزوی همه به گهواره مهدی فاطمه زلعل لبش بشنو این زمزمه	
«منم شهریار زمین و زمن»	
شده سامره گلشن جاودان به عید سعید امام زمان ولی خدایار مستضعفان	
«چراغ فروزان هر انجمن»	

«قبله گه جهان»^(۲)

یوسف آل فاطمه، به جان خریدار توام	دریدرم دریدر دیدن رخسار توام
(جلوه کن ای آرزوی من)	(جلوه کن ای رنگ و بوی من)
بیا بیا یابن فاطمه ^(۳)	
در پی خود می‌کشی‌ام، خانه به خانه کو به کو	
بیا که گویم ز غم، نکته به نکته موبه‌مو	
(تو محرم اسرار منی)	گره گشای کار منی

بیا بیا یابن فاطمه (۳)

دم از ولای تو زخم با همه نالایقیم

تو عشق من هستی و من زنده به این عاشقیم

دین و ایمان من تویی قبله گه جهان تویی هستی و جان من تویی

بیا بیا یابن فاطمه

«همه هستی» (۱)

روز و شب با شوق نگاهت گل نرگس منتظر هستم سر راهت گل نرگس

ای تمام عشق و هستی ای شکوه حق پرستی

از خدا چیزی نخواهم هر چه می خواهم تو هستی

روز و شب...

ای همه عشق و امیدم عشقت و باجون خریدم

دل به تو دادم اگر چه روی ماهت را ندیدم

روز و شب...

زنده از هوی تو هستم بسته موی تو هستم

سربلند عالمینم سائل کوی تو هستم

روز و شب...

ای همیشه غمگسارم آبرو و اعتبارم

نذر چشمای قشنگت همه دارو ندارم

روز و شب...

تو کویر دل می خونم زندگی بی تو حرومه

جان سپردن رو قدمهات این تموم آرزومه

روز و شب...

سر بازار محبت میون خریداراتم

همه هستی مؤاوردم خریدار اون نگاتم

روز و شب...

«ابا صالح»^(۱)

دیدن روی ماه تو / اگر یه روزی پا بده
 با گوشه نگاه تو / حاجتمو خدا بده
 دل به تو بستم دل پریشونه / شده دل مستم دیونه دیونه
 تا که با تو هستم غمی نمی مونه / ای عزیزم بیا ابا صالح ای گل فاطمه
 دل و دین و دانش و عقلم، به یکی غمزه شده غارت،
 کشدم هر سو دل مجنون، بَردم هر دم دل به اسارت
 بدهد کامم به نگاهی، ببرد جانم به اسارت،
 غم اگر آید به سراغم، کشمش در بند حقارت
 سحرم دل برده به خنده. قمرم آورده بشارت
 که ز عطر لاله نرگس، شده عالم جنت الاعلی
 بیا گل نرگس ای گل فاطمه، بیا ابا صالح ای گل فاطمه
 گل یاس علی اومد، با نفس هو یا علی
 شبیه روی مرتضی، یا خود مرتضی علی
 یه طرف عشقا و روی تو یه طرف
 یه طرف دنیا و کوی تو یه طرف
 بیا ابا صالح....
 دیدن روی ماه تو / اگر یه روزی پا بده
 خورشید به گیسوهاش حنا، از رنگ گل ها می ذاره
 از چشای ابر بهار، بارون گل ها می باره
 ماه اومده تو کوچه ها، کوچه پر از صفا شده
 راز دل گلدون یاس، تو باغچه بر ملا شده
 کسی که به جز تو کسی رونداره / اگه توی دنیا یه ستاره داره
 میاره پیش پای تو می ذاره
 بیا ابا صالح...

«شهسوار نیکو»

مهدی مهدی مولایم	مولا مولا مولایم (۲)
دل به دلبری بازدم	هرکس به کسی نازدم (۲)
باغ سنبلی جوید	هرکسی گلی بوید
گل نرگسی بویم	من هم از باغ طه
مهدی مهدی مولایم	مولا مولا مولایم (۲)
دل به دلبری بازدم	هرکس به کسی نازدم (۲)
مهدی یا مهدی گویم	نازم من به ملتها
بزم شادی می‌پویم	من ز شوق آن مولا
مهدی مهدی مولایم	مولا مولا مولایم (۲)
شد شکفته در دنیا	این گل از باغ زهرا
ولی عصر و زمان	نیمه شعبان
گشته از خدا خشنود	عسگری از این مولود
عطر گل از او بویم	داده به شاخ طوبا
عید ما مبارک باد	دل شیعیان شد شاد
مهدی مهدی مولایم	مولا مولا مولایم (۲)
ما هم به تو می‌نازیم	هرکس به کسی نازدم (۲)
بر نبی درود گویم	از ظهور آن مولا
دیده مانده در راهم	منتظر بر آن شاهم
من گدای این کویم	در رهش کنم غوغا
ظاهر فروغش را	از خدا ظهورش را
شهسوار نیکویم	طالبم من از یکتا

مولا مولا مولایم (۲)

مهدی مهدی مولایم

«امید فاطمه» (۱)

چگونه باقی بریزد شراب باقی در ساغرم
 که آید امشب نگارم گذارد پا بر چشم ترم
 بین که در تاب و تبم شد فروزان کوکبم
 نام زیبایش بود ذکر هر روز و شبم یا ابا صالح مدد
 ز دامن نرگس امشب شکوفا گردیده نوگلی
 گل بهار آفرین گلستان زهرا و علی
 قبله گاه آرزو کعبه دل روی او
 جشن میلادش رسید همنا با من بگو
 به خدا پیر کنعان نسیم آید بگشا پنجره
 مشام جانش شود پر ز بوی یوسف سامرا
 بوی پیراهن رسید، وقت گل و گلشن رسید
 ماه شعبان شد عظیم چونکه ماه من رسید
 امشب سرور و حضور است و هنگام عید فاطمه
 شده منور جهان از جمالت امید فاطمه
 جلوه پیغمبری نور چشم حیدری
 یوسف زهرا تویی حجت ابن العسگری

«مورغ سحرگاهان» (۲)

ز صحرای دلم جز بوته ی غم نروید گر گل و سنبل بکارم
 دلم از دوریت یارا غمین است شود آبی اگر یکدم کنارم
 اگر دستم رسد بر دامن تو
 زدیده دُر به دامانت فشانم
 به مزگان، خاک راهت را برویم
 ترا در دیده‌ی مردم نشانم

عزیزم کاسه‌ی چشمم سرایت میان هر دو دیده جای پایت
 ز آن ترسم که غافل پانهی باز نشیند خار مژگانم بی‌پایت
 نمودم ناله چون مرغ سحرگاه
 همه شب تا سحرگاهان ز هجرت
 بامیدی که بینم رویت ای دوست
 نگردیدم دمی غافل ز ذکرت
 به دوری از برم دل در برم نیست هوای دیگری اندر سرم نیست
 به جان دلبرم گز هر دو عالم تمنای دگر جز دلبرم نیست
 بنالم، اشک ریزم، خون فشانم
 که تا شمع شبستانم تو گردی
 ز گلزار جهان دل بر گرفتم
 که شاید سرو بستانم تو گردی
 سپید شد موی اندر جوانی ز بس درد غم هجران کشیدم
 بشد عمرم با‌خر ای نگارا ز باغ وصلت آخر گل نچیدم
 تو ای باد صبا، ای پیک رحمت
 گذر چون میکنی از درگه یار
 ز خاک کوی روح افزای آن دوست
 غباری از سر شفقت به من آر
 گذر کردم چو اندر کوی دلبر ز بانگ ناله‌ئی رفتم من از هوش
 سحرگاهی چو هوشم بر سرآمد رسیدم این صدا از یار برگوش
 هر آنکس عاشق است، از جان نترسد
 عاشق از کندو و از زندان نترسد
 دل عاشق بود، گرگ گرسنه
 که گرگ از هی هی چوپان نترسد

«روی مه»^(۱)

می‌رسد این نغمه از آسمان	آمده مهدی صاحب زمان
عشق مطلق مهدیست	و عده حق مهدیست
همه مست روی مه پاره‌اش	همه در طواف گهواره‌اش
یوسف زهرا اومد	قبله دله‌ها اومد
خجل مه از روی نیکویش	سیاه شب تار گیسویش
قبله بود طاق ابرویش	جاء الحق نوشته بر روی بازویش
در این کویر بی کسی	از همه دل گسسته‌ام
چون که تو از کعبه می‌آی	رو به خدا نشسته‌ام
کی میشه از کعبه بیاد	صدای دل‌نواز تو
یا ببینم تو کربلا	اقامه نماز تو

می‌رسد این نغمه از آسمان

آمده مهدی صاحب زمان

«یوسف خیر النساء»^(۲)

دلبر مه جبین، ای گل نرگس بیا	دلربا، دلنشین، یوسف خیر النساء
تمثال روی تو بهشت آرزو	مست شراب یاد تو جام و سبو (۲)
ای عصاره بر تمام انبیاء و اولیاء	ای خلاصه از علی وفاطمه و مصطفی

تمثال روی تو...

کی شوی میهمان، در رواق دیده‌ام	یار بهتر زجان، دلبر نادیده‌ام
چشم دل باد همیشه سوی تو	ترسم بمیرم و نبینم روی تو

تمثال روی تو...

گر بدانم در کجایی، می‌شوم شیدای تو	با مژه جارو نمایم خاک زیرپای تو
می‌کشم انتظار، تا بیایی ای نگار	می‌زنم بوسه‌ها روی خاک پای یار

با تک گل من می شود عالم بهار هستی و آسمان همه یابد قرار
تمثال روی تو...

بر در سردار عشقت می نشینم تا ابد تا بگیرم از غبارِ خاک راه تو مدد
تمثال روی تو...

کعبه عشق من، دیده مشکین تو اوج رنج و محن، دوری دیرین تو
کشته هجران و فراغ تو منم جان از بدن رفته و جامانده تنم
تمثال روی تو...

سینه ام را گر شکافی، حک شده نامت به عین
خود بیا ای منتقم، به خون حلقوم حسین

«قبله گاه انبیاء»^(۱)

جان و دلم...

به انتظار، می تپد دل قلب همه (۲) بیا بیا، ای یوسف فاطمه (۲)
[ای همه آرزوی ما مقصد جستجوی ما
ذکر تو گفتگوی ما نام تو آبروی ما] (۲)

[یا ابا صالح مددی (۲)] (۲)

بیا بیا، ای دلدار مهلقا (۲) بیا بیا، ای کعبه اولیا (۲)
بیا بیا، ای همنام مصطفی (۲) تویی تویی، قبله گاه انبیا (۲)
[به لحظه شکفتنت به ذکر و آیه خواندنت
مرا ببر به گلشنت به بویی از پیراهنت
[طالب دیدار توام بسین گرفتار توام
بخواندهام دعای عهد به اذن تو یار توام]

[یا ابا صالح مددی (۲)] (۲)

وجود ما، نذر یک نگاه تو (۲) سجود ما، روی خاک راه تو (۲)

بودن ما، باشد در پناه تو (۲)	قبله ما، چشمان سیاه تو (۲)
[می رسد از سوی خدا	به یمن تو روزی ما
تو بارش کرامتی	یوسف فاطمه بیا [
[عشق تو آب و گلم	تویی تسموم حاصلم
بیا یه بار بینمت	برا تو تنگ شده دلم
[یا ابا صالح مددی (۲)] (۲)	

«صاحب» (۱)

یا ابا صالح کعبه‌ی جانی	تو صفای بزم محبتانی
نام تو تسبیح و دعای ما	
مهدی زهرا مهدی زهرا	
شکر حق مستم از سبوی تو	کعبه‌ی عشقم شد کوی تو
بهر من هستی جنت المأوا	
مهدی زهرا مهدی زهرا	
تو به دلها جلوه‌ی امیدی	تو فروغ مشعل توحیدی
دست ما دامان تو یا مولا	
مهدی زهرا مهدی زهرا	
صاحب مایی، غم ما دانی	منتقم خون شهیدانی
تو بیا از دل عقده‌ها بگشا	
مهدی زهرا مهدی زهرا	

«مست سبویت» (۲)

همه میخانه‌ها مست سبویت	به می کوثر آورده بسویت
ای گل نرگس، دلبر و مونس (۲)	منتظر روی توام ساقی مجلس

ای گل نرگس ای گل نرگس
گل نرگس گل نرگس ای گل نرگس مولا ای گل نرگس
همه عقل و هوش ما ربودی دل ما اسیر خود نمودی
تویار مایی، نگار مایی بر این دل خزان زده بهار مایی
ای گل نرگس ای گل نرگس
ز پس پرده ای چشمه نورم تو کنار منی من ز تو دورم
ای همه هستم دل به تو بستم برای دیدنت به خاک ره نشستم
ای گل نرگس ای گل نرگس

«گل رعنا» (۱)

ای که خدا هم بود، عاشق رخسار تو، هر که خدایی بُود، تشنه دیدار تو
دل شده رسوای تو، عاشق و شیدای تو، مست تماشای تو، مولا

ای گل نرگس بیا (۳)

هر که تو را دیده است، عاشق رویت شده

هر که پسندیده است، زائر کویت شده

من که ندیده تو را، عاشقم و مبتلا، جان بنمایم فدا، مولا

ای گل نرگس بیا

جلوه نمایی کن ای یوسف زهرا بیا بر سر بازار عشق، ای گل رعنا بیا

دل شده بیمار تو، گشته خریدار تو، مست و گرفتار تو، مولا

ای گل نرگس بیا

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ وَرَبَّانِي أَيَّتُهَا

سَلَامٌ وَدُرُودٌ بِرِشْمَائِي أَيُّ دَعْوَتِ كُنُنْدَةٍ بِهٖ سَوِي خُدَاوَنَدِ وَ پَرُورِشِ دِهَنْدَةٍ

مَخْلُوقَاتِ خُدَا (كِه أَيَا اَلِهِي هِسْتَنْد)

«کوثر من»^(۱)

یابن الزهرا یامهدی	هستی من مستی من در و دیوار قلب من شده آینه بندگان
تو بیایی به سرگرد و شب یلدای هجران	
یابن الزهرا یامهدی	هستی من مستی من
نمی‌دونم زهجرونت چه سازم	عزیزم یار نازم دل نوازم
بیا دردم دوا کن چاره سازم	دوای درد ما وصل ته باشه
یابن الزهرا یا مهدی	دلبر من کوثر من
دوزلفونت حراج ملک ری بی	دو چشمونت پیاله پرزمی بی
نمی‌دونم که فردای تو کی بی	همین وعده کنی امروز و فردا
کجا می‌گردد و در خونه کیست	نمی‌دونم دلم دیونه کیست
اسیر نرگس مستونه کیست	نمی‌دونم دل سرگشته مسو
من تنها و خسته را خادم این حرم کن	تو خدای محبتی به گدایان نظر کن

سوی حرم در سفرم یابن الزهرا یا مهدی...

«صاحب زمان»^(۲)

بیا قرار دل من که بی قرارم	یا ابا صالح در انتظارم
تویی امیدم به جز تو کسی ندارم	
ای چراغ اقتدای راه من، تویی پناه من	
کی اقتداری پور علی، به رویت نگاه من	
چون سائل بر راحت نشستم	مهدی مهدی دل بر تو بستم
فقیر توام یا ابا صالح	اسیر توام یا ابا صالح
(تو جان جهانی، آرام جانی، صاحب زمانی، ابا صالح)	
بر سر من، گذری کن که من خارو تویی باغ بهشتم	

برگ و بارم بده مهدی، که تویی هستی، تمام سرنوشتم
 ای تمام آرزویم، دنبال رویت می‌کشانی کوبه کویم
 (تو جان جهانی، آرام جانی، صاحب زمانی، ابا صالح)

«فرج آل محمد»^(۱)

اگر آن ماه نمونه
 همه بتهایی جهان را
 رخ خود را بنمونه
 سر جاشون می‌نشونه

یگانه تمثال علی یا اباصالح
 منتقم آل علی یا ابا صالح
 امید و آمال علی یا ابا صالح
 یابن الزهرا یابن الزهرا

دوای درد دل ما یابن الزهرا	حاصل دین انبیاء یابن الزهرا
تو امید زهرایی	جانشین مولایی
اگر آن ماه نمونه	رخ خود را بنمونه
همه بتهای جهان را	سرجاشون می‌نشونه
تویی آن آیت سرمد	تویی آن وارث احمد
که بود روز ظهورت	فرج آل محمد (ص)
به نخل خلقت ثمری یا اباصالح	به خلقت شب سحری یا اباصالح
منجی خیل بشری یا ابا صالح	یابن الزهرا یابن الزهرا
چشم بشر به سوی تو یابن الزهرا	قبله قبله روی تو یابن الزهرا

دارو ندار همه‌ای پسر فاطمه

اگر آن ماه نمونه	رخ خود را بنمونه
کم و ما و کرم تو دل ما و حرم تو	به تمنای وصلت سرما و قدم تو
دلبر و دلداری منی یا ابا صالح	تو بهترین یار من یا اباصالح

دوای درددل ما یابن الزهرا حاصل دین انبیاء یابن الزهرا
تو امید زهرایی، جانشین مولایی
کربلا دیده راهت، انبیا مست نگاهت
جلوه گر از پس پرده کی شود آن رخ ماهت
بر همگان سرآمدی یا ابا صالح، آئینه دار احمدی یا اباصالح، حقیقت محمدی یا
اباصالح، یابن الزهرا، تجلی پیمبری یابن الزهرا، تو ذوالفقار حیدری یابن الزهرا،
دست من و دامان تو یابن الزهرا، جان من به قربان تو یابن الزهرا
یابن الزهرا یابن الزهرا
اگر آن ماه نمونه رخ خود را بنمونه
همه بتهای جهان را سرجاشون می نشونه

«رویای سپید»^(۱)

ای تیر غمت را دل عشاق نشانه دنبال تو گردد دل ما خانه به خانه
گل نرگس بیا گل نرگس
ای صبح امیدم، رویای سپیدم گرچه رخ ماهت، یکبار ندیدم
نادیده به جان درد و بلای تو خریدم گل نرگس بیا گل نرگس
جمعی به تو مشغول و تو غایب زمیانه من جز تو ندارم یاری به زمانه
گل نرگس بیا گل نرگس
دل یعقوب اگر از تو گذر می کرد به خدا قطع نظر ز پسر می کرد
که دو صد یوسف مصری شده مجنونت همه گلهای جنان واله و مفتونت
گل نرگس بیا گل نرگس

«عصاره عشق» (۱)

نور چشم همه لاله فاطمه می شود بر لبم نام تو زمزمه
همه جا بروم به بهانه تو که مگر برسم در خانه تو
چشم من مانده به رخت مولا تشنه ام بر یک نگهت مولا
یا ابصالح مددی....

دل به دامت اسیر ای به عالم امیر
بین ره مانده ام دست ما را بگیر
همه جا دنبال تو می گردم که تویی درمان همه دردم
همه جا....

تو عصاره عشق دل همه ای گل نرگس یوسف زهرایی
تو خلاصه حیدر و فاطمه ای بود آن حالت چه تماشایی
تو ننگار آخر طاهایی گل زهرایی تو کجایی
تو عزیز و یوسف زهرایی گل زهرایی تو کجایی
گوشه چشم تو به دل کیمیا یه نگاهی شود بهتر از هرطلا
کن نگاهی یار، کریمانه تا شود قلبم چون حرمخانه
تا ابد گردم بر تو مستانه گل زهرایی تو کجایی
تو عزیز....

با نگاهی دلم می شود مهدیه می کنم هستی ام در رخت هدیه
با نگاهت مبتلا شد دل تا ابد هستم بر رخت سائل
یا تو می گردد بزم من کامل گل زهرایی تو کجایی
تو عزیز و یوسف زهرایی گل زهرایی تو کجایی

السَّلامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا طَالِحٍ النَّهْدِيُّ

«امید جان»^(۱)

یا ابا صالح مدد	ذکر دلم بی عدد
به فدای مهر و وفای تو	سرو جان ما به فدای تو
که شدم فقیر و گدای تو	ز تمام خلق جهان سَرَم
یا ابا صالح مدد	ذکر دلم بی عدد
تو تمام روحی شقایقی	تو وجود کل حقایقی
تو خدای این دل عاشقی	تو سرود هر دل مشفق
دل خسته آهوی دامت	به فدای لطف و مرامت
که منم غلام غلامت	شد فخر من به دو عالم
یا ابا صالح مدد	ذکر دلم بی عدد
به بهار دل تو امید جان	ببری دل از همه گل رخان
شده مست زمزمه آسمان	حرم تو قبله کهکشان
به طواف کوی تو عرشیان	شده مُحَرِّم تو ملائکه

«یابن الحسن»^(۲)

آمد نگار نازنین، آن دلربا، آن مه جبین
هم در سما، هم در زمین، ذکر همه باشد چنین
یابن الحسن....
پیدا جمال داور است، این یک علی دیگر است
توحید حق پا تا سراسر است، سرتابه پا پیغمبر است
یابن الحسن...
چشم پدر می جویدش، مانند گل می بویدش
می خندد و می بوسدش، از شوق جان می بویدش
یابن الحسن

«امید همه» (۱)

دلببر و مونس بیا بیا (۲)	ای گل ترگس بیایا
تو بیا تا جهان شود پاک	ای پناه زمین و افلاک
ای امید همه کجایی	
که مگر ز تو برسد خبر	همه منتظر به تو
دیدنت بود آرزوی همه	که به عالمی بدهی ثمر
ای گل ترگس...	
علت غیبت گناه ما	یاد تو باشد (پناه ما)
ای امید همه کجایی	یوسف فاطمه کجایی
تو بیا تا جهان شود پاک	
مست چهره آشنای تو	قلب ما همه مبتلای تو
ای کرانه جستجوی ما	مرغ جان ما در هوای تو

«سروناز» (۲)

دل دلدادگان امشب شده مست سبویت

شده چشم جهان روشن به تماشای رویت
 دلبر من، کوثر من، یابن الزهرا یا مولا
 سحر نیمه شعبان طلوع فجر صادق نثار مقدمت گردد گل یاس و شقایق
 سرو روان، کعبه جان، یابن الزهرا یا مولا
 شده محرم همه جانها به طواف کوی تو دلها دست حاجت زد به خم گیسوی تو
 فلک نجات، آب حیات، یابن الزهرا یا مولا
 به شوق آرزویت این دل دیوانه سوزد به گرد شمع روی تو پروانه پر سوزد
 لیلۀ قدر، جلوۀ بدر، یابن الزهرا یا مولا
 به باغ آرزو دل تو هستی سرو نازم بیاد خال روی تو همه شب در نمازم
 قبلۀ راز، بنده نواز، یابن الزهرا یا مولا
 بیا تا دل صفا گیرد ز خورشید جمالت چه شود گر نصیب من شود جام وصال
 دل شده مست، باده پرست، یابن الزهرا یا مولا

«سرجاء الحق»^(۱)

ای کجای سگه دلهای عاشقان یاد تو سوره قدر خدا ارجوزه میلاد تو
ای همه دلها گرفتارت صبح صادق شام دیدارت
یا ابا صالح، یا ابا صالح
ای گل نرگس چمن بوی بهارت می دهد سبزه گلشن خبر از روزگارت می دهد
رشته دلها به دست تو هستی عالم ز هست تو
یا ابا صالح، یا ابا صالح
به قدومت سگه زر می فشاند آسمان گل بگو ببوید، گل بخندد آسمان
یوسف زهرا صفا داری حسن آل مصطفی داری
یا ابا صالح، یا ابا صالح
هاشمی تو فاطمی دل حیدری آیین تویی ای تبارک از تبارت جلوه یاسین تویی
ای لب ت سرچشمه ی کوثر عشق زهرا جان پیغمبر
یا ابا صالح، یا ابا صالح
ای عدالت را تجسم ای فضیلت را دوام سرجاء الحق دهد از دولت عشقت پیام
تو امام تیغ و تقوایی تو ولی امر دلهایی
یا ابا صالح، یا ابا صالح

«گوهر نرگس»

امشب از دامن نرجس پسری می آید
عسگری را پسر خوش سیرتی می آید
امشب افلاک سماوات بود نورانی
چون ز دریای ولایت گهری می آید
تا که امشب کند احقاق حقوق مظلوم
رهبر زنده دل و دادگری می آید

راحت جان حسن نور دو چشم نرگس
بهر ابناء بشر خوش پدری میآید
حیة ابن الحسن العسگری با لطف عمیم
تا کند بر بشریت نظری میآید
شجر گلشن توحید تماشائی شد
چونکه بر آن شجره شاخ و بری میآید
خانه‌ی عسگری از مقدم او شد چو بهشت
ز آنجهت که بجهان تاج سری میآید
بانک شادی همه جا می رسد امشب بر گوش
گوی بر منتظران منتظری میآید
بشریت شود از وادی ظلمت آزاد
چونکه بر گمشدگان راهبری میآید
مرد حق، رهبر نستوه، امام آگاه
تا رهاند بشر از هر خطری میآید
تا که کوتاه کند دست ستمکاران را
از سر خلق جهان راهبری میآید
«اشعریا» شب هجران بسر آمد زیرا
کز پی هر شب یلدا سحری میآید

«قدوم مهدی»^(۱)

مژده که گردش جهان دوباره شد به کام ما
جهان مرده زنده شد ز نهضت و قیام ما
شکسته پشت دشمنان ز وحدت کلام ما
درود ما، سلام ما به نایب الامام ما

که پخته شد ز فکر او خمیر فکر خام ما
به دشمنان دین بگو تو آخرین پیام ما
بود ز هر حوادثی جهان شیعه در امان
که زد قدم در این جهان مهدی صاحب الزمان
مژده بده به شیعیان که گاه انقلاب شد
ز یمن صاحب الزمان کاخ ستم خراب شد
ز پشت پرده جلوه گر تا رخ آنجناب شد
ز جلوه‌ی جمال او قمر به پیچ و تاب شد
بروی شیعیان او دوباره فتح باب شد
بسان روضه جنان زیمن او تراب شد
رسد ندا ز هاتفی بین زمین و آسمان
که زدم قدم در این جهان مهدی صاحب زمان
سزد که مریم از جنان عود به معجر آورد
سُندس و پرنیان و گل ز خلد هاجر آورد
ساره برای مقدمش طبق طبق زر آورد
چه رهبری که نخل دین ز مقدمش برآورد
زیمن مقدمش بود فاطمه شاد در جنان
که زد قدم در این جهان مهدی صاحب زمان
نزول رحمت خدا کنون برای نرجس است
که غرق شادی و شفق بحق سرای نرجس است
ورد زیان قدسیان مدح و ثنای نرجس است
رمز بقای عالمی راز بقای نرجس است
صفای بخش این جهان شور و صفای نرجس است
شامل حال شیعیان لطف خدای نرجس است

که نام نامیش بود در این زمانه جاودان
که زد قدم در این جهان مهدی صاحب زمان
گشته سپاس ذات حق ورد زبان عسگری
دمیده روح تازه‌ای خدا بجان عسگری
طنین فکنده در جهان بانگ ندای عسگری
سرشک شوق شد روان ز دیده گان عسگری
خیز زجا و مژده ده به خاتم پیمبران
که زد قدم در این جهان مهدی صاحب زمان
سزد که شرق و غرب را مسخر این پسر کند
اساس فتنه بر کند بری ز شر بشر کند
لوی عدل و داد را به مکه مستقر کند
بنای ظلم زیر و رو بامر دادگر کند
خرمن هستی ددان دستخوش شرر کند
کلام نغز او اثر بقلب خشک و ترکند
کنون به شادی و شرف مژده بده به شیعیان
که زد قدم در این جهان مهدی صاحب زمان
مهدی فاطمه بیا که خصم رو سیاه شد
خوار و ذلیل و در بدر رژیم پوچ شاه شد
ز وحدت کلام ما روز عدو تباه شد
کوه ستم برای ما به همت تو کاه شد
رها ز قید و هم و غم ملت بی پناه شد
مساعدا از برای تو بیا بیا که راه شد
ز مقدم تو شاد شد دل تمام شیعیان
که زد قدم در این جهان مهدی صاحب زمان

«مشعل نور»

کعبه کعبه روی تو یا اباالحسن	قبله قبله کوی تو یا ابن‌الحسن
شمس محمد قمر فاطمه	لاله نرگس پسر فاطمه
یا مهدی یا مهدی میلادت مبارک	
عترت عترت محو تماشای تو	قرآن قرآن عاشق لبهای تو
اگر تو یک آیه تلاوت کنی	فرشته را مست حلاوت کنی
یا مهدی یا مهدی میلادت مبارک	
جنت جنت نیمی از کوی تو	طویا طویا قامت دلجوی تو
فدای آن طلعت نورانی ات	حکیمه زد بوسه به پیشانی ات
یا مهدی یا مهدی میلادت مبارک	
موسی موسی سوی تو آرد نیاز	عیسی عیسی با تو بخواند نماز
پیغمبران مشعل نور توآند	منتظر روز ظهور توآند
یا مهدی یا مهدی میلادت مبارک	
عباس عباس به حضرت فاطمه	تبریک تبریک فرستد از علقمه
منتقم خون خدا آمده	طالب خون شهدا آمده
یا مهدی یا مهدی میلادت مبارک	
محسن محسن خبر اصغر بده	زینب زینب مژده به مادر بده
ندای هفتاد و دوتن می‌رسد	ز کربلا به گوش من می‌رسد
یا مهدی یا مهدی میلادت مبارک	

«خال لب»^(۱)

صفا بخش محفل ما، خبر دارد از دل ما
 که آمد و فروغ جانان آمد جمال صاحب الزمان آمد
 شور شادی مبارک، عید مهدی مبارک

خداجویان منتظرش، فلک خاک رهگذرش
فرشته با ندای جاء الحق دهد به بزم عاشقان رونق
عید ایمان مبارک، جان جانان مبارک
ملک آید به دمش گذارد سر در قدمش
به سال نور و ماه نور آمد امیر قبله در ظهور آمد
مهرش در دل مبارک، کرده منزل مبارک
شکوه حق دولت او خدا خواهی صولت او
نشانه‌های فاطمی دارد به چهره خال هاشمی دارد
نور عصمت مبارک یاس خلقت مبارک
قسم بر آن خال لبش قسم باو و نسبش
که جان ما به عشق او امید ما به آرزوی بسته
نامش بر لب مبارک، یادش امشب مبارک

«ساقی مجلس»^(۱)

پروانه می چرخد، برگرد جمال گل مستانه می‌گردد، از بوی وصال گل
(گل نرگس، دلبر و مونس، ساقی مجلس، خوش آمدی) (۲)
که شده یک جهان صدا همه مستانه ترانه خوان
(گل طه، یوسف زهرا، دلبر مولا، خوش آمدی) (۲)
پیمانه‌ی ساقی، سرزد ماه عالمین آمد گل زهرا، بر لب ذکر یا حسین
(شده یکسر، باده و ساغر، مست تو دلبر، خوش آمدی) (۲)
همه گویند به یک صدا گل نرگس بیا بیا
(گل نازم، راز و نیازم، ذکر نمازم، خوش آمدی) (۲)

ای جان و جانانه، عالم در ارادتت کعبه و بُتخانه مشغول عبادتت
(تو کجایی، نور خدایی، خوشا بیایی، حبیب ما) (۲)
دو جهان خاک پای تو همه عالم گدای تو
(تو امامی، ساقی جامی، عشق تمامی، طیب ما) (۲)

«گل نرگس» (۱)

ای که خدا هم بُود، عاشق رخسار تو هر که خدایی بُود، تشنه‌ی دیدار تو
دل شده بی تاب تو، عاشق و شیدای تو، مست تماشای تو، مولا
ای گل نرگس، بیا (۴)
هر که تو را دیده است، عاشق رویت شده
هر که پسندیده است، زائر کویت شده
من که ندیده تو را، عاشقم و مبتلا، جان بنمایم فدا، مولا
ای گل نرگس، بیا (۴)
جلوه نمایی کن ای، یوسف زهرا بیا بر سر بازار عشق، ای گل رعنا بیا
دل شده بیمار تو، گشته خریدار تو، مست و گرفتار تو، مولا
ای گل نرگس، بیا (۴)

«یوسف فاطمه» (۲)

گل بریزید، فرشته‌ها، امام گل‌ها اومد
بوی گل و، بهار می‌یاد، یوسف زهرا اومد
ای گل ناز فاطمه، یا مهدی
ذکر نماز فاطمه، یا مهدی

رازو نیاز فاطمه، یا مهدی

تا زنده‌ام، هَمَش می‌گم

تویی امید ما همه یا مهدی

بوی گل، ترگس اومد، دل از همه می‌بره

یه دلبر و، مونس اومد، که از همه بهتره

عشق تو همیشه مهمونم، یا مهدی

همیشه با تو می‌مونم یا مهدی

درد و بلا توبه جونم، یا مهدی

هستی من، مستی من کنم همیشه زمزمه یا مهدی

گل بریزید...

هستی من، مال تو هست، دار و ندارم فدات

دلم به دنبال تو هست، تا بشه نذر چشات

عشق توکل حاصلم، یا مهدی سرشته با آب و گل، یا مهدی

مهدیه‌ی تو شد دلم، یا مهدی

الهی من، فدات بشم یوسف آل فاطمه، یا مهدی

گل بریزید...

السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقُومُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْعُدُ

سلام بر شما هنگامی که بر یا می‌ایستی (قیام و ظهور می‌فرمایی) سلام

بر شما هنگامی که می‌نشینی (در پرده غیبت قرار می‌گیری)

«جلوه‌ی ماه»^(۱)

جان جانتانم	ماه کنعانم	امشب سوی وطن آمد
دل کند مستی	از همه هستی	ذکر یابن الحسن آمد
سیدی مولا	سیدی مولا	یابن الزهرا گل طاها
حجت معبود	مهدی موعود	در عالم جلوه نموده
چشم جادویش	عطر گیسویش	از گلها دل بر بوده
سیدی مولا	سیدی مولا	یابن الزهرا گل طاها
ندهی دیگر	تو می و ساغر	بر من ای ساقی مجلس
هر کجا هستم	سرخوش و مستم	از عشق نرگس نرگس
سیدی مولا	سیدی مولا	یابن الزهرا گل طاها
ای حبیب من	ای طیب من	ای درمان همه دردم
کمتر از خارم	آرزو دارم	تا من دور تو بگردم
سیدی مولا	سیدی مولا	یابن الزهرا گل طاها
غرق در آمم	جلوه کن ماهم	می میرم من ز جدایی
به تو دل بستم	جان به لب هستم	یابن الزهرا به کجایی
سیدی مولا	سیدی مولا	یابن الزهرا گل طاها
تو بیا مولا دگر از زهرا		نه دستی مانده نه سینه
روی مه نیلی	شده از سیلی	در کوچه‌های مدینه
سیدی مولا	سیدی مولا	یابن الزهرا گل طاها

«شعر و شعور»^(۱)

گل زهرایی	به شکوفایی زده	امشب خیمه به گلشن
به صفا آمد	به خدا آمد	قدمش بر دیده‌ی روشن
یا ابا صالح	یا ابا صالح	یا بن الزهرا گل حیدر
به لب یاران	شده جاء الحق	گل نغمه‌ی عشق و عنایات
پسری آمد	که کند هستی	به وجودش فخر و مباحات
یا ابا صالح	یا ابا صالح	یا بن الزهرا گل حیدر
نفس هستی	شده عطر آگین	ز قدوم حضرت مهدی
ز فلک ریزد	ملک افشاند	گل سرخ ولایت مهدی
یا ابا صالح	یا ابا صالح	یا بن الزهرا گل حیدر
دل و دین من	ببرای دلبر	که فدایت دارم ندارم
چه شود آیا	که در این دنیا	به قدومت سربگذرام
یا ابا صالح	یا ابا صالح	یا بن الزهرا گل حیدر
من ناقابل	چه کنم با دل	که ز شهر و دیار تو دورم
تو کرم کردی	تو نمک دادی	به سرود و به شعر و شعورم
یا ابا صالح	یا ابا صالح	یا بن الزهرا گل حیدر
تویی آن مولا	که غلامت را	به عطا و صفا بنوازی
تو حبیب من	تو طیب من	چه کنم گر چاره نسازی
یا ابا صالح	یا ابا صالح	یا بن الزهرا گل حیدر

السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَصَلِّي وَ تَقُتُّ

سلام بر تو هنگامی که نماز می‌گذاری و قنوت می‌خوانی

«میلا»^(۱)

مژده دلدار آمده، مژده دلدار آمده	گل به بازار آمده (۲)
مژده‌ای اهل ولا، نور خدا آمد عیان	آمده صاحب زمان
نور باران شد ز رخسارش زمین آسمان	آمده صاحب زمان
آنکه عالم را کند گلشن، پدیدار آمد	گل به بازار آمده (۲)
مژده دلدار آمده، مژده دلدار آمده	گل به بازار آمده (۲)
هر طرف بانگ منادی می‌دهد، ما را ندا	شد عیان نور خدا
شد گل نرگس این، از نسل ختم الانبیاء	شد عیان نور خدا
منجی اهل جهان، از حق پدیدار آمده	گل به بازار آمده
مژده دلدار آمده، مژده دلدار آمده	گل به بازار آمده (۲)
شد تجلی بخش عالم، نور چشم عسگری	از پی روشنگری
از فلک فوج ملک آمد برای چاکری	از پی روشنگری
مژده خورشید ولایت، در شب تار آمده	گل به بازار آمده
مژده دلدار آمده، مژده دلدار آمده	گل به بازار آمده (۲)
گل بریزید حوریان، با صد شعف بر پای او	بر رخ زیبای او
قدسیان لا حول گو، بر چهره زیبای او	بر رخ زیبای او
جشن گل ریزان بود، آن ماه رخسار آمده	گل به بازار آمده
مژده دلدار آمده، مژده دلدار آمده	گل به بازار آمده (۲)
می‌برد روح القدس، قنناق او بر آسمان	مژده بر اهل جهان
تا نماید ساکنین آسمان را شادمان	مژده بر اهل جهان
بهر علم و حلم و دانش، گنج اسرار آمده	گل به بازار آمده
مژده دلدار آمده، مژده دلدار آمده	گل به بازار آمده (۲)

چلچراغ عرش روشن شد، ز نور انورش
 صد هزاران یوسف مصرش، خریدار آمده
 مژده دلدار آمده، مژده دلدار آمده
 عرض تبریک و بشارت، بر تمام دوستان
 هم به رهبر، هم به ملت، هم به خیل عاشقان بر همه پیر و جوان
 مژده دلدار آمده، مژده دلدار آمده
 از رُخ روشنگرش
 گل به بازار آمده
 گل به بازار آمده (۲)
 بر همه پیرو جوان

«حضرت مهدی (عج)»^(۱)

مژده‌ای دوستان، شد جهان باصفا
 این ندا می‌رسد، از سما بر زمین
 مرحبا، مرحبا، آفرین، آفرین، آمده زاده، سیدالمرسلین
 از گلستان دین، نوگلی شد عیان
 آشکار شده، یار مستضعفین
 مرحبا، مرحبا، آفرین، آفرین، آمده زاده، سیدالمرسلین
 نوگلی از گُلی، آشکارا شده
 شد معطر زمین، چون بهشت برین
 مرحبا، مرحبا، آفرین، آفرین، آمده زاده، سیدالمرسلین
 دسته دسته ملک، آید از آسمان
 گو بر این مادر و، این پسر آفرین
 غنچه نرگس دین شکوفا شده
 آمده زاده سیدالمرسلین
 مرحبا، مرحبا، آفرین، آفرین، آمده زاده، سیدالمرسلین
 دسته‌های گل و، جمله شادی کنان
 آمده زاده سیدالمرسلین

اللهم عجل لولیک

«کام شیرین»^(۱)

قـبـائـم آل رسـول، سـرو بـسـتـان بـسـتـول
نوگل سرسبد باغ وجود، جز خدا مایه‌ی هر بود و نبود
کاش می‌آمد و آفاق منور می‌شد
خجل از روی مهش خسرو خاور می‌شد
کاش می‌آمد و می‌گشت جهان مهد امان
کاش تعجیل در این امر مقدر می‌شد
دیده تا کی ز غم هجر رخس خون‌گرید
کاش می‌آمد و دیدار میسر می‌شد
کی شود کز افق غیب دمد صبح امید
کاش از فیض دمش روح معطر می‌شد
کی شود تا به در آید رخس از پرده‌ی غیب
کاشکی فرصت این فیض مقدر می‌شد
ذکر او بود به لب دیشب و «صاعد» شیرین
همه را کام از این قند مکرر می‌شد

«مقتدای مسیحا»^(۲)

خورشید کنعان ولا یوسف زهرا آمده
منتظران منتظران مهدی به دنیا آمده
دسته گل محمدی یابن الحسن خوش آمدید
ای شمع جمع انبیاء روشن‌گر دلها شدی
هم مهر اهل آسمان هم ماه محفل‌ها شدی
دسته گل محمدی یابن الحسن خوش آمدید

ای مصلح دنیای ما ای شافع عقبای ما
بستان حکمت اللّهی ریحانة الزهراى ما
دسته گل محمدی یابن الحسن خوش آمدید
هم سایه بر عالم بزن هم بر فلک پرچم بزن
کفر جهانی را بکش از دین و قرآن دم بزن
دسته گل محمدی یابن الحسن خوش آمدید
ای حسن احمد را نشان گوهر نشان گوهر نشان
بر روی دست عسگری قرآن بخوان قرآن بخوان
دسته گل محمدی یابن الحسن خوش آمدید
ای بر مسیحا مقتدا وجه خدا دست خدا
هستی گرفته جان به کف عالم زند تو را صدا
دسته گل محمدی یابن الحسن خوش آمدید

«مصلح عالم» (۱)

بیت ولایت بیت ولایت گلشن شد (۲)

چشم محمد (ص) چشم محمد (ص) روشن شد

نرجس زاده دسته گلی با عطر زهرا و علی (۲)

منتقم آمد منتقم آمد برخیزید (۲) زیر لوایش زیر لوایش بستیزید

خون ستمکاران جهانی را ریزید روز عدو شب همچو شب اهریمن شد

نرجس زاده دسته گلی با عطر زهرا و علی (۲)

صحنه‌ی گیتی رشک ریاض رضوان شد (۲)

جان به تبسم، روز وصال جانان شد

لاله‌ی نرگس لاله‌ی نرگس خندان شد

ملک جهان از خنده‌ی گرمش گلشن شد

نرجس زاده دسته گلی با عطر زهرا و علی (۲)

مصلح عالم دیده به عالم بگشاده (۲) عیسی مریم زیر لوایش استاده

موسی دیگر ضد ستمگر شد زاده سامره همچون وادی طور ایمن شد

نرجس زاده دسته گلی با عطر زهرا و علی (۲)

ماه جمال حجّت حی داور بین (۲) منجی محرومان جهان را یکسر بین

مستضعف را خلعت عزّت در بر بین مستکبر را جامه‌ی ذلّت بر تن شد

نرجس زاده دسته گلی با عطر زهرا و علی (۲)

مژده‌ی رحمت بر همه آمد جاء الحق (۲)

پیک خدا را زمزمه آمد جاء الحق

یوسف مصر فاطمه (س) آمد جاء الحق

هستی پر از بوی خوش پیراهن شد

نرجس زاده دسته گلی با عطر زهرا و علی (۲)

«روشنی افروز»^(۱)

شام ظلمتکده را روز آمد چهره‌ی روشنی افروز آمد

رهبر مسئله آموز آمد که نوازشگر دلسوز آمد

نور حق، زاده‌ی احمد آمد قائم آل محمد آمد

شمس در برق رخس پنهان است ماه از دیدن روی او، سرگردان است

اختر از اوست چنین تابان است دیده از دیده‌ی او حیران است

مظهر خالق امجد آمد قائم آل محمد آمد

سبزه از خاک برون سر آرد
جان به خاک قدمش بسپارد
قائم آل محمد آمد
به اسارت بکشد طغیانرا
بلکه تجدید کند قرآن را
قائم آل محمد آمد
بر لبش آیهی قرآن باشد
بلکه بر جسم جهان جان باشد
قائم آل محمد (ص) آمد

ابر از شوق رخس می بارد
لاله لب بر لب او بگذارد
دُر دردانهی سرمد آمد
آمد آزاد کند انسانرا
بشکند صولت خود خواهان را
راه بر ظلم ببیندد آمد
قدرتش قدرت ایمان باشد
بازویش یار ضعیفان باشد
که نمایانگر ایزد آمد

«نقل مجلس» (۱)

من بگویم تا ابد قل هو الله احد
آمده سرو چمن آمده جانان من

سیدی مولا مدد (۴)

پرده از رخ برگرفت حجت و محبوب ما
آمد امشب جلوه گر مقصد و مقصود ما
یوسف مصر وطن مهدی موعود ما

سیدی مولا مدد (۴)

آن که از او می کنم بوی گل را حس تویی
آن که نام او بُود نُقل هر مجلس تویی
ای گل خوش عطر و بو نرگس نرجس تویی

سیدی مولا مدد (۴)

لیلة القدر همه خرمن گیسوی تو
می وزد بوی بهشت یا که باشد بوی تو

کی شود یابن الحسن
من ببینم روی تو
سیدی مولا مدد (۴)
ای که تیر غمزات
با دل من آشناست
پاسخ ما را بگو
چون دلم غرق نواست
یابن الزهرا
تربت زهرا کجاست

«امام حاضر» (۱)

شبم دیده‌ی همه، بارون چشم انتظار
برات می‌بارد همیشه (چشما مثل ابر بهار) (۲)
یوسف زهرایی من، یا ابا صالح
عشق تمنایی من، یا ابا صالح
قبله‌ی شیدایی من یا ابا صالح
تو حاضری و ما اسیر غیبت
گناه نمی‌ذاره کنیم زیارت
یا ابا صالح گل نرگس بیا (۳)
ابر بهار دیده‌ها، براتو نم نم می‌بارد
اشک غم و دوری تو (تو همه عالم می‌بارد) (۲)
دلبر و دلداری همه، یا ابا صالح
دارم همیشه زمزمه، یا ابا صالح
یوسف آل فاطمه، یا ابا صالح
مذهب و دین ما ولایت توست
هستی ما، مهر و محبت توست
یا ابا صالح گل نرگس بیا (۲)

هر چی همه خوبا دارن، تو یک جا داری آقا جون

عصاره‌ی پیمبرا، (تویی امام مهربون) (۲)

خلاصه‌ی ملک بقا، یا ابا صالح عصاره‌ی آل عبا، یا ابا صالح

قبله‌ای و قبله نما، یا ابا صالح

ای گل مرتضی و زهرا بیا حق خمینی و شهیدا بیا

یا ابا صالح گل نرگس بیا (۳)

«در دوران انتظار...» (۱)

در دوران انتظار سرمستم به ذکر یار

مشغولم به بوی گل تا آید ز ره بهار

ای جانم بیا بیا جانانم بیا بیا

[یا بن فاطمه بیا (۳)] (۲)

با یاد تو دلخوشم عکست را به دل کشم

مرغ جان خسته را دنبال تو می‌کشم

ای نازم بیا بیا پروازم بیا بیا

[یا بن فاطمه بیا (۳)] (۲)

تو امید همه‌ای بر لبهای زمزمه‌ای

تو جانان نرگس و یوسف فاطمه‌ای

ای خوبم بیا بیا محبوبم بیا بیا

[یا بن فاطمه بیا (۳)] (۲)

یا صابرة الزمان اذی کفنی

«یار ما»

ز آسمانها، صفای جانها، رسیده همراه یار ما
که ماه کامل، دمیده بر دل، ز نور روی نگار ما
تمام عالم صفا گرفته لب ملائک نوا گرفته

که یوسف فاطمه رسید

[مهدی مولا خوش آمدی خوش آمدی یابن الزهرا خوش آمدی خوش آمدی]

(مولا مولا ابا صالح) (۴)

گل پیمبره بیا و بنگر، که خاری ام من به راه تو
منم غلامت، اسیر دامت، فدای چشم سیاه تو
رسیده بر دل شراب مستی بیاید از ره امیر هستی

امید جان همه رسید

[مهدی مولا خوش آمدی خوش آمدی یابن الزهرا خوش آمدی خوش آمدی]

(مولا مولا ابا صالح) (۴)

به لعل شیرین، به چشم مشکین، رسیده دلدار فاطمه
به قدرعنا، به روی زیبا، رسیده آن یار فاطمه
فدای آن ماه روشن شب فدای خال کنار آن لب

به هر لب این زمزمه رسید

[مهدی مولا خوش آمدی خوش آمدی یابن الزهرا خوش آمدی خوش آمدی]

(مولا مولا ابا صالح) (۴)

پیمانه ساقیا، سرزد ماه عالمین آمد گل زهرا، با ذکر شهادتین

(شده یکسر، باده و ساغر، مست تو دلبر، خوش آمدی)

همه گویند به یک صدا گل نرگس بیا بیا

(گل نازم، رازو نیازم، ذکر نمازم، خوش آمدی)

ای جان و جانانه عالم در ارادتت کعبه و بتخانه مشغول عبادتت
(تو کجایی، نور خدایی، خوشا بیایی، حبیب ما)
دو جهان خاک پای تو همه عالم گدای تو
تو امامی، ساقی جامی، عشق تمامی، طیب ما

«جان زهرا»

ای جان نرگس - دلبر و مونس - ای، ساقی مجلس
یا مهدی، یا مهدی، ادراکنی، یا مهدی
به انتظار لحظه‌ای، که آبی ای گل از سفر
نشسته یک جهان دل، خسته کنار رهگذر
*** یا مهدی یا مهدی ادراکنی یا مهدی ***
ای عشق مولا - ای جان زهرا - یادگار فاطمه
یا مهدی، یا مهدی، ادراکنی، یا مهدی
چه می‌شود بیایی و، چهره ز پرده رو کنی
دل خزان گرفته را، بهار آرزو کنی
*** یا مهدی یا مهدی ادراکنی یا مهدی ***
ای نور عالم - ای پور خاتم - ای عشق مجسم
یا مهدی، یا مهدی، ادراکنی یا مهدی
اگر ز روی مرحمت به سوی ما نظر کنی
چه می‌شود بیایی و زکوچهام گذر کنی
به حق مادرت بیا، برای انتقام او
به زخم جان او نگر، بیا به التیام او
*** یا مهدی یا مهدی ادراکنی یا مهدی ***

«چشمون سیات»

- (می‌شینم به راه تو به انتظار تا بینم روی ماهتو یه بار) (۲)
 این منم بنده‌ی پست و روسیات (شدم اما عاشق چشم سیات) (۲)
 (یه گوشه‌ی چشمی کن منم، کنم تو رو تماشا) (۲)
 بیا یه بار ببینمت، یوسف آل زهرا) (۲)
 [یا مهدی، بیا بیا] تکرار
- (آرزوی چشم عاشقان شدی پشت ابر غیبت نهان شدی) (۲)
 شده پنهان رخ مه طلعت تو (گناه ما سبب غیبت تو) (۲)
 (می‌خوام دیگه توبه کنم، تا که بشم لایقت) (۲)
 (آقا بده اجازه تا، منم بشم عاشقت) (۲)
 [یا مهدی، بیا بیا] تکرار
- (گل نرگس همیشه دیووتتم سائلی کنار درب خونه تم) (۲)
 چی میشه یه لحظه در رو واکنی (از لای درمنو نگاهم کنی) (۲)
 (نگاه چشمون سیات، برای من کیمیاست) (۲)
 (فدا شدن برای تو، تموم عشق و صفاست) (۲)
 [یا مهدی، بیا بیا] تکرار

«فروغ محفلها»^(۱)

ای خزان هجرانت باغ دیده‌ها مهدی سوی عاشقان خود از کرم بیا مهدی
 نور مصطفای تو، کی شود بیایی تو
 شد روان سرشک ما از فراق روی تو یار در سفر برگو در کجاست کوی تو
 جان ما سوایی تو، کی شود بیایی تو

مرحمت نما باز آ ای فروغ محفلها وصل رویت ای مهدی، می برد غم از دلها
 نور کبریایی تو، کی شود بیایی تو
 مه‌دیا زده آتش کربلا دل ما را هم غم حسین و هم ماتم و غم سقا
 آیت خدایی تو، کی شود بیایی تو
 شد فدایی قرآن جمله بود و هست تو در ره خدا از تن، شد جدا دو دست او
 جلوه ولایی تو، کی شود بیایی تو

«شوق انتظار» (۱)

ای تمنای تو شوق دیرینه‌ام	بوی عشق تو را می دهد سینه‌ام
من که با یاد تو از تو دم می‌زنم	شب میلاد تو از تو دم می‌زنم
جان ما کجایی یا بقیةالله	کی شود بیایی یا بقیةالله
گل زهرا بیا به صفای چمن	دل صدا می‌زند حجة ابن الحسن
به فدای تو و نرگس مست تو	امشب افتاده است کار ما دست تو
ای ز حق و دیعه یا بقیةالله	ای پناه شیعه یا بقیةالله
شاخه سبز نور گل به بار آرد	مژده وصل تو با بهار آورد
عطر زهرا دهد محفل عاشقان	یا گذر کرده‌ای از دل عاشقان
شوق انتظارم یا بقیةالله	جز تو کسی ندارم یا بقیةالله
با دل تنگ خود بی قراری کنم	کی شود در رهت جان نثاری کنم
ای تسولاً تو قبله طاعتم	گر نگاهم کنی می‌دهی حاجتم
من و این زمزمه یا بقیةالله	یوسف فاطمه یا بقیةالله

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَ دَلِيلَ ارَادَتِهِ

سلام بر تو ای حجت خدا بر خلق عالم و راهنمای یندگان به مقاصد الهی

«مه کنعان»

گل نرگس، گل نرگس که کنم بوی تو را حس
تو بیا دل از همه بستان تو بخوان قرآن به گلستان
مهدی مهدی یا مهدی
تو همان نور خدایی که عیان در همه جایی
چه شود من هم بشینم گل رخسار تو بینم
مهدی مهدی یا مهدی
دو جهان دل به تو نازد مه شعبان به تو نازد
تو مه تابنده نرگس به لبانت خنده نرگس
مهدی مهدی یا مهدی
شب میلاد تو عالم شده خرم شده خرم
زهق الباطل بود امشب تو به جاء الحق بگشال لب
مهدی مهدی یا مهدی
چه شود رخ به نمایی ز همه دل بربایی
به صفای عدل جهانی همه را از غم برهانی
مهدی مهدی یا مهدی
همه سوزنده و تو داغی همه شعله تو چراغی
تو عزیز فاطمه هستی مه کنعان همه هستی
مهدی مهدی یا مهدی

«ساقی»

ای گل نرگسم دلبر و مونس	یاد رویت بود ساقی مجلسم
دلم برای تو دارد بهانه	لبم به نام تو شد در ترانه
برای آنکه شام غم سرآید	حدیث وصل تو خوانم شبانه

تو همان فجر صادق جهانی سوره‌ی عصر جان عاشقانی

گل نرگس بیا ای گل نرگس (۴)

می‌بده ساقیا مست مستم نما از کوثرت پرکن این جام ما را

زچشم نرگس و یاس و افاقی چکیده باده از دستان ساقی

گرفته هر گلی جام شقایق که جرعه گیرد از آن یار باقی

همه گلها شده مست جمالش آرزومند یک لحظه وصالش

گل نرگس بیا ای گل نرگس (۴)

ای گل فاطمه، نور چشم همه انتظار دلم کی رسد خاتمه

برای دیدنت لحظه شمارم دگر به غیر تو یاری ندارم

چو دانم از کدامین سو بیایی به خاک راه تو سر می‌گذارم

سجده دارد دلم به خاک کویت همه‌ی هستی ام فدای رویت

گل نرگس بیا ای گل نرگس (۴)

«گل زهرا»

پروانه می‌چرخد، برگرد جمال گل مستانه می‌گردد، از بوی وصال گل

(گل نرگس، دلبر مونس، ساقی مجلس، خوش آمدی) (۲)

که شده یک صدا جهان همه مستان ترانه خوان

(گل طه، یوسف زهرا، دلبر مولا، خوش آمدی) (۲)

«یار ما»

ز آسمانها، صفای جانها، رسیده همراه یار ما

که ماه کامل، دمیده بر دل، ز نور روی نگار ما

تمام عالم صفا گرفته لب ملائک نوا گرفته
که یوسف فاطمه رسید
[مهدی مولا خوش آمدی خوش آمدی یابن الزهرا خوش آمدی خوش آمدی]
(مولا مولا ابا صالح) (۴)
گل پیمبره بیا و بنگر، که خاری ام من به راه تو
منم غلامت، اسیر دامت، فدای چشم سیاه تو
رسیده بر دل شراب مستی بیاید از ره امیر هستی
امید جان همه رسید
[مهدی مولا خوش آمدی خوش آمدی یابن الزهرا خوش آمدی خوش آمدی]
(مولا مولا ابا صالح) (۴)
به لعل شیرین، به چشم مشکین، رسیده دلدار فاطمه
به قدرعنا، به روی زیبا، رسیده آن یار فاطمه
فدای آن ماه روشن شب فدای خال کنار آن لب
به هر لب این زمزمه رسید
[مهدی مولا خوش آمدی خوش آمدی یابن الزهرا خوش آمدی خوش آمدی]
(مولا مولا ابا صالح) (۴)

«گل لاله»^(۱)

مژده سادات بنی فاطمه را عید مهدی است بشارت همه را
به به این عید مبارک باشد
جشن توحید مبارک باشد
نرگس این لاله که دارد سردست از خدا دست به دست آمده است
به به این عید مبارک باشد
جشن توحید مبارک باشد

چون گل و لاله به هم ملحق شد زهق الباطل و جاء الحق شد
به به این عید مبارک باشد
جشن توحید مبارک باشد
همه دیدند در آیینه‌ی حق مهدی آن حُسن خدایی جَلوات
به به این عید مبارک باشد
جشن توحید مبارک باشد
جبرئیل آمده از باغ جنان تا کند مقدم او گلباران
به به این عید مبارک باشد
جشن توحید مبارک باشد

«نگاه مهدی» (۱)

لبان غنچه وا شده، که موسم شکفته دسته گل مجلس ما، نوگل باغ سوسنه
گل بریزید نقل بیاشید، که وقت شادی رسیده
امامت (۲) حضرت مهدی رسیده
[امامت (۲) مبارکه مبارکه] (۲)
نشسته‌ام به پای تو، دامن تو بدست من
جز تو کسی رو نمی‌خواد این دل گل پرست من
دست من و دامن تو ردم نکن یا مولا
خودم می‌دونم که بدم خیلی بدم یا مولا
گل بریزید نقل بیاشید، که وقت شادی رسیده
امامت (۲) حضرت مهدی رسیده
[امامت (۲) مبارکه مبارکه] (۲)

ماها رو ناامید نکن آقا جونم آقا جونم
کسی که هستی منو، نور دو چشمون ترم
بین که چشم دل ما به راه توست یا مهدی
دوای درد همه مون، نگاه توست یا مهدی
گل بریزید نقل بپاشید، که وقت شادی رسیده
امامت (۲) حضرت مهدی رسیده
[امامت (۲) مبارکه مبارکه] (۲)

«ناخدای دل»^(۱)

به هر کجا پا می‌ذارم، همش به دنبال توأم
دلم فقط تو رو می‌خواد، مال توأم مال توأم
سپرده کار دلم دست گل نرگس
مشام جان من شده، مست گل نرگس
تو هستی اون ناخدای دل همیشه فرمانروای دل
ای گل نرگس فدای تو (۳)
مرغ دلم پر زده تا جمالتو من ببینم
بگو کجاست خونه‌ی تو تا روی بامت بشینم
پر می‌کشم تا برسم به سرزمین تو
می‌چرخم و حلقه می‌شم دور نگین تو
من از تو دور و تو در برم سایه‌ی لطف تو بر سرم
ای گل نرگس فدای تو (۳)
کجایی تا دور سرت بچرخم و پر بزنم
بگو که منزلت کجاست تا هی بیام در بزنم

بدون تو من می میرم تویی حیات من
میون این دریای غم تویی نجات من
سرمه‌ی چشای عاشقات
خاک کف پای نوکرات
ای گل نرگس فدای تو (۳)

«ماه تابان» (۱)

مهدی آمد، مهدی آمد، قائم آل محمد
چشم نرگس گشته روشن، با قدوم آل احمد
دلبر و دلدارم آمد
یوسف زهرا خوش آمد
با جمال و سیرت خود
از همه دل می‌ریاید
یا ابا صالح یا مهدی (۴)

کن نظاره، کن نظاره، واژه‌ی جاء الحق آمد
معنی آیات قرآن، جلوه‌گر شد، رونق آمد
آمده آن نور ایمان
مدد محبوب یزدان
شد زمین شادان و خندان
از رخ آن ماه تابان
یا ابا صالح یا مهدی (۴)

البشارت، البشارت، آمده طاها و یاسین
گشت منور، گشت منور، حجره‌ی آن جان شیرین
وارث خون شهیدان
ای عزیز و مونس جان
دیده بر راهت گذاریم
گشته‌ای ختم رسولان
یا ابا صالح یا مهدی (۴)

«دلبر دلها»

انتظار می‌کشم یارم بیاد (۲) نازنین شبِ تارم بیاد (۲)
 عکسِ روشِ شبا رو چهره‌ی مهتاب کشیدم
 رؤیای دیدنش و تو صفحہ‌ی خواب کشیدم
 دلبرم نیمه‌ی شعبون اومده اون نگار، بهتر از جون اومده
 [آقا بیا مولا بیا، ای یوسف زهرا بیا]
 دلبرم ماهِ تموم دلبراست می‌گن اون خلاصه‌ی پیمبر است
 صورتش آینه‌ی جمال حیدره یه نگاهش از هزار تا یوسفم دل می‌بره
 مه جبینی که نگار ما همه‌ست یار من یوسف ال فاطمه‌ست
 [آقا بیا مولا بیا، ای یوسف زهرا بیا]
 حوریا تور بهشتی بیارید از زمین تا آسمون گل بزارید
 آخه اونکه اومده قبله‌ی هرچی گل آویزه‌ی دامنش یه عالمه تو سل
 آخرین دلبر دلها اومده عشق من یوسف زهرا اومده
 [آقا بیا مولا بیا، ای یوسف زهرا بیا]

«آخرین نور خدا» (۱)

تمام اهل سما، تمام اهل زمین به عشق روی تو، زبان گرفته چنین
 آخرین نور خدا، نور چشم مرتضی شمس آل فاطمه، خوش آمدی
 یا ابا صالح مدد (۴)
 بیا بیا ساقی، زیاده‌ام نوشان بیا و لطفی کن، به جمع مدهوشان
 من بلاگردون تو، جون من قربون تو اسیر عشق گشته‌ام، عاشق و مجنون تو
 یا ابا صالح مدد (۴)
 گرچه از کم‌کمترم، حلقه گوش این درم یا به زنجیرم نما، یا بده بال و پر
 بنده‌ی عبد توام، آرزومند توام تا ابد مست توام، مست و پا بست توام

یا ابا صالح مدد (۴)

به عالمی ندهم، غبار کوی تو را دمیده اند به رگم، عشقی به سوی تو را
صفای من مهدی، مینای من مهدی دواى من مهدی، مولای من مهدی

یا ابا صالح مدد (۴)

«وقت وصال» (۱)

(رسیده بر دل ما، امیر هستی دلها فدای مقدم یار) (۲)

آمده دلدار ما، یوسف بازار ما، جان فدای یار ما

یا ابا صالح مدد (۳)

میان میکده‌ها - دمیده نور جمالش، گلی که وقت وصالش رسیده بوی بهار

ساقی مجلس بیا، دلبر و مونس بیا، ای گل نرگس بیا

یا ابا صالح مدد (۳)

نگار فاطمیون - صفای دیده، عزیز جان پیمبر زدل ربوده قرار

ای گل صحرائی ام، دلبر طاهایی ام، یوسف زهرایی ام

یا ابا صالح مدد (۳)

«خلوت دل» (۲)

من که کفتر دلم، همیشه دنبال تو

تو خودت می‌دونی که، هر چی دارم مال تو

من و غم عشق تو مولا بیا بیا یوسف زهرا

(یا ابا صالح یا مهدی) (۲)

تو اشاره کن تا که، چون همه بشه فدات

همه جَوونِی هر جَوون نذر چشات

دل من بردی به همرات

بسه فدای قد و بالات

(یا ابا صالح یا مهدی) (۲)

روی تاج یوسفم، نوشته این شعر و سرود

خوشگلی یوسف کسنعانی این همه نبود

تو یه چیز دیگه ای مولا

یوسفی و عالم زلیخا

(یا ابا صالح یا مهدی) (۲)

هر چی هم که دیر بیای، به انتظارت می مونم

توی خنوت دلم، اسم تو رو هی می خونم

وقتی می میرم دلبر من

تو بیا بالای سر من

(یا ابا صالح یا مهدی) (۲)

«ماه شب تار»^(۱)

[آقا بیا مولا بیا، ای یوسف زهرا بیا]

انتظار می کشیدم یارم بیاد (۲)

نازنین ماه شب تارم بیاد (۲)

عکسش رو شو شبا رو چهره مهتاب کشیدم

رویای دیدنشو تو صفحه خواب کشیدم

دلبرم نیمه شعبون اومده

اون نگار بهتر از جون اومده

[آقا بیا مولا بیا، ای یوسف زهرا بیا]

دلبرم ماه تموم دلبراست

میگن او خلاصه پیمبراست

صورتش آینه حسن جمال حیدره

یک نگاهش از هزار تا یوسفم دل می بره

مه جبینی که نگار ما همه ست

یار من یوسف آل فاطمه ست

[آقا بیا مولا بیا، ای یوسف زهرا بیا]

حوریا تور بهشتی بیارید
از زمین تا آسمون گل بذارید
آخه اون که اومده قبله هر چی که گل
آخرین دلبر دل‌ها اومده
عشق من یوسف زهرا اومده
[آقا بیا مولا بیا، ای یوسف زهرا بیا]

« گل رعنا »^(۱)

خانه به خانه دل به دنبال تو شد
اسیر دلربایی خال تو شد
خال روی یمین تو، برده هستی و جون من
کنج این دل نشسته‌ای، ای یار دلنشین من
ای گل رعنا، گل نرگس
ماه دل آرا، گل نرگس
نور دل ما، گل نرگس
یوسف زهرا، گل نرگس
یا مولا یا مولا، یابن فاطمه بیا (۴)
لحظه به لحظه میل ما قزون شود
دل که اسیر وادی جنون شود
دیدار روی دلکشت، اگر دیده آرزوی ما
خاک کوی وصال تو، پایان جستجوی ما
دارو ندارم، گل نرگس
تویی بهارم، گل نرگس
عشق تو دارم، گل نرگس
به انتظارم، گل نرگس
یا مولا یا مولا، یابن فاطمه بیا (۴)
ستاره‌ی وجود تو برآمده
شکیب اهل این جهان سرآمده

ای یار فاطمی نسب، نور چشم همه بیا
با خال هاشمی خود، یوسف فاطمه بیا
ای گل زهرا، گل نرگس
عزیز طه، گل نرگس
صفای دلها، گل نرگس
سیدی مولا، گل نرگس
یا مولا یا مولا، یابن فاطمه بیا (۴)

«ابروی زیبا»^(۱)

به عشق خال لبت، پر از قفس می‌زنم
به سایه‌ی مهر تو، نفس نفس می‌زنم
بیا قرار من
دار و نمدار من
باغ و بهار من
بیا کنار من
ابصالح مدد (۴)
تو آن پری چهره که، عالمی مست توست
بهار جان و دلم، همیشه در دست توست
ای تار و پود من
تویی سرور من
ستون خیمه ات
باشد وجود من (۲)
ابصالح مدد (۴)

به عشق خال لبت...

مریض روی توام، تویی دوی دلم
بیا و قرآن بخوان، تو بر شفای دلم
دل بستم کوی تو
بیمار روی تو
شد قاتل دلم
زیبا ابروی تو (۲)
ابصالح مدد (۴)

به عشق خال لبت...

«در آستان تو»^(۱)

روحی لک الفدا یا صاحب الزمان
ای هدیه‌ی خدا محبوب اولیا
خورشید ملک دین گنجینه‌ی خفا
مهدی دادگر فرزند مصطفی

مولا بیایا، بیایا، الغوث والامان

در انتظار تو بر لب رسیده جان
داریم آرزو بینیم روی تو
جان تازه می‌شود با عطر و بوی تو
سرگشته عاشقان برگرد کوی تو

مولا بیایا، بیایا، الغوث والامان

برکش ز رخ نقاب گن نور حق عیان
در آستان تو حاضر به خدمتیم
سرباز و تابع امر ولایتیم
آماده در رکاب بهر شهادتیم

مولا بیایا، بیایا، الغوث والامان

درمان کردگار بر گوش ما رسان
ای نوگل حسن ای شمس مشرقین
منصور مقتدر محبوب عالمین
کی‌گیری انتقام از قاتل حسین

مولا بیایا، بیایا، الغوث والامان

ای مهر تابناک ای میر کاروان
ای آنکه سروری بر انس و جان همه
ده با ظهور خود بر ظلم خاتمه
گیر انتقام خویش از خصم فاطمه

مولا بیایا، بیایا، الغوث والامان

ده ریشه‌ی فساد را بر همه نشان
مولا بیایا بده بر قلبها شفا
بر زخم دل گذار از مرحمت دوا
گو قبر مادرت زهرا بود کجا

مولا بیایا، بیایا، الغوث والامان

تا خون دل کنی بر تربتش روان

«صبح امید»^(۱)

خوبه که مرغ دلم به کوی تو پر بگیره
(چی میشه به اسم تو عاشقی از سر بگیره) (۲)
خوبه که گدای خسته‌ای برا قیامتش
(توشه از خاک کف پای تو دلبر بگیره) (۲)
وقتی که دیوانه دیوانه دیوانه میشم
مست تو جانانه جانانه جانانه میشم
مولا مولا مولا یا مهدی
من رو سیا اگه عالمو زیرو رو کنم
هر چی دارم همه رو نذر می‌وسبو کنم
می‌دونم جز تو ندارم کسی رو براهمین
من باید تموم هستیمو براتو رؤ کنم
راهی میخانه، میخانه میخانه میشم
طالب پیمانہ پیمانہ پیمانہ میشم
مولا مولا مولا یا مهدی
بی تو اهل آسمون یه ماه و خورشید ندارن
روشنی کهکشون، زهره و ناهید ندارن
بیا که معنا نداره بی تو زندگی ما
بی تو مردم جهان یه صبح امید ندارن
دلبر دلدار و دلدار و دلدار منی
به خدا تو یارو تو یارو تو یار منی
مولا مولا مولا یا مهدی

«جلوه طه» (۱)

ای راحت جانم، مولا صاحب الزمان

ای دین و ایمانم، مولا صاحب الزمان

شه دلها، جلوه‌ی طاها، مهدی زهرا، خوش آمدی

گل حیدر، عشق پیمبر، شفیع محشر، خوش آمدی

ای قبله‌ی دلها، سرمست از ولادتت

جان همه عالم نذر قد و قامتت

نازنینم، حبل متینم، پرده نشینم، خوش آمدی

شه دلها، جلوه‌ی طاها، مهدی زهرا، خوش آمدی

ای راحت جانم....

ای مهدی زهرا، مولا صاحب الزمان

ای راحت جانم، مولا صاحب الزمان

می جامم، بدر تمامم، امام خوبم، خوش آمدی

گل نازم، محرم رازم، رکن نمازم، خوش آمدی

ای راحت جانم....

«جان نرگس»

الا ای آنکه جانم با صفا گردد ز رویت

نما یک گوشه‌ی چشمی که من هستم گدایت

به درگاه تو آیند

گدایان با امیدی

که دیداری نمایند

به درب خانه کوبند

قرارم تویی، بهارم تویی، گرفتار تو هستم

تو ای مه جبین، بیا و ببین، که بیمار تو هستم

بیا یابن الزهرا (س) (۳)

اگر چه دل شده در جشن میلاد تو مسرور
ولی حیف از تو با خیل گناهان گشته‌ام دور
به بزم شادی خود
به عبادت کن نگاهی
کرم کن با نگاهی
ببخشا تو گناهی
به ما کن نظر، بیا از سفر، تو ای جان نرگس
گل فاطمه، کنم زمزمه، بیا ای جان نرگس
بیا یابن الزهرا (۳)

«خورشید سامره» (۱)

بگو به ساقی بریزد شراب باقی در ساغر
که آید امشب نگارم گذارد پا بر چشم ترم
من که در تاب و تبم شد فروزان کوکبم
نام زیبایش بُود ذکر هر روز و شبم
یا ابا صالح مدد (۲)
ز دامن نرگس امشب شکوفا گردیده نوگلی
گل بهار آفرین گلستان زهرا و علی
قبیله گاه آرزو کعبه دل روی او
جشن میلادش رسید همنوا با من بگو
یا ابا صالح مدد (۲)
به خانه پیر کنعان نسیم آید بگشا پنجره
مشام جانش شود پر زبوی یوسف سامره
بوی پیراهن رسید وقت گل گفتن رسید
ماه شعبان شد عظیم چون که ماه من رسید
یا ابا صالح مدد (۲)

شب سرور و حضور است و هنگام عید فاطمه
شده منور جهان از جمالت امید فاطمه
جلوه‌ی پیغمبری نور چشم حیدری
یوسف زهرا تویی حجة ابن العسگری

«دردانه‌ی خاتم»^(۱)

یاد تو ای گل من، داده صفا به مجلس
چشم تمام مستان، محو نگار نرگس
آمد گل طه - آن یوسف زهرا
یا بن الحسن مهدی
در انتظار رویش، چشم همه به سویش
هر کس زیاده‌ی او، پُر می‌کند سبویش
دل بی قرار او - در انتظار او
یا بن الحسن مهدی
دل‌های اهل هستی، پروانه‌ی جمالش
کعبه‌ی عشق و مستی، مشکینه خط و خالش
من سائلش هستم - بر او دخیل بستم
یا بن الحسن مهدی
مبهور جلوه‌هایش، هست ذات آفرینش
او قبله‌ی عالم - دردانه‌ی خاتم
یا بن الحسن مهدی

صدایت من کنم سلامت من دهم، دعایت من کنم

«مهتاب من»^(۱)

سودای دل، بی تاب منی شب تا به سحر، مهتاب منی
 روی تو ماهم، جز تو نخواهم، دیده به راهم
 [گل من گل من گل من، ای گل نرگس] (۲)
 با عشق تو دلها خورده محک بر صفحه دل، نقشت شده حک
 ای آرزویم، در جستجویم، ذکر تو گویم
 [گل من گل من گل من، ای گل نرگس] (۲)
 مبهوت تو شد، هستی جهان چون با ته گره، خورده دل و جان
 ای گل گلها، دلبر یکتا، یوسف زهرا
 [گل من گل من گل من، ای گل نرگس] (۲)
 در پرده ابر، ای مهر نهران نور تو خوشا، تابد به جهان
 ای شمس و خورشید، زهره و ناهید، ای نور امید
 [گل من گل من گل من، ای گل نرگس] (۲)

«در آستان تو»

روحی لک الفدا یا صاحب الزمان مولا بیا، بیا الغوث و الامان
 ای هدیهی خدا محبوب اولیا خورشید ملک دین گنجینهی خفا
 مهدی دادگر فرزند مصطفی
 در انتظار تو بر لب رسیده جان مولا بیا، بیا الغوث و الامان
 داریم آرزو ببینیم روی تو جان تازه می شود با عطر و بوی تو
 سرگشته عاشقان برگرد کوی تو
 برکش ز رخ نقاب گن نور حق عیان مولا بیا، بیا الغوث و الامان
 در آستان تو حاضر به خدمتیم سرباز و تابع امر ولایتیم
 آماده در رکاب بهر شهادتیم

در امان کردگار بر گوش مارسان
ای نوگل حسن ای شمس مشرقین
مولا بیا، بیا الغوث و الامان
منصور مقتدر محبوب عالمین
کی گیری انتقام از قاتل حسین
ای مهر تابناک ای میرکاروان مولا بیا، بیا الغوث و الامان
ای آنکه سروری بر انس و جان همه ده با ظهور خود بر ظلم خاتمه
گیر انتقام خویش از خصم فاطمه
ده ریشه‌ی فساد را بر همه نشان
مولا بیا بده بر قلبها شفا
بر زخم دل گذار از مرحمت دوا
گو قبر مادرت زهرا بود کجا
تا خون دل کنی بر تربتش روان
مولا بیا، بیا الغوث و الامان

«طلیعه‌ی رهایی»^(۱)

ای فرجت طلیعه رهایی
خیره شده دیده من ز بسکه
جهان در اضطراب و التهاب است
چه می‌شود برای یک لحظه‌ای
جمعه به جمعه در دعای ندبه
بر سر کوی تو نشسته‌ام من
حیات ما بسته به الطاف تست
اگر بیایی تو در این انجمن
مسجد الاقصی به تو دل دوخته
در جیبه‌ها انسددر خط مقدم
پرچم فتح قدس در دست توست
برای تسکین دل "اشعری"

به انتظارم که ز در درآیی
کشیده‌ام درد غم و جدایی
مهدی فاطمه چرا نیایی
نظر به عاشقان خود نمایی
داد ز نسیم که مهدی جان کجایی
فخر کنم به یک چنین گدایی
بی تو ندارد زندگی صفایی
به استجابت برسد دعایی
تو زینت کعبه‌ای و مسنایی
راه گشای راه نینوایی
باز گشای راه کربلایی
نیست به غیر از تو کس آشنایی

«گل سرخ فاطمه»^(۱)

<p>تو گل سرخ بنی فاطمه‌ای هر که می‌رسد میگه مهدی چه شد باز دوباره جمعه شد من اومدم بیا امروز توی مجلس دعا یه شب جمعه ببر کربلا تا یه دفعه روی ماهت ببینم چرا پس تو را ملاقات نکنیم یه روزی بیاد بگن مهدی اومد بیشتر از هر روزی در انتظارم روی خود را نشون منم بده</p>	<p>تو که آرام قلوب همه‌ای هر که می‌پرسد میگه مهدی چه شد مهدی جون اگر که خوبم یا بدم از پس پرده‌ی غیبت در بیا ما که خوشد دلمون بیا ما را رو خاکا تو کوچه‌ها می‌نشینم همه جا هستی و پیدات نکنیم خدا گر به بتدهاش لطفی کند روزای جمعه رو خیلی دوس دارم تا برایه مرتبه هم که شده</p>
-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

«مولا بیا»^(۲)

<p>ولی حق یگانه مصلح جهان مهدی بیا مهدی بیا مهدی بیا توئی توئی مونس قلب خستگان مهدی بیا مهدی بیا مهدی بیا دم از تو می‌زنیم همیشه روز و شب ظهورت از خدای خود کنیم طلب مهدی بیا مهدی بیا مهدی بیا دوا کنی درد محبان چه شود دهی تسلی به یتیمان چه شود مهدی بیا مهدی بیا مهدی بیا جهان کن از ظهور خود تو غرق نور نما تو ریشه کن نفاق و ظلم و زور</p>	<p>پناه ما مهدی صاحب الزمان امام ما پناه ما مهدی بیا توئی توئی پناه دل شکستگان امام ما پناه ما مهدی بیا ز هجر تو رسیده جان ما به لب امام ما پناه ما مهدی بیا اگر نظر کنی بیاران چه شود امام ما پناه ما مهدی بیا بیا تو ای ولی حق نما ظهور نما تو ریشه کن نفاق و ظلم و زور</p>
----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

«یوسف زهرا»^(۱)

مژده‌ای عاشقان، نور سر مدعیان شده در نیمه ماه شعبان
دل دلدادگان دارد عطر جنان که شکوفا شده گل ایمان
آمد آمد - ماه هر انجمن - آمد آمد - - حجة بن الحسن
شمع بزم وجود نور حی و دود منبع فیض وجود آمد، امشب
از لب قدسیان، از دل عاشقان نغمه‌های سرود آمد امشب
آمد آمد - ماه هر انجمن - آمد آمد - - حجة بن الحسن
ساقیا، ساقیا! می‌عشق و وفا بده امشب بما مهدی آمد
روح صدق و صفا خاتم الاوصیا آخرین مقتدا مهدی آمد
آمد آمد - ماه هر انجمن - آمد آمد - - حجة بن الحسن
از نسیم سحر می‌رسد این خبر که شد جلوه گر روی مهدی
عید عشق و وفاست شادی ما پیاست چشم اهل ولاست سوی مهدی
آمد آمد - ماه هر انجمن - آمد آمد - - حجة بن الحسن
خانه عسگری جلوه دارد از فیض این تازه مولود
تهنیت از همه بر بنی فاطمه رسد از یمن این عید مسعود
آمد آمد - ماه هر انجمن - آمد آمد - - حجة بن الحسن

«زیبا گل محمدی»^(۲)

امشب زمین و آسمان از هر شبی زیباتر است
امشب جهان نورانی و مانند ماه انور است
بر دامن نرگس گلی از گلشن پیغمبر است
آمد ولی ذات حق اینگو، به عالم سرور است

بادا بشارت حجت خلاق سرمد آمده
زیبا گلی از گلشن آل محمد آمده
شد نیمه شعبان و مهدی را شب میلاد و شد
دل‌های عشاق رخس از این خبر دلشاد و شد
بر عاشقان حضرتش گاه مبارکباد و شد
هر دل به غم و بُد مبتلا از قید غم آزاد و شد
بادا بشارت حجت خلاق سرمد آمده
زیبا گلی از گلشن آل محمد آمده

کی شود روزی که ما هم از حجاب آید برون
کی می‌شود روزی که آن منجی نقاب آید برون
کی می‌شود آن معنی ام‌الکتاب آید برون
کی می‌شود روزی که مهدی از حجاب آید برون

گویند که فرزند علی ساقی کوثر آمده
مهدی که بر دستش شود دنیا مسخر آمده
بادا بشارت حجت خلاق سرمد آمده
زیبا گلی از گلشن آل محمد آمده

اللَّهُمَّ اِنَّمَا بِهٖ الْاَرْضُ عَدْلًا كَمَا مَلَنْتَ ظُلْمًا وَّ جَوْرًا.....

خدایا زمین را بدست او پراز عدل و دادکن همانگونه که از ظلم و جور پرشده
است. خدایا شکستگی‌ها را بوسیله او ترمیم فرما و شکافها را التیام ده و ستم را
بدست او بمیران و عدل را بوسیله او آشکار ساز.

«دولت قرآن» (۱)

روشن دیده زهرا شد، دلها غرق تمنا شد

نور حق به تجلاً شد آمد مهدی موعود

داده منادی، نغمه‌ی شادی، مبارک این میلاد «خوش آمدی گل نرگس» (۲)

پایان شب هجران شد، صبح دولت قرآن شد

عید نیمه شعبان شد آمد مهدی موعود

نور محمد جلوه گر آمد، مبارک این میلاد «خوش آمدی گل نرگس» (۲)

عطر باغ جنان آمد، یار خسته دلان آمد

شمع محفل جان آمد، آمد مهدی موعود

گلشن جانها گشته مصفا، مبارک این میلاد «خوش آمدی گل نرگس» (۲)

تا بد حق ز جمال او، جان شد محو کمال او

دل مشتاق وصال او، آمد مهدی موعود

جلوه یزدان گشته نمایان، مبارک این میلاد «خوش آمدی گل نرگس» (۲)

نرجس بانوی آزاده، جان و دل به خدا داده

امشب دسته گلی زاده آمد مهدی موعود

دخت یسوعا بر تو و زهرا مبارک این میلاد «خوش آمدی گل نرگس» (۲)

«گل نرگس» (۲)

گل نرگس به گلستان آمد

همه جا روشن شد

عاشقان نیمه شعبان آمد

سامره گلشن شد

آنکه حق وعده به ما داد آمد

مهدی آل محمد آمد

مژده یاران شب میلاد آمد

آخرین حجت سرمد آمد

وارث فاتح خیبر آمد

صاحب دین و ولایت آمد

حافظ شرح پیغمبر آمد

مظهر حق و عدالت آمد

هر چه در پرده نهان بود آمد

صاحب خون شهیدان آمد

شعیان مهدی موعود آمد

مژده بر امت قرآن آمد

«جلوهی انباء»^(۱)

مژده که زیبا پسری داده خدا به عسگری
 آمد مولود صاحب الزمان روشن چشم تمام شیعیان
 عید ولادت امام انس و جان است
 روز سرور و شادی مستضعفان است
 نیمه شعبان آمده عید محبان آمده
 شادان بود پیغمبر خندان گشته علی مرتضی
 میلاد مهدی مصلح کل جهان است
 روز سرور و شادی مستضعفان است
 منجی عالم آمده وصی خاتم آمده
 باشد وارث کل انبیاء دارد جلوه جمع اوصیاء
 ز روی او جلوه کبریایان است
 روز سرور و شادی مستضعفان است

«منجی عالم»^(۲)

دارد نوا پیک وحی تبارک	فرخنده میلاد مهدی مبارک
جانم زهرا چشم نرگس برتوروشن	یا ابالحسن، یا ابالحسن، یا ابالحسن
پیک سحر دارد آهنگ شادی	شوراز افق تابان نور آزادی
در نیمه شعبان از جانب حق	مژده جلال حق دارد منادی
از این مژده ملک هستی گشته گلشن	یا ابالحسن، یا ابالحسن، یا ابالحسن
تفسیر جلال حق زهق الباطل	شد جلوه گر امشب در وجه کامل
از آسمان چشم و چراغ هستی	آئینه روی حق گشته نازل
امشب نرگس در بر دارد سرو و سوسن	یا ابالحسن، یا ابالحسن، یا ابالحسن
شد در جهان ظاهر عدل مجسم	خاتم رسولان وصی خاتم
آورده با خود این منجی عالم	مفهوم نام شعبان المعظم
مهدی آمد ویرانگر کاخ دشمن	یا ابالحسن، یا ابالحسن، یا ابالحسن

«نسیم سحر» (۱)

یوسف فاطمه، گل زهرا بیا آرزوی همه، جان طه بیا
 کی رسد خاتمه دوری ما بیا می‌کنم زمزمه، جان مولا بیا
 ای گل نرگس ای گل زهرا بیا (۴)
 کی شود روی تو، سهم دلها شود روی دلجویی تو دلبر ما شود
 یاد ابروی تو، چون مسیحا شود بر سر کوی تو، دیده بینا شود
 ای گل نرگس ای گل زهرا بیا (۴)
 در شب انتظار ای وصالم بیا ای نسیم سحر در خیالم بیا
 بین شکسته ز هجر تو بالم بیا یاور و دلبر بی مثالم بیا
 ای گل نرگس ای گل زهرا بیا (۴)

«یار بهتر ز جان» (۲)

[دلبر، مه جبین، ای گل نرگس بیا (۲)
 دلربا، دلنشین، یوسف خیرالنسا
 تمثال روی تو بهشت آرزو (۲)
 مست شراب یاد تو جام و سبو (۲) [۲)
 ای عصاره بر تمام انبیا و اولیا (۲)
 ای خلاصه از علی و فاطمه و مصطفی (۲)
 تمثال روی تو... دلبر مه جبین...
 کی شوی، میهمان، در رواق دیده‌ام یار بهتر ز جان، دلبر نادیده‌ام
 چشم دلم باشد همیشه سوی تو (۲) ترسم بمیرم و نبینم روی تو (۲)
 تمثال روی تو... دلبر مه جبین...
 گر بدانم در کجایی می‌شوم شیدای تو (۲)
 با مژه جارو نمایم، خاک زیر پای تو (۲)

تمثال روی تو....
 می‌کشم، انتظار، تا بیایی ای نگار (۲) می‌زنم، بوسه‌ها، روی خاک پای یار
 با تک گل من می‌شود عالم بهار (۲) هستی و آسمان همه یابد قرار (۲)
 دلبرمه جبین...
 بر در سرداب عشقت، می‌نشینم تا ابد (۲)
 تا بگیرم از غبار، خاک راه تو مدد (۲)
 دلبرمه جبین...
 تمثال روی تو....
 کعبه‌ی، عشق من، دیده‌ی مشکین تو (۲)
 اوج رنج و مِخَن، دوری دیرین تو
 کشته‌ی هجران و فراق تو منم (۲)
 جان از بدن رفته و جا مانده تنم (۲)
 دلبرمه جبین...
 تمثال روی تو....
 سینه‌ام را گر شکافی، حک شده نامت به عین
 خود بیا ای منتقم بر، خون حلقوم حسین
 دلبرمه جبین...
 تمثال روی تو....

«گل نرگس» (۱)

[دلبرمه جبین (۲) [(۳)]	[ای گل نرگس (بیا بیا) (۳)]
[ای امید همه کجایی (۲)]	[یوسف فاطمه کجایی]
که مگر ز تو برسد خبر	همه منتظر به تو منتظر
دیدنت بُود آرزوی ما	که به عالمی بدهی ثمر
[علت غیبت (گناه ما) (۳)] (۲)	[ای گل نرگس...]
	[یاد تو باشد (پناه ما) (۳)]

[ای پناه زمین و افلاک تو بیا تا جهان شود پاک] (۲)

(تو بیا تا جهان شود پاک) (۲)

ای گل نرگس....

مست چهره‌ی آشنای تو

قلب ما همه مبتلای تو

ای کرانه‌ی جستجوی ما

مرغ جان مادر هوای تو

ای گل نرگس...

«بوی پیراهن یوسف» (۱)

انتظار جاودانی

ای فروغ آسمانی

آخرین یوسف فاطمه‌ای

تو امید دل ما همه‌ای

یابن الزهرا، کی بیایی

ای گل نرگس کجایی

[یابن طه و یاسین بیا یابن حیدر

پرده از چهره ات برگشا، جان مادر

یابن الزهرا (۴)]

نناز شست دست خالق

ای عصاره خلائق

آفریدت تو را و هنر کرد

با او شام جهان را سحر کرد

شاهکار آفرینش

ای امید اهل بینش

پرده از چهره ات برگشا، جان مادر

[یابن طه و یاسین بیا یابن حیدر

یابن الزهرا (۴)]

یار صحرا گرد دوران

ای شفای درد هجران

بوی پیراهن تو شفایم

غمزه‌ی چشم تو کیمیایم

تا جمالت را ببینم

بر سر راهت نشینم

پرده از چهره ات برگشا، جان مادر

[یابن طه و یاسین بیا یابن حیدر

یابن الزهرا (۴)]

«عشق زمانه»^(۱)

ای حقیقت بی نظیر عشق جان فدای تو، ای امیر عشق
فرا تر از بی نشانها تویی طراوت آسمانها تویی

یا اباصالح اباصالح

ای جان طه، جانان مولا، محبوب دلها، یوسف زهرا

[یوسف زهرا (بیا)] (۴)

ای بهانه‌ی آرزوی من ای کرانه‌ی، جستجوی من
تو دلربا دلبرمونی عزیز زهرا گل نرگس

یا اباصالح اباصالح

ای تاروپوادم، ذکر سجودم، اصل وجودم، بود و نبودم

[یوسف زهرا (بیا)] (۴)

ای سرور من، ای ترانه‌ام ای حقیقت، بی کرانه‌ام
بیا دگر ای گل نوبهار بدان مرا می‌گشاید انتظار

یا اباصالح اباصالح

ای جاودانه، ای بیکرانه، ماه شبانه، عشق زمانه

[یوسف زهرا (بیا)] (۴)

ای نگار من، ای قرار من ای شکوفه‌ی، نوبهار من
بیا که عالم شود خرم‌ت جهان شکوفا شود از دمت

یا اباصالح اباصالح

ای جان طه، جانان مولا، محبوب دلها، یوسف زهرا

[یوسف زهرا (بیا)] (۴)

ای ستاره‌ی روشن شیم زمزمه‌ی دل، نغمه‌ی لبم
اگر بگیرم زنورت سراغ دلم به یادت شود چلچراغ

یا اباصالح اباصالح

ای نور امید، برتر ز خورشید، هر که تو را دید، در، دم پسندید

[یوسف زهرا (بیا)] (۴)

ای جمال تو، آرزوی حور دیده‌های تو قبله‌گاه نور
ز تو بُود نور هر روشنی تو گُل عشق و امید منی

یا اباصالح اباصالح

ای بی‌نهایت، رمز کرامت، ماه ولایت، جانم فدایت

[یوسف زهرا (بیا)] (۴)

«عید مهدی» (۱)

ساقیا بده تو جامی، که ز ره رسیده یارم

مطربا بزن دف و نی، که بیامده نگارم

یا اباصالح یا مهدی

شیعیان بود مبارک که خدا بداده عیدی

عاشقان همه بشارت که ز ره رسیده مهدی

یا اباصالح یا مهدی

ز سما نزول رحمت بزمین بود مبارک

که رسیده عید مهدی ز عنایت تبارک

یا اباصالح یا مهدی

«ماه کنعان» (۲)

ساقی دوباره میخانه واکن، تا جرعه‌ای نوشم

جام الستم، بده به دستم، کز سر رود هوشم

خمار جامت منم منم اسیر دامت منم منم

خوش آمدی مولا الا گل زهرا

دوباره آید، جانانه‌ی من، بیا تماشا کن

مرا چه خواهی، به جمع مستان، بیا و پیدا کن

فقییر راهت منم منم که چشم به راهت منم منم
 خوش آمدی مولا الا گل زهرا
 بیا چو یاران، بیار و بر ما، صفا بده دلها
 نظر به یاران، فکن تو مولا، به مادرت زهرا
 خدا کند گردی آشکار که مُردم از هجر و انتظار
 خوش آمدی مولا الا گل زهرا
 ای ماه کنعان، در ماه شعبان خوش آمدی مولا
 مرآت یزدان تویی به بستان صفا بده گلها
 رسیده مهدی ولادتت ولادت با سعادتت
 خوش آمدی مولا الا گل زهرا
 عنایتی کن به رهبر ما که بوی تو داره
 نظر تمامی کشور ما به سوی تو داره
 عیدی ما را نما عطا حاجات ما را نما روا

« گلبوی مهدی »^(۱)

سیدی یا اباصالح سیدی یا ابا صالح سیدی یا ابا صالح یا مهدی
 امشب فضای عالم از، مشک ختن پر می شود
 از لاله های آرزو، باغ چمن پر می شود
 از نعره های تکبیر ما، دشت و دمن پر می شود
 گوش زمین از نغمه ی، یابن الحسن پر می شود
 سیدی یا اباصالح سیدی یا ابا صالح سیدی یا ابا صالح یا مهدی
 ما را نسیم مرحمت، ز کوی مهدی می رسد
 نور و ضیا بر مهر و مه از روی مهدی می رسد

ای عاشقان ای عاشقان گلبوی مهدی می‌رسد
فرمان فتح آخرین، از سوی مهدی می‌رسد
سیدی یا اباصالح سیدی یا ابا صالح سیدی یا ابا صالح یا مهدی
امشب جهان مرده را، لطف خدا احیاء کند
تفسیر حسن خویشتن، بر بندگان انشا کند
از لاله‌های سرخ دین، سطح چمن زیبا کند
در آن چمن با این نوا، طبع مرا گویا کند
سیدی یا اباصالح سیدی یا ابا صالح سیدی یا ابا صالح یا مهدی

«عشق علی» (۱)

مژده مژده‌ای عاشقان فرزانه جلوه گر امشب شد امیر میخانه
سبو سبو می‌ریزد، که جشن گلها شد شهنشه یوسف‌ها، ز پرده پیدا شد
خوش آمدی یا مولا خوش آمدی مولا
باده نوشان امشب به گرد روی او در طواف هستند و به گفتگوی او
محراب دلها گشته طاق دو ابرویش قلوب عشاق امشب، معتکف کویش
خوش آمدی یا مولا خوش آمدی مولا
مژده امشب پایان فراغ یار آمد به گلستان گوئید که گلزار آمد
پاییز جان پایان شد، نور جلی آمد شام سیه سحر شد، عشق علی آمد
خوش آمدی یا مولا خوش آمدی مولا

«یوسف فاطمه» (۲)

ما که لب تشنه دیدار تویم همه نادیده خریدار تویم
نه خریدار گرفتار تویم نه گرفتار که بیمار تویم
یوسف فاطمه کن نظر بر همه یا مهدی اباصالح

مولانا ابا صالح

ای رخت مهر دل افروز همه وی ز شفقت شده دلسوز همه
حسن تو عاشقی آموز همه بی تو چون شام سیه روز همه
یوسف فاطمه کن نظر بر همه یا مهدی ابا صالح

مولانا ابا صالح

چشم ما حلقه صفت شام و سحر هست در فکر تو پیوسته به در
همچو یعقوب ز هجران پسر این نوشتیم ز خونابه جگر
کای فروزنده تر از ماه بیا یوسف فاطمه از چاه درآ
یوسف فاطمه کن نظر بر همه یا مهدی ابا صالح

مولانا ابا صالح

«عید آزادی»^(۱)

مستضعفان تبریک هنگام شادی است میلاد مهدی یا عید آزادی است
مولود و صبی خاتم مبارک مقدم منجی عالم مبارک
مهدی موعود گردید مولود بادا مبارک بادا مبارک
سرتا پامرات سرمد آمد احیاگر دین محمد آمد
نعمت از مقدمش گردیده کامل ثابت شد جاء الحق زهق باطل
مولود و صبی خاتم مبارک مقدم منجی عالم مبارک
مهدی موعود گردیده مولود بادا مبارک بادا مبارک
برج ولایت امشب قرص قمر داد عروس زهرا چون زیبا پسر داد
میلاد حجت ثانی عشر شد سرتا پاپا تا سر حق جلوه گر شد
مولود و صبی خاتم مبارک مقدم منجی عالم مبارک
مهدی موعود گردیده مولود بادا مبارک بادا مبارک
در نسیمه شعبان سحرگاه از برج عصمت سرزده آخرین ماه
سامره غرق شادی و سرور است مظهر و مهر حق در ظهور است

«مصلح عالم» (۱)

نیمه شعبان آمد، عید محبان آمد
 بادا مبارک بر همه مسلمین عید مهدی و روز مستضعفین
 چشم و چراغ آل محمد
 مصلح عالم آمد، خوش آمد
 بر وارثان زمین بر جمله مستضعفین
 مژده میرسد از تمام جهان، ز میلاد مسعود صاحب الزمان
 چشم و چراغ آل محمد
 مصلح عالم آمد، خوش آمد
 مقصود حق شد دین نبی کامل شد
 رسید آخرین حجت کردگار که از او شود دین حق پایدار
 چشم و چراغ آل محمد
 مصلح عالم آمد، خوش آمد
 حجت ثانی عشر شد در جهان جلوه گر
 آمد به دنیا خاتم الاوصیا
 چشم و چراغ آل محمد
 مصلح عالم آمد، خوش آمد
 شب نیمه شعبان شد ماه زهراتابان
 فروزان شد از خانه‌ی عسگری
 فروغ نبی جلوه حیدری
 چشم و چراغ آل محمد
 مصلح عالم آمد، خوش آمد

«صاحب» (۲)

یا ابا صالح کعبه‌ی جانی
 تو صفای بزم محبتانی
 نام تو تسبیح و دعای ما
 مهدی زهرا مهدی زهرا
 شکر حق مستم از سبوی تو
 کعبه‌ی عشقم شده کوی تو
 بهر من هستی جنت المأوا
 مهدی زهرا مهدی زهرا
 تو به دلها جلوه‌ی امیدی
 تو فروغ مشعل توحیدی

دست ما دامان تو یا مولا
صاحب مایی غم ما دانی
تو بیا از دل عقده‌ها بگشا
مهدی زهرا مهدی زهرا
منتقم خون شهیدانی
مهدی زهرا مهدی زهرا

«بیت ولایت» (۱)

بیت ولایت بیت ولایت گلشن شد (۲)

چشم محمد (ص) چشم محمد (ص) روشن شد

نرجس زاده دسته گلی

با عطر زهرا و علی (۲)

منتقم آمد منتقم آمد برخیزید (۲) زیر لوایش زیر لوایش بستیزید

خون ستمکاران جهانی را ریزید روز عدو شب همچو شب اهریمن شد

نرجس زاده دسته گلی با عطر زهرا و علی (۲)

صحنه‌ی گیتی رشک ریاض رضوان شد (۲)

جان به تبسم، روز وصال جانان شد

لاله‌ی نرگس لاله‌ی نرگس خندان شد

ملک جهان از خنده‌ی گرمش گلشن شد

نرجس زاده دسته گلی با عطر زهرا و علی (۲)

مصلح عالم دیده به عالم بگشاده (۲) عیسی مریم زیر لوایش استاده

موسی دیگر ضد ستمگر شد زاده سامره هم چون وادی طور ایمن شد

نرجس زاده دسته گلی با عطر زهرا و علی (۲)

ماه جمال حجت حی داور بین (۲) منجی محرومان جهان را یکسربین

مستضعف را خلعت عزت در بر بین مستکبر را جامه‌ی ذلت بر تن شد

نرجس زاده دسته گلی با عطر زهرا و علی (۲)

مژده‌ی رحمت بر همه آمد جاء الحق (۲)
پیک خدا را زمزمه آمد جاء الحق
یوسف مصر فاطمه آمد جاء الحق
هستی پر از بوی خوش پیراهن شد
نرجس زاده دسته گلی با عطر زهرا و علی (۲)

«عصاره عشق» (۱)

تو عصاره‌ی عشق، دل همه‌ای	تو خلاصه‌ی حیدر و فاطمه‌ای
گل نرگس یوسف زهرایی	تو نگار آخر طاهایی
بُود آن خالت چه تماشایی	گل زهرایی تو کجایی
تو عزیز و یوسف زهرایی (۲) تو کجایی	
گوشه‌ی چشم تو به دلم، کیمیا	به نگاهی شود بهتر از هر طلا
کن نگاهی یارو کریمانه	تا شود قلبم چون حرمخانه
تا ابد گنردم بر تو مستانه	گل زهرایی تو کجایی
تو عزیز و یوسف زهرایی (۲) تو کجایی	
با نگاهت دلم می‌شود مهدیه	می‌کنم هستی ام در رخت هدیه
بی تو طی گردد یک دم هرگز	جز تو کس باشد محرم هرگز
غیر هجران تو غم هرگز	گل زهرایی تو کجایی
تو عزیز و یوسف زهرایی (۲) تو کجایی	
آمدی و دلم برده‌ای هم‌رخت	مرغ جان پرزده هم‌ره نگهت
با نگاه تو مبتلا شد دل	تا ابد هستم بر رخت سائل
با تو می‌گردد بزم من کامل	گل زهرایی تو کجایی
تو عزیز و یوسف زهرایی (۲) تو کجایی	

« گاه ظهور »^(۱)

مژده هنگام سرور است عالمی دریای نور است
 آمده مهدی به دنیا گویا وقت ظهور است
 (مهدی آمد مهدی آمد (۲))

مرحباها بر تو نرجس از چنین میلاد نافذ
 مادر گیتی نزاید همچنان طفل تو هرگز
 (مژده هنگام سرور... مهدی آمد...)

مهر و ماه هم ستاره می کند بر او نظاره
 بهر پا بوشش ملائک سوی او آیند هماره
 نام او نام محمد (ص) مهدی آمد مهدی آمد

(مژده هنگام سرور...)

ای که خونخواه حسینی بهر دین در شور شینی
 غربت ما بین که دیگر خالی است جای خمینی
 او بود مهمان احمد خالی است جای خمینی
 کی شود از امر سرمد شیعه را یاری نماید
 عالمی در انتظار است تا که او از در، در آید
 مهديا داد از جدایی یوسف زهرا کجایی
 وقت آن دیگر رسیده کز پس پرده در آیی

« یا ابا صالح مدد »

یا ابا صالح، یا ابا صالح، یا بن الزهرا
 یا بن الزهرا، یا بن الزهرا، مولا یا بن الزهرا
 ای صنم دلریا، آئینه دار خدا مست و خراب توام یوسف خیرالنساء
 عاشق و دیوانه ام، ابا صالح مهدی سائل میخانه ام ابا صالح مهدی

تو می‌نابی و من تشنه پیمان‌ام
 اباصالح اباصالح اباصالح مهدی
 عبد و غلام تو منم اباصالح
 تشنه جام تو منم اباصالح
 (یابن الزهرا)

تا که نوای ملک، سرمه چشم فلک
 دل ز همه می‌بری ای نمک دل‌ریا
 پیر همه می‌کشان اباصالح مهدی
 کعبه هر خسته جان، اباصالح مهدی
 بوی علی می‌دهی، مهدی صاحب زمان

اباصالح اباصالح اباصالح
 عبد و غلام تو منم اباصالح
 تشنه جام تو منم اباصالح
 (یابن الزهرا)

چشمه خورشید من، معنی توحید من روی تو یابن‌الحسن ساحل امید من
 روح نماز منی اباصالح مهدی روح نیاز منی اباصالح مهدی
 خسته ز غم هستم و قبله راز منی ای همه هستی من اباصالح مهدی
 ای می‌مستی من اباصالح مهدی چاره هر مشکل من دار و ندارد دل من
 اباصالح اباصالح اباصالح عبد و غلام تو منم اباصالح
 (یابن الزهرا)

«گیسوی پر خمش»^(۱)

می‌رسد این تدا، مهدی مصطفی
 نور ذات خدا، آید امشب
 بر لب عرشیان، در طرب فرشیان
 زهره آسمان، نغمه بر لب
 نور سرمد مهدی فاطمه
 آمد آمد مهدی فاطمه
 گر کند دلبری، مه شود مشتری
 به مه عسگری، بر تماشا
 سبزی پرچمش، گیسوی پر خمش
 عالمی از دمش گشته احیا

(نور سرمد...)

گر شکست این قفس، بشنو بانگ جرس
آن مسیحا نفس، آید از ره
ساریان ساریان، قدری آهسته ران
ماندم از هم‌رهان، بار دیگر

(نور سرمد...)

اشک زهرا تویی، آه مولا تویی مهدی ماتویی، کر مضطر
زینب از کربلا، می‌زند این صدا مه‌دیا مه‌دیا، تیغ حیدر

(نور سرمد...)

«یوسف زهرا طه»^(۱)

امشب جهان مرده را، لطف خدا احیا کند
آیات یوحی الارض را، از قدرتش معنا کند
یک معجز دیگر کند، یک جلوه والا کند
تفسیر حسن خویشان بر بندگان انشاء کند
از لاله‌های سرخ دین سطح چمن زیبا کند
در این چمن با این نوا طبع مرا گویا کند
کای یادگار انبیاء (مهدی بیا مهدی بیا)
ای آخرین امید ما (مهدی بیا مهدی بیا)
ای آسمان امشب ببین انوار وجه ... را
تا مشکنی مقدار خود بیرون نیاور ماه را
ای دل تو هم با یاد او از سینه برکش آه را
آهی که آگاهی دهد افراد ناآگاه را
در هجر رویت سوختم کوتاه کن این راه را
تا چند گویم هر کجا، مهدی... ای آخرین...

ما را نسیم مرحمت از کوی مهدی می‌رسد
 نور و ضیا بر مهر و مه از روی مهدی می‌رسد
 از بهر دفع دشمنان اردوی مهدی می‌رسد
 بر یاری رزمندگان نیروی مهدی می‌رسد
 فرمان فتح آخرین از سوی مهدی می‌رسد
 ای عاشقان، ای عاشقان، گلبوی مهدی می‌رسد
 کاید ندا از جان ما، مهدی بیا، مهدی بیا
 ای آخرین امید ما (مهدی بیا مهدی بیا)
 در نیمه شعبان خدا آخر امام آورده است
 آن ذوالکرم، ناب الکریم، ابن الکریم آورده است
 منظومه اخلاق را حسن الخطام آورده است
 در لیلة القدری چنین قدر تمام آورده است
 آنمهدی مسعود را امر قیام آورده است
 روح الامین از نزد حق بر او پیام آورده است
 بهر قیام ای مقتدا مهدی بیا مهدی بیا
 ای آخرین امید ما (مهدی بیا مهدی بیا)
 مهدی که در کار جهان مشکل‌گشایی می‌کند
 در ما سوا از بندگی کار خدایی می‌کند
 عشقش میان عاشقان فرمانروایی می‌کند
 در پیش برد دین حق قدرت‌نمایی می‌کند
 گم‌گشتگان معرفت را رهنمایی می‌کند
 حزب خدا از او طلب فتح‌نهایی می‌کند
 گوید از آن رو یک صدا مهدی بیا مهدی بیا
 ای آخرین امید ما (مهدی بیا مهدی بیا)

«میلاذ نور»^(۱)

نعره بزن عاشقا، گاه صلا آمده میکرده‌ها وا شده ساقی ما آمده
 شنو سروشم مهدی، حلقه به گوشم مهدی، باده بنوشم مهدی از خم یا هو
 یابن الزهرا، یابن الزهرا یابن الزهرا مهدی یابن الزهرا
 ای صنم خوش قدم ای بت زیبای من عاشقی از هر رقم دلبر یکتای من
 هستی مایی مهدی، چه باصفایی مهدی، عشق خدایی مهدی، دلبر مه رو
 یابن الزهرا، یابن الزهرا یابن الزهرا مهدی یابن الزهرا
 عاشق شوریده‌ام بر تو توسل کنم از همه‌ام بی خبر بر تو توکل کنم
 دوای دردم مهدی، دورت بگردم مهدی، به جلوه هر دم مهدی تویی زهرسو
 یابن الزهرا، یابن الزهرا یابن الزهرا مهدی یابن الزهرا
 گر چه ز ما دلبران روی نهان می‌کنی هر نفسی بیشتر رخنه به جان می‌کنی
 تویی سجودم مهدی، همه وجودم مهدی، بود و نبودم مهدی، دلبر مه رو
 یابن الزهرا، یابن الزهرا یابن الزهرا مهدی یابن الزهرا

«خال مشکین»^(۲)

زیبا گل گلزار دین آمد چه زیبا آمده
 شادی کنید ای شیعیان آرام دلها آمده
 از سوی رب العالمین این هدیه بر ما آمده
 از آسمان سوی زمین مهدی زهرا آمده
 خوش آمده خوش آمده مهدی زهرا آمده
 شمس و قمر شرمنده از نور جمال و روی او
 گلها همه خجالت زده گشته ز عطر و بوی او

چشم همه خلق جهان حیرت زده بر سوی او
 به به چه زیبا لعبتی از نسل زهرا آمده
 خوش آمده خوش آمده مهدی زهرا آمده
 به به چه زیبا غنچه‌ای از عسگری پیدا شده
 آن خال مشکین رخس غارتگر دلها شده
 گویم به وصفش این سخن او یوسف زهرا شده
 سرو گلستان نبی بنگر چه زیبا آمده
 خوش آمده خوش آمده مهدی زهرا آمده
 بر دامن نرجس عجب جلوه نمایی می‌کند
 بشنو که این شیرین سخن نغمه سرایی می‌کند
 در عالم امکان به پا عدل خدایی می‌کند
 بر رهنشینان رهش برگو که مولا آمد
 چشم نبی روشن شده از جلوه رخسار او
 قلب علی و فاطمه شاد از پی دیدار او
 هر که ندیده صورتش شد بی گمان بیمار او
 زیبایی عرش برین اینگونه یکجا آمده
 خاک کف پای تو گردد سرمه چشمان من
 صوت خوش الحان تو باشد آیه قرآن من
 جارو کند خاکستر کوی تو را مژگان من
 از دوریت ای مهدیا جان بر لب ما آمده
 یابن الحسن مرغ دلم در کوی تو پر می‌زند
 سائل پی دیدار تو این حلقه بر در می‌زند
 بنگر چسان این حلقه را با دیده‌ی تر می‌زند
 بر آستان وصل تو رسوای عقبا آمده

او آمده تاریشه ظلم و ستم را بر کند
او آمده تا کافران بر خاک ذلت افکند
خواهم که مولا جان خود با نام تو سودا کنم
امشب به یمن مقدمت من عقده دل وا کنم
راز درون سینه سوزان خود افشا کنم
چون محرم اسرار حق دانای دلها آمده
او آمده تا دشمنان فاطمه رسوا کند
او آمده خط ولای مرتضی ابداع کند
بر زینب کبری بگو مهدی زهرا آمده
خوش آمده خوش آمده مهدی زهرا آمده
دیدنی خمینی نایب رفت و دگر تنها شدیم
دیدنی به پای عشق تو ما در جهان رسوا شدیم
با یاری تو روبرو با خصم با دنیا شدیم
عجل ظهورک منتقم جان بر لب ما آمده
آیا شنیدی گریه‌ی زهرا و آه و ناله‌اش
دیدنی به خون غلطیده او اندر میان خانه‌اش
آیا تو دیدی کشته شد آن محسن شش ماهه‌اش
فضه برای یاری و امداد زهرا آمده
دیدنی به کوچه فاطمه دنبال حیدر می‌دوید
دیدنی که خون از سینه و پهلوی زهرا می‌چکید
دیدنی که زینب دخترش فریاد و اما کشید
از این همه رنج و بلا غم بر دل ما آمده

مهدی بیا عالم همه از هجر تو بی تاب شد
در حسرت یک لحظه دیدار تودلها آب شد
دیگر به چشم عاشقان اشک غمت نایاب شد
عجل ظهورک منتقم جان بر لب ما آمده
صل علی محمد مهدی زهرا آمد

«منتقم می آید» (۱)

سرود شادی، بخوانید، که آمد مهدی فاطمه
گل ارادت فشانید که آمد مهدی فاطمه
یوسف زهرای ما، سرور و مولای ما
آمده خوش آمده، نور چشم فاطمه
(مهدی یا مهدی بیا) (۴)

کند ز شادی به نرگس، تبسم حضرت عسگری
که حق گشوده، به باغ ولایت باغ فرخ فری
نرگس از لطف خدا، دست برده بر دعا
آمده خوش آمده نور چشم فاطمه
(مهدی یا مهدی بیا) (۴)

سپهر عصمت، ز نور وجود مهدی روشن شده
تمام هستی از این گل مصفا همچون گلشن شده
این گل زهرا بود زینت طاها بود
آمده خوش آمده نور چشم فاطمه
جان فدای جان او عالمی حیران او
آمده خوش آمده نور چشم فاطمه
(مهدی یا مهدی بیا) (۴)

«ابن العسگری» (۱)

میرسد از سما، مرحبا خوش آمد خوش آمد خوش آمد	مهدی عسگری به دنیا خوش آمد مهدی دنیا آمد
معنی عزت و روح آزادی است یک چنین آیت حق نما خوش آمد خوش آمد خوش آمد	آنکه میلاد او باعث شادی است پدر بر عالم و پسر عسگری است مهدی دنیا آمد
حق عطا کرد به او خاتم رهبری داده عیدش صفا به دلها خوش آمد خوش آمد خوش آمد	آنکه دارد شرف نقش انگشتری نام او محمد(ص) فرزند عسگری مهدی دنیا آمد
بر شیعه هم پدر و هم ولی نعمت است لاله و ریحانه زهرا خوش آمد دهیم ما قسم این دو را بر یکدیگر	آنکه بابش حسن آخرین حجت است یاور ما بود گرچه در غیبت است
پسر را بر پدر پدر را بر پسر که آمد روز یاری ز ما خوش آمد خوش آمد خوش آمد	کز محبت کند سوی ما یک نظر مهدی دنیا آمد
کن رها از ستم مسلمین را همه دولت حق را مقتدا خوش آمد	ای خدا به حق مهدی فاطمه بر لب رهبر و امت این زمزمه

«گل نرگس» (۱)

گل نرگس با، نگار نورس بیا
ای بیا امام من، شراب جام من
سلام ما بادا به محضرت مولا
بیا گل زهرا (۲)
مهدی بیا، مهدی بیا
نگر مرام من، شنو سلام من
تویی گل زهرا بده جوابم را
یابن الحسن مولا (۴)
مهدی بیا مهدی بیا
نگر مرام من، شنو سلام من
(سلام ما بادا....)

ای گل سرمدی چو ساقیا آمدی

غوغا کردی (۲)

ای خمار و شیدایم، فقیر و تنهایم شود که

مولایم، کنار تو آیم

(سلام ما بادا....)

به جنونم بکش به خاک و خونم بکش

در پای خود (۲)

گرد راهت شوم، جزء سپاهت شوم

زین تولد (۲)

آقا، ای تبسم زهرا، تکلم زهرا، تجسم

زهرا، ترنم زهرا

(سلام ما بادا....)

اللهم صل على العدل المنتظر... اللهم صل على مفرج الكرب و كاشف البلوى...
خدایا درود فرست بر قیام کننده به عدل، که به دستور تو رستگاری به ارمغان
می آورد. درود فرست بر نابود کننده کافرین و تبدیل کننده ظلمتها به شیرینی
نورانی کننده حق.

«اباصالح»^(۱)

ای نامت از دل و جان	در همه جا	به هر زبان جاریست
عطر پاک نفست، سبز و رها	از آسمان جاریست	
نور یادت همه شب	در دل ما چو کهکشان جاریست	
تویی نگارم اباصالح	داروندارم اباصالح	تویی بهارم اباصالح
من بی قرارم اباصالح	(مولا مولا بیا مولا)	(مهدی مهدی بیا مهدی)
شد روز نیمه شعبان ولادت تو یامهدی		
از لطف جود و کرم عیدی ما بده تو یا مولا مهدی		
بگو کجایی تو مهدی	چرا نیایی تو مهدی	که مردم از هجرت
کاری کن تا که شوم	پیر و تو	بمیرم از عشقت
مشکل گشایی ابا صالح	تو دلربایی ابا صالح	چه با صفایی ابا صالح
طیب مایی ابا صالح		
تو منجی عالمی و	منم گدای در گه تو	
گر به فریادم نرسی	همچو مرغی در قفسم	
تو یا منی اما	من از خودم دورم	
چو قطره از دریا	من از تو مهجورم	
ای یادت در همه شب در دل ما	چو عاشقی باقی است	
تا آیی منتظرت نشسته‌ام	چو عاشقی باقی است	
نور یادت در همه جا در دل ما	چو کهکشان جاری است	
نور خدایی اباصالح	حبیب مایی ابا صالح	
چه با صفایی ابا صالح	تو دلربایی اباصالح	

«بیگانه از خویش»^(۱)

دیوانه کرده ما را	شوقِ لقایت ای دوست
بیگانه کرده ما را	حتی ز خویشتن هم
یابن الحسن کجایی	مولای من کجایی
پابند روی ماهت	صدها هزار یوسف
از برق یک نگاهت	افتاده صد چو موسی
یابن الحسن کجایی	مولای من کجایی
سوز و گداز دله‌ها	ای ز آتش فراق
روی نیاز دله‌ها	قبله تویی و سویت
یابن الحسن کجایی	مولای من کجایی
از دیده خون فشانم	دیگر بس است کز هجر
لختی سخن برانم	باز آ بیا که از وصل
یابن الحسن کجایی	مولای من کجایی
دانم که هست کویت	دارالشرفای دردم
تا پر زخم به سویت	لطفی، بده نشانم
یابن الحسن کجایی	مولای من کجایی
ناز تو را خریدم	از بدو زندگانی
روی تو رانیدم	اما هنوز هم من
یابن الحسن کجایی	مولای من کجایی
جانم بگیر و کم کن	کشتی مرا از این ناز

با «ملتجی» از این بیش

یابن الحسن کرم کن

«مولای من»^(۱)

ای عروۃ الوثقای من	دنیاى من عقبای من	محبوب بی همتای من
	(مولای من - مولای من)	
ماء معین من تویی	حبل متین من تویی	دُر ثمین من تویی
	(مولای من - مولای من)	
ای افتخار کبریا	چشم و چراغ انبیا	تنها امید اولیاء
	(مولای من - مولای من)	
مسند نشین دل تویی	حلال هر مشکل تویی	دین مرا حامل تویی
	(مولای من - مولای من)	
شمع دل افروزم تویی	اقبال فیروزم تویی	ورد شب و روزم تویی
	(مولای من - مولای من)	
از دلربایان دل بری	دل را تو تنها دلبری	بر تارک دل افسری
	(مولای من - مولای من)	
به به به مولایی چو تو	مولای آقای چو تو	یار دل آرایی چو تو
	(مولای من - مولای من)	
هر عاشقی دلسوخته	مهر تو را اندوخته	دیده به دستت دوخته
	(مولای من - مولای من)	
ای همدم پنهانیم	در دام غم زندانیم	رحمی به بی سامانیم
	(مولای من - مولای من)	
مردم ز مهجوری بیا	تاکی به مخموری بیا	دیگر بس است دوری بیا
	(مولای من - مولای من)	
تاکی دُچار درد هجر	مقرون به آه سرد هجر	بنشان غبار و گرد هجر
	(مولای من - مولای من)	

عمری نمودم جستجو گشتم سراغت کو به کو کردم به عشقت های و هو
 (مولای من - مولای من)
 پر می زند پروانه ات گرد حریم خانه ات شد «ملتجی» دیوانه ات

«لبخند مهدی»^(۱)

ای عزیز زهرا یا مهدی	امیددلها یا مهدی
مهدی مهدی یا مولا یا مهدی	مهدی مهدی یا مولا یا مهدی
ای آسمانی در زمین یا علی یا علی	ای رهبر دنیا و دین یا علی یا علی
حیدر امیرالمؤمنین یا علی...	حیدر امیرالمؤمنین یا علی...
آمده مهدی ات آقا جان آقا جان	تهنیت تهنیت آقا جان آقا جان
مهدی مهدی یا مولا یا مهدی	مهدی مهدی یا مولا یا مهدی
عالم شده خلد برین یازهرا یازهرا	ای روح ختم المرسلین یا زهرا یازهرا
لبخند مهدی را ببین یا زهرا یازهرا	لبخند مهدی را ببین یا زهرا یازهرا
بر لبش ذکر مادر مادر	تا زند بر عدویت آذر
مهدی مهدی یا مولا یا مهدی	مهدی مهدی یا مولا یا مهدی
مولا امام مجتبی یا حسن یا حسن	ای دومین نور هدی یا حسن یا حسن
مدینه مدینه پسر نور است	قلب پاک شما سرور است
مهدی مهدی یا مولا یا مهدی	مهدی مهدی یا مولا یا مهدی
شام غریبان شد سحر یا حسین	ای زاده خیرالبشر یا حسین
بر مهد مهدی کن نظر یا حسین	بر مهد مهدی کن نظر یا حسین
انستقام تو را می گیرد	دل ز نورش صفا می گیرد
ای بی تو کار دین فلک یا رضا	مولا ثامن الحجج یا رضا

کن تو دعا بهر فرج یا رضا
عیدی ما ظهورش باشد
مهدی مهدی یا مولا یا مهدی
درد ما کن دوا یا عباس
عیدی ام کن عطا یا عباس
مهدی مهدی یا مولا یا مهدی

کن تو دعا بهر فرج یا رضا
مشهدت غرق نورش باشد
مهدی مهدی یا مولا یا مهدی
ای ماه تاب بی قرین
عیدی ام کن عطا یا عباس
مهدی مهدی یا مولا یا مهدی

«سجده فرشته‌ها» (۱)

ای ز جان بهترم یا اباصالح مدد
فرشته‌ها به سجده‌اند بر پای تو

نازنین دلبرم، یا اباصالح مدد
به جلوه آمده رخ زیبای تو
آمدی دیگر به یمنت حل مشکل‌ها شده

طاق ابروی تو جانا قبله دل‌ها شده

ای ز جان بهترم یا اباصالح مدد
فرشته‌ها به سجده‌اند بر پای تو
عاشقی بی دلم تا خدا پل می‌زنم
یوسف زهرا نوگل حیدر تویی
فرشته‌ها به سجده‌اند بر پای تو
مسجد جمکران قبله و آینه
منتقم آل عبا خوش آمدی
فرشته‌ها به سجده‌اند بر پای تو

نازنین دلبرم، یا اباصالح مدد
به جلوه آمده رخ زیبای تو
من روی سینه‌ام نام تو گل می‌زنم
بر همه خلق جهان سرور تویی
به جلوه آمده رخ زیبای تو
بر لبم زمزمه، عشق تو دین منه
ای قبله اهل ولا خوش آمدی
به جلوه آمده رخ زیبای تو

السلام علیک یا ابا صالح المهدی

«نگاره عشق»^(۱)

امشب شب عشق، شب عشق نگاره

دل‌های همه منتظران غرق نگاره (۲)

سر زلف تو اسیرم، تو شهی و من فقیرم

چی میشه بیای ز عشقت جلو پای تو بمیرم

امشب شب عشق، شب عشق نگاره

دل‌های همه منتظران غرق نگاره (۲)

همه دم تویی امیرم، دلربا چون تو ندیدم

دمی نوکری تو اریاب به همه عالم نمی‌دم

امشب شب عشق، شب عشق نگاره

دل‌های همه منتظران غرق نگاره (۲)

عکس تو در خیالمه، می تو در پیالمه

نوکریت مدالمه، دوست دارم یه عالمه

امشب شب عشق، شب عشق نگاره

دل‌های همه منتظران غرق نگاره (۲)

امید ما دلبرمایی، قمزی و مهتاب مایی

همه عالم اینو بدونن همه جا اریاب مایی

امشب شب عشق، شب عشق نگاره

دل‌های همه منتظران غرق نگاره (۲)

به به عجب نگاری، عجب چشم خماری

عباس علی به والله تو یک تنه ذوالفقاری

امشب شب عشق، شب عشق نگاره

دل‌های همه منتظران غرق نگاره (۲)

« گلبانگ » (۱)

زده گل نرگس جوونه، غرق ترنم آسمونه،
 ماه و ستاره گل می ریزن، به پای این ماه نمونه (۲)
 سامره شده رشک جنان
 جلوه کرده مرد آسمان
 آمده مهدی صاحب الزمان
 زده گل نرگس جوونه، غرق ترنم آسمونه،
 ماه و ستاره گل می ریزن، به پای این ماه نمونه (۲)
 آئینه حُسنِ داور آمد
 جلوه روی پیمبر آمد
 عزیز زهرا حیدر آمد
 زده گل نرگس جوونه، غرق ترنم آسمونه،
 ماه و ستاره گل می ریزن، به پای این ماه نمونه (۲)
 دل برده روی گل نرگس
 خم آبروی گل نرگس
 جاء الحق، زهق باطل نقش بازوی گل نرگس
 زده گل نرگس جوونه، غرق ترنم آسمونه،
 ماه و ستاره گل می ریزن، به پای این ماه نمونه (۲)
 نازنین عزیز عسگری ست
 شاه و میر تخت و سرور است
 مهدی و خدای دلبری ست
 زده گل نرگس جوونه، غرق ترنم آسمونه،
 ماه و ستاره گل می ریزن، به پای این ماه نمونه (۲)
 تا ندارد حُسن بی مثالش
 حور و ملک مشتاق جمالش
 ماسوی محو جاه و جلالش
 زده گل نرگس جوونه، غرق ترنم آسمونه،

ماه و ستاره گل می ریزن، به پای این ماه نمونه (۲)
 نشسته ام خسته سر راه
 در انتظار می کشم آه
 کی می رسه از تو ز کعبه بانک انا بقية الله
 زده گل نرگس جوونه، غرق ترنم آسمونه،
 ماه و ستاره گل می ریزن، به پای این ماه نمونه (۲)
 معنی عدل و روح نماز
 ای برای همه چاره ساز
 العجل یا فارس الحجاز
 دارد گلبانگم دعای فرج
 زده گل نرگس جوونه، غرق ترنم آسمونه،
 ماه و ستاره گل می ریزن، به پای این ماه نمونه (۲)

«سوی تو آیم» (۱)

گل نرگس کجایی، گل نرگس کجایی، گل نرگس کجایی، گل نرگس اباصالح (۲)
 دوباره سوی تو می آیم
 اسیر موی تو می آیم
 ز قید و بند همه رستم
 به گفتگوی تو می آیم
 چه ام اگر نبود رویی
 به شوق روی تو می آیم
 گل نرگس کجایی، گل نرگس کجایی، گل نرگس کجایی، گل نرگس اباصالح (۲)
 من آن غروب غم انگیزم
 ز داغ هجر تو لبریزم
 بیا که هستی خود، یک جا
 به خاک پای تو می ریزم
 نصیبم اگر شودم روزی
 به تار موی تو آویزم
 قسم به جان تو، نامردم
 اگر ز پیش تو برخیزم
 گل نرگس کجایی، گل نرگس کجایی، گل نرگس کجایی، گل نرگس اباصالح (۲)

نشسته‌ام به نوای تو	دلم گرفته برای تو
کشیده پر به هوای تو	دلم من از قفس سینه
تو را قسم به خدای تو	مراز طاقت این هجران
کنم ز جان به فدای تو	بیا بیا که سر و جانم

گل نرگس کجایی، گل نرگس کجایی، گل نرگس کجایی، گل نرگس کجایی، گل نرگس کجایی (۲)

«ارباب مهربون»^(۱)

می‌بره از دلم قرار	میاد ز مکه یک سوار
به دست می‌گیره ذوالفقار	هسبیت حیدری داره
مهدی یه روزی می‌رسه (۲)	غم نخورید غم نخورید
به بی کسا امون می‌ده	به خسته‌ها تون جون می‌ده
به قلب ماها جون می‌ده	دست می‌کشه به سر ما
مرازش پهلونیه	دو ابروهاش کمونیه
خدای مهربونیه	تک تو مردای جهان
مهدی یه روزی می‌رسه (۲)	غم نخورید غم نخورید
ارباب باوفائیه	صورتش کبریائیه
قدرت اون خدائیه	صاحب هفتاد عالمه
خیلی غریب و بی کسه	دنیا براش یک قفسه
که صبح جمعه برسه	دعا کنید برای اون
مهدی یه روزی می‌رسه (۲)	غم نخورید غم نخورید
از همه خوشکلا سر	به همه عالم سرور
آب و گلش ز حیدره	کریم آل فاطمه
پر شور و پر همه	به لب داره یک زمزمه

منم عزیز فاطمه
 واله و مفتون می‌کنم
 شهر چراغون می‌کنم
 مهدی یه روزی می‌رسه (۲)
 به سینه‌های چاکمون
 به قلبای هلاکمون
 جنت اعلی نمیدم
 توی دلم راه نمی‌دم
 مهدی یه روزی می‌رسه (۲)
 نماز می‌خونیم با آقا
 می‌ریم به شهر کربلا
 مهدی یه روزی می‌رسه (۲)
 مثل عموش پهلوونه
 روضه عباس می‌خونه
 مهدی یه روزی می‌رسه (۲)

میگه به ما شادی کنید
 دلم را مجنون می‌کنم
 وقتی بیای به پیش من
 غم نخورید غم نخورید
 قسم به عشق پاکمون
 به گریه‌های عاشقی
 تو رو به دنیا نمی‌دم
 هیچ کسی رو غیر شما
 غم نخورید غم نخورید
 تا که میاد به پیش ما
 هر جا بره باهاش می‌ریم
 غم نخورید غم نخورید
 ارباب ما مهربونه
 تو عسقمه برای ما
 غم نخورید غم نخورید

«غم فراق»^(۱)

یا مهدی، یا مهدی، یا مهدی، یا مهدی

باید هنوز منتظر بشینم
 می‌خوام رخ تشنگتو ببینم
 ندیدمت ولی به پات اسیرم
 اگر که دیر بیای ز غم می‌میرم
 که کند دل رخ تو را بهانه

تا کی بخونم از تو نبینم
 تا کی بگم که ای عزیز زهرا
 الا غریب بی نشون زهرا
 بیا و عالمو پُر از صفاکن
 ای گل فاطمه بیا به خانه

بنما چهره مه جلی را	بده جام و سبوی عاشقانه
یا مهدی، یامهدی، یا مهدی، یا مهدی	
به من میگن کجاست کسی که گفتی	طلایه دار هستی خدایه
کجایِ اون که می زدی دم از اون	کو پس چی شد بگو الان کجایه
میگن کسی که رد زدم به عشقش	بیاد یه روزی از دیار غربت
اگر مریضم از غم فراقش	یقین دارم یه روز میاد عیادت
ای گل فاطمه بیا به خانه	که کند دل رخ تو را بهانه
بنما چهره مه جلی را	بده جام و سبوی عاشقانه را
یا مهدی، یامهدی، یا مهدی، یا مهدی	

«کوکبه کوکب»^(۱)

من که گرفتار توام، عاشق دیدار توام، تو گل زهرایی من، خار توام، خار توام
 یا اباصالح مددی، یا اباصالح مددی، یا ابا صالح مددی
 جان به فدای تو و آن، کوکبه کوکب تو، ای که خدا حال کند، با تو خال لب تو من که
 گرفتار توام، عاشق دیدار توام، تو گل زهرایی من، خار توام، خار توام
 یا اباصالح مددی، یا اباصالح مددی، یا ابا صالح مددی
 ای گل گلزار نبی، سر گل اولاد علی، بهر ظهور تو بود، بر لب ما نادعلی
 من که گرفتار توام، عاشق دیدار توام، تو گل زهرایی من، خار توام، خار توام
 یا اباصالح مددی، یا اباصالح مددی، یا ابا صالح مددی

«نگار بی نظیر»^(۲)

ابا صالح، ابا صالح، ابا صالح
 یامهدی یا مهدی
 یا مهدی یا مهدی

تو سرتا پا وجود منی
 عزیز منی عزیز منی
 تو شاهی و من گدای توام

ابا صالح، ابا صالح، ابا صالح

تو باغ خلد برین منی
 امام منی امام منی
 تو دلدار و تو دلبر منی
 تو مهر آسمان منی
 جنون زده سبوی توام

ابا صالح، ابا صالح، ابا صالح

تو یاس و یاسمین منی
 امان منی امین منی
 نگار نازنین منی
 تو ماه روی زمین منی
 شیدای خال روی توام

ابا صالح، ابا صالح، ابا صالح

تو مهر منی تو ماه منی
 تو مایه عز و جاه منی
 همیشه تکیه گاه منی
 تویی کنه پادشه منی
 اسیر یک نگاه توام

به عرش حق تو قائمهای
 گل نرگس، بهار همه
 امید علی، امید علی
 تو خون خواه قیام حسین
 تو مهتاب منیر منی
 تو سالار همه عالم
 تو یار من نگار من
 تو شاهی و من گدای توام

ابا صالح، ابا صالح، ابا صالح

امامت را خاتمهای
 گلاب همه، گل همهای
 عزیز قلب همهای
 تو پرچم دار علقمهای
 تو دلدار دلیر منی
 امیر منی امیر منی
 نگار بی نظیر من
 گدای بی نوای توام

بخش ششم

شور

«کعبه‌ی دلها» (۱)

یوسف زهرا، ای گل نرگس کعبه‌ی دلها، ای گل نرگس
ای آرزوی جان من، ای جان و ای جانان من
یوسف زهرا، ای گل نرگس
کی می‌شود ای، یارم بیایی ای مه به شام تارم بیایی
تا که بیایی دلبرم، وصل تو با جان می‌خرم
یوسف زهرا، ای گل نرگس
کی دیده افتد بر روی ماهت تا که نمایم، هر دم نگاهت
خال هاشمی ات مرا، می‌کشد ای مهلقا
یوسف زهرا، ای گل نرگس

«یوسف آل عبا» (۲)

ای گل باغ آرزو مهدی یا مهدی ای بر دو عالم آبرو مهدی یا مهدی
دل زپی تو کو به کو مهدی یا مهدی آمده ای یار نکو مهدی یا مهدی
ببینم اگر جمال تو مهدی یا مهدی لعل لبان و خال تو مهدی یا مهدی
بوسه زخم به خاک تو مهدی یا مهدی فدای نام پاک تو مهدی یا مهدی
گدا و سائلت منم مهدی یا مهدی همیشه مایلت منم مهدی یا مهدی
بیا و جلوه‌ای نما مهدی یا مهدی ای یوسف آل عبا مهدی یا مهدی

«دوای دل»

به عشق خال لب پیر از قفس می‌زنم
به سایه مهر تو نفس نفس می‌زنم
تویی قرار من دارو ندارد من
باغ و بهار من بسیا کنار من

ابا صالح مدد(۳)

تو آن پری چهره‌ای	که عالمی مست توست
بهار جان دلم	همیشه دردست تو
ای تارو پود من	تویی سرود من
به سوی خیمه ات	باشد سجود من

ابا صالح مدد(۳)

مریض روی توام	تویی دوی دلم
بیا و قرآن بخوان	تو بر شفای دلم
دل مست بوی تو	بیمار روی تو
شد قاتل دلم	تیغ دو ابروی تو

ابا صالح مدد(۳)

«شوق وصال» (۱)

جان عالم به فدای قدمت مهدی جان
چشم ماهست به لطف و کرمت مهدی جان
دو ختم دیده به راه تو که شاید بزنم
بوسه‌ای چند بر خاک قدمت مهدی جان
مهر کز پرتو خود نور به گیتی بخشید
قرص نانیت ز خوان نعمت مهدی جان
همه جا سینه سپر کرده‌ام از شوق وصال
تا نشنید به دلم تیر غمت مهدی جان
گر چه در محفل ما جای تو خالیست ولیک
دل بشکسته‌ی ما شد حرمت مهدی جان

جان ما آمده بر لب ز فراق رخ تو
ای مسیحا شده محتاج دمت مهدی جان
رهروان حرم کعبه زجان می گویند
قبله‌ی ما بود ابروی خمت مهدی جان
عاقبت پرچم بیداد نگون می‌گردد
لیک جاوید بماند علمت مهدی جان
بر در خانه‌ی خود خیل گدا را بنگر
چشمشان هست به لطف و کرمت مهدی جان
«حافظی» هست امیدش ز خداوند علیم
تا کند جان به فدای قدمت مهدی جان

«یا صاحب الزمان»^(۱)

یا صاحب الزمان مولا الغوث والامان

بیایا حبیب دلم نظر نما همه حاصلم

محبتت در آب و گلم (۳) مولا

یا صاحب الزمان الغوث والامان

ای غایب از نظر به خدا می‌سپارمت

یا صاحب الزمان الغوث والامان

ای می من مستی من - ای همه هستی من - ای تو خریدار دلم با همه پستی من (۳)

یا صاحب الزمان الغوث والامان

پر زده‌ام - به هوای تو - چشم من و خاک پای تو - منتظرم به عطای تو

ذکر من و دعای من درد من و دوا‌ی من وجود من فدای تو

ای مه دلربای من درد من و دوا‌ی من وجود من فدای تو

«انیس و مونس» (۱)

آی عاشقا	آی عاشقا
بوی گل و بهار می یاد	خدا می خواد عیدی بده
شب غم امام ما، دگر سحر گشته	کف بزنید شادی کنیید حسن پدر گشته
منم گدای تو یا حسن	جانم فدای تو یا حسن
مهدی	مهدی
آی عاشقا	آی عاشقا
شب غم حبیب ما	دگر سحر گشته
منم گدای تو یا حسن	جانم فدای تو یا حسن
مژده بده به عاشقا	انیس و مونس اومده
مهدی	مهدی
آمده ماه کنعان	حضرت صاحب الزمان
سر ما فدای یاد مهدی	گل یاس ما برای مهدی
ماه ز در، در اومد ایام غم سر اومد	
مهدی	مهدی

«گل طاها» (۲)

ای عاشقا ای عاشقا	نیمه شعبان اومده
عشق پیمبر اومده	امام و سرور اومده
یوسف زهرا خوش آمده	بر سر زمین دل ما
هادی و رهبر اومده	
گل زهرا به فدای قدمهائیت کی می آیی	
گل طاها چشم مونده به راهت کی می آیی	
هر کجا که می روی جا می ذاری	
ما همه منتظریم	پس بگو کی می آیی
	به ما بگو کی می آیی

«یا بن الزهرا»^(۱)

من مال توام یا بن الزهرا	دنبال توام یا بن الزهرا
مهمان توام یا بن الزهرا	بر خوان توام یا بن الزهرا
تو یار منی، جانان منی	من مست توام، پابست توام
تو عشق منی، جانان منی	درمان منی، توحید منی
تو عشق منی، آئین منی	درمان منی، توحید منی
تو کعبه من، تو قبله من	تو دین منی، خریدار منی
تو مروه من تو نوا، من	تو مناه، من، تو صفای من
من به راه تو، جان فدا کنم	من گدای تو، من فدای تو

«خوش آمدی»^(۲)

کعبه من یوسف زهرا	خوش آمدی یوسف زهرا
نیاز من، نماز من، رکوع من	صفای من، منای من، قیام من
حبیب من، طیب من، حبیب من	سجود من، امید من، نوید من

«گل من»^(۳)

گل من یا حجت ابن الحسن	ساقی سرمست منی
گل من یا حجت ابن الحسن	از همه خوبان حسنی
گل من یا حجت ابن الحسن	طوطی شیرین سخنی
شاه منی یا مولا	ماه منی یا مولا
نور دل و راه منی	یا بن الحسن
یا بن الحسن	عاشق شوریده دلم
گل من یا حجت ابن الحسن	از تو بود آب و گلم
گل من یا حجت ابن الحسن	

گل من یا حجت ابن الحسن	از کرمت کن خجلم
بر روی تو من نائلم	من سائلم یا مولا
یا بن الحسن	یا بن الحسن
گل من یا حجت ابن الحسن	ای قمر یوسفیان
گل من یا حجت ابن الحسن	پانزدهم ماه شعبان
گل من یا حجت ابن الحسن	روی تو گردیده عیان
بر دل کنی جلوه گری	تو ثمری یا مولا
یا بن الحسن	یا بن الحسن
گل من یا حجت ابن الحسن	ای گل زیبا و جلی
گل من یا حجت ابن الحسن	تویی ولی ازلی
گل من یا حجت ابن الحسن	وصی مرتضی علی
بهر تودر زمزمه است یا مولا	مادر تو یا مولا
یا بن الحسن	یا بن الحسن
گل من یا حجت ابن الحسن	ساقی سرمست منی
گل من یا حجت ابن الحسن	از همه خوبان حسینی
گل من یا حجت ابن الحسن	طوطی شیرین سخنی
	ماه منی یا مولا شاه منی یا مولا

نور دل و راه منی

یا ابن الحسن (۳) یا مهدی

گل من یا حجت ابن الحسن	عاشق شوریده دلم
از کرمت کن خجلم	از تو بود آب و گلم
ناقابلم، بر روی تو، من نائلم	من سائلم یا مولا

یا ابن الحسن (۳) یا مهدی

ای قمر یوسفان.... پانزدهم ماه شعبان...

روی تو گوگردیده عیان...

تو ثمری یا مولا، تو دلبری، بر دل کنی، جلوه گری

یا ابن الحسن (۳) یا مهدی

ای گل زیبا و جلی... تویی ولی ازلی...

وصی مرتضی علی مادر تو یا مولا، فاطمه است یا مولا

بهر تو در زمزمه است

«شور مجلس» (۱)

تویی نگارم، مهدی زهرا	دارو ندارم، مهدی زهرا
تویی بهارم، مهدی زهرا	همیشه یارم، مهدی زهرا
سید و مولا مهدی زهرا	نگار زیبا، مهدی زهرا
عمر منی تو، مهدی زهرا	عشق منی تو، مهدی زهرا
قلب منی تو، مهدی زهرا	دین منی تو، مهدی زهرا
نوگل طه، مهدی زهرا	شافع فردا، مهدی زهرا
کعبه من، مهدی زهرا	مروه من، مهدی زهرا
صفای من، مهدی زهرا	منای من، مهدی زهرا
حبیب من، مهدی زهرا	طیب من، مهدی زهرا
ماه دل آرا، مهدی زهرا	حبیب زهرا، مهدی زهرا
روح نمازم، مهدی زهرا	راز و نیازم، مهدی زهرا
دوای دردم، مهدی زهرا	دورت بگردم، مهدی زهرا

سلام علی آل یس

«هستی زهرا»^(۱)

از همه بهتر ابا صالح
 عقبای مایی، بگو کجایی
 محو جمالت، خونم حلال
 تو چاره‌ای کن، دردت به جونم
 عزیز زهرا، عزیز زینب
 (مولا مولا ابا صالح)
 جگر زهرا، هستی زهرا
 شب ولادت باادا مبارک
 یار محبان، یار جوانان
 منم گدایت، ز من صدایت
 با این جوانان، آئیم به هیئت
 بده جوابم مران گدا را
 کرب وبلا را این جشن میلاد
 بر همه شیعه بر رهبر ما
 یابن الزهرا، بنما نگاهی
 این جشن میلاد باادا مبارک

دلبر و سرور ابا صالح
 مولای مایی، دنیای مایی
 نهان چرایی بگو می‌آیی
 اشاره‌ای کن نظاره‌ای کن
 ای مهربونم، شیرین زیونم
 طیب زینب، مجیب زینب
 ثمر زهرا، پسر زهرا
 مستی مولا، در ماه شعبان
 غوغای محشر، ساقی کوثر
 باب یتیمان، یار ضعیفان
 هر شب و هر ماه، هر روز و هر سال
 کنم صدایت، به جان زهرا
 از در خانه، عیدی ماده
 بر تو و زهرا بر تو و مولا
 بر ملت ما، باادا مبارک
 دهم سلامی، به روح پاکت

«انتظار»^(۲)

یا ابا صالح مددی (۳) یوسف زهرا (۳)

ای بهار دلهای ما، ای قرار دلهای ما، ای مدار دلهای ما

دارو ندارم، عشق تو دارم، دل بی قرارم
 ای همه‌ی هستی من، ای شراب مستی من، نام تو سر مستی من
 ای همه هستم، دل به تو بستم، عبد تو هستم، یا ابا صالح مددی...
 یوسف فاطمه بیا، انتظار همه بیا، می‌کنم زمزمه بیا
 راز و نیازم، سوز و گدازم، ذکر نمازم، یا ابا صالح مددی...
 دلبر جانانه‌ی من، ساقی میخانه من، پُرکن این پیمان‌های من
 مستم ز جامت، هستم غلامت، بنده‌ی نامت، یا ابا صالح مددی...
 می‌کشم انتظار تو، تا ببینم رخسار تو، یا ابا صالح مددی...
 مست تولای توام، خاک کف پای توام، مجنون صحرای توام
 ای عشق کوثر، زاده‌ی حیدر، جان پیمبر، یا ابا صالح مددی...
 در خزان هجران تو، جان ن‌مایم قربان تو، تا که گردم مهمان تو
 ای نور دلها، یار بی همتا، یوسف زهرا، یا ابا صالح مددی...

«چشمه سار رحمت»^(۱)

[ای گل فاطمه، ای گل فاطمه] (۲)

تو چشمه سار رحمتی، یابن الزهرا	تو شاه بیت خلقتی، یابن الزهرا
تو معنی کرامتی، یابن الزهرا	به ما عنایتی، یابن الزهرا
خوش آمدی خوش آمدی، یابن الزهرا (۴)	
عمریه انتظار دارم تو رو ببینم (۲)	گل نگاه و از روی ماهت بچینم (۲)
دیدن تو آرزوی این دل تنگه (۲)	دلی که با تو نباشه مٹ یه سنگه (۲)
خوش آمدی خوش آمدی، یابن الزهرا (۴)	

تویی بهار جون من، عشق تو توی خون من
 جون دادنم برای تو، مستی من جنون من
 دلبر آسمونی ام، به هر جا می‌کشونی ام
 نذر تو کردم همه‌ی زندگی و جوونی ام
 [ای گل فاطمه، ای گل فاطمه] (۲)

تویی تموم عشق من، جانم مهدی
 فدای تو یابن الحسن، جانم مهدی
 واکن لب و بگو سخن، جانم مهدی
 بی تو شوم غرقِ مِخَن، جانم مهدی
 خوش آمدی خوش آمدی، یابن الزهرا) (۴)

جون می‌گیره هر دو جهان با یه نگاهت (۲)
 عالم شده اسیر اون خال سیاهت (۲)
 بیا تا که دنیا بشه با تو بهاری (۲)
 ای که یه باغ گل میون سینه داری (۲)
 خوش آمدی خوش آمدی، یابن الزهرا) (۴)

تویی ستاره‌ی سحر، تویی امید منتظر
 بُود به گرد روی تو چرخش خورشید و قمر
 تو جلوه گاه داوری، تو وارث پیمبری
 تجلی دوباره‌ای، ز فاطمه و حیدری
 [ای گل فاطمه، ای گل فاطمه] (۲)

السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى
 سلام بر تو در شب که همه جا را قرار می‌گیرد و درود بر تو در روز هنگامی که بر تو
 افکند

«خوشدل»

گم کرده راه کعبه عشقم حرم کجاست
 یعنی که جلوه گاه تو زیبا صنم کجاست
 شادی نصیب سر شادی پسند تو
 من دوستدار درد و غم، درد و غم کجاست
 من خانه زاد محنت و رنج، خدای را
 خانه خدای ذوالنعم ذوالکرم کجاست
 ساقی بریز باده وحدت به جام دل
 تا گویمت که جام جهان بین جم کجاست
 در راه عشق حاجت الیاس و خضر نیست
 چون اشک و آه رهبر فرخ قدم کجاست
 تا از سیاهی شب دیجور وارهم
 یا رب فروغ ناحیه صبحدم کجاست
 تا دل اسیر طره طرار او شود
 آن تابدار سنبل پر پیچ و خم کجاست
 تا وارهم ز کید یهودان روزگار
 آن روح بخش عیسی فرخنده دم کجاست
 از تنگنای ملک وجودم گرفت دل
 راهی که می رود به دیار عدم کجاست
 تا واژگون شود علم جهل و جور کین
 صاحب زمان صاحب تیغ و علم کجاست
 تا داد و دین بیارد و کفر و ستم برد
 حامی عدل و ماحی کفر و ستم کجاست

از دوزخ فراق رخس جان و دل گداخت
 کسویش که هست غیرت باغ ارم کجاست
 آن کشتی نجات که زی ساحل مراد
 دزد چو نوح سینه امواج یم کجاست
 کوتاه تا زبان بد منکران شود
 همت بلند وارث تیغ دو دم کجاست
 تا سان دهند در بروی خیل قدسیان
 آن نجل عسگری حدوث شه گردون خدم کجاست
 جز او امیر کشور غیب و شهود نیست
 آن مالک حدوث و خدیو قدم کجاست
 تا زیب پیکرش زره داودی شود
 مصنوع دست آن نبی محشتم کجاست
 تا خاتم سلیمان گیرد زاهرمن
 فرخنده شهریار سلیمان حشم کجاست
 دارد به دست چوب شبانی کلیم وار
 آن آخسرین شبان پریشان غنم کجاست
 رم کرده است این رمه از بیم گرگ هار
 آن رام ساز این رمه کرده رم کجاست
 روز ظهور مهدی موعود کی رسد
 پایان شام تیره رنج و ألم کجاست
 دلها ز طول غیبت آن شه ملول گشت
 بزداید آنکه از دل ما زنگ غم کجاست
 تا وصف خط سبز و لب لعل او کند
 آن روز کلک «خوشدل» شیرین قلم کجاست

«وارث انبیاء»

وارث انبیاء تویی، خاتم اوصیا تویی
امید ماسوی تویی، به خلق رهنما تویی
مظهر ذات حضرت کریم ذوالعطا تویی
جود تویی، سخا، تویی، مهر تویی، وفا تویی
تو را به جان مادرت دعا کن و ظهور کن
دل موالیان خود بیا پُر از سرور کن
بین که روز و شب کند، شیعه هماره زمزمه
چهره خود عیان کن ای یوسف آل فاطمه

«رحمت رحمان»^(۱)

به قربان تو ای مولا که نبود چون تو مولایی
ز خلق اولین و آخرین ای دوست اولایی
تویی تا ناخدای فلک ایمان، سرنشین را
دگر از موج‌های بحر طوفانی چه پروایی؟
تو آن دست توانای خداوندی که در عالم
به هر کاری که می‌خواهی چو ذات حق توانایی
به هنگام کرم ابری، به وقت حلم چون کوهی
اگر علم خلائق قطره‌ای باشد تو دریایی

فستد آن لحظه از رونق دگر بازار مه رویان
 که تو ای ماه نورانی نقاب از چهر بگشایی
 ز یمن مقدمت ای پادشاه کشور هستی
 چه کم گردد ز تو گر مجلس ما را بیارایی؟
 اگر با عاشقان مفلس خود هم نوا گردی
 عجب نبود مرا ای مونس جان
 به مهمانی طلب کردی پذیرایی کن از مهمان
 که مهمان را بود بر میزبان حق پذیرایی
 برای میهمانان بزم لطف خویش گستردی
 تو خود آیا در این بزمی که گستردی نمی آیی؟
 الا، ای رحمت رحمان! به این افتاده از پایت
 نگاهی، التفاتی، رحمت، لطفی، تسلیی
 گرفته پرده‌های جهل و غفلت دیدگانم را
 من کور از تو محجوبم؛ تو در هر جا هویدایی
 تو بر این «ملتجی» خسته غمگین بیمارت
 پناهی، همدمی، آرامش جانی، مداوایی

«راحت جان»

ای بسندگی تو پادشاهی	ای حجّت قائم الهی
ای از همه سر هستی آگاہ	ای آیت انه هوالله
ای هادی دین امام موعود	ای بر سر خلق ظلّ ممدود
مرآت تجلی خدایی	آئینه ذات کبریایی

مفتاح خزائن مطبق
همنام نبی خاتمی تو
تو حجت دین کردگاری
هر چند ز دیده‌ها نهانی
ما تشنه، تو چشمه حیاتی
بشتاب که مانده‌ایم در پست
ای وارث تخت شاه لولاک
دیری ست که در ره تو پویم

مصباح شریعت هوالحق
همرتبه اسم اعظمی تو
نوباوه باغ هشت و چاری
روشن کن بزم این جهانی
ما غرقه، تو کشتی نجاتی
دریاب که رفته‌ایم از دست
ای صاحب امر این مثواک
ای راحت جان کجات جویم

بخش هشتم

سبک‌های جدید

سال ۸۴

«طاووس بهشت»^(۱)

روز ازل خاک ره، ابوترابم کردی

با نگاه عاشق کُشت (خونه خرابم کردی) (۲)

فرشته‌ها، ستاره می‌ریزن از آسمون

ستاره‌ها، چراغ خونه‌های دلامون

(ترانه‌ها، روی لب هر پیر و جوون - یامهدی

[دیوونه شدم از عشقت (۴)] (۳)

فرشته‌ها، ستاره می‌ریزن از آسمون

ستاره‌ها، چراغ خونه‌های دلامون

گره‌ی ابروی خَمِت، گره زده بر عالم (۲)

با نَفِست جون می‌گیره (عیسی پسر مریم) (۲)

جز اون نگاه، که دوای دل زار منه

تو تلخیا، غم شیرین تو یار منه

شکر خدا، اگر دیوونگی کار منه - یامهدی

روی بال هر فرشته

چقدِه قشنگ نوشته

مهدی طاووس بهشته

(عشقت عاشقا رو کشته) (۲)

[دیوونه شدم از عشقت (۴)] (۳)

۱- مداح: حاج محمود کریمی، (سبک: روز ازل خاک ره...)

چهره‌ی ماهت شبیه جمال ابوالفضل

یه نگاه کن به نوکرت، که مال ابوالفضل

ماه تموم: تو دامن نرگس دمیده

سر می‌زارم به پای قدم نو رسیده

یوسف مصر، شبیهش و توی خواب ندیده - یا مهدی

[دیوونه شدم از عشقت (۴)] (۳)

روی بازوی مردونه ت، بشارتی از داور (۲)

پیچ و خم زلف سیات (نوشته یا حیدر) (۲)

وقتی خدا، با نگاه تو بهار میاره

تو قلب ما، به صفای تو یه گل می‌کاره

ابر چشات، بارون شرابِ دل می‌باره - یا مهدی

عشق تو رو می‌پرستم

می‌نوش و پیاله دستم

من مست مست مستم

بذار همه عالم بدونن

[دیوونه شدم از عشقت (۴)] (۳)

[روز ازل خاک ره، ابوترابم کردی

با نگاه عاشق کُشت (خونه خرابم کردی) (۲)] (۲)

فرشته‌ها، ستاره می‌ریزن از آسمون

ستاره‌ها، چراغ خونه‌های دلامون

(ترانه‌ها، روی لب هر پیر و جوون - یا مهدی

[دیوونه شدم از عشقت (۴)] (۳)

«ذکر فرج»^(۱)

فضای این دل دیوانه گرفته بوی گل نرگس

دلم نشسته چو پروانه در آرزوی گل نرگس

سزد ز غصه بمیرم من ز درد غربت و تنهایی

همیشه ذکر فرج دارم ولی چرا تو نمی آیی

[گل نرگس (۲)] (۴)

برای نوکر بی مقدار همیشه پرده نشین بودی

ولی به دیده‌ی عشاق بدون پرده یقین بودی

دوباره پای گنهارم به بزم عشق تو واگشته

سرم به زیر و شکسته دل، دو دیده‌ی پر ز حیا گشته

[گل نرگس (۲)] (۴)

ز قطره قطره‌ی اشک من که بوی تو می آید

دو دست خسته و لرزانم به سمت و سوی تو می آید

به یک دو جمله سخن با تو، دلم گرفته برای تو

نهال خشک گل عشقم، شکوفه زد به هوای تو

[گل نرگس (۲)] (۴)

چه می شود بشود حالم، چو حالت خوش یارانت

چه می شود بشود جسمم میان خون چو شهیدانت

منم چه زشت و سیه چهره، تو در نهایت زیبایی

منم فقیر فقیرانم، تو در نهایت دارایی

چه می شود بشود روزی، سراغ خیمه ی سبز تو
که روزی ام بشود روزی، طعام خیمه ی سبز تو
[گل نرگس (۲)] (۴)

«تک سوار»^(۱)

گل نرگس جوونه زد میون باغ فاطمی

حک شده توی آسمون مهر زیبای قائمی

جوونه زده شاخه ی امید
دل همه تو سینه ها تپید
کوچه ها گرفته بوی خدا
منتقم آل علی رسید

سیدی سیدی سیدی یابن الحسن

چی شده که تو آسمون
ماه و خورشید تاب ندارند
چی شده که تو کوچه ها
همه مردم گل می یارند
یکی می گه امشب بهار می یاد
از راه دور تک سوار می یاد
اما نوشته روی پرچمی
وارث تیغ ذوالفقار می یاد

سیدی سیدی سیدی یابن الحسن

چراغونی شده زمین
همه لبها غزل خونه
همه چشما منتظر
دیدن روی مهمونه
روی هر لبی ذکر و زمزمه است
دعای فرج نغمه ی همه است
دعاگوی بزم منتظرا
مادر همه ی ما، فاطمه است

سیدی سیدی سیدی یابن الحسن

«دوره گرد عشق»^(۱)

همه‌ی هستی‌مو مدیون چشاتم می‌دونی (۲)

(از همون روز ازل مست نگاتم می‌دونی) (۲)

من به دام زلف تو، عمریه بگیرم می‌دونی (۲)

من مریض عشقم و یه روز می‌میرم می‌دونی

آخر خطم اسم توئه - از دنیا سیرم می‌دونی

دلم می‌خواد تو چشمای تو، آتیش بگیرم می‌دونی

[اباصالح، اباصالح (۲)] (۲)

دوره گرد عشقم و، تو کوچه‌ها در به درم (۲)

زندگی‌مو می‌فروشم، ناز نگاتو می‌خرم

وای که چقد سخته عاشقی - بدتر از او بی خبری

نمی‌دونی باید بمونی - یا که به دنبالش بری

[اباصالح، اباصالح (۲)] (۲)

کوچه‌های شهرمون، بیه یاد تو چراغونه (۲)

آقاتو قدم بذار، به این دلی که داغونه

من کی باشم تا فرشته‌ها - برای تو هوادارن

از هر کجایی که رد می‌شی - جای پاهات گل میذارن

[اباصالح، اباصالح (۲)] (۲)

می‌دونم یه روز می‌یایی، دردا رو درمون می‌کنی

سفرت و می‌ندازی و دنیارو مهمون می‌کنی

۱- مداح: حاج عبدالرضا هلالی، (سبک: همه‌ی هستی‌مو مدیون...)

یوسف زهرا نیومدی، یوسفامون پیر شدن
برس بدادم که جمعه‌ها - بدجوری دلگیر شدن
[[اباصالح، اباصالح (۲)]] (۲)

کاش یه روز با ما بشی، همسفر کربلا

پرچم سبز بزنی کنار گنبد طلا
ما همه مادر مادر بگیریم - تو از گل یاس بخونی
بری لب نهر علقمه - روضه ی عباس بخونی
[[ابوفاضل ابوفاضل (۲)]] (۲)

«پسر بوتراب»^(۱)

چه می‌شود که پا گذاری، به رواق دیدگانم
منم آنکه انتظارت، زده شعله‌ها به جانم
چه مدیحه‌ای بخوانم، که تو را قبول افتد
مددی که لال هستم تو مگر دهی زبانم
تو به باغ گل گلابی، پسر ابوترابی
ز من ار تو رو نمایی، به زمانه بی نشانم
یا اباصالح، یا اباصالح، یا اباصالح
یا بن الحسن روحی فداک، فلیس محبوبی سواک
به کجایی ای حیییم، که بدون تو غریبم
ز غمت گرفته آتش، همه مغز و استخوانم

به امید آنکه آیی، به گدا نظر نمائی
به سر رهت نشینم که رسد شه جهانم
شده موی تو کمندم، به خط تو پای بندم
تو بخند تا بخندم، به خدا که شاد از آنم
تو بهار و سبزه زاری، تو نگار گلعداری
تو گل بدون خاری، منم آن که چون خزانم
من گدای دوره گردم، من می خوام که دورت بگردم
تو امیر ملک جانی، من گدای مستمندم
یا اباصالح، یا اباصالح، یا اباصالح
یا بن الحسن روحی فداک، فلیس محبوبی سواک
پیشونیت به ماه می مونه، ابروهات مثل کمونه
مژه هات این و نوشته که چشات باغ بهشته
تو کریم و سائلم من، تو فهیم و غافل من
تو ببخش جاهلم من، سخنی دگر ندانم
اگر عاشقی گناه است، گنهم مرا تباه است
دل بی گنه تباه است، تو چه خوانی ام همان است
یا اباصالح، یا اباصالح، یا اباصالح
یا بن الحسن روحی فداک، فلیس محبوبی سواک

«اعتبار همه»^(۱)

زندگیمو فدات می‌کنم، فدای خاک پات می‌کنم
خودمو تو بهشت می‌بینم، وقتی آقام، صدات می‌کنم
(گل زهرا یامهدی گل زهرا یامهدی)(۲)

بی عشق تو در این جهان، من هیچ هیچم
با عشق تو، دور سر خدا می‌پیچم
بی تو دلم، پیش همه، پست و حقیر
با تو دلم جا تو دل زهرا می‌گیره
(گل زهرا یامهدی گل زهرا یامهدی)(۲)

ای بمیرد هر آنکس که، به تو مهری نمی‌ورزد
آقا جون بی تو این عالم به یک ارزن نمی‌ارزد
(گل زهرا یامهدی گل زهرا یامهدی)(۲)

بی عشق تو، باغ بهشت، در و روم می‌بنده
با عشق تو، هر جا باشم، سرم بلنده
بی تو دلم تا آخرت عاشق نمی‌شه
با تو دلم معشوقه ی خداست همیشه
(گل زهرا یامهدی گل زهرا یامهدی)(۲)

آقا جون افتخار منی، همه ی اعتبار منی
گفته‌ام، باز می‌گویم، که تو دار و ندار منی
(گل زهرا یامهدی گل زهرا یامهدی)(۲)

بی عشق تو، شاهم باشم، عین گداهم
با عشق تو، در اوج فقر، سلطان دنیام
بی تو دلم، نفرین شده است، بی سرنوشت
با تو دلم، محبوب شده است، جاش تو بهشت
(گل زهرا یامهدی گل زهرا یامهدی) (۲)

«دلبر من»^(۱)

ماه به چشمای قشنگ تو حسادت می‌کنه
پسر خوشگل ارباب دل و غارت می‌کنه
تو آسمون اهل ولا ماه دل آرا اومده
فرشته‌ها همه گل بیاشید یوسف زهرا اومده
مهدی زهرا خوش آمدی خوش آمدی خوش آمدی
میون شکوفه‌های باغ عشق مرتضی
قد و بالای قشنگ مهدی عشقه به خدا
از بس قشنگه دلبر من
عمو اباالفضل هم می‌گه
مهدی زهرا خوش آمدی خوش آمدی خوش آمدی
روز محشر که همه حیرون و مبتلا می‌شن
انبیاء محو مقام یوسف زهرا می‌شن

عکس ابوالفضل افتاده تو، چشای عشق فاطمه
نور دو عین حیدره پاره‌ی قلب فاطمه
میون سلسله‌ی موی تو جا مونده دلم
توی هر حلقه‌ی گیسوی تو جامونده دلم
گل پسر نرگس تویی پادشه دل منی
دل حسودم می‌خونه مال منی مال منی
مهدی زهرا خوش آمدی خوش آمدی خوش آمدی

«روح خدا»

شب‌نم روی برگ یاس از یه چیزی خبر می‌ده
تو دل شب‌های سیاه مژده‌ای از سحر می‌ده
می‌گن فرشته‌ها دارن عرش و چراغون می‌کنن
برا عزیز فاطمه سرود شادی می‌خونن
عشق خدا روح دعا ذکر لبم شد بی مدد
ای مستی هستی فزا مولا اباصالح مدد
ای عاشقا آی عاشقا خدای دلبری اومد
مژده بدید به شیعیان مهدی حیدری اومد
مولا اباصالح فقط تویی تویی بهشت من
مولا اباصالح مدد تویی تو سرنوشت من
مولا اباصالح مدد مولا اباصالح مدد مولا اباصالح مدد
آتیش عشق تو زده شعله به تار و پود من
پر شده از هوای تو پاتابه سر وجود من

اگه منورها کنی بازم در میخوتتم
جون به جونم اگر کنی بازم همون دیووتتم
جان علی، عشق نبی، به فاطمه، نور دو عین
پور حسن، هستی من، منتقم خون حسین
چشمون پر از اشک ما، هر صبح و هر شب بر درت
بازا و پس گیر انتقام از قاتلین مادرت
از اون دو تا نامردی که بی شرم و بی حیا بودند
هم دشمن آل علی هم دشمن خدا بودند
مولا اباصالح مدد مولا اباصالح مدد مولا اباصالح مدد
آن که بگم اگه بیا سیاهی رو خاک می‌کنه
سایه ی ابر نخوت و از رو زمین پاک می‌کنه
سرور رشید عسگری، لاله ی سرخ هاشمی
تو مایه ی عشق و وفا امید آل هاشمی
من که زدم باده ی عشق، از خُم تو یابن الحسن
از کرم و لطف و وفا امید آل هاشمی
بیا به خونه ی دلم ببین پر از درد و غم
به درد و غمهای دلم عشق تو تنها مرهم

«مطلع حُسن»^(۱)

یکی/بود یکی نبود زیر گنبد کبود

آقامون مهدی او مد کور بشه چشم حسود

یا اباصالح مدد یا اباصالح مدد یا اباصالح مدد

اولین مطلع حُسن، آخرین بت شکن

طالب خون خدا، حجة بن الحسین

یا اباصالح مدد یا اباصالح مدد یا اباصالح مدد

توی ایون خونه، قناری هی می خونه

فصل عاشقی شب، عید صاحب زمونه

چه قشنگ شده زمین، آسمون چراغونه

گل نرگس تو بهشت، عاقبت زد جونه

یا اباصالح مدد یا اباصالح مدد یا اباصالح مدد

اگه نازش بگیره، لیلیا بنده می شن

از گل خنده ی اون، مرده ها زنده می شن

یا اباصالح مدد یا اباصالح مدد یا اباصالح مدد

«گل خوشبو»^(۲)

تو از تبار ولایتی

تو از نژاد نجابتی

تو خود خدای محبتی

حبیب من ای حبیب من

تویی که طاووس جنتی

همای قاف سعادتی

ای گل نرگس بیا بیا

زده‌ام خود را به خموشی	شده‌ام لبریز هیاهو
دهنم گردیده پر از دُر	دو لبم گردیده ثناگو
من و مدح لاله‌ی نرگس	من و وصف آن گل خوشبو
به خیال نیمه‌نگاهی	به جمال آن صمدی رو
همه اعظایم شده چشم و	همه چشمانم شده دریا

ای گل نرگس بیا بیا

صدف دریای ولا را	گُهر یکدانه مبارک
ز خُم سرشار ولایت	همه را پیمانۀ مبارک
به طواف شمع ولایت	دو جهان پروانۀ مبارک
به عروس حضرت زهرا	قدم ریحانۀ مبارک

ای گل نرگس بیا بیا

به صفای صورت مهدی	به بهشت طلعت مهدی
به مقام و رفعت مهدی	به جلال و شوکت مهدی
به قیام و نهضت مهدی	به طلوع دولت مهدی
به پیام وحدت مهدی	به دودست قدرت مهدی
که جهان از غم شود آزاد	به ظهور حضرت مهدی

ای گل نرگس بیا بیا

«زلف پریشان»^(۱)

دنبال/ تو گشتم گل نرگش همه جا را

بر دار برد آخه عشق تو سر ما را

بردی دل ما را دل ما را دل ما را

عمریست به دام سر زلف تو اسیرم

دیوانه شدم هیچ نصیحت نپذیرم

خواهم که سر راه تو ای ماه بگیرم

یک بار تو را بینم و صد بار بمیرم

یک بار به دست آر دل خسته ی ما را

بردی دل ما را دل ما را دل ما را

آخر به سر کوی تو قربان تو گردیم

شیدای سر زلف پریشان تو گردیم

هر کجا که بگردی به فرمان تو گردیم

سرگشته ی یک گردش چشمان تو گردیم

در گردش چشم تو ببینیم خدا را

بردی دل ما را دل ما را دل ما را

بلبل صفت از رنگ و گل بوی تو مستیم

از خال سیاه رخ دلجوی تو مستیم

از جرعه ی مستانه سر کوی تو هستیم

از روی تو و موی تو و بوی تو مستیم

در باب من دربه در بی سرو پا را

بردی دل ما را دل ما را دل ما را

«اباصالح»^(۱)

دوباره سوی تو می آیم اسیر موی تو می آیم
ز قید و بند همه رستم به گفتگوی تو می آیم
شکسته پا ز فراغ تو به سوی کوی تو می آیم
اگر چه ام نبود روئی به شوق روی تو می آیم

گل نرگس کجایی گل نرگس کجایی

گل نرگس اباصالح

من آن غروب غم انگیزم ز داغ هجر تو لبریزم
بیا که هستی خود یکجا به خاک پای تو می ریزم
نصیب اگر شوم روزی به تار موی تو آویزم
قسم به جان تو نامردم اگر ز پیش تو برخیزم

گل نرگس کجایی گل نرگس کجایی

گل نرگس اباصالح

دل گرفته برای تو نشسته ام به نوای تو
دل من از قفس سینه کشیده پر به هوای تو
مرانه طاقت ابن هجران تو را قسم به خدای تو
بیا بیا که سرو جانم کنم ز جان به فدای تو

گل نرگس کجایی گل نرگس کجایی

گل نرگس اباصالح

به سوز و ساز تو می آیم پر از نیاز تو می آیم

تو کعبه‌ای و تویی / قبله‌پی نماز تو می‌آیم
 قاتیل ناوک مژگان / دو چشم ناز تو می‌آیم
 اگر چه خانه‌ی تو باز است / به روی باز تو می‌آیم

گل نرگس کجایی / گل نرگس کجایی

گل نرگس اباصالح

«از تبار ولایت»^(۱)

ای گل رویت بهار من / ای همه دار و ندار من
 نگار من، نگار من / یا اباصالح گل نرگس

تو از نژاد نجابتی / تو از تبار ولایتی
 حبیب من ای حبیب من / تو خود خدای محبتی
 تو پایگاه ولایتی / تویی که طاووس جنتی
 ای مه ظلمت ستیز عشق / قیام تو رستخیز عشق

عزیز عشق، عزیز عشق / یا اباصالح گل نرگس

الا که باشد تمامی / هستی دنیا ز هست تو
 تمام عالم به زیر پات / زمام عالم به دست تو
 بگردد این چرخ نه فلک / زگردش چشم مست تو
 دلم شده مبتلای تو / رسد به جانم بلای تو

فدای تو، فدای تو / یا اباصالح گل نرگس

نشستم در حضور تو / کنم دعای ظهور تو

به نور تو، به نور تو / یا اباصالح گل نرگس

«وارث ذوالفقار»^(۱)

سر زده ماه عالمین
گل بریزید که آمده
نور دو چشم مولا
بر همه آن نور دو عین
منتقم خون حسین

آرزوی دلها

امید آل طه

آمده به دنیا

مهدی صاحب الزمان یابن الزهرا

امید آخر جهان یابن الزهرا

فرشته‌ها سوی تو آند
کنار گهواره ی تو
طراوت بهاری
محو گل روی تو آند
کشته ی ابروی تو آند

خوب و گل‌گذاری

وارث ذوالفقاری

یار غم‌گساری

مهدی صاحب الزمان یابن الزهرا

امید آخر جهان یابن الزهرا

بیا که حس کنم حبیب
تو ای خلق منتظر
دار و ندار مایی
ز مقدم تو بوی سیب
امن یجیب امن یجیب

تو چه باوفایی

ولی مقتدایی

ختم الاوصیائی

عشق و امید ما همه یابن الزهرا

خیمه نشین فاطمه یابن الزهرا

«سربند ابا الفضل»^(۱)

مهدی به علمداری مانند ابوالفضل است

در وقت فرج او را سربند ابوالفضل است

به جلوه آمده رخ زیبای تو فرشته‌ها به سجده‌اند در پای تو

آمدی دیگر به یُمنت حل مشکها شده

طاق ابروی تو جانا قبله‌ی دلها شده

نازنین دلبرم یا ابا صالح مدد

ای ز جان بهترم یا ابا صالح مدد

به جلوه آمده رخ زیبای تو فرشته‌ها به سجده‌اند در پای تو

من به روی سینه‌ام نام تو گل می‌زنم

عاشقی بی دلم نا خدا پل می‌زنم

بر همه‌ی خلق جهان سرور تویی

یوسف زهرا را گل حیدر تویی

به جلوه آمده رخ زیبای تو فرشته‌ها به سجده‌اند در پای تو

بر لبم زمزمه عشق تو دین من

مسجد جمکران قبله و آئینم

ای قبله ی اهل ولا خوش آمدی

منتقم آل عبا خوش آمدی

به جلوه آمده رخ زیبای تو فرشته‌ها به سجده‌اند در پای تو

«زاده ی سلطان نجف»^(۱)

ای پسر خون خدا

زاده ی سلطان نجف

گوهر دریای دلم

منتظر منتظران

ما همه حیران تویم

ای گل زیبای علی

مست و غزلخوان تویم

در شب میلاد شما

(ای گل نرگس بیابا) (۳)

بر لب ما زمزمه‌ای

امشب و فردا همه جا

مصر وجود همه ای

یوسف زهرا تو مه

بسته به گیسوی شما

رشته ی مهر دل ما

طاق دو ابروی شما

عرش خدا معتکف

کوکبه ی کوکب تو

جان به فدای تو و من

با خال تو و لب تو

ای که خدا عشق کند

(ای گل نرگس بیابا) (۳)

«ماه علی»^(۱)

اگه با آن چشم سیاهت یک نظری بر ما نظری بر ما فکنی
دل ما را بی نیاز از می و مستی و میخونه کنی
برو ای مه ماه اومده
ماه علی از راه اومده
اگر بر چشم زار چشمم از ره احسان پابنهی
می تونی هر قطره‌ی اشک چشم من و دردونه کنی
اگه یک لبخند ملیحش در دل مستت جلوه کند
فارغ از میخونه شوی ترک لب پیمونه کنی
برو ای مه ماه اومده
ماه علی از راه اومده
می تونی حرف‌های قشنگ دل رو بفهمی
دل دنیا را به فدای یک نگه مستونه کنی
برو ای مه ماه اومده
ماه علی از راه اومده
اگه امشب حلقه‌های زلف سیاهت و شونه کنی
دل عاشق پیشه‌ی ما را تا به ابد دیوونه کنی
برو ای مه ماه اومده
ماه علی از راه اومده

«پایان هجران»^(۱)

ملک باران، شد آسمان، جهان گردیده، گل فشان، گل نرگس شده عیان
مدد یاصاحب الزمان، مدد یاصاحب الزمان، مدد یاصاحب الزمان
هله خماران، قمر رسیده، که شام هجران، به سر رسیده
ملک باران، شد آسمان، جهان گردیده، گل فشان، گل نرگس شده عیان
مدد یاصاحب الزمان، مدد یاصاحب الزمان، مدد یاصاحب الزمان
دلم زنده به نام اوست، به امید قیام اوست، فدایی مرام اوست
مدد یاصاحب الزمان، مدد یاصاحب الزمان، مدد یاصاحب الزمان
هله خماران، قمر رسیده، که شام هجران، به سر رسیده
ملک باران، شد آسمان، جهان گردیده، گل فشان، گل نرگس شده عیان
مدد یاصاحب الزمان، مدد یاصاحب الزمان، مدد یاصاحب الزمان
الهی تا نفس بود، سرم بر پای او رود، که خاکم کربلا شود
مدد یاصاحب الزمان، مدد یاصاحب الزمان، مدد یاصاحب الزمان

«لحظه شماری»^(۱)

«تا به کی از» (۲) «دیده‌های» (۲) «ما نهادی» (۲)

یابن الزهرا

«کی می آیی» (۲) «تا دلم از» (۲) «غم رهانی» (۲)

یابن الزهرا

«در ره تو» (۲) «دیده دارم» (۲) «از فراق بی قرارم» (۲)

یابن الزهرا

«من به اشکم» (۲) «تا بیایی» (۲) «لحظه هارا می شمارم» (۲)

ای گل نرگس بیا، ای گل نرگس بیا، ای گل نرگس

کد شاعران ۵۰۴

- | | |
|------------------------------|---------------------------|
| ۳۲- صغیر اصفهانی | ۱- حافظ |
| ۳۳- انوری | ۲- سعدی |
| ۳۴- اقبال لاهوری | ۳- فردوسی |
| ۳۵- حمدی سبزه واری | ۴- خیام |
| ۳۶- بهروز نامدار عاکف | ۵- نظامی |
| ۳۷- حسن مفیدی | ۶- عطار |
| ۳۸- حاج رضا فلاح | ۷- جامی |
| ۳۹- محمود شریفی (کمیل) | ۸- مولوی |
| ۴۰- طاهرپور رحمتی | ۹- خاقانی |
| ۴۱- محمد موحدیان (امید) | ۱۰- قآنی |
| ۴۲- محمود تازی (یاسر) | ۱۱- بیهقی |
| ۴۳- سید محسن حسینی | ۱۲- ملک الشعراء بهار |
| ۴۴- سید هادی حسینی | ۱۳- ناصر خسرو |
| ۴۵- غلامرضا سازگار (میثم) | ۱۴- شهریار |
| ۴۶- حسن باقری | ۱۵- پروین |
| ۴۷- سید رضا یعقوبیان | ۱۶- رودکی |
| ۴۸- حاج احمد مشجری (محبوب) | ۱۷- سنایی |
| ۴۹- سید حسن حسن زاده | ۱۸- بیدل |
| ۵۰- غلامرضا محمد (کویریزد) | ۱۹- صائب |
| ۵۱- حبیب... خبار کاشانی | ۲۰- بیگدل |
| ۵۲- عوض بازارگان (فاخر مشهد) | ۲۱- سهراب سپهری |
| ۵۳- علی اکبر خوشدل تهرانی | ۲۲- سهروردی |
| ۵۴- شریف کاشانی | ۲۳- تیمایوشیج |
| ۵۵- سید شهاب موسوی آرانی | ۲۴- یابا طاهر |
| ۵۶- شهنام پور محمدی | ۲۵- محتشم کاشانی |
| ۵۷- حسان (چایچان) | ۲۶- خوان ثالث |
| ۵۸- فاطمه راکعی | ۲۷- بلخی |
| ۵۹- محمدی گلپایگانی (علوی) | ۲۸- جعفر رسولزاده (آشفته) |
| ۶۰- محمد آزادگان (واصل) | ۲۹- محسن حافظی |
| ۶۱- حاج سید علی میر حسینی | ۳۰- رهی معیری |
| | ۳۱- سید رضا مؤید |

کد شاعران ۵۵۴

- | | |
|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| <p>۹۳- رضا معصومی</p> <p>۹۴- ژولیده نیشابوری</p> <p>۹۵- سیمین دانشور</p> <p>۹۶- محمد نعیمی</p> <p>۹۷- ناظم زاده</p> <p>۹۸- سیده مهدی حرمی</p> <p>۹۹- مرتضی وافی</p> <p>۱۰۰- محمد علی (شهاب)</p> <p>۱۰۱- محدثه بدیعی</p> <p>۱۰۲- علیرضا حرامیان پور</p> <p>۱۰۳- مهرناز آزاد</p> <p>۱۰۴- زهرا یعقوبی</p> <p>۱۰۵- مرضیه نکویی</p> <p>۱۰۶- پروانه نجاتی</p> <p>۱۰۷- غلامعلی مهدی خانی</p> <p>۱۰۸- مصطفی قاضی نظام</p> <p>۱۰۹- عبدالجبار کاکائی</p> <p>۱۱۰- هاشم کرونی</p> <p>۱۱۱- جواد محدثی</p> <p>۱۱۲- غلامعلی رجائی (زائر)</p> <p>۱۱۳- حسن بیاتانی</p> <p>۱۱۴- مهدی خرازی</p> <p>۱۱۵- محمدعابد تبریزی</p> <p>۱۱۶- حیدر توکلی</p> <p>۱۱۷- علی ناظمی</p> <p>۱۱۸- ربیعی (گمنام)</p> <p>۱۱۹- شاملو</p> <p>۱۲۰- ابوالفضل آسمانی</p> <p>۱۲۱- علی اصغر یونسیان</p> <p>۱۲۲- عباس حدادکاشانی</p> | <p>۶۲- اکبر عابدی</p> <p>۶۳- حاج رحمتا... صادقی</p> <p>۶۴- محمد شرمی کاشانی</p> <p>۶۵- عزیزا... فراهی کاشانی</p> <p>۶۶- سیدرضا میرجعفری</p> <p>۶۷- حسین اخوان «نائب» کاشان</p> <p>۶۸- صادق هدایت</p> <p>۶۹- قدرتی سمنان «نسترن»</p> <p>۷۰- قیصر امین پور</p> <p>۷۱- علی انسانی</p> <p>۷۲- مرتضی امیری</p> <p>۷۳- زکریا اخلاقی</p> <p>۷۴- سیدعبدالله حسینی</p> <p>۷۵- عبدالحسین رحمتی</p> <p>۷۶- سیدفضل ا... قدسی</p> <p>۷۷- رضا رهنما</p> <p>۷۸- غلامرضا شکوهی</p> <p>۷۹- شمس الدین آذری خوئینی</p> <p>۸۰- مریم حیدر زاده</p> <p>۸۱- سیدتقی قریشی</p> <p>۸۲- قروی کمپانی</p> <p>۸۳- عماد خراسانی</p> <p>۸۴- مجید شعبانی</p> <p>۸۵- حاج حسن گروسی</p> <p>۸۶- حاج علی رحیمی (خادم)</p> <p>۸۷- روح... بیطرفان</p> <p>۸۸- محسن صافی</p> <p>۸۹- حامد</p> <p>۹۰- سائل</p> <p>۹۱- سیفی شیرازی</p> <p>۹۲- احمد ده بزرگی</p> |
|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|

کد شاعران ۰۰۴

- | | |
|------------------------------------|----------------------------|
| ۱۵۴- مرحوم محمد صادق «حشمت» قم | ۱۲۳- محمد جواد غفورزاده |
| ۱۵۵- مرحوم شیخ «محمد نهاوندی» | ۱۲۴- مهدی مصدق |
| ۱۵۶- محمد حیاتبخش | ۱۲۵- دکتر رسا |
| ۱۵۷- احمد سمیع | ۱۲۶- جواد آقا جانی |
| ۱۵۸- علی شریف | ۱۲۷- صفا توپسرکانی |
| ۱۵۹- حاج رضا عرب | ۱۲۸- سماعی |
| ۱۶۰- هادی آسمانی | ۱۲۹- ایوب پرندآور |
| ۱۶۱- حسن هارونی | ۱۳۰- امیر خاکسار |
| ۱۶۲- اسماعیل بیک بروجرده (صالح) | ۱۳۱- افروز عسگری |
| ۱۶۳- قادر طهماسبی (فرید) | ۱۳۲- ولی صادقی |
| ۱۶۴- محمد علی مجاهدی | ۱۳۳- عبدالعلی صادقی |
| ۱۶۵- سید تقی قریشی فراز | ۱۳۴- فاطمه زلفی خشک دستی |
| ۱۶۶- حسن فرح بخش (ژولیده) | ۱۳۵- حاج حسین علی رکن |
| ۱۶۷- وصال شیرازی | ۱۳۶- منظر پیروی شیرازی |
| ۱۶۸- شیخ محمد حسین اصفهانی (مقتخر) | ۱۳۷- خلیل نکاوت |
| ۱۶۹- صدیقه صابری | ۱۳۸- عبدالحسین خادم الحسین |
| ۱۷۰- علی غفر الهی (ماهر) | ۱۳۹- محمد علی جعفریان عاشق |
| ۱۷۱- ساعد | ۱۴۰- پرویز بیگی حبیب آبادی |
| ۱۷۲- حبیبیان | ۱۴۱- مصطفی هادی شهیر |
| ۱۷۳- خوشزاد | ۱۴۲- سید عبدالحسین رضائی |
| ۱۷۴- رستگلار | ۱۴۳- محمد رضا براتی |
| ۱۷۵- راجی خمینی شهر | ۱۴۴- شجاعی |
| ۱۷۶- ابو علی سینا | ۱۴۵- کربلانی |
| ۱۷۷- رضا مدرس (لاله) | ۱۴۶- حسین فولاد قمی |
| ۱۷۸- لطفی | ۱۴۷- مرحوم قانزلی شوشتری |
| ۱۷۹- علامه حائری صالح مازندرانی | ۱۴۸- محمود قاری |
| ۱۸۰- قربان ولیئی | ۱۴۹- هنرور |
| ۱۸۱- اشرف اعیاد | ۱۵۰- عارفچه |
| ۱۸۲- حمید مبشر | ۱۵۱- صغیر |
| ۱۸۲- سید رضا خشکنابی | ۱۵۲- صفری |
| ۱۸۴- محمد رضا شکیب اصفهانی | ۱۵۳- خسرو مشهدی |

کد شاعران ۰۰۴

۲۱۶-عباس براتی پور	۱۸۵-محمد آتشی
۲۱۷-مرحوم میر داماد	۱۸۶-سید هاشم وفایی
۲۱۸-مرحوم سید محمد علی (ریاضی یزدی)	۱۸۷-آیت
۲۱۹-حسن مفیدی	۱۸۸-عبدالعلی باقی شهر ضایی
۲۲۰-(ناهج) مناهجی	۱۸۹-افر داراب بختیاری
۲۲۱-مرحوم مروج الاسلام (شفیق مشهد)	۱۹۰-خسرو احشامی
۲۲۲-«شهاب» تشکر آرائی	۱۹۱-کهنتر
۲۲۳-مرحوم عباس شهری	۱۹۲-حسن کاظمی مرادی (مراد)
۲۲۴-حسین یاری	۱۹۳-علی وحید دستگردی (برزگر)
۲۲۵-نواب محمد منور خان (گوهر)	۱۹۴-رضار ضایی بی‌ریا
۲۲۶-مهدی بهاء‌الدینی	۱۹۵-رجا
۲۲۷-سید مهدی بامشکی	۱۹۶-مرحوم رجبعلی گلزار اصفهانی
۲۲۸-حسین مستحسن (اسفی)	۱۹۷-رها
۲۲۹-عبدالحسین اشعری	۱۹۸-محمد علی گویا
۲۳۰-حبیب ... معلمی	۱۹۹-محمد جواد محبت
۲۳۱-هاشمی خراسانی	۲۰۰-مرحوم میرزا محمد (محیط) قمی
	۲۰۱-مرحوم مرتضی طایی شمیرانی
	۲۰۲-مهری ماهوتی
	۲۰۳-جواد جهان آراء
	۲۰۴-بهمن صالحی
	۲۰۵-کیومرث عباسی
	۲۰۶-حسین احمدی
	۲۰۷-نسرین صمصامی
	۲۰۸-مرحوم موزون اصفهانی
	۲۰۹-محمد رضا شکیب
	۲۱۰-مرحوم میرزا حسن (آتش) اصفهانی
	۲۱۱-جلال اسیر اصفهانی
	۲۱۲-حسین اممی
	۲۱۳-سید مصطفی امام (آشنا)
	۲۱۴-مرحوم حسینعلی منشی
	۲۱۵-عباس عنقا

یادداشت

✍

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

فهرست کتب منتشره فرهنگسرای مهدی اصفهان

- ۱- تاریخ متعالیه (بژوهش در حیات متعالیه قرآن)..... کمال معینی - چاپ اول
- ۲- سلوک سرخ (شرح زیارت عاشورا)..... دکتر مهرداد ویس - چاپ اول
- ۳- سلوک سبز (شرح زیارت آل یاسین)..... دکتر مهرداد ویس - چاپ اول
- ۴- علی (ع) از دیدگاه اهل سنت..... محمد باقر یآوری - چاپ اول
- ۵- ارتباط با خدا..... فرهنگسرای مهدی (عج) - چاپ اول
- ۶- دعای عرفه..... فرهنگسرای مهدی (عج) - چاپ اول
- ۷- دعای جوشن کبیر..... فرهنگسرای مهدی (عج) - چاپ دوم
- ۸- دعای ابو حمزه ثمالی..... فرهنگسرای مهدی (عج) - چاپ دوم
- ۹- زیارت عاشورا..... فرهنگسرای مهدی (عج) - چاپ اول
- ۱۰- شبی با آفتاب (اسرار شب قدر)..... دکتر مهرداد ویس کرمی - چاپ اول
- ۱۱- صمیمانه با اهل بیت - کریم آل طه (علیه السلام)..... محمود داوری - چاپ اول
- ۱۲- چشم به راه روشنی (آنچه درباره امام زمان (عج) باید بدانیم)..... محمود داوری - چاپ اول
- ۱۳- کتاب مداحی ویژه امام زمان (عج)..... عباس جوادی - چاپ اول
- ۱۴- کتاب مداحی شهادت امام رضا (ع)..... عباس جوادی - چاپ اول
- ۱۵- کتاب مداحی ویژه ماه ذیحجه (ع)..... عباس جوادی - چاپ اول
- ۱۶- کتاب مداحی ویژه محرم (۲ جلدی)..... عباس جوادی - چاپ اول
- ۱۷- کتاب مداحی شهادت حضرت فاطمه (ع)..... عباس جوادی - چاپ اول
- ۱۸- فکر سرخ (راز و رمز بقای ارزشها)..... دکتر مهرداد ویس کرمی - چاپ اول
- ۱۹- اسرار خانه داری..... مهدی فتوی - چاپ پنجم
- ۲۰- آشپزی ایرانی - ذائقه ایرانی..... مهدی فتوی - چاپ دوم
- ۲۱- اسرار تقویت حافظه..... مهدی صادقی - چاپ دوم
- ۲۲- مراقبتهای بارداری..... مفسن کتابچی - چاپ سوم
- ۲۳- تغذیه مادران..... مفسن احمدی - چاپ دوم
- ۲۴- راهنمای مادران در تغذیه کودک..... مفسن احمدی - چاپ اول

- ۲۵- راز تندرستی با گیاهان داروئی مجید هاتمی - چاپ پنجم
- ۲۶- راز سلامت و زیبایی مو با گیاهان داروئی مجید هاتمی - چاپ پنجم
- ۲۷- راز زیبایی پوست با گیاهان داروئی مجید هاتمی - چاپ پنجم
- ۲۸- راز درمان دردهای مفصلی با گیاهان داروئی مجید هاتمی - چاپ پنجم
- ۲۹- رژیم سلامتی با سالادها مجید هاتمی - چاپ پنجم
- ۳۰- تقویت نیروی جنسی با گیاهان داروئی مجید هاتمی - چاپ پنجم
- ۳۱- اعتیاد و جوانان امیر ملک محمودی - چاپ دوم
- ۳۲- عشقهای دروغین امیر ملک محمودی - چاپ سوم
- ۳۳- پس از طلاق امیر ملک محمودی - چاپ دوم
- ۳۴- عشقهای نافرجام امیر ملک محمودی - چاپ سوم
- ۳۵- نوشیدنیهای گوارا فلورا فروزنده - چاپ دوم
- ۳۶- اسرار و تعبیر خواب محسن احمدی - ابوالفضل فقیهی - چاپ اول
- ۳۷- بسوی خوشبختی علیرضا طاوری - چاپ اول
- ۳۸- اسرار قهرمانی مهدی صادقی - چاپ دوم
- ۳۹- رموز زیبایی چهره با گیاهان داروئی مجید هاتمی - چاپ دوم
- ۴۰- درمان بیماری‌های جنسی زنان با گیاهان داروئی مجید هاتمی - چاپ دوم
- ۴۱- داروخانه طبیعی مجید هاتمی - چاپ دوم
- ۴۲- ویتامینهای موفقیت سمیه نوروزی - چاپ اول
- ۴۳- دوازده گام در مطالعه مؤثر کاووش نیا - چاپ اول
- ۴۴- بهترین روش در تربیت کودکان مجید مهدوی - چاپ اول
- ۴۵- ۹ ماه مراقبت نسیم مومنی برویینی - چاپ اول
- ۴۶- ۱۰۰ فعالیت سرگرم کننده برای کودکان فلورا فروزنده - چاپ اول
- ۴۷- آیین دوستی غلامرضا بهرامی - چاپ دوم
- ۴۸- بهداشت دهان و دندان در اسلام غلامرضا بهرامی - چاپ دوم
- ۴۹- داستانهای شاهنامه - کی خسرو و فرود عبدالعلی غفوری - چاپ اول

- ۵۰- داستانهای شاهنامه - هفت خان رستم - هفت خان اسفندیار عبدالعلی غفوری - چاپ اول
- ۵۱- " " - از کیومرث تا کی کاووس عبدالعلی غفوری - چاپ اول
- ۵۲- " " - زال و رودابه عبدالعلی غفوری - چاپ اول
- ۵۳- " " - نبرد هاموران - جنگ هفت پهلوان عبدالعلی غفوری - چاپ اول
- ۵۴- " " - رستم و سهراب عبدالعلی غفوری - چاپ اول
- ۵۵- " " - غم نامه ی سیاوش عبدالعلی غفوری - چاپ اول
- ۵۶- " " - کاموس کشانی - جنگ رستم با خاقان چین عبدالعلی غفوری - چاپ اول
- ۵۷- " " - نبرد یازده رخ عبدالعلی غفوری - چاپ اول
- ۵۸- " " - جنگ بزرگ کی خسرو با افراسیاب عبدالعلی غفوری - چاپ اول
- ۵۹- " " - نهر اسپ و گتاسپ عبدالعلی غفوری - چاپ اول
- ۶۰- " " - گتاسپ و کتایون - پادشاهی گتاسپ عبدالعلی غفوری - چاپ اول
- ۶۱- " " - حماسه ی رستم و اسفندیار - فرجام کار رستم عبدالعلی غفوری - چاپ اول
- ۶۲- مجموعه داستانهای شاهنامه (سه جلدی) عبدالعلی غفوری - چاپ اول
- ۶۳- ورزش صورت ترجمه فلورا فروزنده - چاپ سوم
- ۶۴- روانشناسی کودک (خواباندن، بیدار کردن و غذا دادن به کودک) ترجمه زهرا جعفری - چاپ اول
- ۶۵- گسترش توانمندیهای روحی (انرژی درمانی) محمد کاوش نیا - چاپ اول
- ۶۶- صدایی از پشت دیوار (مجموعه شعر) عصمت فولادی
- ۶۷- چشم به راه (مجموعه شعر) شکوفه ناری
- ۶۸- غروب در طلوع (مجموعه شعر) فریده عطایی

بزودی منتشر می شود:

- ۱- قلب علیل (با مقدمه آیه ا... مکارم و علامه جعفری "ره") مصسن کتابچی
- ۳- مثنوی معنوی بر اساس نیکلسون
- ۴- دیوان حافظ (در سه قطع)
- ۷- معراج السعادة مهدی نراقی

نشانی نمایندگی و مراکز پخش کتابهای مداحی

شهر	نام موسسه	نشانی	تلفن
اصفهان	فرهنگسرای المهدی	خیابان مسجد سید	۰۳۱۱۳۳۶۱۵۷۷
قم	رسول نشاط	خ، ارم، پاساژ قدس	۰۲۵۱۷۷۳۶۶۶۰
کرمان	کتابفروشی حوزه	میدان شهدا، ورودی مسجد جامع	۰۳۴۱۲۲۳۳۵۳۳
شیراز	الزهرا	خ لطفعلی خان زند، روبروی داروخانه، پاساژ مهدی	۰۷۱۱۲۳۰۲۷۱۱
بابل	شهید بصیر	میدان باغ فرودس، جنب بنیاد شهید	۰۱۱۱۳۲۳۶۳۴۰
اراک	صوت الموعود	میدان شهدا، جنب شهرداری	۰۸۶۱۲۲۲۲۷۱۷
سبزوار	علمدار	خ کاشفی، پاساژ ارم	۰۵۷۱۲۲۳۶۴۳۶
نیشابور	شیخ طوسی	خ امام، پاساژ سعید	۰۵۵۱۲۲۲۱۹۸۵
رفسنجان	ذوالفقار	جنب سازمان تبلیغات	۰۳۹۱۵۲۳۳۱۰۰
اهواز	نور ولایت	کوی انقلاب جنب مسجد موسی بن جعفر	۰۶۱۱۳۷۸۳۳۴۳
ساوه	المهدی	میدان انقلاب، جنب مسجد انقلاب	۰۲۵۵۲۲۱۰۴۷۳
اصفهان	انتشارات ثامن الائمه	خ زینبیه، جنب بانک تجارت	۰۳۱۱۵۵۵۰۹۶۱
اصفهان	"فروشگاه ثامن الائمه"	خ چهارباغ خواجو، روبروی صداوسیما	۰۳۱۱۲۲۲۳۵۳۹
سمیرم	"فروشگاه ثامن الائمه"	میدان ماندگار - ابتدای خ طالقانی - آبشار	۰۳۲۲۳۲۲۸۹۳۴
اصفهان	نغمه سرای تشیع	چهار راه تختی، اول خ مسجد سید	۰۳۱۱۲۲۰۱۰۷۳
اصفهان	فروشگاه سازمان تبلیغات	خ مسجد سید، جنب اداره بیمه	---
اصفهان	فروشگاه حضرت زینب	خ زینبیه، بازارچه آستانه	۰۳۱۱۵۵۱۷۳۶۰
اصفهان	فروشگاه قدسیان	خ احمدآباد، جنب بانک ملی	۰۳۱۱۲۲۶۲۹۵۷
مشهد	افق	چهارراه شهدا - پاساژ فیروزه - طبقه پایین	۰۵۱۱۲۲۱۰۱۵۳

کتاب و جزوات مداحی منتشر شده:

✓ ویژه امام زمان (عج)

✓ میلاد امام رضا (ع)

✓ ویژه ماه ذیحجه

✓ ویژه ماه محرم جلد (۱ و ۲)

✓ ولادت حضرت علی (ع)

✓ شهادت حضرت علی (ع)

✓ ولادت حضرت زهرا (س)

✓ شهادت حضرت زهرا (س)

✓ ویژه ماه رجب جلد (۱ و ۲)

کتاب و جزوات مداحی در دست چاپ:

- ✓ ویژه امام سجاد (ع) علی اکبر (ع)
- ✓ ویژه امام زمان (عج)
- ✓ ویژه ماه مبارک رمضان
- ✓ آموزش گام به گام مداحی
- ✓ ویژه مجالس شادی و ترحیم
- ✓ تاریخچه مرثیه سرایی
- ✓ منتخب مقاتل
- ✓ ویژه حضرت زهرا (س)
- ✓ ویژه امام صادق (ع)

شبکه اطلاع رسانی جهان پیام از تمام مناطق و
شهرستانها نمایندگی می پذیرد.

طرح اشتراک کتاب، نوار، CD و جزوات مداحی با
توجه به مناسبتهای مختلف به صورت اینترنتی پستی
تحویل داده می شود. لطفاً جهت اشتراک با شماره تلفن
۰۳۱۱۳۲۰۰۹۰۰ یا همراه ۰۹۱۳۱۱۸۵۱۴۷ تماس حاصل
نمایید.

این شبکه آماده همکاری و تبلیغ رایگان برای تمام
مراکز فرهنگی و مذهبی سراسر کشور می باشد.